بسمه سبحانه
هذا کتاب آیات الفضائل
من تألیف المیرزا علی الشهیر بپیشخدمت
اعلی حضرت ظل الله دام اقباله
و دولته

هو العلی الاعلی

بسم الله الرحمن الرحیم

سپاس بیقیاس خداوندی را سزا است که بنیان کریاس سپهر را بامر کاف و نون بی عماد و ستون
پدید آورد و اساس عالم امکان را بحکم دلیل آن کن فکان فرمود انما امره اذا اراد شیئا
ان یقول له کن فیکون ایجاد فرمود و فرایش ستایش خالقی را لایق است که از جمیع
بندگان غنی است مر او را رسد کبریا و منی که ملکش قدیم است و ذاتش غنی
در تبیان وصفش زبان از تعریف قاصر است و بنان از توصیف عاجز مخلوق را
بر خالق چه معرفت و خالق را از مخلوق چه منفعت واجب الوجود پاک از نابود
خاک چه تمیز چه بخورشید درخشان از زلات ذرات چه نقصان ببیند در این
درگاه عجز و انکسار باید نه فخر و استکبار واه در ذناک شاید نه راه کفتاد العجز
آخر حیلة الانسان و درود نامعدود بر هادی سبل و سید رسل مولای جزو
و کل خواجه کائنات نخبه موجودات قدوه ممکنات خلاصه آفرینش مصباح اهل بینش شیرازه
عالم امکان لنگر زمین و زمان آسمان فتوت آفتاب نبوت ختم انبیا محمد مصطفی ص
صلی الله علیه و آله و اخم تحیات و اکمل صلوات بر افضل اوصیا و اول اولیا
امام بحق و ولی مطلق قائد ماسبق فحل فحول دین حجة عقول منبع نجات و معدن برکات
عروة وثقی معراج تقوی حامل لواء الدین ضارب اعناق المشرکین ابن عم رسول

زوج البتول سیف الله المسلول قاسم جنت و نار حیدر کرار مطلوب کل
طالب علی بن ابی طالب صلوات الله علیه و آله و سلام بیحد و حساب بر اولاد
اطیاب او باد که ائمه دینند و ادله مهتدین و وجوه ساجدین و جباه ماجدین و
شموس عالمین سلام الله علیهم اجمعین و بعد در عهد همایون اعلیحضرت
سلطان سلاطین حامی مسلمین ماحی مشرکین قامع کافرین غوث الوری نور
الظلم ذخر العرب فخر العجم السلطان ناصر الدین شاه قاجار خلد الله
ملکه و سلطانه که در آن عهد خجسته بنیان کفر شکسته شد و دست ظلم
بسته آمد و در تشیید ارکان شریعت نبوی و ملت مرتضوی و طریقت
جعفری سلام الله علیهم از سلاطین سلف برتری جست و بر ملوک
صفوی اعلی الله درجاتهم در سلوک مناهج علوی و ترویج مسالک اثنا
عشری سبقت فرمود و علی الدوام فی اللیالی و الایام در استحکام قواعد
خلافت سعی بلیغ و اهتمام مالا کلام دارند و این حقیر کثیر التقصیر علی
ابن رستم تبریزی معروف به پیشخدمت که علی الدوام ملازم حضور باهر
النور میباشد نظر بمضمون الناس علی دین ملوکهم بملاحظه و مشاهده
عقیده مستقیمه حضرت شاهنشاه روح العالمین فداه مبتهج
شدند و مشوق گشتند که تألیفی برشته در آورد و بآیات الفضائل
مسمی نمود و متمسک بولایت مطلقه گردید و ما التوفیق الا بالله و التوکل
و التوکل علی الله و لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظیم الشیعه

فضایل و مناقب و مدایح سید عالمیان و مولای متقیان شفیع انس و جان حافظ قرآن
و مروج دین و ایمان لنگر زمین و آسمان وصی مطلق حبیب خدا و ندحق مظهر عجائب و غرائب
مطلوب هر طالب جناب علی بن ابیطالب علیه الصلوة والسلام استعانت به تحریر و تقریر
کافه موجودات و کائنات خداوند یکتا بحصر و احصا نیاید کما قال رسول الله صلی الله
علیه لو ان الغیاض اقلام والبحر مداد والجن حساب والانس کتاب ما
احصوا فضائل علی بن ابی طالب علیه السلام یعنی پیغمبر خدا فرموده هرگاه درختهای
جنگلها قلم باشد و دریاها مرکب باشد و جن حساب کنندگان و انس نویسندگان
باشند نمیتوانند احصا نمایند فضایل علی بن ابیطالب علیه السلام را و لکن هر کس
بقدر عقل جزو کل زیبند بقعهٔ ارتضا و از این باغ هدی دامن طمع را باز کرده
گل چیند و نسیم عافیت بیند و روی خود را مانند گداها گرفته برابر کوی حیات بر
آید تا کوی سلامت و امان بر آید و از گفتگوی هر دو جهان بیاساید روزیکه جمعه بود
و اثنی عشر شهر رمضان هزار و دویست و هفتاد مطابق هجریه از اعمال شنیعهٔ خود
کمال یاس و حرمان حاصل کردم و خود را مطرود درگاه خداوند عالم و مردود پیشگاه
خالق بنی آدم دیدم خیال تند و از معالجهٔ این مرض قلبی کند و طبیب عقلم از مداوا
این درد قاصر و عاجز آمد چاره بجز طبیبخانهٔ ولایت بتحقیق رسید که تمسک نمایم و معتضد
شوم بر ولایت جناب علی بن ابیطالب علیه السلام شاید بجراحات دلم مرهمی و بر
شکستگیهای قلبم رحمی فرمایند بر خود شرط و عهد نمودم بعضی در مدایح و شمهٔ از مناقب
آنمولا که گنجایش این صفحه باشد از هر کتب ببینم و آیات قرآن که راجع بآن بزرگوار است

دراین

وآنچه از رواة عامه آنجناب را وصف نموده اند و آنچه از افواه خلایق استماع نمایم بنویسم
و بدون ملاحظهٔ ترتیب و مراعات قاعدهٔ کتابت بتحریر آوردم و داخل نمایم حدیث نبوی با تمام
که هر کس فضیلتی از فضایل علی بن ابیطالب علیه السلام بنویسد گناهان دنیا و که کرده
همه میریزد و ملائکه استغفار برای او میکنند مادامیکه آن کتابت باقیست و همچنین
در حدیث صحیح وارد است که خوانندهٔ فضایل آنحضرت گناهان چشم او میریزد و نیز هر کس
بشنود گناهان گوش او برطرف شود و دوازده هزار ختم قرآن در نامهٔ عمل او ثبت میشود
آیات که در قرآن راجع و منسوب جناب امیر المؤمنین علیه السلام است بقدریکه امکان
میشود و به بیان آید هر چه عبارت از صراط مستقیم که نازل شده کلها مراد آنحضرت است
بتفصیل بعضی از آن مسطور گردید از آنجمله در سورهٔ مبارکه فاتحة الکتاب اهدنا
الصراط المستقیم خود ائمه علیهم السلام فرموده اند نحن الصراط المستقیم از
حضرت صادق علیه السلام منقول است که صراط بر دو معنی است صراط دنیا و صراط
آخرت اما صراط دنیا امام مفترض الطاعه است کسیکه بشناسد او را در دنیا و
پیروی کند بهدایت او میگذرد بر صراط که پل جهنم است در آخرت و کسیکه نشناسد
او را در دنیا میلغزد قدم او از صراط در آخرت پس می افتد در آتش جهنم و بروایت
دیگر از آنحضرت علیه السلام صراط آخرت که جسر جهنم است از مو نازکتر و از دم شمشیر
تیزتر است بعضی از خلایق مرور میکنند از آنجا مثل برق و بعضی مانند دویدن اسب و
بعضی مرور میکنند براه رفتن و بعضی میروند بدست و شکم خود تا آنکه مراد اینست
که راه میروند مثل اطفال در راه رفتن بمقعد خود و سینه را پیش دادن بقدریکه نزدیک

میشود که بروا فتند و بعضی مبکذرند در حالتیکه او بخنه باشند در جهنم و دستهای
خود را بصراط کرفته پس میکیرد اتش از و چیزها را و فرو کذار میکنند چیزی را **مؤلف**
کوید اختلافی که در کذشتن از صراط مذکور شد بحسب اختلاف خلایق است در
مقدار معرفت امام و نور ایمان پس هر که معرفت او بیشتر و نور ایمان او زیاد تر است
بهتر میکذرد و هر کس امام علیه السلم را بشناسد و محبت او در برساند از صراط کذشته
است و هر کس خلاف این باشد العیاذ بالله کذر کاه او بر اتش جهنمست **ایهٔ**
مبارکه قل لله المشرق والمغرب یهدی من یشاء الی صراط مستقیم در
هر جا از ایات که صراط مستقیم بیان شده عبارتست از جناب امیر المؤمنین علیه السلام
است الم ذلک الکتاب لا ریب فیه که اول سورهٔ مبارکه بقره است الم ان حرف
استاز حروف اسم الله الاعظم که مقطعه است و از اسرار است میان خدا و رسول
سر حبیب است با حبیب مطلع نمیشود رقیب از سر محبین از حضرت صادق صلوات
الله علیه منقولست که مراد از ذلک الکتاب کتاب علی علیه السلام است **مؤلف**
کوید ممکن است که معنی حدیث این باشد کتابیکه ان علی بن ابیطالب صلوات الله علیه
است که هیچ شکی در او نیست که حق است و اطلاق کتاب بر انسان کامل بسیار است
چنانکه جناب امیر المؤمنین علیه السلام فرموده اتزعم انک جرم صغیر وفیک
انطوی العالم الاکبر وانت الکتاب المبین الذی باحرفه یظهر المضمر در اخبار
و غیر ان یعنی خود انحضرت کتابیست که شک ندارد **ایهٔ مبارکه** واستعینوا
بالصبر والصلوة معنی ظاهر انستکه استعانت بجوئید بصبر و نماز در بندکی خداوند

ووقوع

و وقوع شداند و سختیها و در بعضی اخبار صبر تفسیر بروزه شده است پس معنی این میشود
که استعانت جوئید بروزه و نماز و صلوة تاویل بحضرت امیر المؤمنین علیه السلام
شده بنابراین معنی اینست والله العالم که استعانت بجوئید با میر المؤمنین در تعبها
در ماندکیها چه در دنیا و چه در اخرت **ایهٔ مبارکه** ان الصلوة تنهی
عن الفحشاء والمنکر ولذکر الله اکبر معنی ظاهر همان صلوة است که مکلفین بجا
می اورند معنی باطنی اشاره بسوی جناب علی علیه السلام است ولذکر الله اکبر یعنی
ذکر خدا هر اینه بزرک تر است در اخر حدیث که از حضرت امام محمد باقر علیه السلم روایت
شده انحضرت فرموده نحن ذکر الله ونحن اکبر یعنی مائیم ذکر خدا و مائیم بزرکتر
ایهٔ مبارکه اذکرونی اذکرکم خدا فرموده یاد کنید مرا تا یاد کنم شما را
ذکر خدای تعالی ذکر انجنابست چنانچه خدای تعالی در حدیث قدسی فرموده ذکر علی
ابن ابیطالب ذکری یعنی ذکر علی بن ابیطالب ذکر منست هر کس او را یاد کند مرا یاد
کرده **ایهٔ مبارکه** والذین امنوا اشد حبا لله یعنی کسانیکه ایمان بخدا اورده
اند شدید تر است دوست داشتن ایشان مر خدا را مراد از انکسانیکه ایمان
اورده اند انجناب و اولاد او علیهم السلم هستند چون حقیقت ایمان بنابر انچه در
بعضی اخبار تفسیر شده اقرار است بزبان و اعتقاد است بدل و عمل است با عضا
و جوارح و در غیر ایشان کامل نبوده زیرا که عصمت منحصر بایشان بوده **ایه مبارکه**
ومن الناس من یشری نفسه ابتغاء مرضات الله از طرق عامه و خاصه روایت
شده که این ایه شریفه در شان حضرت امیر المؤمنین علیه السلم نازل شده وقتیکه در فراش

جناب رسول خدا صلی الله علیه و آله خوابیدند و حضرت بغار تشریف بردند و نفس
خود را در راه خدا فروختند بجهت طلب خشنودی خدا آیهٔ مبارکه یا ایها الذین
آمنوا ادخلوا فی السلم کافة و لا تتبعوا خطوات الشیطان یعنی ای کسانیکه
ایمان آورده اید داخل شوید در طاعت بندگی از حضرت امام بحق ناطق امام جعفر
صادق علیه السلام روایت شده که مراد از سلم ولایت امیر المؤمنین و ائمه و اوصیا
بعد از او علیهم السلام است از تفسیر امام حسن عسکری علیه السلام منقولست که از جمله چیزهائی
که آنحضرت در مقام تفسیر آیهٔ کریمه فرموده اند اینست پس بدرستیکه نمیباشد مسلمان کسی
که بگوید این که محمد رسول الله صلی الله علیه و آله پس اعتراف کند برسالت بجناب او و اعتراف
و اقرار نکند باینکه علی علیه السلام وصی و جانشین او و بهترین امت او است خطوات
الشیطان دوستی اول و ثانیست علیهما اللعنة و العذاب چنانچه در روایت وارد شده که
دوستی آن دو نفر خطرها دارند آیهٔ مبارکه فان زللتم من بعد ما جاءتکم
البینات یعنی پس هرگاه میلغزید از جادهٔ شرع اسلام که ولایت امیر المؤمنین و اولاد
طاهرین او صلوات الله علیهم بوده باشد بعد از آنکه آمد بسوی شما بینات یعنی دلیلهای
روشن و آشکار و براهین چنانچه میخواند شما را بسوی آن رسول خدا صلی الله علیه و آله
از رسالت خود و ولایت امیر المؤمنین و سایر احکام خدا و ندی همه که برحق است آیهٔ
مبارکه فاعلموا ان الله عزیز حکیم یعنی بدانید بدرستیکه خداوند غالب است
قوی که عاجز از انتقام کشیدن شما نیست و حکم کننده است بطریق حق آیهٔ مبارکه فمن
یکفر بالطاغوت و یؤمن بالله فقد استمسک بالعروة الوثقی عروة الوثقی دوستی

جناب

جناب علی بن ابیطالب علیه السلام و اولاد طاهرین آنجناب است جناب رسول خدا صلی الله علیه و آله
فرموده من احب ان یتمسک بالعروة الوثقی التی لا انفصام لها فلیتمسک بولایة اخی
و وصیی علی بن ابیطالب علیه السلام فانه لا یهلک من احبه و تولاه و لا ینجو من
ابغضه و عاداه یعنی هر کس دوست دارد که چنگ زند و بگیرد عروة الوثقی را که بمعنی حبل
متین است انقطاع در او نباشد پس باید متمسک شود بولایت برادر من و وصی من علی
ابن ابیطالب علیه السلام پس بدرستیکه کسیکه او را دوست دارد و ولایت او را داشته
باشد و نجات نمییابد کسیکه او را دشمن دارد و بغض او در دلش باشد آیهٔ مبارکه
و الذین کفروا اولیاؤهم الطاغوت یخرجونهم من النور الی الظلمات اولئک
اصحاب النار هم فیها خالدون یعنی کسانیکه کافر شده اند دوستان ایشان طاغوت است
و مراد از طاغوت بروایت قمی ظالمان آل محمد صلی الله علیه و آله خارج میکنند ایشان را
یعنی کافران را از روشنی بسوی تاریکی و ایشان اصحاب آتش هستند و در آن آتش مخلدند و در
در حدیث دیگر وارد شده است که پس دشمنان امیر المؤمنین علیه السلام ایشانند مخلد در
آتش اگر چه در دینهای خود شان بغایت زهد و ورع و عبادت باشند آیهٔ مبارکه
و من یؤت الحکمة فقد اوتی خیرا کثیرا خیر کثیر بروایت قمی معرفت جناب امیر المؤمنین علیه
السلام و اولاد آنجناب است آیهٔ مبارکه الذین ینفقون اموالهم باللیل و
النهار سرا و علانیة فلهم اجرهم عند ربهم و لا خوف علیهم و لا هم یحزنون
مرویست از امام محمد باقر علیه السلام و امام جعفر صادق علیهما السلام و ابن عباس و غیر او که این
آیهٔ کریمه نازل شده است در شان جناب علی بن ابیطالب علیه السلام که چهار درهم داشت فقط

یکبار در شب تصدق فقرا کرد یکبار در روز یکبار در پنهان و یکبار در آشکار آیهٔ
مبارکه هو الذی انزل علیک الکتاب منه آیات محکمات هن ام الکتاب و اخر
متشابهات بروایت کافی و عیاشی محکمات عبارتست از امیر المؤمنین و اولاد و الاد
او علیهم السلام و متشابهات اول و ثانی و اتباع آنها است علیهم اللعنة و العذاب آیهٔ
مبارکه و ما یعلم تاویله الا الله و الراسخون فی العلم یعنی تاویل قران را نمیدانند
مگر خدا و کسانیکه در علم ثابت هستند از حضرت صادق علیه السلام منقولست که فرمودند
مائیم راسخون فی العلم مراد از لفظ نحن که حضرت فرمودند جناب امیر المؤمنین علیه السلام و اولاد
آنجناب علیهم السلام است آیهٔ مبارکه ان الله اصطفی آدم و نوحا و آل ابرهیم
و آل عمران علی العالمین منقولست که حضرت امام محمد باقر علیه السلام فرمودند ما آل ابرهیم
هستیم و ما بقیه آن عترت هستیم از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام مرویست که آنحضرت
فرمودند گفت محمد بن اشعث بن قیس کندی لعنه الله بجناب حسین بن علی بن ابیطالب علیهما السلام
که ای حسین پسر فاطمه کدام حرمتست برای شما از رسول خدا برای غیر شما پس جناب امام حسین علیه السلام که نیست
این آیهٔ مبارکه را خواندند ان الله اصطفی آدم و نوحا تا آخر آیه بعد از ان فرمودند
و الله بدرستیکه محمد از آل ابرهیم است و بدرستیکه عترت هادیه هر آینه از آل محمد
است در حدیث دیگر هست که آیهٔ مبارکه در اصل چنین نازل شده بود ان الله اصطفی
آدم و نوحا و آل ابرهیم و آل عمران و آل محمد علی العالمین ذریة بعضها من بعض
لفظ آل محمد را جماعت منافقین علیهم اللعنة اسقاط کردند و انداختند مؤلف گوید
گمان کردند که بواسطهٔ اسقاط اخفاء فضایل اهل بیت مینمایند دیگر نمیدانستند که این

بقیه

بقیه آیه که آل ابرهیم است لا آل داود بر آل محمد آیهٔ مبارکه لن تنالوا البر حتی
تنفقوا مما تحبون در شان جناب امیر المؤمنین علیه السلام است که لباسی خیلی خوش آیند
طبع مبارک کردند پس در راه خدا تصدق فرمودند بعد ابن عباس را فرمودند سمعت
رسول الله یقول من آثر علی نفسه آثره الله یوم القیمة بالجنة و من احب شیئا
فجعله لله قال الله یوم القیمة قد کان العباد یکافون فیما بینهم بالمعروف و
انا اکافیک الیوم بالجنة یعنی شنیدم از رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند
هر کس مقدم بدارد بر نفس خود بندگان خدا را بجهت رضای خدا تفضیل میدهد و
مقدم میدارد خداوند او را در روز قیامت بر دیگران ببهشت و هر که دوست دارد چیزی
را پس برای رضای خدا قرار دهد خداوند در روز قیامت میفرماید که مردم با همدیگر
بقدر خود شان مکافات بعطا و بخشش میکنند و من مکافات میکنم بر تو امروز ببهشت
و همچنین آیهٔ مبارکه و یؤثرون علی انفسهم و لو کان بهم خصاصة یعنی مقدم میدارند
و تفضیل میدهند بر نفس خود شان محتاجان را هر چند خود شان را فقر و احتیاج باشد مراد
جناب امیر المؤمنین علیه السلام است منقولست که شخصی خدمت رسول خدا صلی الله
علیه و آله آمد پس شکایت کرد بخدمت حضرت رسول صلی الله علیه و آله شکایت کرد از
گرسنگی پس فرستاد رسول خدا صلی الله علیه و آله بخانه زوجات خود که غذا از برای
آن مرد بیاورند پس زوجات گفتند نیست در نزد ما مگر آب خالی پس حضرت فرمودند
من لهذا الرجل اللیلة یعنی کیست برای این مرد در این شب که او را مهمان کند جناب امیر
المؤمنین علیه السلام عرض کرد من برای او هستم و او را مهمان میکنم پس حضرت آمد بخانه

کفتای دختر پیغمبر خدا در خانه چه هست عرض کرد چیزی ندارم مکر قوت امشب لکن مهمانرا مقدم میداریم بر خود فقال علی علیه السلام یا بنت محمد نومی الصبیة و اطفئی المصباح یعنی کودکانرا بخوابان وچراغرا خاموش کن بعد از آن فردا این آیه در مبارکه نازل شد آیهٔ مبارکه ومن یعتصم بالله فقد هدی الی صراط مستقیم یعنی هرکس متمسک شود بخدا بتحقیق هدایت یافته میشود بسوی راه راست مراد جناب امیر المؤمنین علیه السلام است آیهٔ مبارکه واعتصموا بحبل الله در حدیث است که حبل الله المتین علی بن ابیطالب علیه السلام است و مفهوم از این حدیث اینست که هرکه متمسک بر آن حبل محکم نماید سلامت از هلاکت و کمراهی یابد آیهٔ مبارکه اینما ثقفوا الا بحبل من الله وحبل من الناس از حضرت صادق علیه السلام روایت شده است حبل من الله مراد کتاب الله است وحبل من الناس علی علیه السلام است مؤلف کوید که در حقیقت کتاب الله هم آنحضرت است آیهٔ مبارکه افمن اتبع رضوان الله کمن باء بسخط من الله ومأویه جهنم وبئس المصیر هم درجات عند الله یعنی آیا پس آنکسیکه تابع رضای خدا باشد مثل آنکسیست که رجوع کند بسخط خدایتعالی و ملازم با غضب خدای تعالی باشد و این کنایه از دوام معصیت است ومأوی و منزل او جهنم است و بد جائیست جهنم و آنانکه تابع رضای خدا هستند صاحبان درجاتند نزد خدایتعالی از حضرت صادق مرویست فرموده اند آنکسانیکه پیروی کردند رضوان و خشنودی خدارا ایشان ائمهٔ اطهارند صلوات الله علیهم و ایشانند والله درجات عند الله از برای مؤمنین تا آنجائیکه میفرماید والذین باؤا بسخط من الله هم الذین جحدوا حق علی والائمة علیهم السلام منا اهل البیت یعنی

المنز

انکسانیکه رجوع کردند بغضب خدا آنانی هستند که انکار حق جناب امیر المؤمنین و حق ائمه از ما اهل بیت علیهم السلام نمودند تا آخر حدیث آیهٔ مبارکه ولئن قتلتم فی سبیل الله او متم لمغفرة من الله ورحمة خیر مما یجمعون یعنی هرگاه کشته شوید و یا بمیرید در راه خدا هر آینه مغفرت و رحمت از خداوند بهتر است از چیزیکه دیگران در آن جمع نمایند از منافع دنیوی × عیاشی از امام محمد باقر علیه السلام روایت شده کرده که سبیل الله جناب علی بن ابیطالب علیه السلام و ذریهٔ اواست که هرکس کشته شود یا بمیرد در ولایت بجناب در راه خدا مرده است آیهٔ مبارکه وانما توفون اجورکم یوم القیمة فمن زحزح عن النار وادخل الجنة فقد فاز یعنی جز این نیست که داده میشوید پاداش اعمال خود را از نیک و بد بتمام و کمال در روز قیامت پس هرکس دور شود از آتش و داخل بهشت کردانیده شد بتحقیق نجات یافت و بمقصود خود رسید عن المجالس عن النبی صلی الله علیه وآله حاکیا عن الله عز وجل فی حدیث فبعزتی حلفت وبجلالی اقسمت انه لا یتولی علیا علیه السلام عبد من عبادی الا زحزحته عن النار وادخلته الجنة ولا یبغضه عبد من عبادی الا ابغضته وادخلته النار وبئس المصیر از کتاب مجالس از حضرت رسول صلی الله علیه وآله وسلم روایتست که از خدای عالم حکایت فرموده اند که بعزت و جلال خود قسم خورده ام که دوست نمیدارد بنده از بندکان من علی بن ابیطالب صلوات الله علیه را مکر آنکه او را از آتش جهنم دور میکردانم و داخل بهشت میکنم و دشمن نمیدارد بنده از بندکان من بجناب امیر مکر اینکه دشمن میدارم او را و داخل میکنم در آتش و بد جائیست آتش آیهٔ مبارکه ان الله لا یغفر ان یشرک به ویغفر ما دون ذلک لمن یشاء یعنی بدرستیکه خدای عز وجل نمی بخشد کسی را که با او شریک

قرار بدهد و میبخشد گناهی را که پستتر از شرک باشد از برای هر که بخواهد روایت شده از
جناب امیر المؤمنین علیه السلام که فرمودهاند بحقیق از حبیب خود رسول خدا صلی الله علیه و
اله شنیدم و از جمله چیزها که حضرت امیر المؤمنین علیه السلام از حضرت رسول خدا صلی فرمودند
الله علیه و اله حکایت میفرمایند اینست که هر کس با خلاص لا اله الا الله بگوید او بری است
از شرک و هر کس بیرون رود از دنیا و بخدا شریک قرار ندهد شیء را داخل بهشت شود بعد
از ان این ایه را خواندند و بعد از لفظ لمن یشاء فرمودند من شیعتک و محبیک یا علی یعنی خدا وند
نمی امرزد کسیرا که بخدا وند شریک قرار بدهد و میبخشد گناهی را که پستتر از شرک باشد
از برای هر که بخواهد از شیعیان و محبان تو یا علی تا اخر حدیث و از عیاشی از حضرت باقر
علیه السلام مرویست که فرمود ان الله لا یغفر ان یشرک به یعنی خدا نمی بخشد کسیرا که منکر
ولایت علی بن ابی طالب علیه السلام باشد و میبخشد پستتر از او را از برای هر کس که بخواهد یعنی
از برای دوستان جناب امیر المؤمنین علیه السلام ایه مبارکه و یقولون للذین کفروا
هؤلاء اهدی من الذین امنوا سبیلا اولئک الذین لعنهم الله و من یلعن الله فلن
تجد له نصیرا ام لهم نصیب من الملک فاذا لا یؤتون الناس نقیرا از حضرت امام
محمد باقر علیه السلام مرویست که میگویند کسانیکه تابع پیشوایان ضلالتند راه انها
راست تر است از آل محمد صلی الله علیه و اله انانکه این سخنان میگویند کسانی اند که
لعنت کرده ایشانرا خدای تعالی پس ای پیغمبر هرگز نمییابی از برای و یاوری از برای انها
نصیبی از ملک هست مراد از لفظ ملک بنا برانچه از حضرت امام محمد باقر علیه السلام روایت
شده امامت و خلافت است فاذا لا یؤتون الناس نقیرا پس انوقت نمیدهند مردم را یعنی ال

محمد را بنا برانچه در حدیث سابق وارد شده است که انحضرت فرمودند ماییم مردم که
خدا قصد کرده از خلافت و امامت بقدر نقطه که در وسط هسته خرما است همچنین
است ایشانرا از ملک نصیبی نیست ملک و خلافت و سلطنت و عظمت مخصوص ال محمد
علیه و اله است و دیگرا نرا حقی نیست ایه مبارکه ام یحسدون الناس علی ما اتیهم
الله من فضله فقد اتینا ال ابرهیم الکتاب و الحکمة و اتیناهم ملکا عظیما یعنی ایا
حسد میبرند بر ناس که مراد محمد و ال محمد است صلی الله علیه و اله است برانچیزیکه داده
است ایشانرا خداوند از فضل خویش بتحقیق که عطا کردهایم بال ابرهیم کتاب و حکمت را و عطا
فرمودیم ایشانرا ملک عظیم مرویست از امام محمد باقر علیه السلام که فرمودند در تفسیر این
ایه شریفه یعنی گرداینده پیغمبران و رسولان را و امامانرا از ال ابرهیم پس چگونه اقرار میکنند
در ال ابرهیم عطاهای خداوند را و انکار میکنند انرا در ال محمد صلی الله علیه و اله و فرمودند
ملک عظیمی که خدا بال ابرهیم داده ان بوده که گردانیده در ایشان امامان چندی و کسیکه
اطاعت کند ایشانرا اطاعت خدا کرده و کسیکه معصیت کند ایشانرا معصیت خدا کرده پس
اینست ملک عظیم و روایت دیگر وارد شده که ملک عظیم طاعتی است که فرض شده است
از کافی و از عیاشی و غیر این که در چندین روایت وارد شده از ائمه سلام الله علیهم که فرموده
اند نحن المحسودون الذین قال الله علی ما اتینا الله من الامامة یعنی ما انکسانی هستیم که
مردم حسد میبرند بما بر چیزیکه عطا فرموده است ما را خداوند از امامت ایه مبارکه
ان الذین کفروا بایاتنا سوف نصلیهم نارا یعنی بدرستیکه کسانیکه کافر شدند بر ایات
ما زود باشد که داخل کنیم و جا میدهیم انها را در اتش جهنم که روایت قمی مراد از ایات حجتها

سوره نساء

سوره نساء

سوره نساء

در سوره نساء

علی بن ابی طالب و اولاد او علیهم السلام است آیه مبارکه إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا یعنی بدرستیکه خداوند امر میکند شما را باینکه رد کنید امانتها را باهل خود در کتاب کافی و غیر او در چندین روایات عدیده هست بدرستیکه خطاب و حکم بسوی ائمه صلوات الله علیهم است مأمور شده هر یک از ایشان باینکه ادا کند بسوی امام بعد از او است و وصیت کند بسوی او پس این آیه جاریست بر سایر امانات ظاهره که رد نمایند و خیانت نکنند چنانچه از ائمه سلام الله علیهم وارد شده لَا تَنْظُرُوا إِلَىٰ طُولِ رُكُوعِ الرَّجُلِ وَسُجُودِهِ فَإِنَّ ذَٰلِكَ شَيْءٌ اعْتَادَهُ فَلَوْ تَرَكَهُ اسْتَوْحَشَ لِذَٰلِكَ وَلَٰكِنْ انْظُرُوا إِلَىٰ صِدْقِ حَدِيثِهِ وَأَدَاءِ أَمَانَتِهِ یعنی نظر مکنید بطول دادن رکوع و سجود مرد بدرستیکه این چیزیست که عادت او است هرگاه ترک کند مستوحش میشود از برای آن ولکن نظر نمائید براستی قول و ادا کردن امانت او

در سوره نساء

آیه مبارکه يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ یعنی ای کسانیکه ایمان آورده اید اطاعت کنید خدا را و اطاعت کنید رسول را و صاحبان امر را در کتاب کافی از حضرت باقر علیه السلام روایت کرده است این آیه شریفه که ما ائمه را بالخصوص قصد کرده امر فرموده جمیع مؤمنین را تا روز قیامت باطاعت ما باشند عیاشی از آنجناب روایت کرده است این آیه شریفه فرمودند که در شان جناب علی بن ابیطالب و جناب امام حسن و جناب امام حسین علیهم السلام نازل شده است بخدمت آنحضرت علیه السلام عرض شد بدرستیکه مردم میگویند پس چه میشود خداوند تعالی با اینکه مقصود او از این آیه و امثال او ائمه اطهارند چرا در کتاب محکم خود اسم مبارک جناب علی بن ابیطالب و اولاد طاهرین آنجناب را ظاهر نکرده پس آنجناب فرمودند

که بر

که پیغمبر شما بگوید بایشان که نماز نازل شد یعنی امر فرمود خدا تعالی بنماز و اسم نبرد که سه رکعت و یا چهار رکعت بگذارند تا آنکه جناب رسول خدا صلی الله علیه و آله تعیین و تفسیر فرمودند آنرا برای ایشان و همچنین حکم زکوة نازل شد خداوند عالم نام نبرده از برای ایشان که از هر چهل درهم یک درهم بدهند تا آنکه جناب رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند تا اینجائیکه میفرمایند و آیه أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ نازل شد در شان جناب علی علیه السلام و جناب امام حسن و امام حسین علیهما السلام پس جناب رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَعَلِيٌّ مَوْلَاهُ وَقَالَ أُوصِيكُمْ بِكِتَابِ اللَّهِ وَأَهْلِ بَيْتِي فَإِنِّي سَأَلْتُ اللَّهَ تَعَالَىٰ أَنْ لَا يُفَرِّقَ بَيْنَهُمَا حَتَّىٰ يُورِدَهُمَا عَلَيَّ الْحَوْضَ فَأَعْطَانِي ذَٰلِكَ وَقَالَ لَا تُعَلِّمُوهُمْ فَإِنَّهُمْ أَعْلَمُ مِنْكُمْ وَقَالَ إِنَّهُمْ لَنْ يُخْرِجُوكُمْ مِنْ بَابِ هُدًى وَلَنْ يُدْخِلُوكُمْ فِي بَابِ ضَلَالَةٍ یعنی هر کس را که من آقای او هستم پس علی آقای او است فرمود وصیت میکنم شما را بقرآن مجید خدا و باهل بیت خودم بدرستیکه من سؤال کرده ام از خداوند تعالی که جدا نکند میان این دو را تا وارد کند ایشانرا با هم در روز قیامت بر حوض کوثر پس خداوند تعالی هم عطا فرمود بمن این سؤال مرا باز فرمودند شما تعلیم مکنید اهل بیت مرا پس بدرستیکه ایشان از شما اعلم هستند و فرمودند بدرستی که شما را از در هدایت خارج نمیکنند هرگز داخل نمیکنند شما را بدر گمراهی بعد از نقل کلمات رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند پس هرگاه رسول خدا صلی الله علیه و آله در اینجا ساکت میشدند و بیان نمیفرمودند که کیستند اهل بیت آنجناب هر آینه ادعا میکردند آل فلان و آل فلان که مائیم اهل بیت رسول

خدا

خدا ولکن خداوند عالمیان بجهة تصدیق کلام نبی خود نازل نمود این آیهٔ مبارکه را اِنَّمَا یُرِیدُ اللّٰهُ لِیُذْهِبَ عَنْکُمُ الرِّجْسَ اَهْلَ الْبَیْتِ وَیُطَهِّرَکُمْ تَطْهِیرًا یعنی جز این نیست میخواهد ببرد خباثت و ناپاکی را از شما که اهل بیت رسول هستید و پاک گرداند شما را پاک گردانیدنی همین آیه در شان جناب علی بن ابیطالب و فاطمه و حسن و حسین علیهم السلام است که جناب رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند ایشان را بزیر عبا داخل در خانهٔ جناب ام سلمه پس فرمود اللّٰهُمَّ اِنَّ لِکُلِّ نَبِیٍّ اَهْلًا وَثِقْلًا وَهٰؤُلَاءِ اَهْلُ بَیْتِی وَثِقْلِی یعنی بار الها بدرستیکه برای هر پیغمبری خویشان و عزیزان میباشد و اینها اهل خانه و عزیزان من هستند پس ام سلمه عرض کرد فدای تو شوم آیا من از اهل تو نیستم پس بجناب فرمودند تو بسوی خیر هستی و لکن اینها اهل بیت منند در کتاب اکمال از جابر بن عبد الله الانصاری روایت شده است زمانیکه آیهٔ اَطِیعُوا اللّٰهَ وَاَطِیعُوا الرَّسُولَ وَاُولِی الْاَمْرِ مِنْکُمْ نازل شد بخدمت جناب رسول خدا صلی الله علیه و آله عرض کرد فدای تو شوم شناختیم خدا و رسول را که اطاعت کنیم پس اولی الامر کیانند که خدا تعالی برابر کردانیده طاعت ایشان را بطاعت شما پس حضرت فرمودند که آنها جانشینان من هستند ای جابر و پیشوایان مسلمانانند بعد از من که اول ایشان علی بن ابیطالب علیه السلام است بعد از آن حسن و بعد حسین بعد علی بن الحسین بعد محمد بن علی صلوات الله علیهم که در توریت معروفست بباقر و زود باشد که برسی با و ای جابر بین زمانی که او را ملاقات کنی از جانب من با و سلام برسان بعد جعفر بن صادق بن محمد بعد موسی بن جعفر بعد محمد بن علی بعد علی بن محمد بعد حسن بن علی بعد هم نام من محمد و هم کنیت من

بعد علی ابن موسی

است

است یعنی کنیهٔ او نیز ابو القاسم میباشد حُجَّةُ اللّٰهِ فِی اَرْضِهِ وَبَقِیَّةُ اللّٰهِ فِی عِبَادِهِ یعنی او حجة خدا است در زمین او و رحمت خدا تعالی در بندگان او که فرزند حسن بن علی علیه السلام است آنکسی است که فتح میکند خدا بر دو دست او مشارق و مغارب ارض را او آنکسی است که غایب میشود از شیعیان و دوستان خود چنان غایب شدنی که ثابت نمی‌ماند بر اعتقاد بامامت او در آن غیبت مگر کسیکه تصفیه و خالص کرده باشد خدا تعالی قلب او را برای ایمان تا آخر حدیث مؤلف گوید یعنی امامت او را کسی قائل میشود که خدا قلبش را خالص از غل و غش شرک کرده باشد و منزلگاه دلش را خالی کرده باشد بجهت قرار گرفتن ایمان در آن آیه در سورهٔ نساء وَاِذَا جَاءَهُمْ اَمْرٌ مِنَ الْاَمْنِ اَوِ الْخَوْفِ اَذَاعُوا بِهِ وَلَوْ رَدُّوهُ اِلَی الرَّسُولِ وَاِلٰی اُولِی الْاَمْرِ مِنْهُمْ لَعَلِمَهُ الَّذِینَ یَسْتَنْبِطُونَهُ مِنْهُمْ یعنی زمانیکه میاید بسوی ضعفای مسلمین امری از امن یا خوف یعنی خبریکه موردشان ایمنی بودن میشود یا خبریکه موجب سستی میشود که از رسول خدا صلی الله علیه و آله بآنها میرسد یا از غیر آنجناب افشا میکنند و در افشای آن امر مفسده است هرگاه رد نمایند و واگذارند آن امر را بسوی رسول و بسوی صاحبان امر از ایشان هر آینه میدانند آن امر را کسانی که استنباط و استخراج میکنند تدبیر آن را بتجربهای خود یعنی اگر خود متدبر میکنند که از اهل شود و اگر امر است قسمی میکنند که عکس مقصود شود از جناب باقر علیه السلام منقول است که فرموده اند مقصود از کسانیکه استنباط میکنند امامان معصومانند یعنی جناب علی بن ابیطالب و اولاد او علیهم السلام است و آیهٔ مبارکه وَلَوْلَا فَضْلُ اللّٰهِ عَلَیْکُمْ وَرَحْمَتُهُ لَاتَّبَعْتُمُ الشَّیْطَانَ اِلَّا قَلِیلًا یعنی هرگاه نبود

سورهٔ نساء

سورهٔ نساء

فضل و رحمت خدا بر شما هر اینه تابع میشدید شیطان را مگر قلیلی از جناب موسی کاظم علیه السلام مرویست که فرموده اند رحمت جناب رسول خدا صلی الله علیه و آله است و فضل جناب علی بن ابی طالب علیه السلام مؤلف گوید هر کرا اندکی شعور باشد میداند که اینکلام از مصدر حقیقت و دانائی صادر شده زیرا که هیچ فضل و رحمت خدا بهتر و بزرگتر از آن دو بزرگوار نمیشود که جمیع امور دنیوی و اخروی خلایق از برکت آنها است و باعث نجات و هدایت مردم هستند

آیه مبارکه اِنَّ الَّذِینَ آمَنُوا ثُمَّ کَفَرُوا ثُمَّ آمَنُوا ثُمَّ کَفَرُوا ثُمَّ ازْدَادُوا کُفْرًا لَمْ یَکُنِ اللَّهُ لِیَغْفِرَ لَهُمْ وَلَا لِیَهْدِیَهُمْ

عن الصادق علیه السلام نزلت فی فلان و فلان و فلان آمنوا برسول الله صلی الله علیه و آله فی اول الامر ثم کفروا حین عرضت علیه الولایة حیث قال من کنت مولاه فعلی مولاه ثم آمنوا بالبیعة لامیر المؤمنین علیه السلام حیث قالوا له بامر الله و امر رسوله فبایعوه ثم کفروا حیث مضی رسول الله صلی الله علیه و آله فلم یقرّوا بالبیعة ثم ازدادوا کفرا باخذهم من بایعوه بالبیعة لهم فهؤلاء لم یبق فیهم من الایمان شیء

معنی آیه شریفه اینست بدرستیکه کسانیکه ایمان آوردند بعد از آن کافر شدند بعد ایمان آوردند بعد کافر شدند بعد زیاد کردند کفر خود را البته نمیباشد خدا تعالی اینکه ببخشد ایشان را و نمیباشد البته که نشان دهد بایشان راهی را از جناب صادق علیه السلام منقولست که فرمودند آیه مبارکه نازل شده است در شان اول و ثانی و ثالث که ایمان آوردند برسول خدا صلی الله علیه و آله در اول امر بعد از آن کافر شدند وقتیکه نشان داده شدند ولایت علی بن ابیطالب علیه السلام را

زمانیکه جناب رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند هر کس من مولای او هستم علی مولای او است بعد از آن ایمان آوردند و گردن نهادند به بیعت جناب امیر المؤمنین علیه السلام وقتیکه بخدمت حضرت رسول الله صلی الله علیه و آله عرض کردند که آیا بامر خدا و رسول او است و حضرت فرمودند بلی پس بیعت کردند با جناب امیر المؤمنین صلوات الله علیهم بعد کافر شدند وقتیکه جناب رسول خدا صلی الله علیه و آله رحلت فرمودند پس اقرار نکردند به بیعتی که کرده بودند با آنجناب بعد از آن زیاد کردند کفر را باینکه بیعت گرفتند از کسانیکه با او بیعت کرده بودند که جناب امیر المؤمنین صلوات الله علیه باشد پس در اینها باقی نماند چیزی از ایمان لعنهم الله و ادخلهم بالنیران

آیه مبارکه وَقَدْ نَزَّلَ عَلَیْکُمْ فِی الْکِتَابِ اَنْ اِذَا سَمِعْتُمْ آیَاتِ اللَّهِ یُکْفَرُ بِهَا وَیُسْتَهْزَاُ بِهَا فَلَا تَقْعُدُوا مَعَهُمْ حَتَّی یَخُوضُوا فِی حَدِیثٍ غَیْرِهِ

یعنی بتحقیق نازل کرده اند خداوند تعالی بر شما در قرآن اینکه وقتیکه شنیدید آیات خداوند را انکار کرده میشود و استهزا کرده میشود با آنها نه نشینید و مجالست با آنها نکنید تا اینکه داخل شوند در کلامی غیر از کفر و غیر از استهزاء با آیات خدا آیات الله عبارتست از جناب علی بن ابیطالب و اولاد او علیهم السلام بنا بروایت قمی عن الکافی عن الصادق علیه السلام و العیاشی عن الرضا علیه السلام فی تفسیرها

اِذَا سَمِعْتَ الرَّجُلَ یَجْحَدُ الْحَقَّ وَیُکَذِّبُ بِهِ وَیَقَعُ فِی اَهْلِهِ فَقُمْ مِنْ عِنْدِهِ وَلَا تُقَاعِدْهُ

از کافی از حضرت صادق و عیاشی از حضرت امام رضا علیه السلام روایت کرده زمانیکه شنیدی شخصی را که انکار حق میکند و تکذیب با و مینماید و مذمت مینماید اهل حق را پس برخیز از نزد او و با او همنشینی مکن

آیه مبارکه یَا اَیُّهَا النَّاسُ قَدْ جَاءَکُمْ بُرْهَانٌ مِنْ

رَبِّكُمْ وَاَنْزَلْنَا اِلَيْكُمْ نُورًا مُبِينًا يعنى اى مردم بتحقيق آمد بسوى شما برهان از پروردگار شما
و نازل كرديم بسوى شما نور آشكارا از جناب صادق عليه السلام روايتست كه برهان
جناب رسول خدا صلى الله عليه و آله است و نور امير المؤمنين على بن ابيطالب عليه السلام است
سوره نساء
آيه مباركه فَاَمَّا الَّذِينَ آمَنُوا بِاللّٰهِ وَاعْتَصَمُوا بِهِ فَسَيُدْخِلُهُمْ فِى رَحْمَةٍ مِنْهُ وَ
فَضْلٍ وَيَهْدِيهِمْ اِلَيْهِ صِرَاطًا مُسْتَقِيمًا يعنى پس اما كسانيكه ايمان آوردند و تمسك
كرده اند باو پس زود باشد داخل ميكند ايشانرا در رحمتى و فضلى از خود و هدايت ميكند
ايشانرا براه راست بسوى خود و مراد از اعتصام تمسك بولايت جناب على بن ابيطالب
عليه السلام و ولايت آنجناب و امامان بعده است بنابر روايت قمى و در تتمه حديث سابق كه از
حضرت صادق عليه السلام روايت شده مذكور است كه صراط مستقيم نيز آنجناب
عليه السلام است بنابر روايت قمى معنى آيه اينست كه كسانى تمسك بولايت آنجناب
كنند خداوند عالم ايشانرا داخل رحمت و فضل خود ميفرمايد و براه راست هدايت ميكند
سوره مائده
آيه مباركه اَلْيَوْمَ اَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَاَتْمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِى وَرَضِيتُ لَكُمُ
الْاِسْلَامَ دِينًا از جناب امام محمد باقر و امام جعفر صادق صلوات الله عليهما منقولست
كه آن دو بزرگوار فرمودند چنين نيست كه آيه مباركه نازل كرديد پس از اينكه جناب
رسول خدا صلى الله عليه و آله نصب فرمودند جناب امير المؤمنين عليه السلام را علامة
و نشانه يافتن راه از براى مردمان در روز غدير خم و قتيكه برميگشتند آنجناب از حجة
الوداع پس فرمودند آن دو بزرگوار كه اين يعنى ولايت آنجناب آخر فريضه بود كه نازل كرده است
او را خدا تعالى پس بعد از آن فريضه نازل نكرده است معنى آيه اينست امروز كامل كردانيدم

سوره مائده
براى شما دين شما را و تمام كردم از براى شما نعمت خود را و راضى شدم از براى شما
اسلام را كه دين شما باشد آيه مباركه قَدْ جَاءَكُمْ مِنَ اللّٰهِ نُورٌ وَكِتَابٌ مُبِينٌ يعنى
بتحقيق آمد بسوى شما از خدا تعالى نور و كتاب آشكار كننده حق از على بن ابرهيم قمى
سوره مائده
حكايت شده كه او در تفسير اين آيه فرموده كه نور عبارتست از جناب امير المؤمنين و ائمه
طاهرين صلوات الله عليهم اجمعين است پس بنابرين ميبايد كه لفظ نور كه در تتمه
آيه مباركه يَهْدِى بِهِ اللّٰهُ مَنِ اتَّبَعَ رِضْوَانَهُ سُبُلَ السَّلَامِ وَيُخْرِجُهُمْ مِنَ الظُّلُمَاتِ
اِلَى النُّورِ وَيَهْدِيهِمْ اِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ نيز اشاره بسوى ائمه باشد و صراط المستقيم
نيز آنحضرت است بنابر آنچه در تفسير آيات سابقه مذكور شد معنى ظاهر اينست
والله العالم كه نشان ميدهد خداى عز و جل باين كتاب يا بآن نور كسيرا كه
سوره مائده
متابعت كند خشنودى او را راههاى سلامتى از عذاب را و بيرون مى آورد ايشانرا
از ظلمات كفر بسوى نور ايمان و هدايت ميكند ايشانرا بسوى راه راست آيه مباركه
اِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللّٰهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلٰوةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكٰوةَ
وَهُمْ رَاكِعُونَ يعنى جز اين نيست كه اوليا هستند بشما كسانى ميباشند كه برپا ميدارند
نماز را و زكات از امام محمد باقر و امام جعفر صادق عليهما السلام مرويست كه تفسير بعضى
از كلمات اين آيه و آيه الهدايه فرموده اند و اين حقير هم باتفصيل تفسير آن بزرگوار را در
ضمن ترجمه آيه درج مينمايد يعنى جز اين نيست كه اولى يعنى نزديكتر و احق بشما و بامور
شما از جانها و مالهاى شما خداوند و رسول او است و كسانيكه ايمان آورده اند يعنى
جناب على بن ابيطالب عليه السلام و اولاد آنجناب كه امامان هستند تا روز قيامت پس

بیان فرموده ایشان را خدای تعالی پس فرموده الذین یقیمون الصلوة و یؤتون الزکوة و
هم راکعون یعنی مؤمنانیکه اولی هستند بشما کسانی میباشند که برپا میدارند نماز را و می
دهند زکوة را و حال آنکه ایشان در رکوع هستند که جناب علی بن ابیطالب و اولاد آنجناب
است بعد از تمامی آیه آنحضرت فرمودند و بودند امیر المؤمنین علیه السلام در نماز ظهر
و تحقیق که دو رکعت را بجا آورده و در حال رکوع بودند و در بدن مبارک آنحضرت حله
بود که قیمت آن چنانکه در قاموس گفته عبارتست از ازار و رداء که دو نوع از بالاپوش
است یا یکی که استر داشته باشد یاری حله بود که قیمت آن هزار دینار بود و دینار
عبارتست از هیجده نخود طلا و با اشرفیهای این زمان موافق بوده و بالجمله آن حله را
جناب رسول خدا صلی الله علیه و آله با آنحضرت عطا فرموده بود و آن حله بود که نجاشی
بهدیه برای حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرستاده بود پس آمد سائلی و عرض کرد یا
ولی الله و اولی بالمؤمنین من انفسهم تصدق بر مسکین و فقیر بفرما پس آنحضرت آن
را بطرف او انداختند و اشاره فرمودند بدست مبارک بسوی سائل اینکه بردار آن حله را
پس این آیه را خداوند عالم در شان جناب علی بن ابیطالب علیه السلام نازل فرمود تا
اینجائیکه حضرت صادق علیه السلام میفرماید آن سائلیکه از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام
سؤال کرد ملکی بود از ملائکه تا آخر حدیث و در بعضی از روایات وارد شده که آنجناب در
رکوع انگشتر بسائل عطا فرمودند و این حدیث منافات ندارد با حدیث سابق که
حضرت حله را بسائل عطا نمودند زیرا که ممکن است یکمرتبه در رکوع حله را عطا فرموده باشد
و مرتبه دیگر در رکوع انگشتر را و آیه مبارکه در مرتبه ثانیه نازل شده باشد لفظ یؤتون که

فعل

فعل مضارع است اشعار بر این معنی دارد زیرا که متضمن تکرار و تجدد است و آوردن
آن بصیغه جمع بعلت آنستکه شامل ائمه از اولاد آنحضرت شود چنانچه در حدیث سابق
کلامی فرموده بودند که حاصل مضمونش اینست هر کس از اولاد آنجناب برسد بمرتبه امامت
تصدق میکند در حال رکوع و سائل از آن ملکی از ملائکه باشد از حضرت صادق علیه
السلام مرویست که او از پدر بزرگوار خود و او از جد خود جناب رسول صلی الله علیه و آله
نقل فرموده در قول خدای تعالی یعرفون نعمة الله ثم ینکرونها زمانیکه آیه مبارکه انما ولیکم
الله و رسوله نازل گردید چند نفر که عدد آنها به نه نفر میرسید از اصحاب رسول خدا صلوات
الله علیه از منافقین جمع شدند در مسجد مدینه پس بعضی از آنها گفتند که اگر منکر این
آیه شویم کافر میشویم بسایر آیات و هرگاه ایمان بیاوریم پس بدرستیکه این ذلتست برای ما در
هنگامیکه مسلط مینماید حضرت رسول خدا صلی الله علیه و آله بر ما جناب علی بن ابیطالب
علیه السلام را پس گفتند بتحقیق دانستیم بدرستیکه محمد صلی الله علیه و آله صادق
است در آنچیزیکه میفرماید و لیکن ما دوست میداریم آنحضرت را و اطاعت نمیکنیم علی را در
آنچیزیکه بما امر فرماید بعد از آن این آیه مبارکه نازل گردید یعرفون نعمة الله ثم ینکرونها
یعنی نعمت خداوند را میشناسند بعد از آن انکار میکنند آنرا یعنی ولایت جناب علی بن ابی
طالب علیه السلام را منکر میشوند و بیشتر ایشان کافرانند بولایت آنجناب از حضرت باقر علیه
السلام روایتست چنانچه از کتاب مجالس نقل شده که آنحضرت فرمودند در مقام بیان شان
نزول آیه مبارکه انما ولیکم الله و رسوله بدرستیکه چند نفر که از سرتا هفت لاده با
کمتر بودند از طائفه یهود مسلمان شدند از جمله ایشان عبد الله بن سلام و اسد و ثعلبه و

ابن یامین و ابن صوریا پس بخدمت جناب رسول خدا صلی الله علیه و اله مشرف شدند و عرض کردند یا نبی الله بدرستیکه حضرت موسی علی نبینا و علیه السلام وصیت نمود بسوی یوشع بن نون پس وصی شما بعد از شما کیست یا رسول الله صاحب اختیار ما بعد از شما کیست پس این ایه مبارکه انما ولیکم الله نازل گردید حضرت رسول صلی الله علیه و اله فرمودند برخیزید پس برخواستند و بمسجد امدند که پس ناگهان سائلی از مسجد بیرون امده بود حضرت فرمود ای سائل ایا کسی بتو چیزی نداد سائل عرض کرد اری این خاتم را داد حضرت فرمودند که بتو داد این خاتم را اشاره کرد انجناب که مشغول نماز است حضرت فرمود بر کدام حالت عطا کرد سائل عرض کرد در حالت رکوع پس حضرت تکبیر گفتند پس حضرت رسالت پناه صلی الله علیه و اله فرمودند علی بن ابیطالب علیه السلام ولی شما است بعد از من مردم گفتند راضی شدیم بخدا از جهت ربوبیت و باسلام از جهت دین و بمحمد صلی الله علیه و اله از جهت نبوت و بعلی بن ابیطالب علیه السلام از جهت ولایت پس خداوند تعالی نازل فرمود ایه مبارکه و من یتول الله و رسوله و الذین امنوا فان حزب الله هم الغالبون یعنی انکسیکه ولی میگیرد خدا و رسول خدا را و انکسانیکه ایمان اورده اند پس بدرستیکه لشکر خدا ایشانند غلبه کنندگان از خلیفه ثانی روایت شده بدرستیکه او گفت و الله بتحقیق تصدق کردم بچهل انگشتر و حال انکه رکوع کننده بودم تا اینکه نازل بشود در شان من انچه نازل کرد در شان علی بن ابیطالب علیه السلام نازل شده (پس نازل شد) ایه مبارکه یا ایها الرسول بلغ ما انزل الیک من ربک و ان لم تفعل فما بلغت رسالته و الله یعصمک من الناس ان الله

تأمل سوره

سوره مائده

لا یهدی

لا یهدی القوم الکافرین یعنی ای پیغمبر تبلیغ کن و برسان بامت خود انچیزیکه نازل کرده شد از نزد پروردگار خود در شان علی بن ابیطالب علیه السلام و هرگاه نرسانی انچه نازل شده در شان انجناب پس تبلیغ نکرده رسالت خدای عز و جل و پیغمبری او را بجا نیاورده و خداوند تعالی حفظ میکند ترا از شر مردم بدرستیکه خداوند عز و جل هدایت نمیکند گروه کافرانرا از کتاب جوامع از ابن عباس و جابر بن عبد الله روایت است بدرستیکه خداوند عالم امر فرمود رسول خود را که نصب نماید علی علیه السلام را برای مردم و خبر دهد ایشانرا بولایت انجناب پس رسول خدا صلی الله علیه و اله مخوف بود از اینکه مردم بگویند میل کرده است بسوی ابن عم خود و اینکه گران و شاق بیاید نصب کردن حضرت رسول صلی الله علیه و اله امیر المؤمنین صلوات الله علیه را بر جماعتی از اصحابش پس این ایه مبارکه نازل کردید پس دست مبارک علی بن ابیطالب علیه السلام را گرفتند در روز غدیر خم و فرمودند من کنت مولاه فعلی مولاه و خواندند این ایه را و در حدیثست که این ایه مبارکه الیوم اکملت لکم دینکم و اتممت علیکم نعمتی در همان روز از خدای متعال نازل گردید یعنی امروز کامل کردانیدم برای شما دین شما را و تمام کردانیدم نعمت خود را و کمال دین و تمامی نعمت بولایت جناب علی بن ابیطالب علیه السلام بود از کتاب احتجاج نقل شده که در بحار و ایت ظاهرا از امام محمد باقر علیه السلام شده است بدرستیکه انجناب فرمود بتحقیق که حج کرد رسول خدا صلی الله علیه و اله و حال انکه رسانیده بود جمیع شرایع یعنی احکام الهی و فرایض را از زکوة و نماز و سایر احکام را بامت خود غیر از حج و ولایت امیر المؤمنین علیه السلام را پس بسوی

جبرئیل علیه السلام نازل شد پس گفت یا محمد بدرستیکه خداوند عزوجل سلامت میرساند
و میفرماید ترا بدرستیکه من قبض نکردم هیچ پیغمبری را از پیغمبران خود و هیچ رسولی را از
رسولان خود مگر بعد از اکمال دین خود و تاکید نمودن حجت خود و بتحقیق باقی مانده است
بر تو دو فریضه از چیزهائیکه احتیاج هست بسوی اینکه برسانی آن دو چیز را بقوم خود
یکی فریضه حج است و یکی فریضه ولایت و خلافت علی بن ابیطالب علیه السلام بعد از تو
پس بدرستیکه من خالی نگذاشته ام در زمانهای گذشته زمین خود را از حجت و نخواهم هم
خالی گذاشت زمین را هرگز پس بدرستیکه خداوند امر میکند ترا اینکه تبلیغ کنی بقوم خود
حج را خود حج را بجا آوری و بگو حج میکنند با تو هرکس که استطاعت حج دارد از اهل شهرها
از اطراف و از اعراب و تعلیم میکنی ایشان را از حج ایشان چنانکه تعلیم کردی ایشان را از نماز
و زکوة و روزه و واقف و مطلع میگردانی بر طریقه آنچنانکه واقف کردانیدی
ایشان را از جمیع آنچیزیکه رسانیدی بایشان از شرایع پس منادی رسول خدا صلی الله
علیه و آله ندا در داد که آگاه باشید بدرستیکه رسول خدا صلی الله علیه و آله اراده
حج دارد اینکه تعلیم نماید شما را از آن مانند آنچیزیکه تعلیم کرد شما را از شرایع دین شما
و مطلع گرداند شما را از آن بر آنچیزیکه مطلع کردانید شما را از غیر حج پس خارج شد
جناب رسول خدا صلی الله علیه و آله و مردم هم با آنجناب بیرون شدند و میل کردند
بسوی آنجناب تا نگاه کنند که چه بجا می آورد آنحضرت پس بجا آورند مثل آنچه داد ایشانرا
و رسید عدد کسانیکه حج کردند با رسول خدا صلی الله علیه و آله از اهل مدینه طیبه
و اهل اطراف و اعراب بهفتاد هزار نفر و یا زیاده بر هفتاد ار عدد اصحاب موسی علی نبینا

و علیه

علیهما السلام که هفتاد هزار بودند از آنچنانکسانی بودند که گرفتند ایشان بیعت هرون
علی نبینا و آله و علیه السلام پس شکستند بیعت هارون و پیروی گوساله و سامری نمودند و
همچنین رسول خدا صلی الله علیه و آله گرفت بیعت را از برای علی بن ابیطالب علیه السلام
بخلافت و جانشینی رسول خدا صلی الله علیه و آله بعدد اصحاب موسی علیه السلام پس شکستند
بیعت امیرالمؤمنین علیه السلام را و پیروی کردند گوساله علیه اللعنة را و موافق شد
طریقه این امت با طریقه اصحاب جناب موسی و حکایت اینها در شکستن بیعت با حکایت
آنها و در پیوست صدای لبیک حاجیان در میان مکه و مدینه پس زمانیکه حضرت رسول
صلی الله علیه و آله در موقف ایستادند آمد بسوی او جبرئیل علیه السلام از جانب خدا
پس عرض کرد یا محمد بدرستیکه خدا تعالی سلامت میرساند و میفرماید بتحقیق نزدیک شده
است اجل تو و نهایت عمر تو و من طلب میکنم قدوم ترا بر چیزیکه چاره و گریزی نیست از آن
آن مؤلف گوید که این کنایه از مرگ است بعد از آن فرمود پس وصیت کن وصیت خود را
وصی و مقدم بدار وصیت خود را پس قصد کن بسوی آنچیزیکه در نزد تست از علم و میراث انبیا که
پیش از تو بوده اند و سلاح و تابوت و جمیع آنچیزیکه نزد تست از علامات انبیا پس تسلیم
کن آنها را بسوی وصی و خلیفه خود که بعد از تو خواهد بود که حجت بالغه من است بر همه مخلوق
من و آن علی بن ابیطالب است پس برافراز او را بجهت هدایت خلق و تجدید کن عهد و میثاق
و بیعت او را و یاد آور ایشان را آنچیزیرا که گرفتم بر ایشان از بیعت و عهد من آن عهدی و
میثاقی که بستم ایشانرا بان و بیعتی که گرفتن من که پیش گرفتم بسوی ایشان از ولایت دوست
من و صاحب اختیار ایشان و آقای هر مؤمن و مؤمنه پس بدرستیکه من قبض نکردم هیچ پیغمبری را

از پیغمبران

از پیغمبران مگر بعد از اکمال دین و اتمام نعمت خود بدوستی دوستانم و دشمنی دشمنانم
و اینست کمال توحید من و یگانگی کمال دین من و تمام کردانیدن نعمتم را بر مخلوق خود به پیروی
دوستم و طاعت او و آن یعنی کامل شدن دینم به پیروی دوستم بجهت اینست که بدرستی
من وا نمیگذارم زمین را بی کسیکه قیام نماید بامور دین تا اینکه بوده باشد حجت از برای من
بر خلق من پس امروز کامل کردانیدم از برای شما دین شما را و تمام کردم بر شما نعمت خود را
بولایت دوستم و آقای هر مؤمن و مؤمنه علی علیه السلام بنده من و وصی پیغمبر من و
جانشین بعد از او و حجت بالغه من بر مخلوق همه و شراکت طاعت او بطاعت محمد
صلی الله علیه و آله پیغمبر من و مقرونست طاعت آن دو بزرگوار بطاعت من هر کس اطاعت
کند او را اطاعت کرده است مرا هر کس عصیان کند او را عصیان کرده است مرا و او را
منصوب و علم کردانیدم در میان خود و خلق خود هر که او را بشناسد مؤمن باشد مؤمن و
هر که او را نشناسد کافر است و هر کس شریک قرار دهد با او در بیعت او مشرک است
و هر کس ملاقات کند مرا با ولایت او داخل بهشت میشود و هر کس ملاقات کند مرا بعداوت او
او داخل آتش میشود پس برافراز ای محمد علی را بجهت نشان راه هدایت و بگیر بر ایشان
بیعت او را و تازه بکردان بر ایشان عهد و میثاق قرار میثاقی که بسته ام ایشان را بر آن پس
بدرستی که من قبض کننده ام روح شریف ترا در حالتیکه منتقل بسوی خود مینمایم و طالب
قدوم و برگشتن تو هستم بسوی خود جناب رسول خدا ترسید از قوم خود از اهل نفاق
و گروه شقاق از اینکه متفرق شوند و برگردند بطریقه که پیش از اسلام بودند و دست
از دین بر دارند بجهت آنچه دانسته بود از عداوت ایشان مر آنچیزی را که مخفی بود در نفسهای

ایشان

ایشان از شدت دشمنی با علی علیه السلام و خواهش کرد از جبرئیل اینکه خواهش بکند
از پروردگار حفظ آنجناب را از شر مردم و انتظار کشید اینکه بیاورد جبرئیل علیه السلام
بسوی او از جناب رب جلیل وعده نگاهداشتن او را از شر مردم پس تاخیر انداخت نصب
کردن حضرت را تا آنکه رسید بمسجد خیف و آن مسجدیست در منی پس آمد بسوی حضرت رسول
خدا صلی الله علیه و آله جبرئیل در مسجد خیف پس از جانب خدا امر کرد پیغمبر را اینکه وصیت
کند وصیت خود را و برافرازد علی علیه السلام را از برای مردم و نیاورد وعده حفظ
از مردم از جانب خداوند جل جلاله آنچنان حفظی را که پیغمبر صلی الله علیه و آله خواسته
بود تا آنکه جناب ختمی مآب بکراع الغمیم آمدند و آن وادیست که میان آن و مدینه مقدار
صد و هفتاد میل است و میان او و مکه مقدار سی میل است پس جبرئیل آمد بسوی آنجناب
و امر کرد او را بآنچیزیکه امر کرده بود او را از جانب خدای عز و جل و نیاورد از برای آن
جناب وعده حفظ را پس حضرت فرمود بجبرئیل بدرستیکه من میترسم از قوم خود اینکه تکذیب
کنند مرا و قبول نکنند گفته مرا در حق جناب علی علیه السلام پس حضرت از آنجا کوچ کردند
پس تا اینکه رسیدند بغدیر خم که پیش از جحفه است بسه میل و آن موضعی است که هشتاد و دو
میل ~~از مکه دو~~ و میل از مکه دور است و آن میقات اهل شام است که از آنجا احرام میبندند
آمد بسوی جناب ختمی مآب جبرئیل در پنج ساعت از روز گذشته با تندی و تیزی و وعده حفظ
از مردم پس عرض کرد یا محمد (ص) بدرستیکه خدا تعالی سلامت میرساند و میگوید مر ترا یا
أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنْزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ (فی علی) وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ
مِنَ النَّاسِ و اوائل قافله نزدیک جحفه بود پس امر کرد جبرئیل آنحضرت را باینکه برگرداند

کس را پیش رفته و تنگ دارد هر کس از عقب می‌آید در آن مکان یعنی غدیر خم تا اینکه نصب نماید
علی علیه السلام را از برای مردم و برساند بایشان آنچیزی را که خدا تعالی نازل کرده‌اند
است در شان علی علیه السلام و خبر داد جبرئیل آنحضرت را باینکه خدای عز و جل حفظ
کرده است او را از شر مردم پس امر فرمود رسول خدا صلی الله علیه و آله وقتیکه وعده حفظ
از برای او آمد منادی را که آواز کند مردم را بنماز جماعت و برگرداند هر کس را که پیش
رفته است و تنگ دارد هر که از عقب است پس آنجناب بکناری رفت از دست راست راه
بسوی مسجد غدیر بامر جبرئیل از جانب رب جلیل در جائیکه چند درخت سلم بود و آن درختی
است پر خار و هیزم خوبی است چوبهای آن پس امر فرمود جناب رسول خدا صلی الله علیه و
آله اینکه جاروب شود زیر آن درختها و نصب شود از برای آنجناب سنگها بصورت منبر تا مشرف
شود بر مردم پس برگشتند مردم و آنانکه از عقب آمدند نگاه داشتند در آن مکان پس
ایستاد رسول خدا صلی الله علیه و آله بالای سنگها پس خطبه بلیغی ادا فرمود پس فرمود که
خداوند وحی نمود بسوی من این آیه را و خواند این آیه مبارکه را پس فرمود ای گروه مردم تقصیر
نکردم در رسانیدن آنچیزی که خدا بر من نازل کرده و من بیان میکنم از برای شما سبب نزول
این آیه را بدرستیکه جبرئیل نازل شد بسوی من سه مرتبه امر میکرد مرا از جانب سلام خدا تعالی
باینکه بایستم در حضور مردم پس اعلام و دانا کنم هر سفید و سیاهی را اینکه علی بن ابی
طالب علیه السلام برادر من و وصی من و خلیفه من است و امام و پیشوا است بعد از من
و آنجناب کسی است که مرتبه او نسبت بمن مثل نسبت مرتبه هارون است نسبت بمرتبه موسی علی نبینا و آله
و علیه السلام است مگر آنکه پیغمبری بعد از من نیست و او است صاحب اختیار شما بعد از

خدا و رسول و بتحقیق نازل کرده است خداوند تبارک و تعالی بر من باین مضمون آیه
از کتاب خود انما ولیکم الله و رسوله و الذین آمنوا الذین یقیمون الصلوة و یؤتون
الزکوة و هم راکعون و علی بن ابیطالب علیه السلام برپا داشته است نماز را و عطا
نموده زکوة را در حال رکوع و مقصود خدا است در همه حال و خواهش کردم از جبرئیل
اینکه استعفا کند از برای من یعنی خواهش کند از خدا که بگذرد از رسانیدن این پیغام
بسوی شما بجهت اینکه میدانستم کمی پرهیزکاران و زیادتی منافقان را و خباثتهای گناهکاران
و حیلهای کسانیکه استهزا مینمایند بدین اسلام آنچنان کسانی را که بیان کرده است ایشان را
خداوند تعالی در کتاب مجید خود بانهم یقولون بالسنتهم ما لیس فی قلوبهم و یحسبونه
هینا و هو عند الله عظیم یعنی میگویند بزبانهای خود چیزی را که نیست در دلهای ایشان
و گمان میکنند آنرا سست و این مخالفت زبان ایشان با دلهای ایشان نزد خدا تعالی
عظیم و بزرگ است پس فرمود بجهت بسیار اذیت کردن ایشان مرا نه یکدفعه حتی سمونی اذنا
تا اینکه نام مرا گوش نهادند تا آنجائیکه میفرماید و هرگاه خواسته باشم که نام ببرم
منافقان را بنامهای ایشان هر آینه نام میبردم و هرگاه خواسته باشم اشاره کنم بسوی
اشخاص آنها هر آینه اشاره میکردم و اینکه دلالت کنم مردم را بر ایشان که بشناسند آنها را
هر آینه نشان میدادم ولی من والله در امور ایشان اعراض و دوری کردم از اینکه ایشان را
رسوا کنم و با همه اینها خداوند از من راضی نمیشود مگر اینکه برسانم آنچه نازل کرده بسوی
من پس خواند این آیه مبارکه را یا ایها الرسول بلغ تا آخر آنرا پس بدانید ای گروه مردم بدرستیکه
خدا بر پا کرده است او را از برای شما صاحب اختیار و پیشوا واجبست طاعت او بر همه شما

وانصار و بر تابعان ایشان باحسان و بر بادیه نشینان و اهل شهرها و بر عجم و عرب
و ازاد و بنده و کوچک و بزرگ و بر سفید و سیاه و ماضی و کذرنده است حکم او و جاری است
قول او و نافذ است امر او میوم کو مید این سه لفظ که ماضی و جایز و نافذ باشد یک
معنی دارد یعنی کذرنده و فرمود ملعون است هر که مخالفت او نماید و مرحوم است هر که پیروی
او کند و تصدیق او نماید پس بتحقیق که امر زید است خدای تعالی علی علیه السلام را و هر که
بشنود از و و اطاعت او نماید ای کروه مردم بدرستیکه شان اینست که این اخر ایستادنی
است که ایستادم از این محضر پس بشنوید و اطاعت کنید منقاد باشید برای
امر پروردکار تان پس بدرستیکه خداوند عز و جل او است پروردکار شما و خدا و صاحب
اختیار شما پس بعد از و عز و جل محمد صلی الله علیه و آله صاحب اختیار شما است و او
کسیست که ایستاده است خطاب میکند با شما پس بعد از من علی علیه السلام ولی شما
و امام شما بامر خداوند پروردکار شما بعد از و امامت در ذریه من است از اولاد او تا
روز قیامت بعد از ان ملاقات میکنند خدا و رسول او را نیست حلال مکر انچیزی را که
خدا حلال کرده است و نیست حرام مکر انچیزی که خدا حرام کرده است شناسانید خدا
حلال و حرام را بر من و من در خلوت انچه خدا بمن تعلیم کرده بود از کتابش و حلال و حرام
با همه باز تعلیم کردم ای کروه مردم نیست علی مکر انکه خداوند تعالی شمرده است در من یعنی
تعلیم من کرده است و هر علمی را که تعلیم کرده شدم پس بتحقیق شمردم او را در علی علیه السلام
پیشوای متقیان نیست علی مکر انکه بتحقیق تعلیم کردم علی علیه السلام را و او است
امام مبین و واضح ای کروه مردم اعراض نکنید از و متفرق نشوید از دور او و استکبار

نکنند

نکنند از ولایت او پس او است انچنان کسیکه هدایت میکند بسوی حق و عمل میکند باو و
مضمحل میکند باطل را و نهی میکند از ان و نمیکیرد او را در راه خدا ملامت کننده
پس بدرستیکه او اول کسی است که ایمان اورده است بخدا و رسول او و انچنان کسی است که
جان خود را فدای رسول کرد و انچنان کسی بود با رسول خدا و نبود کسیکه بندکی خدا کند
با پیغمبرش از مردان غیر از او ای کروه مردم تفضیل بدهید او را پس بتحقیق تفضیل داده است
او را خداى تعالی و قبول کنید او را پس بتحقیق نصب کرده است او را خدای تعالی ای کروه
مردم بدرستیکه او امام است از جانب خدای تعالی و قبول نمیکند هرکز خدا توبه کسی را
که منکر ولایت او باشد و هرکز نمی امرزد خدا او را و لازم است بر خدا که این قسم کند با کسی
که مخالفت امر او نماید و اینکه عذاب کند او را همیشه اوقات و جاوید روزکارها پس
بترسید از اینکه مخالفت نمایید او را پس انداخته میشوید در اتشیکه هیزم ان مردم
و سنکست مهیا شده است برای کافران ای مردم بمن و الله بشارت دادند پیشینیان
از پیغمبران و رسولان و منم اخر پیغمبران و رسولان و منم حجت بر همه مخلوقات از اهل
اسمانها و زمینها پس هر که شک کند در ان پس او کافر است بکفر یکه در زمان جاهلیت
بران بودند و هر که شک کند در این کفته من پس او شک کننده در همه کفتهای من و شک
کننده در همه کفتهای من از برای او است اتش تا انجائیکه میفرماید ای کروه مردم تفضیل
دهید علی علیه السلام را پس بدرستیکه او فاضل تر است از همه مردم بعد از من از مرد
و زن بسبب ما خدا نازل کرده است رزق را و باقی ماندند خلق ملعون است ملعون است
غضب خدا بر کسیست که رد نماید این کفته مرا و موافقت نکنند اکاه باشید بدرستیکه

جبرئیل خبر داد مرا از جانب خدا تعالی باین گفته من و هر کس دشمنی کند با علی علیه السلام
و او را دوست ندارد دین برا و باد لعنت و غضب من پس باید نظر کند هر نفسی آنچه را
پیش فرستاده از برای فردای خود و بپرهیزید از خدا اینکه مخالفت نمائید او را پس بلغزد
قدمهای شما بعد از استوار بودن آنها بدرستی که خدا آگاه است بآنچه میکنید آنگروه
مردم بدرستیکه علی است جنب الله که نازل شده است در کتاب خدا ان تقول نفس
یا حسرتی علی ما فرطت فی جنب الله یعنی اینکه بگوید کسی وا حسرتا بر تفریطی که کردم
در جنب خدا آنگروه مردم تامل کنید در قرآن و بفهمید آیات آنرا و نظر کنید بمحکمات آن
و متابعت مکنید متشابه آنرا پس قسم بخدا هرگز بیان نمیکند از برای شما نواهی آنرا
و واضح نمیکند از برای شما تفسیر آنرا مگر آنکسیکه من گرفته ام دست او را و بلند کرده ام
او را بسوی خود و بلند کرده ام بازوی او را و تعلیم کننده ام شما را بدرستیکه هر کس من
مولای اویم پس این علی علیه السلام مولای او است و او علی بن ابیطالب برادر من
و وصی من است و دوستی او از جانب خدای عز و جل است نازل کرده است آنرا
بر من ای گروه مردم بدرستیکه علی علیه السلام و پاکیزگان از اولاد من ایشانند ثقل
اصغر و قرآن او است ثقل اکبر پس هر یک از این دو ثقل خبر دهنده است از صاحب خود
موافقت دارد با او هرگز از این دو جدا نمیشوند از همدیگر تا کنار حوض کوثر وارد بر من
شوند ایشان یعنی علی و اولاد او علیهم السلام امینهای خدا هستند در خلق او و حاکم از جانب
اویند در زمین و آگاه باشید بتحقیق ادای رسالت کردم آگاه باشید بتحقیق رسانیدم آگاه
باشید بتحقیق شنوانیدم آگاه باشید بتحقیق واضح گردانیدم آگاه باشید بدرستیکه خدا

فرمود

فرموده اینها را و من گفتم از جانب خدای عز و جل آگاه باشید بدرستیکه نیست فرمان
فرمای مؤمنان غیر از برادر من این یعنی جناب علی علیه السلام و حلال نیست امارت و فرمان
فرمائی مؤمنان بعد از من از برای احدی غیر از آنجناب پس دست مبارک را زد بیازوی امیر
المؤمنین علیه السلام و بلند کرد بازوی او را و از ابتدائیکه جناب رسول صلی الله علیه و
آله بالای سنگها رفته بودند بلند کرده بودند جناب علی علیه السلام را تا اینکه پای آن
حضرت محاذی زانوی رسول خدا گردیده بود پس فرمود ای گروه مردم این علی برادر من و وصی من است
و حافظ علم من و جانشین من است بر امت من و علی علیه السلام تفسیر کتاب خدا است
و خواننده است مردم را بسوی خدا و عمل کننده است بآنچیزیکه خشنود میسازد خدا را و جنگ
کننده است با دشمنان خدا و دوستی کننده است بر طاعت خدا و نهی کننده است از
معصیت خدا خلیفه رسول خدا است و امیر مؤمنان است و امام هدایت کننده است و
کشنده شکنندگان بیعت و برگشتگان از حق و بیرون روندگان از دین است بامر خدای
تعالی میگویم و تبدیل کرده نمیشود گفته نزد من بامر خدا پروردگار من میگویم بار الها دوست
دار هر که او را دوست دارد و دشمنی کن با هر کس که با او دشمن است و لعن کن کسی را که انکار
او نماید و غضب کن بر کسیکه انکار حق او نماید بار الها بدرستیکه تو نازل کردی بر من اینکه
امامت از برای علی است که دوست تست نزد بیان کردن من آنرا و نصب کردن من او را
بسبب آنچیزیکه کامل کردی از برای بندگانت از دین ایشان و تمام کردی نعمت را و راضی
شدی اسلام را که دین ایشان باشد پس فرمودی هر کس طلب کند غیر از اسلام دینی را پس
هرگز قبول نمیشود از او و او در آخرت از زیانکاران است بار الها بدرستیکه من شاهد میگیرم

که بدرستی و بتحقیق من رسانیدم پیغام ترا تا انجا بکه فرمودند یمردم بپرهیزید از خدا و
بیعت نمایید با علی امیر المؤمنین علیه السلام و حسن و حسین علیهما السلم و امامان که ایشان
کلمه باقیه میباشند **مؤلف گوید** یعنی امامت را در اولاد حسین علیهم السلم تا قیامت تا
روز قیامت و اینست مراد از کلمه باقیه چنانچه علما گفته اند بعد از ان بلا فاصله فرمودند
هلاک میکند خدا کسی را که خدعه و مکر نماید و رحم میفرماید کسی را که وفا نماید بعد این ایه
مبارکه را فرمودند وَمَن نَكَثَ فَإِنَّمَا يَنكُثُ عَلَى نَفْسِهِ تا انجا بکه میفرماید یکی یکی مر هر
کس اطاعت کند خدا و رسول خدا را و علی بن ابیطالب علیه السلم را و ائمه را که ذکر کردم ایشان را
پس بتحقیق رستگار میشود رستگار شدن عظیمی تا اخر حدیث و بعضی از فقرات حدیث که از
علی بن ابرهیم قمی منقول است اینست که عمر بن خطاب از میان قوم عرض کرد و پرسید یا
رسول الله این امر از خدا است و یا از رسول خدا است حضرت فرمودند بلی از خدا است
و از رسول خدا است بدرستیکه علی بن ابیطالب علیه السلام امیر المؤمنین است و امام
المتقین و قائد الغر المحجلین است مینشاند او را خداوند عالم روز قیامت بر صراط پس داخل
میکند دوستان خود را به بهشت و دشمنان خود را بجهنم **ایه مبارکه** در سوره مائده
قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لَسْتُمْ عَلَى شَيْءٍ حَتَّى تُقِيمُوا التَّوْرَاةَ وَالْإِنجِيلَ وَمَا أُنزِلَ إِلَيْكُم
مِّن رَّبِّكُمْ یعنی بگوای محمد صه ای صاحبان کتابیکه از خدا نازل شده است نیستید شما بر
چیزی تا انکه برپا دارید توریت و انجیل را و آنچیز را که نازل شده است بسوی شما از پروردگار
شما از حضرت باقر علیه السلام روایت شده است که مراد از قول حق تعالی مَا أُنزِلَ إِلَيْكُم
مِّن رَّبِّكُمْ ولایت امیر المؤمنین علیه السلم است **ایه مبارکه** در سوره اعراف الَّذِينَ يَصُدُّونَ

در سوره مائده

در سوره اعراف

عن سبیل الله

عَن سَبِيلِ اللَّهِ وَيَبْغُونَهَا عِوَجًا وَهُم بِالْآخِرَةِ كَافِرُونَ وَبَيْنَهُمَا حِجَابٌ وَعَلَى الْأَعْرَافِ
رِجَالٌ يَعْرِفُونَ كُلًّا بِسِيمَاهُمْ یعنی انکسانیکه اعراض میکنند از راه خدا و میخواهند کجی
انرا و حال انکه ایشان باخرت کافرانند و میان ان دو فرقه که مؤمنان و کافران میباشند
ساتر است و بر بالای ان حجاب که اعراف باشد مردانی هستند که میشناسند هر یک
از این دو فرقه را بعلامت ایشان که خدا از برای ایشان گذاشته از کتاب مجمع نقل شده
که از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام روایتست ما ایستاده میشویم در روز قیامت
میان بهشت و جهنم پس هر کس که ما را یاری می کند میشناسیم او را بعلامت او پس داخل
میکنیم او را به بهشت و هر کس دشمن دارد ما را میشناسیم او را بعلامت او پس داخل جهنم
میکنیم او را باز از حضرت امیر المؤمنین علیه السلم مرویست که فرموده اند در تفسیر این
ایه که مائیم بر اعراف میشناسیم یاوران خود را بعلامت ایشان و مائیم اعرافی که مردم
نمیشناسند خداوند عز و جل را مگر براه معرفت ما و مائیم اعراف که نگه دارد خداوند
ما را در روز قیامت بر صراط پس داخل بهشت نمیشود مگر کسیکه بشناسد ما را و ما او را
بشناسیم و داخل اتش نمیشود مگر کسیکه نشناسد ما را و ما نشناسیم او را از کتاب بصائر
نقل شده که از حضرت باقر علیه السلم روایتست که رجال که در ایه مبارکه است ایشانند
امامان از ال محمد صلی الله علیه و اله اعراف صراطی است میانه بهشت و دوزخ پس هر کس
شفاعت کنند برای او امامان از ما اهل بیت و انکس از مؤمنان گناه کاران باشد نجات
مییابد و هر کس را شفاعت نکنند از برای و می افتد در جهنم **ایه مبارکه** در سوره
اعراف فَالَّذِينَ آمَنُوا بِهِ وَعَزَّرُوهُ وَنَصَرُوهُ وَاتَّبَعُوا النُّورَ الَّذِي أُنزِلَ مَعَهُ أُولَٰئِكَ

در سوره اعراف

در سوره انفال

در سوره توبه

أُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ یعنی کسانیکه ایمان آورده اند بپیغمبر و تعظیم کردند آنجناب را
و یاری نموده اند آنحضرت را و تابع شده اند نوری را که نازل شده با او و آنکسان ایشانند
رستکاران از جناب باقر علیه السلام مرویست که فرموده نور جناب علی بن ابی
طالب علیه السلام است آیه مبارکه در سوره انفال إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ إِذَا ذُكِرَ
اللَّهُ وَجِلَتْ قُلُوبُهُمْ وَإِذَا تُلِيَتْ عَلَيْهِمْ آيَاتُهُ زَادَتْهُمْ إِيمَانًا وَعَلَى رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ
یعنی جز این نیست که مؤمنان کسانی هستند که هر وقت ذکر میشود در نزد انها خداوند
عالم میترسد دلهای ایشان و هر زمان که خوانده میشود برانها آیات خدا ایمان ایشان
زیاد میشود و به پروردگار خود توکل میکنند و تفویض امر بسوی او مینمایند تا آخر آیه
مبارکه بروایتی این آیه شریفه در شان جناب امیر المؤمنین و جناب ابی ذر و سلمان
و مقداد علیهم الرحمة نازل شده است آیه مبارکه وَقُلِ اعْمَلُوا فَسَيَرَى اللَّهُ
عَمَلَكُمْ وَرَسُولُهُ وَالْمُؤْمِنُونَ یعنی یا رسول الله بگو عمل نمائید پس زود باشد که به بینند
خدا و رسول خدا و مؤمنون عمل شما را از جناب باقر علیه السلام روایتست که ذکر شد این آیه
نزد آنجناب پس فرمود والله او علی بن ابیطالب علیه السلام است و از حضرت صادق علیه السلام
پرسیده شد از معنی این آیه پس فرمود مؤمنان ایشانند ائمه طاهرین صلوات الله علیهم
از حضرت صادق علیه السلام روایت شده که فرمودند بدرستیکه اعمال بندگان را بر ایشان
میدهند هر روز بر رسول خدا صلی الله علیه و آله عمل نیکان و بدان ایشان پس بترسید
و باید حیا کند یکی از شما از اینکه عمل قبیح او عرض شود بر پیغمبر او از حضرت باقر علیه السلام
مرویست که فرمودند هیچ مؤمنی و کافری نیست که در قبر گذارده شود تا اینکه نشان داده

شود

در سوره توبه

در سوره یونس

شود اعمال او بر رسول خدا و بر امیر المؤمنین و بر یکی یکی از امامان تا آخر آن کسیکه واجب
کرده است خدا طاعت او را بر بندگان داده نشود آیه مبارکه در سوره
توبه است يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَكُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ یعنی ای کسانی
که ایمان آورده اید به پرهیزید از خدا و با صادقین باشید از حضرت باقر علیه السلام روایت
روایت شده که ما اهل بیت خداوند جل شانه از لفظ صادقین قصد کرده یعنی با آل
محمد صلی الله علیه و آله باشید آیه مبارکه در سوره یونس است يَا أَيُّهَا النَّاسُ
قَدْ جَاءَتْكُمْ مَوْعِظَةٌ مِنْ رَبِّكُمْ وَشِفَاءٌ لِمَا فِي الصُّدُورِ وَهُدًى وَرَحْمَةٌ لِلْعَالَمِينَ
یعنی آمد بسوی شما موعظه از پروردگار شما و شفا مر آنچیزیکه در سینه ها است و هدایت
و رحمت از برای جمیع اقسام مخلوقات آیه مبارکه متصل بایه سابق است قُلْ بِفَضْلِ اللَّهِ
وَبِرَحْمَتِهِ فَبِذَلِكَ فَلْيَفْرَحُوا هُوَ خَيْرٌ مِمَّا يَجْمَعُونَ یعنی ای محمد صلی الله علیه و آله بگو بفضل
و رحمت خدا پس باین باید شاد شوند آن بهتر است از آنچیزیکه جمع میکنند از مال دنیا
از جناب باقر علیه السلام منقولست که فرمودند فضل الله جناب رسول خدا صلی الله
علیه و آله است و رحمت جناب امیر المؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام است و در روایت
قوی یاد کرده این فقره را پس باین فضل و رحمت خدا باید شیعیان ما شاد شوند آن
بهتر است از آنچیزیکه داده شده اند دشمنان ما از طلا و نقره از پیغمبر صلی الله علیه
الله علیه و آله مرویست که فضل خدا نبوت پیغمبر شما است و رحمت ولایت علی بن
ابی طالب علیه السلام است پس باین یعنی بنبوت و ولایت باید شاد شوند یعنی شیعیان آن
بهتر است از آنچیزیکه جمع میکنند مخالفان ایشان از مال و اولاد و اهل در دار دنیا

آیهٔ مبارکه در سورهٔ یونس است الا ان اولیاء الله لا خوف علیهم ولا هم یحزنون یعنی آگاه باشید بدرستی که دوستان خدا ترسی بر ایشان نیست و اندوهناک نمیشوند از جناب امیر المؤمنین علیه السلام روایت شده که فرمودند ایشان یعنی دوستان خدا ما اهل بیت هستیم و تابعان ما از کسانیکه پیروی کردند ما را خوشا حال ما و ایشان تا آخر حدیث آیهٔ مبارکه انما انت منذر ولکل قوم هاد یعنی جز این نیست که تو ای پیغمبر ترساننده هستی و برای هر قومی هدایت کننده هست از کتاب مجمع نقل شده است وقتیکه این آیه نازل شد جناب رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند انا المنذر و علی الهادی من بعدی یعنی من منذرم و علی علیه السلام هادی است بعد از من از کتاب کافی نقل شده از جناب باقر علیه السلام روایتیست که رسول الله منذر است و در هر زمان از ما اهل البیت هدایت کننده هست که هدایت میکند ایشان را بسوی آنچه که پیغمبر آورده است و اول ایشان که هدایت کنند کان بعد از پیغمبر جناب علی علیه السلام است بعد از آنجناب اوصیای او است واحد بعد واحد آیهٔ مبارکه در سورهٔ رعد است الذین آمنوا و تطمئن قلوبهم بذکر الله الا بذکر الله تطمئن القلوب یعنی کسانیکه ایمان آورده اند و ساکن میشود دلهای ایشان بیاد خدا آگاه باشید که بذکر خدا دلها ساکن میشود بروایتی کسانیکه ایمان آورده اند شیعیان اند و ذکر الله جناب امیر المؤمنین و اولاد طاهرین او سلام الله علیهم است مؤلف گوید بنابراین یعنی این است که شیعیان بسبب امامان خود که ذکر خدا اند دلهای ایشان مطمئن میشود از اهوال قیامت و از سایر امور مفزعه و مهلکه آیهٔ مبارکه الذین آمنوا و عملوا الصالحات طوبی

لهم و حسن مآب معنی ظاهر اینست کسانیکه ایمان آورده اند و عمل صالح نموده اند از برای ایشان است خوبی و بازگشت خوب از برای ایشان است از حضرت صادق علیه السلام روایت شده است فرمودند طوبی از برای کسیست که چنگ زند بامر ما در زمان غیبت حضرت قائم عجل الله فرجه که از ما است پس میل نکند دل او از حق بعد از هدایت پس سؤال نمودند که طوبی چیست فرمودند که طوبی درختی است در جنت بیخ آن در خانه علی بن ابی طالب علیه السلام است و نیست مؤمنی مگر اینکه در خانهٔ او شاخه از آن درخت هست از کتاب مجمع منقولست از حضرت کاظم علیه السلام روایت شده که از جناب رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت کرده که بدرستیکه از آنحضرت سؤال کردند طوبی چیست فرمودند درختی است که بیخ آن در خانه من است و شاخ آن بر سر اهل بهشت است پس سؤال کرده شد از طوبی مرتبهٔ دیگر پس فرمودند بیخ آن در خانه علی است پس عرض شد بخدمت حضرت که در مرتبهٔ پیش فرمودید که در خانه من است اکنون میفرمائید در خانهٔ علیست پس حضرت فرمودند که خانه من و علی در بهشت بیکجا میباشد آیهٔ مبارکه در آخر سورهٔ رعد است و یقول الذین کفروا لست مرسلا قل کفی بالله شهیدا بینی و بینکم و من عنده علم الکتاب یعنی میگویند کسانیکه کافر شده اند نیستی تو رسول و فرستادهٔ خدا بگو ای محمد کفایت میکند شهادت کسیکه نزد او است علم کتاب مرویست سؤال نمودم از جناب امیر المؤمنین علیه السلام از بهترین مناقب و مفاخری که از برای آنحضرت ثابتست پس آنجناب این آیه را خواندند و فرمودند که ما را قصد کرده است از لفظ من عنده علم الکتاب از جناب رسول خدا منقولست سؤال کرده شد از این آیه که و من عنده علم الکتاب حضرت فرمودند آن برادر

در سورهٔ ابرهیم

من علی بن ابیطالب علیه السلام است آیهٔ مبارکه در سورهٔ ابرهیم است ألم تر کیف ضرب
الله مثلا کلمة طیبة کشجرة طیبة اصلها ثابت وفرعها فی السماء تؤتی اکلها
کل حین یعنی آیا ندیدی ونداسنتی ای بنده بینا چکونه زد خدا مثلی را یعنی کردانید خدا
کلمهٔ پاکیزه را مانند درخت پاکی که بیخ ان در زمین استوار و محکم و پا برجا باشد و
بالای ان بجانب اسمان کشیده میشد هر میوهٔ خود را در هر وقتی که خدا حکم کرده بمیوه
دادن ان از جناب صادق علیه السلام مرویست که سؤال کردند از این آیه پس فرمودند
جناب رسول الله صلی الله علیه و اله بیخ ان شجره است و بالای ان جناب علی بن ابیطالب
علیه السلام است وائمهٔ اطهار از ذریهٔ ایجناب شاخهای ان شجره است و علم ائمه ثمر انست و
شیعیان ایشان که مؤمنان اند ورقهٔ ان شجره است یعنی بمنزلهٔ برکها میباشند ایجناب
فرمودند قسم بخدا بدرستی که هر وقت مؤمنی که متولد میشود پیدا میشود برک بعمل می آید
دران شجره و بدرستیکه مؤمنی چون فوت شود ورقهٔ ازان ساقط میشود آیهٔ مبارکه

در سورهٔ حجر

در سورهٔ حجر است رب فانظرنی الی یوم یبعثون قال فانک من المنظرین الی یوم
الوقت المعلوم قال رب بما اغویتنی لازینن لهم فی الارض ولاغوینهم اجمعین
الا عبادک منهم المخلصین قال هذا صراط علی مستقیم یعنی کفت ابلیس ای
پروردکار من پس مهلت ده مرا تا روزیکه برانکیخته میشوند مردمان کفت خدا در
جواب او پس بدرستیکه تو از مهلت داده شدکانی تا روز وقت دانسته شده مقرر
کردانیده شده بنفخهٔ اول کفت ای پروردکار من سوکند خورم باغوای تو مرا و نومید
ساختن تو مرا از رحمت هر اینه اراسته کردانم برای ادمیان کناهها را در زمین و هر اینه

همهٔ ایشان را کمراه کردانم مکر بندکان ترا از ایشان که خالص شدکان باشند از شرک خفی
و جلی که مکر و فریب من ایشان را اثری نباشد کفت خدا تعالی این اخلاص و ایمان راهی
است که حق است بر من رعایت ان کجی ندارد (راست یعنی) و زود صاحب خود را بمنزل مراد میرساند
و ترا بر بندکان من تسلطی نیست صراط مستقیم عبارتست از امیرالمؤمنین علیه السلام
چنانچه از سید سجاد علیه السلام روایت شده و بعضی از قراء لفظ علی را با رفع بروزن فعیل
قرائت کرده اند بنا بر این معنی اینست که این راه بلند است و راست و این قرائت منسوب
بحضرت صادق علیه السلام است و بلندی راه کنایه از شرف انست از کافی نقل شده که از
جناب امام جعفر صادق علیه السلام روایتست که آیهٔ مبارکه هذا صراط علی مستقیم
احتمال دارد که موافق قراءت بعضی که علی را با رفع که صفة مشبهه باشد فرموده باشند

در سورهٔ نحل

و از اینجا نسبت این قراءت را بحضرت داده اند و احتمال اضافه هم دارد مثل غلام زید یعنی
صراط علی بن ابیطالب مستقیم است مؤلف کوید که راجح در نظر اینست که احتمال آخر
مراد باشد آیهٔ مبارکه در سورهٔ نحل است یعرفون نعمة الله ثم ینکرونها و اکثرهم
الکافرون یعنی میشناسند نعمت خدا را و انکار میکنند ان را و بیشتر ایشان جاحد اند
از روی عناد از جناب صادق علیه السلام مرویست که فرمود ما بخدا قسم نعمة الله هستیم ان

در سورهٔ نحل

چنان نعمتی که عطا کرده و داده است خداوند عالم ان را بر بندکان خود تا آخر حدیث آیهٔ
مبارکه در سورهٔ نحل است و نزلنا علیک الکتاب تبیانا لکل شیء وهدی ورحمة
وبشری للمسلمین یعنی یا محمد فرو فرستادیم بر تو قرانرا در حالتیکه بیان روشن است
برای هر چیزی و راه نمودنست و بخشایش بر همهٔ اکر بدان بکروند و مژده است به بهشت

مر مسلمانانرا از عیاشی حکایت شده است که از حضرت صادق علیه السلام روایت است که
فرموده اند ما اهل بیت قسم بخدا میدانیم آنچه در آسمانها و زمینها و آنچه که
در بهشت و جهنم و آنچه در میان آنها است بعد از آن فرمودند بدرستیکه این در
کتاب خدا است پس این آیه را خواندند آیه مبارکه در سوره انفال است یا ایها الذین
آمنوا استجیبوا لله وللرسول اذا دعاکم لما یحییکم یعنی ای آنکسانیکه ایمان آورده اید
اجابت نمایید مر خدای و مر رسول را بطاعت و قبول اوامر و نواهی چون بخواند رسول
او شما را امر بچیزیکه زنده گرداند شما را بروایت قمی حیات بمعنی بهشت است از حضرت بسوی
صادق علیه السلام روایت شده که نازل شده است این آیه در ولایت جناب علی بن ابیطالب
علیه السلام مؤلف گوید که ایمان آوردن بر ولایت آنجناب حیات و زندگی ابدیست
آیه مبارکه در سوره نحل است هل یستوی هو ومن یأمر بالعدل وهو علی صراط نحل سوره
مستقیم یعنی آیا برابر است اینشخص چنین و کسیکه امر میفرماید براستی و او در نفس
خود براه راست و سیرتی درست و طریقه پسندیده که بهر مطلب توجه نماید زود به
مقصود برسد در حدیث وارد است آنکسیکه امر میفرماید بعدل جناب امیرالمؤمنین
علیه السلام و امامان بعد از او بند آیه مبارکه در سوره نحل است ان الله یأمرکم نحل سوره
بالعدل والاحسان وایتاء ذی القربی وینهی عن الفحشاء والمنکر والبغی یعظکم
لعلکم تذکرون یعنی بدرستیکه خداوند امر میفرماید براستی و امر میفرماید به نیکوئی کردن
در طاعات و امر میفرماید بعطا دادن بر خویشان نزدیک و نهی میفرماید شما را از عمل زشت
و از عملیکه انکار میکنند بر مباشران در شرع و عقل و از ستمکاری پند میدهد شما را خدا

شما

شما شاید که شما پند گیرید در حدیث وارد است از حضرت باقر علیه السلام که عدل
جناب رسول خدا صلی الله علیه و آله است پس هر که اطاعت او کند بتحقیق براستی
رفته است و احسان جناب امیرالمؤمنین علیه السلام است پس هر که دوست دارد
حضرت را پس بتحقیق نیکی کرده است و نیکوکار در بهشت است ایتاء ذی القربی قرابت
ما اهل بیت است امر فرموده خدا تعالی بندگان را بدوستی ما و عطا کردن بما تا آخر
حدیث و در روایت دیگر در تفسیر و نهی فرمودن خدا تعالی از فحشا و منکر و بغی نحل سوره
فرمودند فحشاء اولی است و منکر ثانیست و بغی ثالث است لعنهم الله آیه مبارکه نیز
در سوره نحل است واوفوا بعهد الله اذا عاهدتم ولا تنقضوا الایمان بعد
توکیدها وقد جعلتم الله علیکم کفیلا ان الله یعلم ما تفعلون یعنی وفا کنید
بپیمان خدا چون عهد بستید و مشکنید سوگندها را یعنی پیوندها را پس از استواری
آن بسوگند بخدا و حال آنکه بتحقیق گردانیده اید حضرت عزت را بر پیمانهای خود گواه
بدرستیکه خدا میداند آنچه میکنید از نقض عهد و سوگند و شما را بدان جزا خواهد
داد و از حضرت صادق علیه السلام منقول است چون نازل شد ولایت علی بن ابیطالب علیه السلام
و بود از جمله فرمودهای رسول خدا صلی الله علیه و آله که سلام کنید بر علی علیه السلام
بامارت مؤمنین یعنی بگوئید السلام علیک یا امیرالمؤمنین پس بود از جمله چیزهائی
که استوار کرده خدا تعالی بر ایشان در آنروز فرموده جناب رسول خدا صلی الله
علیه و آله مر آن دو نفر را که اولی و دومی بوده باشد که برخیزید پس سلام بر آنجناب
بامارت مؤمنین نمائید پس گفتند آیا این امر از جانب خدا میباشد یا از جانب رسول

رسول خدا است پس رسول خدا فرمود از جانب خدا و رسول او است پس خدا تعالی

نازل کرد این آیه را وَلَا تَنقُضُوا الْأَيْمَانَ تا آخر آیه مقصود از لفظ ایمان قول جناب

پیغمبر است با ایشان و مقصود از لفظ توکید قول ایشانست که اینها از جانب خدا است

یا از جانب رسول او است آیهٔ مبارکه در سورهٔ نحل است وَلَا تَكُونُوا كَالَّتِي

نَقَضَتْ غَزْلَهَا مِن بَعْدِ قُوَّةٍ أَنكَاثًا تَتَّخِذُونَ أَيْمَانَكُمْ دَخَلًا بَيْنَكُمْ أَن تَكُونَ أُمَّةٌ

هِيَ أَرْبَىٰ مِنْ أُمَّةٍ إِنَّمَا يَبْلُوكُمُ اللَّهُ بِهِ وَلَيُبَيِّنَنَّ لَكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مَا كُنتُمْ فِيهِ تَخْتَلِفُونَ

یعنی مباشید مانند زنیکه باز کشاد ریسمان خود را پس از قوت در حالتیکه رشته

ریسمانها تاب باز داشته باشد یعنی مانند زنیکه ریسمانها را بعد از آنکه تاب داده باشد

و محکم و قوی ساخته تا بدهد و پاره پاره کرده اند مروی است از حضرت باقر علیه السلام

زنی بود از طائفهٔ بنی تیم بن مرة نامیده میشد ریطه دختر کعب بن اسد بن تیم بن لوی

ابن غالب و بود صاحب حماقت پس چون ریسمان خود را میرشت بجهت تاب او را

باز میکرد بعد از آنکه تاب او را محکم کرده بود پس بر میگشت و دوباره میرشت پس

فرمود بدرستیکه خدا تعالی امر فرمود بوفای پیمان و نهی فرموده از شکستن آن

پس این مثل را زده است از برای ایشان پس فرموده مباشید مثل آن زن مؤلف

گوید خداوند عالم این مثل را فرموده برای کسانیکه در ولایت جناب امیر المؤمنین

سست اعتقاد ند و ضعیف ایمان هستند رشتهٔ ولایت او در دلشان رشته و

بعد سست کرده باز مینمایند آیهٔ مبارکه در اول سورهٔ بنی اسرائیل است بسم الله

الرحمن الرحیم سُبْحَانَ الَّذِي أَسْرَىٰ بِعَبْدِهِ لَيْلًا مِّنَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ إِلَى الْمَسْجِدِ الْأَقْصَا

یعنی منزه است خداوندی که برد بندهٔ خود را که محمد صلی الله علیه و آله است از مسجد

الحرام تا مسجد اقصی که در آسمانست از کتاب کشف الغمه نقل شده که از جناب رسول

خدا صلی الله علیه و آله سؤال شد که در شب معراج جناب احدیت با کدام لغت

با تو تکلم میفرمود حضرت فرمودند با من خداوند عالم در شب معراج بلغت و بلهجهٔ

جناب علی بن ابیطالب تکلم میفرمودند پس الهام شدم اینکه عرض کردم در همانجا

پروردگارا تو با من تکلم میکنی و یا پسر عم علیست پس فرمود یا احمد من شیء هستم

که نیستم مثل اشیا و من قیاس نمیشوم بمردم و بیان کرده نمیشوم باشیا خلق کردم

من ترا از نور خود و علی را از نور تو پس مطلع شدم بر سرائر قلب تو پس نیافتم بسوی

قلب تو کسی را که زیاد ترا از علی دوست بداری پس خطاب نمودم بر تو بلسان علی تا اینکه

قلب تو مطمئن شود آیهٔ مبارکه در سورهٔ بنی اسرائیلست إِنَّ هَٰذَا الْقُرْآنَ يَهْدِي

لِلَّتِي هِيَ أَقْوَمُ یعنی بدرستیکه این قرآن مردم را هدایت میکند بسوی طریقهٔ که آن اقوم

و محکم ترین راهها و طرقست در حدیث وارد شده که آیهٔ مبارکه در ولایت جناب

امیر المؤمنین علیه السلام نازل شده است که این قرآن مردم را بسوی ولایت آنحضرت

هدایت میکند یعنی ولایت آنحضرت محکمترین طرق و اقوم صراطهای مستقیمه است

آیهٔ مبارکه وَلَقَدْ صَرَّفْنَا لِلنَّاسِ فِي هَٰذَا الْقُرْآنِ مِن كُلِّ مَثَلٍ فَأَبَىٰ أَكْثَرُ

النَّاسِ إِلَّا كُفُورًا یعنی فابی اکثر الناس بولایة علی الا کفورا یعنی تحقیق بیان کردیم

برای خلق در این قرآن از هر مثل پس امتناع نمودند اکثر مردم نسبت بولایت علی بن

ابیطالب از هر چیز مگر از کفران ورزیدن آیهٔ مبارکه بسم الله الرحمن الرحیم الحمد لله

الذی انزل علی عبده الکتاب ولم یجعل له عوجا قیما لینذر باسا شدیدا باس شدید
جناب امیر المؤمنین علیه السلام است که کفار را باس و عذاب شدید است و دشمنان
دین را قاتل است آیه مبارکه الذین کانت اعینهم فی غطاء عن ذکری وکانوا — در سوره کهف
لا یستطیعون سمعا از جناب صادق علیه السلام مرویست که فرموده ذکر خدا ولایت
علی علیه السلام است زمانیکه ذکر میشود علی بن ابیطالب چشمهای منافقین پوشیده
است و گوشهای آنها استطاعت سماع ندارند از کثرت بغض و عداوت که دارند آیه
مبارکه اولئک الذین کفروا بآیات ربهم ولقائه فحبطت اعمالهم فلا نقیم — در سوره کهف
لهم یوم القیمة وزنا در حدیث تفسیر شده کسانیکه کافر شده اند بولایت
علی بن ابیطالب علیه السلام و بملاقات پروردگار خود ملاقات میکنند رب خود را
ولایت بجناب پس باطل شد اعمال ایشان پس در روز قیامت برای اعمال آنها نمیگذاریم
میزانی از عمل خیر پس آنها سگهای جهنم هستند آیه مبارکه ان الذین آمنوا و — در سوره کهف
عملوا الصالحات کانت لهم جنات الفردوس نزلا یعنی کسانیکه ایمان آورده
اند و عمل صالح نموده اند برای ایشانست جنات فردوس پیشکشی و منزل که ساکن
شوند در آن در کتاب مجمع از جناب پیغمبر صلی الله علیه و آله روایتست که جنت
صد درجه است میان هر درجه بقدر مسافت میان زمین و آسمانست فردوس بالا
تر جنانست از حیثیت درجه از آن جاری میشود نهرهای بهشت و وقتیکه بخواهید
از خداوند کریم پس فردوس را سؤال نمائید و بخواهید در کتاب قمی حکایت شده که
از حضرت صادق علیه السلام روایتست که این آیه مبارکه در شان ابی ذر و مقداد و عمار بن

یاسر

یاسر و سلمان فارسی نازل شده این جنات فردوس منزل و ماوی ایشانست مؤلف
این احادیث و آیات مبارکه چه درجه و فضیلت برای جناب علی بن ابیطالب علیه السلام قرار
دهد و ولایت بجناب را چه توصیف کند جائیکه ابی ذر و مقداد و سلمان و عمار بن یاسر که
از اصحاب و اتباع و خدام جناب امیر المؤمنین علیه السلام بودند این منازل و مدارج را متصاحب
اند همین در شان آنحضرت کافیست آیه مبارکه قل لو کان البحر مدادا لکلمات ربی — در سوره کهف
لنفد البحر قبل ان تنفد کلمات ربی ولو جئنا بمثله مددا یعنی بگو هرگاه دریا
مرکب باشد برای کلمات پروردگار من هر آینه تمام میشود دریا و کلمات پروردگار
من تمام نمیشود مؤلف گوید همین مناسبت در شان جناب امیر المؤمنین صلوات الله
علیه که هرگاه دریاها مداد و درختها قلم باشد هر آینه احصای فضیلت و جمع منقبت
آنسید و مولای بنی آدم نمیتوان نمود در احادیث معتبره وارد است که این آیه مبارکه
در شان جناب امیر المؤمنین صلوات الله علیه نازل شده چه نیکو گفته بعضی از شعرا — در سوره کهف
کتاب فضل ترا آب بحر کافی نیست که تر کنی سر انگشت و صفحه بشماری آیه مبارکه در
سوره کهف است قل انما انا بشر مثلکم یوحی الی انما الهکم اله واحد فمن کان
یرجو لقاء ربه فلیعمل عملا صالحا ولا یشرک بعبادة ربه احدا جز این نیست که من
بشرم مثل شما وحی میشود بسوی من بدرستیکه خدای شما خدای یگانه است پس هر کس
امید لقای خدای خود را دارد عمل خود را نیکو نماید و شریک قرار ندهد در عبادت
خدای خود احدی را از جناب صادق علیه السلام روایت شده که از آنحضرت سؤال کردند
از این آیه مبارکه فرمودند عمل صالح معرفت و ولایت ائمه علیهم السلام است لا یشرک بعبادة

ربه احدا یعنی خالص نماید خود را برای جناب علی علیه السلام و در خلافت جناب علی بن ابی
طالب علیه السلام شریک قرار ندهد کسی را که نیست خلافت از برای او و نیستند او از اهل
ان بازا آنحضرت فرمودند که عمل صالح معرفت حق ائمه است و هر کس در ولایت جناب
علی بن ابیطالب شریک قرار بدهد دیگری را با خدا شریک قرار داده یعنی شریک قرار
دادن در خلافت و انکار نمودن ولایت آنحضرت را شرک بخدا است و اطاعت آنحضرت
اطاعت خداوند است **ایه مبارکه** یوم نحشر المتقین الی الرحمن وفدا ونسوق
المجرمین الی جهنم وردا از جناب صادق علیه السلام روایتست که فرمودند که جناب امیر
المؤمنین علیه السلام از حضرت رسول صلی الله علیه و آله سؤال نمودند از معنی این آیه
مبارکه یوم نحشر المتقین الی الرحمن وفدا فرمودند یا علی ان الوفد لا یکونون الا رکبانا
اولئک رجال اتقوا الله فاحبهم الله واختصهم ورضی اعمالهم فسمیهم المتقین
معنی ایه مبارکه اینست در روزیکه محشور میکنیم متقین را در حالتیکه وارد شدگان
باشند بر خدا یعنی بر منازل قرب خود که در بهشت داشته باشند و برانیم کافران بسوی
دوزخ چنانکه بهائم را رانند در حالتیکه تشنگان باشند یعنی انها را تشنه وبیا
بدوزخ کنیم در حدیث دیگر هم هست که جناب رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند
یا علی اینها یعنی متقیان شیعیان تو هستند **ایه مبارکه** لا یملکون الشفاعة الا
من اتخذ عند الرحمن عهدا یعنی مالک نمیشوند شفاعت را مگر کسیکه در نزد خدا
قبول عهد نماید یعنی قبول کند ولایت جناب امیر المؤمنین علیه السلام را معنی عهد ولایت
آنحضرتست شفاعت برای انها است که قبول کنند ولایت را **ایه مبارکه**
ان

ان الذین آمنوا وعملوا الصالحات سیجعل لهم الرحمن ودا یعنی کسانیکه ایمان
اورده اند و عمل صالح بجای آوردند زود بگرداند خداوند رحمن از برای ایشان دوستی
در دلهای مردمان یعنی انها را دوست و محبوب گرداند خلق میشاید سبب نزول ایه
مبارکه اینست که روزی جناب مولای متقیان در خدمت جناب رسول خدا صلی الله
علیهما نشسته بودند حضرت فرمودند از خدا بخواه ترا محبوب در نزد مؤمنین بفرماید و
بگو اللهم اجعل لی فی قلوب المؤمنین ودا پس حضرت خواندند بعد از ان این ایه
مبارکه نازل شد در کتاب کافی منقولست که مقصود از ود ولایت جناب امیر المؤمنین
علیه السلام است در حدیث دیگر از حضرت صادق علیه السلام منقولست که جناب رسول خدا
صلی الله علیه و آله در اخر نماز بصوت بلند دعا میکردند که مردم میشنیدند اللهم
هب لعلی المودة فی صدور المؤمنین والهیبة والعظمة فی صدور المنافقین
یعنی خدایا عطا کن بعلی مودت را در سینهای مؤمنین و هیبت و عظمت را در سینهای
منافقان بعد از ان این ایه مبارکه نازل شد که خداوند عالم فرمودند زود باشد که بگردانیم
او را محبوب **ایه مبارکه** فانما یسرناه بلسانک لتبشر به المتقین وتنذر به
قوما لدا قوم لدا را به بنی امیه تفسیر کرده اند یعنی پس جز این نیست که اسان کردیم بر
تو قران را که بلغت تو فرستادیم تا اینکه بشارت دهی با و متقین را و بترسانی قومی را
که خصومت و دشمنی ایشان سخت است و انها منافقین هستند در کتاب کافی از جناب
صادق علیه السلام روایتست که فرمود جز این نیست که خداوند عالم اسان کرد قران را بر
زبان حضرت رسالت هنگامیکه برپا نمود جناب امیر المؤمنین علیه السلام را علم هدایت پس
بشارة

بشارت دادند با مخصوص مؤمنین را و ترسانیدند کافرین را آیهٔ مبارکه وانی لغفار
لمن تاب و امن و عمل صالحا ثم اهتدی خداوند عالم میفرماید یعنی بدرستیکه من هر اینه
غفارم برای کسیکه توبه کند و ایمان آورد و عمل صالح نماید بعد از آن قبول هدایت
کند مراد از ثم اهتدی آنستکه راه بیابد بسوی ولایت اهل بیت علیهم السلام در کتاب مجالس
از حضرت رسول خدا صلی الله علیه و اله روایتست که فرمودند بجناب امیر المؤمنین
علیه السلام یا علی بتحقیق هر کس گمراه از تو شد گمراه ابدی شد و دیگر هدایت نمییابد بسوی
خدا کسیکه بسوی تو هدایت نیافت در کتاب مجمع از حضرت باقر علیه السلام عیاشی
روایت کرده ثم اهتدی یعنی بسوی ولایت ما اهل بیت قسم بخدای حق که هر گاه کسی عبادت
خدا کند مادام العمر در بین رکن و مقام بعد بمیرد در حالتیکه در ولایت ما نباشد
خداوند عالم او را بر رو در آتش جهنم می اندازد آیهٔ مبارکه ولقد عهدنا الی ادم
من قبل فنسی و لم نجد له عزما یعنی بتحقیق که عهد کردیم ما بسوی ادم از پیش پس
فراموش کرد و نیافتیم از برای او عزمی یعنی ثبات در امر از جناب صادق علیه السلام روایت
شده که خدا تعالی فرموده ما عهد کرفتیم از ادم در محمد و علی و فاطمه و حسن و حسین و
ائمه علیهم السلام پس فراموش کرد ادم و در حدیث دیگر هم هست که جناب باقر علیه السلام
فرموده که خداوند عالم عهد کرد بسوی حضرت ادم در حق محمد صلی الله علیه و اله و در حق
ائمه علیهم السلام پس فراموش کرد و فرو گذاشت باین سبب صاحب عزم نشد و سایر انبیا انانی
که اولوا العزم هستند قبول نمودند ولایت را و فراموش نکردند در حدیث دیگر هم هست
از آنجناب و قتیکه عهد و میثاق از انبیای اولوا العزم گرفته شد خداوند عالم فرموده

کلام امی که

مضمون

مضمون فارسی او این باشد که من رب شما هستم و محمد صلی الله علیه و اله رسول من
است و علی علیه السلام امیر المؤمنین است با و لادا و وا ولیاء من هستند و خزان علم من
و مهدی از ذریهٔ اینها است نصرت میدهم باو دین خود را و قوی میکنم دولت خود را باو و
انتقام میکشم باو از اعدای خود عرض کردند بدرگاه خدا تعالی که اقرار کردیم یا رب و ایمان آوردیم
باینها و شهادت دادیم پس حضرت ادم تامل نمودند نه انکار و نه اقرار این بود که صاحب عزم نشد
پس ثابت شد عزمت بر پیغمبر که جناب نوح و جناب خلیل و جناب موسی و جناب عیسی و
جناب محمد صلی الله علیه و آله بنابر این حضرت ادم صاحب عزم نشد که خدا تعالی میفرماید
و لم نجد له عزما آیهٔ مبارکه فمن اتبع هدای فلا یضل و لا یشقی یعنی پس هر کسی
که تابع شد هدایت مرا گمراه و شقی نمیشود در حدیث وارد است که هدایت ولایت
جناب امیر المؤمنین و اولاد آنجناب است کسیکه تابع امر آنها بشود هدایت یافته است
آیهٔ مبارکه و من اعرض عن ذکری فان له معیشة ضنکا و نحشره یوم القیمة
اعمی قال رب لم حشرتنی اعمی و قد کنت بصیرا قال کذلک اتتک ایاتنا فنسیتها
و کذلک الیوم تنسی از جناب صادق علیه السلام روایتست در کتاب کافی که یعنی
خدا تعالی فرموده هر کس اعراض کند از ذکر من یعنی از ولایت علی بن ابیطالب علیه السلام بدرستیکه
که معیشت آن تنگ میشود و محشور میکنیم او را در روز قیامت کور میگوید بخداوند
چرا محشور کردی مرا کور و حال آنکه من بینا بودم میفرماید بدترک کردی تو آیات ما را که ائمه
باشد و فراموش نمودی همچنین امروز ما هم ترا فراموش میکنیم آیهٔ مبارکه
و کذلک نجزی من اسرف و لم یؤمن بایات ربه و لعذاب الاخرة اشد و ابقی یعنی

همچنین جزا میدهیم انکس را که اسراف کرده و ایمان نیاورده بایات خدای خود هر اینه
عذاب اخرت سخت تر و دائمی است در کتاب کافی از جناب صادق علیه السلام روایت شده
که فرموده اند هر کس که بولایت امیر المؤمنین دیگری را شریک قرار بدهد و ایمان بان
جناب نیاورد در عذاب اخرت و مصداق این ایه مبارکه است و ایات سوره که خداوند
عالم فرموده اشعار بائمه است سلام الله علیهم ایه مبارکه وامر اهلک بالصلوة
واصطبر علیها لا نسئلک رزقا نحن نرزقک والعاقبة للتقوی یعنی امر کن اهل خود را
بر نماز و مداومت بکن بران ما از تو سوال رزق نمیکنیم ما ترا روزی میدهیم و عاقبت
امر برای صاحب تقوی است در عیون اخبار از حضرت رضا علیه السلام روایتست که فرمود
ما را خداوند عالم ما را باین ایه مبارکه اختصاص داده و مخصوص فرموده امر فرموده ما را بنماز
کردن با جمیع امت بعد از ان مخصوص کرده ما را فرموده که اهل خود را بنماز امر کن بعد از
نزول این ایه مبارکه جناب رسول خدا صلی الله علیه و اله تشریف میاوردند بدر خانه جناب
علی بن ابی طالب و فاطمه علیهما السلام در وقت نمازهای پنجگانه و میفرمودند الصلوة رحمکم الله
وما اکرم الله احدا من ذراری الانبیاء بمثل هذه الکرامة التی اکرمنا بها و خصنا
من دون جمیع اهل بیتهم یعنی حاضر شوید بنماز خدا شما را رحمت کند گرامی نداشته است
خداوند احدی را از ذریه انبیا مثل این کرامتی که خدا گرامی داشته است ما را بان و مخصوص
کرده ما را غیر از همه اهل بیت ایشان در حدیث دیگر هست که بهمین قاعده انحضرت
تشریف میبردند بخانه جناب علی علیه السلام تا اینکه از دنیا رحلت فرمودند ایه مبارکه
فاسئلوا اهل الذکر ان کنتم لا تعلمون از کتاب کافی نقل شده که روایتست از حضرت باقر

علیه السلام

تفسیر سوره طه

تفسیر سوره انبیاء

علیه السلام گفته شد با نحضرت بدرستیکه کسانی که نزد ما میباشند گمان میکنند بدرستیکه
از این ایه که خدا فرموده فسئلوا اهل الذکر ان کنتم لا تعلمون مراد علمای یهود و نصاری
هستند حضرت فرمودند در این هنگام میخوانند شما را بسوی دین خود پس بدست خود اشاره
بسینه مبارک نمودند که ما اهل بیت اهل الذکر هستیم نحن اهل الذکر و نحن المسئولون
ایه مبارکه وجعلنا من الماء کل شیء حی یعنی افریدیم از اب هر شیء را که زنده است معنی
باطنی که بتواتر از علمای شیعه و ائمه را تفسیر نموده اند عبارتست از جناب علی بن ابی طالب و اولاد
ظاهرین انجناب است علیهم السلام که بولایت ایشان همه حیات دارند ایه مبارکه
وهدوا الی الطیب من القول وهدوا الی صراط الحمید صراط الحمید ولایت جناب
علی بن ابیطالب علیه السلام است ایه مبارکه وبئر معطلة وقصر مشید اول ایه مبارکه
اینست فکاین من قریة اهلکناها وهی ظالمة فهی خاویة علی عروشها وبئر معطلة
وقصر مشید از جناب کاظم علیه السلام در کتاب کافی روایت شده بئر معطلة امام
صامت است و قصر مشید امام ناطق است صاحب تفسیر صافی بیان میکند وجه اینکه بئر
معطله چرا کنایه از امام صامت است و قصر مشید از امام ناطق برای انکه امام صامت
منبع علمست که ان حیات ارواح مردم است با اینکه خفادار و پوشیده است مگر
برکسیکه برود بسوی او چنانکه چاه منبع ابیست که سبب حیات ابدان مردم است با اینکه
مخفی است مگر بر کسیکه برود بسوی او پیدا کند ان را و کنایه اورده شده است از سکوت
امام علیه السلام بتعطیل و گفته شده بئر معطلة بعلت عدم انتفاع مردم از و که منقطع
بمنبرند و قدر ش را نمیدانند و علت کنایه امام ناطق بقصر مشید برای ظاهر بودن ان و علو

تفسیر سوره انبیاء

تفسیر سوره حج

تفسیر سوره حج

منصب ظاهری او است مرویست که قصر مشید کنایه از جناب امیر المؤمنین علیه السلام
و بئر معطله جناب فاطمه و فرزندان آنجنابست که حسن و حسین علیهما السلام باشد که مولای
ثقلین هستند و هر دو ایشان از ملک و حق خود معطل شده اند علی بن ابرهیم قمی ره
روایت کرده که آیه مبارکه بئر معطلة و قصر مشید مثل است برای آل محمد صلی الله علیه و
وان اما بیست که غایبست از و کسب علم و اخذ منفعت نمیشود
آله که آب از آن برداشته نمیشود تا وقت ظهور آنجناب قصر مشید آن قصر بلند است
و آن مثل است برای جناب امیر المؤمنین علیه السلام و برای ائمه سلام الله علیهم که اولاد
آنجنابند و فضائل ایشان که منتشر است در همه عالم اینخبریست که شرفیت و بلندی دارد
بر همه دنیا چنانکه خداوند عالم فرموده لیظهره علی الدین کله و چنانچه شاعر عرب گفته
بئر معطلة و قصر مشرف مثل لآل محمد مستطرف فالقصر مجدهم الذی لا یرتقی
و البئر علمهم الذی لا ینزف یعنی چاه معطل که از او آب برداشته نمیشود و قصر بلند
مثال خوبیست از برای آل محمد پس قصر عبارتست از بزرگی ایشان که بلند نمیشود بسوی
ایشان و چاه علم ایشانست که آبان بکشید تمام نمیشود آیه مبارکه و ما ارسلنا
من قبلک من رسول و لا نبی الا اذا تمنی القی الشیطان فی امنیته در کتاب کافی نقل شده از
حضرت باقر و حضرت صادق علیهما السلام مرویست که و لا محدث جزء آیه شریفه است و در
تتمه حدیثی که از جناب سید الساجدین علیه السلام مرویست مذکور است که محدث جناب
امیر المؤمنین علیه السلام است تتمه آیه مبارکه الا اذا تمنی القی الشیطان فی امنیته فینسخ
الله ما یلقی الشیطان ثم یحکم الله آیاته و الله علیم حکیم یعنی نفرستادیم ما پیش از
فرستادن تو رسولی و هیچ نبی را مگر چون آرزو کند میفکند شیطان در آرزوی او پس
زایل

زایل میکرداند خدا تعالی آنچه می افکند شیطان پس ثابت میکرداند خدا تعالی آیات خود را
و خدا تعالی دانا است باحوال بندگان و حکیم است یعنی هر فعلی که کند بر وجه حکمت و مصلحت
باشد روایت شده از ابی عبد الله علیه السلام روزی جناب رسول خدا صلی الله علیه و آله را
فقر عارض شد حضرت گرسنه بودند تشریف آوردند نزد یکی از انصار فرمودند آیا در نزد
تو طعام هست عرض کرد بلی یا رسول الله پس بزغاله ماده را ذبح کرد بریان نمود بخدمت
حضرت آورد حضرت تمنا نمود کاش جناب علی و فاطمه و حسن و حسین علیهم السلام در اینجا
حاضر میشدند پس اولی و دویمی حاضر شدند بعد از آن جناب امیر مؤمنان علیه السلام
تشریف آوردند بود که این آیه مبارکه نازل شد و ما ارسلنا من قبلک من رسول
و لا نبی (و لا محدث) الا اذا تمنی القی الشیطان فی امنیته فینسخ الله ما یلقی الشیطان ثم یحکم
الله آیاته یعنی وقتیکه آنجناب خواهش و تمنا کرد که جناب امیر المؤمنین علیه السلام در
آنجا باشد القا کرد شیطان در امنیه آنحضرت یعنی در آنچه که تمنای حضرت بود که آن دو نفر
آمدند حضرت رسول در آرزوی حضرت امیر بود که میخواست جناب امیر تشریف بیاورد
شیطان اول آن دو نفر را بآنجا رسانید پس نسخ کرد خداوند عالم چیزی را که شیطان القا
کرده که جناب امیر المؤمنین علیه السلام تشریف آوردند بعد از آنها ثم یحکم الله آیاته
یعنی خداوند عالم ثابت و محکم میکند بر خلق یعنی نصرت میدهد جناب علی بن ابیطالب علیه
السلام را آیه مبارکه و ان الله لهاد الذین آمنوا الی صراط مستقیم یعنی بدرستیکه
خداوند هر آینه هدایت کننده است کسانیرا که ایمان آورده اند بسوی صراط مستقیم
یعنی امام مستقیم بنا بر روایت قمی که جناب امیر المؤمنین علیه السلام و اولاد کرام آنحضرتست

در سورۀ حج

آیۀ مبارکه وَالَّذِینَ کَفَرُوا وَکَذَّبُوا بِآیَاتِنَا فَأُولَئِکَ لَهُمْ عَذَابٌ مُهِینٌ در حدیث
قمی وارد است کسانی که ایمان نیاورده‌اند بولایت جناب امیر المؤمنین علیه السلام
و ائمه از اولاد او علیهم السلام و تکذیب ایشان نمایند برای آنها عذاب خوار کننده هست
مراد از آیات ائمه علیهم السلام است آیۀ مبارکه وَجَاهِدُوا فِی اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ هُوَ اجْتَبَاکُمْ

در سورۀ حج

یعنی جهاد کنید در راه خدا جهادی که سزاوار جهاد باشد و خداوند شما را برگزیده است از
جناب رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت شده که چون از جنگ و جدال تبوک برگشتند
فرمودند رَجَعْنَا مِنَ الْجِهَادِ الْأَصْغَرِ إِلَى الْجِهَادِ الْأَکْبَرِ یعنی رجوع کردیم از جهاد اصغر
بسوی جهاد اکبر یعنی جهاد با نفس و مخالفت کردن او جهاد اکبر است در حدیث وارد است
که حضرت باقر علیه السلام فرمود که خداوند عالم در آیۀ مبارکه هُوَ اجْتَبَاکُمْ ما اهل بیت را
قصد نموده نَحْنُ الْمُجْتَبَوْنَ یعنی مائیم برگزیدگان آیۀ مبارکه وَلَوِ اتَّبَعَ الْحَقُّ أَهْوَاءَهُمْ

در سورۀ مؤمنون

لَفَسَدَتِ السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ وَمَنْ فِیهِنَّ هرگاه تابع میشد حق خواهشهای ایشان را
هر آینه تباه و ناچیز میشد آسمانها و زمینها و هر چه در آسمانها و زمینها است از ملائکه
و جن و انس و غیر آن از قمی حکایت شده که گفته است فساد آسمان نیامدن باران
و فساد زمین نروییدن نباتات است و در این حال فساد ناس هم حاصل میشود و نیز گفته است
که حق در این آیۀ مبارکه جناب رسول خدا و جناب امیر المؤمنین صلی الله علیهما و آلهما است
که بی وجود ایشان آسمانها و زمینها فاسد و تباه میشد آیۀ مبارکه إِنَّکَ لَتَدْعُوهُمْ

در سورۀ مؤمنون

إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِیمٍ در حدیث است یعنی الی ولایة امیر المؤمنین علیه السلام یعنی یا محمد دعوت
میکنی تو آنها را بسوی ولایت امیر المؤمنین و این مراد از صراط المستقیم است تتمۀ آیه

مبارکه

مبارکه وَإِنَّ الَّذِینَ لَا یُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ عَنِ الصِّرَاطِ لَنَاکِبُونَ در حدیث است یعنی
عن الإمام لناکبون یعنی کسانیکه ایمان بآخرت نیاورده‌اند و انکار قیامت مینمایند از
امام هر آینه عدول کننده‌اند آیۀ مبارکه إِنَّ اللَّهَ یَعْلَمُ مَا یُسِرُّونَ وَمَا یُعْلِنُونَ
إِنَّهُ لَا یُحِبُّ الْمُسْتَکْبِرِینَ یعنی خداوند عز و جل میداند چیزی را که پنهان میکنند و چیزی را که
اشکار میکنند و بدرستیکه او سبحانه دوست نمیدارد متکبرین را در حدیث است که مراد
از متکبرین کسانی‌اند که بر ولایت علی بن ابیطالب علیه السلام متکبرند یعنی از روی کبر در دل آنها

در سورۀ نور

خود منکر ولایت آنجناب میباشند خداوند عالم دوست نمیدارد آنها را آیۀ مبارکه
اللَّهُ نُورُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ مَثَلُ نُورِهِ کَمِشْکَاةٍ فِیهَا مِصْبَاحٌ الْمِصْبَاحُ فِی
زُجَاجَةٍ الزُّجَاجَةُ کَأَنَّهَا کَوْکَبٌ دُرِّیٌّ یُوقَدُ مِنْ شَجَرَةٍ مُبَارَکَةٍ زَیْتُونَةٍ لَا شَرْقِیَّةٍ
وَلَا غَرْبِیَّةٍ یَکَادُ زَیْتُهَا یُضِیءُ وَلَوْ لَمْ تَمْسَسْهُ نَارٌ نُورٌ عَلَى نُورٍ یَهْدِی اللَّهُ
لِنُورِهِ مَنْ یَشَاءُ وَیَضْرِبُ اللَّهُ الْأَمْثَالَ لِلنَّاسِ وَاللَّهُ بِکُلِّ شَیْءٍ عَلِیمٌ یعنی خدا نور
آسمانها و زمینها است صفت نور یکه منسوب باو است مانند روزنه ایست در دیوار
که نهایت آن بخارج راه ندارد و مانند طاقچۀ بی بسته که در آن چراغی افروخته در قندیلی
است از آبگینه که مصباح در آن نورانی‌تر است آن آبگینه از غایت صفا و لطافت گویا
ستاره ایست بزرگ درخشنده آن چراغ که در آبگینه است افروخته شده در ابتدا از
روغن درخت با برکت بسیار نفع که آن زیتونست که در زمین مقدسه رسته است
نه در جانب شرقست از معموره و نه در طرف غرب از معموره نزدیکست روغن آن درخت
روشنی دهد بنفس خود و اگر چه نرسیده باشد بآن آتش روشنی افروده باشد بر روشنی او

راه مینماید خدا بنور ثابت خود هر کرا میخواهد و بیان میکند مثلها را برای مردمان و خدا بهمه چیزها دانا است از جناب صادق علیه السلام مرویست که فرموده اند

الله نور السموات و الارض مثل نوره جناب رسول خدا صلی الله علیه و آله است کمشکوة آن سینه مبارکه حضرت رسول صلی الله علیه و آله است نور علم در اینجا بنوست المصباح فی زجاجة چراغیست در شیشه علم آن رسول الله است که برگشته است بسوی قلب جناب علی علیه السلام گویا قلب مبارک حضرت امیر المؤمنین علیه السلام زجاجه است الزجاجة کانها کوکب دری یوقد من شجرة مبارکة زیتونة لا شرقیة و لا غربیة یعنی لا یهودیة و لا نصرانیة از جناب صادق علیه السلام منقولست که فرموده اند این کوکب دری جناب امیر المؤمنین علیه السلام است که افروخته شده از شجره مبارکه ابراهیمیه نه یهودیست و نه نصرانی یکاد زیتها یضیء و لو لم تمسسه نار از جناب صادق علیه السلام مرویست که نزدیکست که علم خارج شود از دهن عالم آل محمد که جناب امیر المؤمنین و امامان از اولاد آنحضرتست پیش از انکه نطق کند بان یعنی نور علم حضرت روشنی میدهد پیش از بیان نور علی نور یعنی الامام فی اثر الامام آن امام بعد از امام است آیه مبارکه فی بیوت اذن الله ان ترفع و یذکر فیها اسمه یعنی آن مشکوة در خانهائیست که خداوند اذن داده که بلند شود و ذکر کرده شود نام خدا در آن خانها مراد از بیوت بروایتی خانهای انبیا و خانه علی بن ابیطالب صلوات الله علیه از آنها است در حدیث دیگر از جناب باقر علیه السلام منقولست که قتاده یکی از بزرگان علمای اهل سنت است عرض کرد جعلت فداک

قسم

قسم بخدا هر آینه بتحقیق نشستیم در پیش روی فقها پس قلب من مضطرب نشد پیش روی هیچیک از آنها چنانکه مضطرب شد دلم در پیش روی تو حضرت فرمود آیا میدانی کجائی تو و کجا نشسته در مقابل بیوتی نشسته که خداوند عالم فرموده فی بیوت اذن الله ان ترفع تا اخر آیه پس تو در آنجائی و ما آن بیوت هستیم قتاده عرض کرد صدقت و الله جعلنی الله فداک یابن رسول الله قسم بخدا مراد از بیوت خانهای گلی و سنگی نیست بلکه شما ئید آیه مبارکه و اذا دعوا الی الله و رسوله لیحکم بینهم ان یقولوا سمعنا و اطعنا و اولئک هم المفلحون در حدیث وارد شده که مراد از این آیه جناب امیر المؤمنین علیه السلام است یعنی چون خوانده شوند بکتاب خدا و پیغمبر او تا حکم کند میان ایشان بوقت مخاصمه آنکه گویند شنیدیم قول ترا و فرمان بردار یم امر ترا و اگرچه حکم بر ما باشد نه برای ما و آنگروه مؤمنان ایشانند رستگاران و مراد از مفلحون آنجنابست آیه مبارکه وعد الله الذین آمنوا منکم و عملوا الصالحات لیستخلفنهم فی الارض کما استخلف الذین من قبلهم و لیمکنن لهم دینهم الذی ارتضی لهم و لیبدلنهم من بعد خوفهم امنا یعبدوننی لا یشرکون بی شیئا و من کفر بعد ذلک فاولئک هم الفاسقون وعده کرده است خداوند آنکسانیرا که ایمان آورده اند و عمل صالح نموده اند هر آینه خلیفه کرداند خدا بتعالی ایشانرا در زمین یعنی بعد از پیغمبر چنانکه خلیفه کردانید اوصیا را قبل از آنها و هر آینه متمکن و مستقر سازد و باقوت کرداند خدا چنانکه برای ایشان دین ایشانرا از دینی که برگزیده است برای ایشان که اسلام است و

هر اینه بدل دهد ایشانرا ایمن از ترس ایشان از دشمنان ایمنی از انها در حالتیکه عبادت
کنند مرا و شریک قرار ندهد با من شیء را و هر کس بعد از این وعده کافر شود پس انها
ایشانند فاسقان از کتاب کافی نقل شده که از جناب صادق علیه السلام روایتست که
ایشان یعنی انانیکه خدا ان وعده را با ایشان نموده جناب امیر المؤمنین و امامان
از اولاد انجناب علیهم السلام است یعنی چون خداوند عالم اوصیا خود کرد ایشان را
بعد از رسول خود پس چنانکه قبل از انها اوصیا بعد از انبیای سلف استمکن و
برقرار فرموده بود ایشان را نیز متمکن و خلیفه کرداند در کل روی زمین و مبدل کند
خوف ایشان را با من که احدی در عبادت پروردگار مخالفت ایشان را نکند در اخر الزمان
در زمان ظهور حضرت قائم عجل الله فرجه و سهل مخرجه و رجعت ائمه علیهم السلام چنانکه
ایهٔ مبارکه هَلْ يَنظُرُونَ إِلَّا أَن يَأْتِيَهُمُ اللَّهُ فِي ظُلَلٍ مِّنَ الْغَمَامِ تا ویلش در رجعت است
مراد از غمام جناب امیر المؤمنین علیه السلام است یعنی انتظار نمیکنند مگر انکه
بیاید ایشان را امر خدا و سخط خدا در سایهای از ابر یعنی جناب امیر المؤمنین علیه السلام
که غضب خدا است بر کفار و فجار متمم ایهٔ مبارکه وَمَن كَفَرَ بَعْدَ ذَٰلِكَ فَأُولَٰئِكَ
هُمُ الْفَاسِقُونَ و هر کسیکه بعد از ان منکر و کافر شود بولایت ایشان پس انهایند
فاسقان یعنی منکرین ولایت در ان وقت فاسقند ایهٔ مبارکه يَوْمَ تَشَقَّقُ السَّمَاءُ
بِالْغَمَامِ وَنُزِّلَ الْمَلَائِكَةُ تَنزِيلًا یعنی تشقق السماء بسبب طلوع الغمام منها یعنی شکافته
میشود اسمان بسبب طلوع ابر سفید از ان قبل از جناب صادق علیه السلام روایت
کرده که غمام جناب امیر المؤمنین علیه السلام است ایهٔ مبارکه وَيَوْمَ يَعَضُّ

در سورهٔ فرقان

در سورهٔ فرقان

الظالم

الظَّالِمُ عَلَىٰ يَدَيْهِ يَقُولُ يَا لَيْتَنِي اتَّخَذْتُ مَعَ الرَّسُولِ سَبِيلًا يَا وَيْلَتَىٰ لَيْتَنِي لَمْ
أَتَّخِذْ فُلَانًا خَلِيلًا یعنی روزیکه میگزد ظالم دو دست خود را که اولی باشد میگوید
ایکاش با رسول خدا راهی میداشتم یعنی علی بن ابیطالب را اخذ میکردم امام مقتدا و ثانی
را دوست نمیگرفتم و او را اختیار نمینمودم ایهٔ مبارکه لَّقَدْ أَضَلَّنِي عَنِ الذِّكْرِ
بَعْدَ إِذْ جَاءَنِي وَكَانَ الشَّيْطَانُ لِلْإِنسَانِ خَذُولًا یعنی هر اینه بتحقیق گمراه کرد مرا دومی
او از ذکر خدا بعد از انکه امد بسوی من ذکر خدا و حکم شد که ولایت جناب علی بن ابیطالب
علیه السلام را قبول کنم در حدیثست که ذکر ولایت انحضرت است ایهٔ مبارکه وَهُوَ الَّذِي
مَرَجَ الْبَحْرَيْنِ هَٰذَا عَذْبٌ فُرَاتٌ وَهَٰذَا مِلْحٌ أُجَاجٌ یعنی خداوند عالم انکسیست که
خالی کرده دو دریا را باینگونه که مشتبه نشوند بیکدیگر یکی شیرین و یکی شور و تلخ
از کتاب کافی حکایت شده که از ائمه علیهم السلام وارد شده که خداوند عالم نشان داده و ولایت
ما را بر دریاها هر کدام ولایت ما را قبول کردند شیرین و گوارا شدند و هر یک که قبول
و منکر گردیدند شور و تلخ شدند ایهٔ مبارکه هُوَ الَّذِي خَلَقَ مِنَ الْمَاءِ بَشَرًا فَجَعَلَهُ
نَسَبًا وَصِهْرًا وَكَانَ رَبُّكَ قَدِيرًا یعنی خدا انکسیست که خلق کرد از اب بشری را پس
او را نسب کرد این و داماد کرد و بود پروردگار تو دانا و از کتاب مجمع و ابستنه و
در احادیث معتبرهٔ نیز وارد شده است که ایهٔ مبارکه در شان جناب امیر المؤمنین علیه السلام
نازلست که انحضرت منسوب بود با جناب پیغمبر صلی الله علیه و آله بسبب صلب که پسر عموی
انجناب بود و از صلب عبد المطلب بودند و داماد بود بجهت خترش فاطمه سلام الله
علیهما حکایت شده از کتاب امالی باسناد معتبره که بسنت روایت باسن بن مالک داده

قاموس
مرج البحرین
وا مرجهما خلاهما لا
یلتبس احدهما بالآخر
فی المجمع
مرج البحرین یلتقیان
ای خلاهما لا
یلبس احدهما
بالآخر

در سورهٔ فرقان

میشود که از جناب پیغمبر صلی الله علیه و آله سؤال کرده جعلت فداک علی برادر تست
فرمودند بلی علی بن ابیطالب برادر من است عرض کرد فدای تو شوم بیان فرما که علی چگونه
برادر تست حضرت فرمودند خدای عزوجل خلق کرد آبی را در زیر عرش سیصد هزار
سال قبل از خلقت آدم و ساکن کرد آن آب را در میان لؤلؤ سبز فی غامض علمه الی
ان خلق آدم در غامض علم خود تا زمانیکه حضرت آدم را خلق کرد پس نقل نمود آن
آب را از آن لؤلؤ پس جاری نمود بصلب آدم و قتیکه قبض روح آن حضرت نمود نقل کرد
آن آب را بصلب شیث پشت در پشت تا بصلب عبد المطلب بعد از آن شقه کرد
خداوند عالم نصف آن را بصلب عبد الله و نصف دیگر را بصلب ابوطالب پس من از آن نصف
آب هستم و علی از نصف دیگر است پس علی بن ابیطالب علیه السلام برادر من است
در دنیا و آخرت آیه مبارکه و یعبدون من دون الله ما لا ینفعهم و لا یضرهم
و کان الکافر علی ربه ظهیرا یعنی عبادت میکنند غیر خدا چیزی را که نفعی و ضرری
با ایشان نمیرسانند و بود کافر بر پروردگار خود ظهیر لفظ علی بمعنی ضرر است و
الظهیر بمعنی المعوان ای عونا علی ربه بالایذاء مثل قوله تعالی فان تظاهرا علیه ای
تعاونا یعنی عایشه و حفصه بایذاء النبی و بالسوء و کافر بر رب خود ظهیر است یعنی
هم پشت است بکافری مثل خود بر ضرر دین رب خود و در حدیث دیگر از قمی وارد
است که کافر در این آیه مبارکه دومی است که بر جناب امیر المؤمنین علیه السلام ظهیر
بود یعنی دومی بر حضرت هم پشت بود با اولی آیه مبارکه و الذین لا یدعون
مع الله الها آخر و لا یقتلون النفس التی حرم الله الا بالحق و لا یزنون و من

یفعل

یفعل ذلک یلق اثاما یضاعف له العذاب یوم القیمة و یخلد فیه مهانا
الا من تاب و آمن و عمل عملا صالحا فاولئک یبدل الله سیئاتهم حسنات و
کان الله غفورا رحیما یعنی هر کسی که زنا کند و قتل نفس نماید و با خدا خدای
دیگر را بخواند برسد و به بیند جزای بدکاری خود را و گویند اثام چاهی است در جهنم
اگر سنگی از کنار او رها کنند در مدت هفتاد سال در قعر آن رسد و چند انکه
شود مر او را عذاب در روز قیامت و مخلد است در جهنم مگر کسیکه توبه کند و ایمان
آورد و بکند کارهای شایسته پس خداوند عالم گناهان ایشان را مبدل میکند
به نیکوئیها و هست خدا آمرزنده گناهان گناهکاران بتوبه و هست خدا تعالی
مهربان با ایشان در کتاب امالی روایت شده است که از جناب محمد باقر علیه السلام
سؤال کرده شد از تفسیر این آیه مبارکه فرمودند میآورند مؤمن گناهکار یعنی
از شیعیان ما اهل بیت تا آنکه باز داشته میشود بموقف حساب در روز قیامت پس
خداوند عالم میباشد آنکسیکه مباشرت و قیام مینماید بحساب او و مطلع نمیکند بر
حساب او کسی را از مردم پس میشناساند باو گناهان او را تا وقتیکه اقرار نماید
به بدیهای خود میفرماید خدا تعالی مر نویسندگان اعمال را که مبدل کنید اعمال
شیعه اهل بیت را بحسنات و هویدا سازید حسنات را که کسی مطلع نشود بر
در آن هنگام خلایق میگویند ما کان لهذا العبد سیئة واحدة اینچنین بود از برای
این بنده یک گناه بعد از آن امر میفرماید خداوند او را داخل بهشت کنند اولئک
یبدل الله سیئاتهم حسنات پس اینست تاویل آیه و این در گناهکاران از شیعیان

در فضل شیعیان

ما بخصوصه هست که گناهان ایشانرا بدل به نیکوئیها میکنند در حدیث
از ابی یحیی اللیثی روایت است از امام محمد باقر علیه السلام فرموده اند در روز قیامت
خداوند عالم امر میفرماید حسنات دشمنان را بگیرند ببرد دوستان ما رد کنند و
گناهان شیعیان و محبان ما را گرفته بر دشمنان ما رد نمایند آیه مبارکه
وَالَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا هَبْ لَنَا مِنْ أَزْوَاجِنَا وَذُرِّيَّاتِنَا قُرَّةَ أَعْيُنٍ وَاجْعَلْنَا
لِلْمُتَّقِينَ إِمَامًا یعنی و دیگر عباد الرحمن آنانند که از روی نیاز میگویند ای پروردگار
ما ببخش ما را از زنان ما و فرزندان ما کسیکه روشنی دیده ما باشد و بگردان ما را
برای پرهیزکاران پیشوا یعنی ما را چنان توفیق پرهیزکاری ده که شایسته امامت
متقیان باشیم از کتاب جوامع نقل شده که جناب صادق علیه السلام فرموده ما را
خداوند قصد کرده است و در روایت دیگر وارد شده است که این آیه در شان ما
نازل شده و از مناقب نقل شده که این آیه مبارکه که مخصوص بجناب ولایت مآب است که
اکثر دعای آنحضرت این بود ربنا هب لنا من ازواجنا وذریاتنا قرة اعین مراد از زوجه
جناب فاطمه علیها السلام است و از ذریات حسن و حسین علیهما السلام از حضرت امیر المؤمنین
علیه السلام مرویست که آنحضرت فرموده قسم بخدا من هرگز اولادی نخواستم که
خوش رو و خوش قامت ولکن من از خداوند سؤال کردم اولادی که مطیع باشند مر
خدا تعالی را و خائف و ترسناک باشند از خدای عز و جل تا آنکه زمانیکه نظر کنم بسوی
او و حال آنکه مطیع باشد مر خدا را و از او خائف و وجل باشد چشم من روشن شود
معنی واجعلنا للمتقین اماما حضرت فرموده یعنی بگردان ما را برای متقیان امام و پیشوا

اقتدا

در شیعیان هم

اقتدا نمایند بکسانیکه قبل از ما بوده اند پس اقتدا نمایند بما متقیان که بعد از ما
در حدیث دیگر از قمی مرویست که جناب صادق علیه السلام فرموده که ما اهل
بیتی نانیم که این دعا را میکنیم و قمی فرموده که روایت شده بدرستیکه از ازواج ما
خدیجه کبری است و ذریات ما فاطمه زهرا است و قرة اعین حسن و حسین است و جعلنا
لِلْمُتَّقِينَ إِمَامًا جناب علی بن ابیطالب و اولاد طاهرین علیهم السلام است مؤلف گوید
یعنی مراد از لفظ متقین ائمه سلام الله علیهم خواهد بود و بنابراین دعا کننده حضرت
رسول صلی الله علیه و آله میباشد نه حضرت امیر المؤمنین علیه السلام آیه مبارکه
وَاجْعَلْ لِي لِسَانَ صِدْقٍ فِي الْآخِرِينَ وَاجْعَلْنِي مِنْ وَرَثَةِ جَنَّةِ النَّعِيمِ یعنی بگردان
برای من زبان راست یعنی زبان ثناگو و ثناخوان در میان پس آمدگان یعنی ثنای نیکو
نامی و آوازه مرا جاری گردان بر زبان کسانیکه از پس من آیند و بگردان مرا از وارثان
بهشت پر نعمت را آخرت در حدیث از قمی وارد است که لسان صدق جناب ولایت مآب است
آیه مبارکه وَإِنَّهُ لَتَنْزِيلُ رَبِّ الْعَالَمِينَ نَزَلَ بِهِ الرُّوحُ الْأَمِينُ عَلَىٰ قَلْبِكَ لِتَكُونَ
مِنَ الْمُنْذِرِينَ بِلِسَانٍ عَرَبِيٍّ مُبِينٍ وَإِنَّهُ لَفِي زُبُرِ الْأَوَّلِينَ در شان جناب امیر المؤمنین
علیه السلام نازل شده است جناب محمد باقر و جناب جعفر صادق علیهما السلام فرموده اند
مراد از لفظ انه ولایت جناب امیر المؤمنین علیه السلام است اینان ولایتی که نازل شد
در روز غدیر خم برای جناب امیر المؤمنین علیه السلام بلسان عربی آورد چونکه لسان
قوم حضرت ختمی مآب عربی بود علی بن ابرهیم قمی از جناب صادق علیه السلام روایت کرده
در تفسیر آیه مبارکه وَلَوْ نَزَّلْنَاهُ عَلَىٰ بَعْضِ الْأَعْجَمِينَ فَقَرَأَهُ عَلَيْهِمْ مَا كَانُوا بِهِ مُؤْمِنِينَ

در شیعه

در شیعیان

خداوند عالم فرموده هر گاه نازل میکردیم قران را بر عجم جماعت عرب ایمان نمی اوردند
و بتحقیق که نازل کرد خداوند عالم قران را بر عرب پس عجم هم ایمان اوردند بقران پس
این ایهٔ مبارکه در فضیلت عجم است ایهٔ مبارکه وَاَنذِرْ عَشِیرَتَکَ الْاَقْرَبِینَ وَاخْفِضْ
جَنَاحَکَ لِلْمُؤْمِنِینَ بر روایت قمی چون این ایه و اینه الهدایه در مکه معظمه نازل شد جمع
نمود جناب رسول خدا صلی الله علیه و اله بنی هاشم را و ایشان چهل نفر بودند کُلّ واحدٍ
مِنهُم یأکل الجذع و یشرب القربة فاتخذ لهم طعاما یسیرا بحسب ما امکن
فاکلوا حتی شبعوا فقال رسول الله صلی الله علیه و اله من یکون وصیی و
وزیری و خلیفتی فقال ابو لهب جزما سحرکم محمد صلی الله علیه و اله فتفرقوا
فلما کان الیوم الثانی امر رسول الله صلی الله علیه و اله ففعل لهم مثل
ذلک ثم سقیهم اللبن حتی رووا فقال رسول الله ایکم یکون وصیی و وزیری
و خلیفتی فقال ابو لهب جزما سحرکم محمد فتفرقوا فلما کان الیوم الثالث
امر رسول الله صلی الله علیه و اله ففعل لهم مثل ذلک ثم سقیهم اللبن
فقال رسول الله صلی الله علیه و اله ایکم یکون وصیی و وزیری و ینجز
عداتی و یقضی دینی فقام علی علیه السلام و کان اصغرهم سنا و احمشهم
ساقا و اقلهم مالا فقال انا یا رسول الله فقال انت هو معنی حدیث مبارک
اینست که جناب رسول خدا صلی الله علیه جمع فرمودند بنی هاشم را و ایشان
چهل نفر بودند هر یک از انها یک بزغاله را میخوردند و یک خیک اب می اشامیدند
پس انحضرت طعام کمی و سهلی که ممکن بود برای ایشان فراهم اورد پس خوردند تا همه

سیر شدند

شدند پس حضرت فرمودند که وصی و وزیر و خلیفه من میشود پس ابو لهب علیه اللعنه
گفت محمد شما را سحر کرده قطعا پس متفرق شدند چون روز دویم شد حضرت جمع کرده
انها را و بهمان قسم نمود پس اشامانید شیر را بایشان تا انکه سیر شدند باز فرمودند
کدام یک از شما وصی و وزیر و خلیفه من می شود باز ابو لهب علیه اللعنه گفت محمد شما را
سحر کرده پس متفرق شدند پس چون روز سیم شد امر فرمودند جمع شدند و باز
بهمان نوع نمود پس اشامانید بایشان شیر را تا انکه سیر شدند بعد از ان باز فرمود
کدام یک از شما وصی و وزیر و خلیفه من میشود و وفا میکند بوعدهای من و ادا میکند
قرض مرا پس جناب امیر المؤمنین علیه السلام برخواست و حال انکه کوچک ترین ایشان
بحسب سن و باریک ترین ایشان بود بحسب ساق و کمترین ایشان بود بحسب مال پس
عرض کرد یا رسول الله من هستم حضرت فرمود تو او هستی که خلیفه من و وصی من
و وزیر من و وفا کننده بوعدهای من و ادا کننده قرض منست ایهٔ مبارکه
وَقَالَ یَا اَیُّهَا النَّاسُ عُلِّمْنَا مَنطِقَ الطَّیْرِ وَاُوتِینَا مِن کُلِّ شَیْءٍ یعنی حضرت سلیمان
گفت ای مردم اموخته شدیم زبان مرغها را و از هر چیز داده شدیم در کتاب
بصائر از جناب امیر المؤمنین علیه السلام روایت شده است که انحضرت فرمودند
بابن عباس بدرستیکه خداوند عالم بما تعلیم فرمود زبان پرنده گان را چنانکه بسلیمان
ابن داود تعلیم نمود و همچنین اموخته زبان هر جنبنده را که در دریا باشد و عن ابنا
علیه السلام انه وقع عندی زوج ورشان علی الحائط و هدلا هدیلهما فرد علیهما
علیهما کلامهما ساعة ثم نهضا فلما طارا علی الحائط هدل الذکر علی الانثی ساعة

ثم نهضا فسئل علیه السلام ما هذا الطیر فقال کل شیء خلقه الله من طیر او
بهیمة او شیء فیه روح فهو اسمع لنا و اطوع من ابن ادم ان هذا الورشان ظن
بامرءته فحلفت له ما فعلت فقال لن ترضی بمحمد بن علی علیه السلام فرضیا بی فاخبرته
انه لها ظالم فصدقها از حضرت باقر علیه السلام روایت شده است که یکجفت
کبوتر سفید بخدمت آنحضرت از بالای دیوار بزمین فرود آمدند و آواز دادند
و آواز خود را پس حضرت رد کرد برایشان کلام ایشان را ساعتی پس یکساعت جواب ایشان
فرمود پس برخاستند و پریدند بر بالای دیوار کبوتر نر ساعتی گفتگو کرد پس
برخاستند و پریدند پس از آنحضرت سوال شد از مرغها چه بود و حکایت ایشان
چه پس حضرت فرمود هر چیز که خدا خلق کرده از پرنده و چرنده و هر چیز که صاحب روح است
مطیع تر و شنونده تر است برای ما از بنی آدم بدرستیکه این کبوتر نر بر جفت خود گمان بد
کرده بود پس جفتش قسم خورد برای او که نکرده آنچیزی را که گمان کرده کبوتر گفت
راضی میشوم بحاکمیت محمد بن علی علیهم السلام پس راضی شدند پس من خبر دادم او را که ظالم
است مر زوجه اش را پس تصدیق نمود زوجه خود را اخبار کثیره که ذکر شد همین وارد است
که طیور و سایر حیوانات تکلم با ائمه سلام الله علیهم و اطاعت و انقیاد ایشان مینمودند
آیه مبارکه قل الحمد لله و سلام علی عباده الذین اصطفی یعنی بگو حمد مر
خدا را است و درود بر بندگان او سبحانه آنانکه ایشان را اختیار نموده است در کتاب
جوامع روایتست که ایشان آل محمد اند که جناب علی و ائمه از اولاد طاهرین او صلوات
الله و سلامه علیهم میباشند آیه مبارکه امن یجیب المضطر اذا دعاه و یکشف

السوء

السوء و یجعلکم خلفاء الارض از جناب صادق علیه السلام مرویست که این آیه نازل شده است
در شان جناب قائم آل محمد صلی الله علیه و آله یعنی او قسم بخدا آنجناب مضطر است
که چون دو رکعت نماز گذارد در مقام ابرهیم علیه السلام و بخواند خدا را عز و
جل اجابت نماید دعای او را خدا و ندبر طرف نماید بدیرا از او خلیفه میکند او را
در روی زمین آنحضرت را آیه مبارکه و اذا وقع القول علیهم اخرجنا لهم
دابة من الارض تکلمهم ان الناس کانوا بایاتنا لا یوقنون یعنی چون واقع
شود گفتار که آن وعده عذابست برایشان بیرون آوریم برای ایشان جنبنده از
زمین سخن گوید با ایشان آنکه مردمان بودند بسخنان ما از وعده و وعید حشر و
نشر از سر یقین تصدیق بآن نمیکردند فی از جناب صادق علیه السلام روایتکرده
که روزی جناب رسول خدا صلی الله علیه و آله بنزد جناب امیر المومنین علیه السلام تشریف
بردند در حالتیکه آنحضرت قدری از ریگ جمع کرده بر سر گذاشته در مسجد خوابیده
بودند جناب رسول خدا صلی الله علیه و آله حرکت دادند آنحضرت را و فرمودند برخیز یا
دابة الارض بعضی از اصحاب عرض کردند جعلنا فداک بنامند یا یکدیگرا
بابن اسم حضرت فرمودند لا والله نیست این اسم مگر مخصوص باو و اینست آن دابه ایکه
خدا ذکر فرموده تا اینجا یکه فرمودند یا علی چون آخر الزمان میشود خارج میکند خدا
ترا در احسن صورت و معک میسم تسم به اعداءک تا آخر حدیث و سم یعنی داغ نهادن
و میسم آلت داغ است یعنی بدرستیکه تو الت داغ است که دشمنان خود را داغ مینهی و
نشان میکنی از جناب صادق علیه السلام باز روایتست که شخصی از عمار بن یاسر سوال

کرد که این آیه مبارکه ما را ایشان در غیب انداخته عمار فرمود که کدام آیه عرض کرد این آیه
مبارکه وَأَخْرَجْنَا لَهُمْ دَابَّةً مِنَ الْأَرْضِ دابة الارض چیست و کیست عمار جواب داد که
نمیخورم و نمی آشامم و نمینشینم تا اینکه بتو نشان دهم پس عمار با آن شخص آمدند بخدمت
باسعادت جناب امیر المؤمنین علیه السلام در حالتیکه آنحضرت خرما و مسکه تناول
میفرمودند حضرت فرمودند ای ابا الیقظان بیا بخور پس عمار آمد و نشست و با آن
جناب مشغول بخوردن شد پس آن شخص تعجب کرد پس چون عمار برخواست و آنهم برخواست
گفت سبحان الله تو قسم خوردی که نخوری و نیاشامی و ننشینی تا اینکه دابة الارض را
بمن نشان دهی عمار فرمود بتحقیق نمودم بتو دابة الارض را اگر دانا بودی میشناختی

سوره نمل

آیه مبارکه مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ خَيْرٌ مِنْهَا وَهُمْ مِنْ فَزَعٍ يَوْمَئِذٍ آمِنُونَ
وَمَنْ جَاءَ بِالسَّيِّئَةِ فَكُبَّتْ وُجُوهُهُمْ فِي النَّارِ یعنی هر کس بیاید به نیکوئی پس او را
جزائیست بهتر از آن فعل نیکو و ایشان از هول عظیم در روز قیامت ایمنند و هر که
بکند خصلت بد را پس نگونسار کرده شود رویهای ایشان در آتش در حدیث وارد
است که حسنه قسم بخدا که ولایت جناب امیر المؤمنین علیه السلام است و سیئه
قسم بخدا پیروی دشمنان آنحضرت است در کتاب روضة الواعظین از جناب باقر علیه السلام
روایتست که حسنه ولایت و حب جناب امیر المؤمنین علیه السلام است سیئه عداوت
و بغض آنحضرت است و هیچ عملی با بغض و عداوت او بلند و مقبول نمیشود آیه مبارکه

سوره نمل

وَقُلِ الْحَمْدُ لِلَّهِ سَيُرِيكُمْ آيَاتِهِ فَتَعْرِفُونَهَا وَمَا رَبُّكَ بِغَافِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ در حدیث وارد
است که آیات جناب امیر المؤمنین و ائمه از اولاد طاهرین اینجنابست تا آخر حدیث

قال

بعض نسخه است که [illegible]

سوره قصص

قال امیر المؤمنین علیه السلام وَاللَّهِ مَا لِلَّهِ آيَةٌ أَكْبَرُ مِنِّي یعنی قسم بخدا از من بزرگتر آیتی
برای خداوند نیست آیه مبارکه إِنَّكَ لَا تَهْدِي مَنْ أَحْبَبْتَ وَلَٰكِنَّ اللَّهَ يَهْدِي
مَنْ يَشَاءُ وَهُوَ أَعْلَمُ بِالْمُهْتَدِينَ در شان جناب ابوطالب علیه السلام که پدر بزرگوار
جناب امیر المؤمنین علیه السلام است در کافی از جناب صادق صلوات الله علیه روایت
شده که مثل ابوطالب مثل اصحاب کهف است که پنهان کردند ایمانرا و کفر را ظاهر
نمودند صاحب تفسیر صافی میگوید جناب ابوطالب که ایمان خود را پنهان میکرد بجهة
آن بود که قدرتش زیادتر باشد بر نصرت و هواداری جناب رسول خدا صلی الله
علیه و آله فآتیهم الله اجرهم مرتین پس خداوند عالم داد ایشانرا اجر دو مرتبه
یعنی دو اجر میدهند در احادیث وارد شده که شخصی بخدمت جناب امیر المؤمنین
علیه السلام عرض کرد که تو در این مرتبه هستی که خدا تعالی بتو کرامت فرموده یعنی امیر مؤمنانی
و پدرت ابوطالب در آتش جهنم معذب میباشد حضرت فرمودند مه فض الله فاک
یعنی ساکت شو خدا دهان ترا بشکند قسم بخدائیکه محمد را برانگیخت برسالت بر حق
هرگاه پدر من هر گناهکاری برابر روی زمین شفاعت کند هر آینه خدا قبول میفرماید
هر آینه پدر من در آتش جهنم معذب میباشد و حال آنکه پسر او قسیم النار والجنة است
یعنی این نخواهد شد مؤلف گوید بخیال این شخص نادان که ابوطالب در
ایام جاهلیت بوده ایمان در باطن نیاورده و در کفر بوده اعوذ بالله چنانکه در حدیث وارد
است بخدمت جناب صادق علیه السلام عرض شد که مردم گمان میکنند که ابوطالب
کافر بوده پس حضرت فرمودند دروغ گفتند چگونه او کافر است و حال آنکه این ابیات انشا

کرده است الم تعلموا انا وجدنا محمداً نبیاً کموسی خط فی اول الکتب ای هذا
الحکم ثبت در کتاب الاول ای اللوح المحفوظ یعنی آیا ندانسته اید شما بدرستیکه
ما محمد را یافته ایم پیغمبری مثل موسی نوشته شده است در کتاب اول که لوح محفوظ
باشد در حدیث دیگر وارد است که چگونه ابو طالب کافر است و حال آنکه او میگوید
این کلمات منظومه را لقد علموا ان ابننا لا مکذب لدینا ولا یعبأ بقول الاباطل
هر آینه بتحقیق دانسته اند بدرستیکه پسر ما تکذیب کرده شده نیست در نزد ما و اعتنا
کرده نمیشود بقولهای باطل کافران وابیض یستسقی الغمام بوجهه ثمال الیتامی
عصمة للارامل یعنی پاک دامن و نفس شریفیست که طلب باران کنی از برکت
روی آنجناب یعنی برکت روی آنجناب طلب باران از خداوند میشود و فریادرس و
متکفل امور یتیمان و حفظ نمای بیوه زنان یعنی پشت و پناه یتیمان و بیوه زنان
میباشد از جناب امام بحق ناطق جعفر بن محمد صادق علیه السلام روایت شده
است که فرموده جبرئیل نازل شد است بر رسول خدا صلی الله علیه واله که یا
محمد بدرستیکه پروردگار تو سلامت میرساند و میفرماید که من حرام کردم آتش
جهنم را بر صلبی که فرود فرستاده است ترا و بطنی که ترا حمل کرده و کنار و حجریکه ترا نگاه
داشته پس صاحب صلب پدر است که عبد الله بن عبد المطلب است و آنچنان بطنی که
ترا برداشته است پس آمنه بنت وهب است و اما حجر یعنی دامان پس دامان ابو
طالب است و این کنایه از تربیت است چون ابو طالب آنحضرت را تربیت کرد و متکفل
امور آنحضرت بود از طفولیت تا بزرگ شدند آیه کریمه لا اله الا هو کل

شیء

قصص سوره

شیء هالك الا وجهه یعنی نیست خدائی جز او سبحانه هر چیز هالك می شود مگر وجه
خدا مؤلف گوید که خداوند جل و علا منزه و مبرا است از اینکه در حقیقت وجه داشته
باشد بلکه دین او هلاك نمیشود و هالك نمیگردد وجه او که ائمه هدی باشند آیات
و مظاهر حق هستند جناب صادق علیه السلام فرموده نحن وجه الله الذی لا یهلك
یعنی جناب امیر المؤمنین و ما امامان از اولاد طاهرین وجه الله میباشند که زایل
نمیشوند یا از آنحضرت روایتست که هر کس از اطاعت خداوند و رسول و ائمه سر
نپیچد و هر چه امر کنند قبول نماید پس آن وجه خدا است که هلاك نمیشود حدیث
دیگر وارد است که وجه الله بالقراحة جناب امیر المؤمنین و اولاد آنجناب
مستطاب است وعن الباقر علیه السلام فی هذه الایة فیفنی کل شیء ویبقی وجه الله
والله اعظم من ان یوصف بالوجه ولکن معناه کل شیء هالك الا دینه ونحن
الوجه الذی یؤتی منه لن یزال فی عباده آیه مبارکه واقم الصلوة ان
الصلوة تنهی عن الفحشاء والمنکر ولذکر الله اکبر در احادیث و روایات وارد
است لکن صاحب تفسیر صافی متوجه نشده که صلوة اشاره بجناب امیر المؤمنین علیه
السلام است که ولایت آنحضرت نهی میکند از فحشا و منکر از روایات دیگر که مستفاد
شده اولی و دومی است جناب امام محمد باقر علیه السلام فرموده نحن ذکر الله و
نحن اکبر یعنی ما هستیم ذکر خدا و ما هستیم بزرگتر آیه مبارکه وما یجحد بایاتنا
الا الکافرون یعنی انکار نمیکنند آیات ما را مگر کافران از علی بن ابرهیم قمی حکایت
شده که گفته در ذیل این آیه یعنی ما یجحد بامیر المؤمنین والائمة علیهم السلام الا

عنکبوت سوره

عنکبوت سوره

الکافرون یعنی انکار نمیکنند امیر المؤمنین و ائمه را مگر کفار آیه مبارکه

بل هو آیات بینات فی صدور الذین اوتوا العلم در کتاب کافی روایتست که جناب

امام محمد باقر علیه السلام این آیه مبارکه را تلاوت فرمودند و اشاره فرمودند

مبارك خود بسوی سینه مبارك خود یعنی آیات بینات در سینه های ائمه علیهم السلام

است که علم با یشان داده شده است آیه مبارکه والذین جاهدوا فینا

لنهدینهم سبلنا و ان الله لمع المحسنین یعنی کسانیکه جهاد میکنند در راه ما هر اینه

هدایت میکنیم ایشانرا بسوی راه خود و بدرستیکه خدا هر اینه با نیکوکار انست از جناب

امام محمد باقر علیه السلام منقولست که فرموده اند این آیه مبارکه برای آل محمد و برای

شیعیان ایشانست یعنی کسانیکه جد و جهد کنند در راه ما ایشانرا بسوی ولایت آل محمد

که سبل ما هستند هدایت میکنیم پس آنکسان شیعیان خواهند شد و ائمه از آل محمد

سبل و راههای خدا هستند از کتاب معانی حکایت شده که از آنحضرت روایتست قال

امیر المؤمنین علیه السلام الا و انی مخصوص فی القرآن باسماء احذروا ان تغلبوا

علیها فتضلوا فی دینکم انا المحسن یقول الله عز و جل ان الله لمع المحسنین آیه

مبارکه وله المثل الاعلی فی السموات والارض و هو العزیز الحکیم یعنی برای خداست

مثل اعلی در آسمانها و زمینها و اوست عزیز و حکیم در عیون اخبار از حضرت امام رضا

علیه السلام مرویست که جناب رسول خدا صلی الله علیه و آله بحضرت امیر المؤمنین علیه السلام

میفرمودند یا علی انت المثل الاعلی در روایتی دیگر است که فرموده اند در آخر خطبه نحن

کلمة التقوی و سبیل الهدی وله المثل الاعلی و در زیارت جامعه کبیره جواد فرموده اند

در سوره عنکبوت

بدست

در سوره عنکبوت

در سوره روم

السلام علی ائمة الهدی تا آنجائیکه میفرمایند و ورثة الانبیاء والمثل الاعلی آیه

مبارکه فاقم وجهك للدین حنیفا در حنیفا اشاره است بسوی ولایت جناب امیر

المؤمنین علیه السلام بروایتی آیه مبارکه انما یؤمن بآیاتنا الذین اذا ذکروا

بها خروا سجدا و سبحوا بحمد ربهم و هم لا یستکبرون تتجافی جنوبهم عن

المضاجع یدعون ربهم خوفا و طمعا و مما رزقناهم ینفقون در کتاب علل از

جناب امام محمد باقر علیه السلام روایت شده تا آنجائیکه میفرمایند نازل شده در

شان جناب علی بن ابیطالب علیه السلام و اتباع و شیعیان آنحضرت شده که در اول شب میخوابند

پس چون دو ثلث از شب گذشت با هر وقتیکه خدا خواسته باشد فزع و استغاثه و تضرع

میکنند بسوی خدای خود در حالتیکه ترسان هستند از عذاب خدا و طمع دارند در

آنچیزیکه نزد خدا میباشد ظاهر مضمون آیه مبارکه چنین نیست که تصدیق میکنند آیات

ما آنچنان کسانیکه چون بخواطر ایشان آورده شود آیات ما می افتند بسجده و تسبیح مینمایند

با حمد پروردگار خود و ایشان تکبر نمیکنند کنار و دور میشود پهلوهای ایشان از

خوابگاه خود و میخوانند خدای خود را از روی خوف و طمع و انفاق میکنند از چیزهائیکه

ما بایشان روزی داده ایم آیه مبارکه ولنذیقنهم من العذاب الادنی دون العذاب

الاکبر لعلهم یرجعون یعنی هر اینه البته میچشانیم آنها را از عذاب ادنی که نزدیك

تر است سوی عذاب اکبر که قیامتست شاید آنها رجوع کنند در مجمع از حضرت صادق

علیه السلام روایت شده است که فرمودند که جناب علی بن ابیطالب علیه السلام با

ولید بن عقبه مشاجره و مخاصمه نمودند و ولید فاسق ملعون گفت انا والله ابسط منك

در سوره روم

در سوره سجده

الکتیبة: لشکر

لِسانًا وَاحَدٌ مِنكَ سِنانًا وَاَمْثَلُ مِنكَ جُثوْلًا فی الکَتیبَة یعنی ان ملعون کفت من از
تو ابسط هستم از حیثیت زبان یعنی زبان دراز ترم از تو از حیثیت نیزه یعنی نیزه من از
تو تیز تر است و افضل هستم از تو از حیثیت ایستادکی بر نوک پاد رمیان لشکر بجهت
جنك یعنی ایستادکی من در جنك بیشتر از تو است اکر تو بتمام پا می ایستی من بنوك پا می
ایستم فقال لَهُ عَلِیٌّ عَلَیْهِ السَّلامُ اُسْکُتْ اِنَّما اَنْتَ فاسِقٌ فَاَنْزَلَ اللهُ تَعالی هذِهِ الاٰیَة
یعنی پس بعد از ان جناب علی علیه السلام در جواب ان ملعون فرمودند ساکت شو
جز این نیست که تو فاسق هستی پس خدا تعالی این ایه را نازل فرموده اَفَمَنْ کانَ مُؤْمِنًا
کَمَنْ کانَ فاسِقًا و ایات دیکر را در کتاب احتجاج جناب امام حسن مجتبی علیه السلام
از جمله خبرهائیکه در مجلس معوی فرموده این بود که بولید ملعون فرمودند تا تو ای ولید
عقبه پس من ترا و الله ملامت نمیکنم اینکه تو دشمن میداری جناب علی علیه السلام را
و حال انکه بتحقیق زده هشتاد تازیانه زد در وقتیکه تو شراب خورده بودی و بدر ترا
روز بدر کشته بدست مبارك خود در حالتیکه بدر تو محبوس بود یعنی دست بسته و
کاری نتوانست بکند با چکونه سب و دشنام میکوئی با و پس بتحقیق که خدا وند عالم
فرموده مؤمن نامیده بجناب برادرد ایه مبارکه از قران و ترا فاسق نام نهاده اینست قول خدای
عز و جل اَفَمَنْ کانَ مُؤْمِنًا کَمَنْ کانَ فاسِقًا لا یَسْتَوُوْنَ صاحب تفسیر صافی فرموده که اخبار
از طرق خاصه و عامه بسرحد استفاضه سیده است که سبب نزول این ایات که افمن
کانَ مُؤْمِنًا باشد تا اخر ایه مبارکه و لَنُذیقَنَّهُمْ مِنَ العَذابِ فی ولید بن عقبه علیهما اللعنة سیاست
ایهٔ مبارکه وَاعْبُدُوا اللهَ وَلا تُشْرِکُوا بِهِ شَیْئًا وَبِالْوالِدَیْنِ اِحْسانًا یعنی عبادت

نماید

فی سورة الاحزاب

نماید خدا را و شریك قرار ندهید با او سبحانه چیزی را و بوالدین خود احسان نمائید
عیاشی از جناب صادق علیه السلام روایت کرده و همچنین امام محمد باقر علیه السلام
فرموده اند که مراد از والدین جناب رسول خدا صلی الله علیه و اله و امیر المؤمنین علیهما
السلام است چنانکه در سایر احادیث وارد است فرموده اَنا وَعَلِیٌّ اَبَوا هذِهِ الاُمَّة
یعنی من و علی هر دو پدر این امت هستیم یعنی هر دو بر این امت پدر هستیم ایه
مبارکه ما جَعَلَ اللهُ لِرَجُلٍ مِنْ قَلْبَیْنِ فی جَوْفِهِ یعنی خداوند عالم در جوف یك شخص دو
قلب خلق نکرده است در کتاب مجمع وارد است که ایه مبارکه نازل کردید برای اینکه
ابو معمر حمید بن معمر بن حبیب ابن حمید لفهری لعنهم الله مردی بود صاحب فطنت و زکاوت و حفظ
و هر چه میشنید حفظ میکرد همیشه میکفت که در جوف من دو قلب است میفهمم هر
یك از این دو قلب بهتر از عقل محمد و قریش او را ذو القلبین یعنی صاحب دو قلب نام
نهاده بودند پس چون روز بدر شد مشرکین فرار کردند و ابو معمر هم در نزد انها بود
و فرار میکرد ابو سفیان بن حرب با او ملاقات نمود دید که یکی از کفشهای خود را بدست
کرفته و دیکری در پایش میکرد پس کفت با ابا معمر حال مردم چکونه است کفت فرار
کردند کفت ترا چه شده میکرزی که یکی از نعلین خود در پا و یکی در دست در جواب کفت
نفهمیدم مکر انکه دو نعلین در پای من است بعد از ان مردم فهمیدند که در او دو قلب
نبود چرا که یکی از نعلین در دستش بود و دیکری در پای او و نمیدانست و فراموش کرده
بود جناب امیر المؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام فرموده جمع نمیشود دوستی ما و دوستی
دشمنان ما در جوف هیچ انسانی بدرستیکه خدا وند در جوف یك مرد دو قلب خلق نکرده است

با یکی دوست بدارد و با یکی دشمن بدارد تا محبت ما پس خالص میکرداند دوستی را
از برای ما چنانکه خالص میشود طلا باتش هیچ کدر و غل و غش دران نیست هرکس
هرکس اراده کند حب ما را بسنجد و بداند پس امتحان نماید قلب خود را که اگر مشارکت
کرد در دوستی ما دوستی دشمنان ما را یعنی انها را نیز دوست داشت از ما نیست و ما
از انها نیستیم خداوند عالم و جبرئیل و میکائیل دشمن انها است خدا تعالی دشمن
کافرین است آیه مبارکه النَّبِیُّ أَوْلَی بِالْمُؤْمِنِینَ مِنْ أَنْفُسِهِمْ یعنی جناب
رسول الله صلی الله علیه و اله اولیست بمردم از نفسهای ایشان در همه امرها که
امر میکنند باصلاح و نجاح معموریهای دنیا و اخرت انها را چنانکه در حدیث وقع
وارداست فرمودند در روز غدیر خم اَیُّهَا النَّاسُ اَلَسْتُ اَوْلی بِکُمْ مِنْ اَنْفُسِکُمْ قالوا
بلی ثُمَّ اَوْجَبَ لِاَمیرِ الْمُؤْمِنینَ عَلَیْهِ السَّلامُ ما اَوْجَبَهُ لِنَفْسِهِ عَلَیْهِمْ مِنَ الْوِلایَةِ فَقالَ
مَنْ کُنْتُ مَوْلاهُ فَعَلِیٌّ مَوْلاهُ یعنی ای مردم ایا نیستم اولی بشما از خود شما عرض کردند
بلی بعد از ان واجب کردانید برای امیر المؤمنین علیه السلام انچیز را که واجب کرده
بود برای نفس خود از ولایت پس فرمودند بدانید من مولای هرکسم پس علی مولای اوست
پس خداوند عالم جناب رسول خدا را پدر مؤمنین کردانید و لازم کرد مؤنه انها را براو
و تربیت یتیمان مؤمنین را این حضرت بالای منبر تشریف بردند و فرمودند مَنْ تَرَکَ
مالاً فَلِوَرَثَتِهِ وَمَنْ تَرَکَ دَیْناً اَوْ ضِیاعاً فَعَلَیَّ وَاِلَیَّ فَاَلْزَمَ اللهُ نَبِیَّهُ لِلْمُؤْمِنینَ ما
یَلْزَمُ الْوالِدَ وَاَلْزَمَ الْمُؤْمِنینَ مِنَ الطّاعَةِ ما یَلْزَمُ الْوَلَدَ لِلْوالِدِ یعنی هرکس مالی بگذارد
بعد از خود برای وارث اوست و هرکس قرض بگذارد و یا عیال پریشان حال پس قرض او بر ذمه

من است و امر عیال او و بسوی من پس خداوند لازم کردانید بر رسول خود انچه را که بر پدر
لازم است در حق ولد و لازم کردانید بر مؤمنین اطاعت نمودن او را از انچه لازم است بر
اولاد پدر را همچنین لازم کردانید بر جناب امیر المؤمنین علیه السلام و بر ائمه انچه را بر
جناب رسول خدا لازم کردانیده بود جناب رسول خدا و جناب امیر المؤمنین صلوات الله علیهما
پدران این امت هستند بدلیل اینکه خدای تعالی فرموده آیه مبارکه وَاعْبُدُوا اللهَ وَ
لَا تُشْرِکُوا بِهِ شَیْئًا وَبِالْوَالِدَیْنِ إِحْسَانًا والدین جناب رسول خدا و امیر المؤمنین علیهما
السلام است در کتاب علل از جناب امام موسی کاظم علیه السلام سؤال کردند چرا جناب
رسول خدا صلی الله علیه و اله بابو القاسم مکنی شد فرمودند که انحضرت را فرزندی
بود قاسم نام از این سبب مکنی شد باین کنیه پس سائل عرض کرد ای فرزند رسول خدا
ایا مرا از اهل زیاد میدانی انحضرت فرمودند بلی ایا میدانی که رسول خدا فرمودند اَنَا وَ
عَلِیٌّ اَبَوا هذِهِ الْاُمَّةِ گفت بلی فرمودند ایا میدانی که رسول خدا پدر جمیع این امت و از
جمله امت جناب امیر المؤمنین علیه السلام است عرض کرد بلی فرمودند ایا که میدانی
که علی قاسم نار و جنت است عرض کرد بلی فرمود پس جناب رسول خدا صلی الله علیه و اله ابو
القاسم گفتند از جهت انکه او پدر قاسم جنت و نار است عرض کرد معنی این چیست فرمود
بدرستیکه شفقت حضرت بر امت مثل پدرها است بر اولاد خود و افضل امت جناب
علی بن ابیطالب علیه السلام است و بعد از پیغمبر شفقت جناب علی علیه السلام بر
امت مثل شفقت جناب رسول خدا صلی الله علیه و اله بود زیرا که او خلیفه و وصی
او است و امام است بعد از او پس باین جهت فرمودند اَنَا وَعَلِیٌّ اَبَوا هذِهِ الْاُمَّةِ تا اخر حدیث

در کتاب کافی از سلیم بن قیس روایتست که من شنیدم از عبد الله بن جعفر الطیار که می
گفت من و حسن و حسین و عبد الله بن عباس و ام سلمه و اسامة بن زید در نزد معویه لعنه الله
بودیم در میان من و معویه کلامی گذشت گفتم باو که من شنیدم از رسول خدا صلی الله علیه
و اله که فرمود من اولی هستم بمؤمنین از نفسهای ایشان بعد از من علی بن ابی طالب که
برادر منست اولیست بر مؤمنین از نفسهای ایشان پس بعد از شهادت او حسن بن علی
اولیست بمؤمنین پس بعد از ان حسین که پسر منست اولیست بمؤمنین از نفسهای ایشان
پس وقتی که شهید شود حسین پسر او علی بن الحسین اولیست فرمود یا علی زود باشد او را
بیابی و ملاقات کنی او را پس بعد از و پسر او محمد بن علیست که اولیست بمؤمنین از
نفسهای ایشان و فرمود که زود باشد که درک و ملاقات کنی او را یا حسین پس حضرت
کامل کردانید دوازده نفر عدد ائمه را که نه نفر از ایشان اولاد جناب امام حسین
علیه السلام میباشند عبد الله بن جعفر میگوید طلب شهادت کردم از حسن و حسین و
عبد الله بن عباس و عمر بن ام سلمه و اسامة بن زید پس شهادت دادند از برای من در
نزد معویه سلیم گفت که من شنیدم از سلمان و ابی ذر و مقداد که گفتند ما شنیدیم
این را از جناب رسول خدا صلی الله علیه و اله از جناب صادق علیه السلام مرویست
که فرموده اِنَّ النَّبِیَّ قَالَ اَنَا اَوْلیٰ بِکُلِّ مُؤْمِنٍ مِنْ نَفْسِهِ وَعَلِیٌّ اَوْلیٰ مِنْ بَعْدِی یعنی من
اولی هستم بر هر مؤمن از نفس خود و علی علیه السلام بعد از من اولی است بر این آیه
مبارکه اِنَّمَا یُرِیْدُ اللهُ لِیُذْهِبَ عَنْکُمُ الرِّجْسَ اَهْلَ الْبَیْتِ وَیُطَهِّرَکُمْ تَطْهِیْرًا یعنی
جز این نیست که خدا تعالی میخواهد ببرد از شما اهل بیت بدی و رجس را و طاهر و طیب

نماید

نماید پاک کردنی جناب امام محمد باقر علیه السلام فرمود که این آیه مبارکه نازل شد
در شان جناب رسول خدا صلی الله علیه و اله و جناب علی بن ابیطالب علیه السلام
و جناب فاطمه و جناب امام حسن و جناب امام حسین علیهم السلام و نزول این آیه مبارکه
در خانه ام سلمه زوجه حضرت رسول صلی الله علیه و اله شد پس خواند جناب رسول خدا
صلی الله و اله جناب امیر المؤمنین را و جناب فاطمه و جناب امام حسن و جناب امام
حسین علیهم السلام را بعد از ان پوشانید ایشان را عبای خیبری که مال انجناب بود بعد
از ان فرمودند اَللّٰهُمَّ هٰؤُلَاءِ اَهْلُ بَیْتِیَ الَّذِیْنَ وَعَدْتَنِیْ فِیْهِمْ مَا وَعَدْتَنِیْ اَللّٰهُمَّ
اَذْهِبْ عَنْهُمُ الرِّجْسَ وَطَهِّرْهُمْ تَطْهِیْرًا یعنی خداوندا اینها اهل بیت منند ان اهل
بیت که تو وعده کرده در انها چیزی را که وعده کرده بار الها ببر از ایشان رجس را و پاک
کن انها را پاک کردنی ام سلمه عرض کرد یا رسول الله من هم با ایشان هستم حضرت فرمودند
بشارت باد ترا ای ام سلمه پس بدرستیکه تو بسوی خیر هستی یعنی بر گشت امر تو بخیر است
و تو از خوبانی در حدیث دیگر فرمودند ای ام سلمه این آیه مبارکه نازل شده در خصوص
من و علی و فاطمه و حسن و حسین و نه امام از اولاد حسین و غیر داخل نیست آیه مبارکه
مَا کَانَ مُحَمَّدٌ اَبَا اَحَدٍ مِنْ رِجَالِکُمْ وَلٰکِنْ رَسُوْلَ اللهِ وَخَاتَمَ النَّبِیِّیْنَ وَکَانَ اللهُ
بِکُلِّ شَیْءٍ عَلِیْمًا یعنی نیست محمد پدر احدی از شما مردان و لکن رسول خدا است و خاتم
النبیین آیا این معنی که نیست پدر کسی بر سبیل حقیقت که ثابت شود میان انجناب امری
و میان دیگران انچیزیکه در میان پدر و فرزند ثابتست که مانع از مصاهرت باشد
یعنی نتواند زوجه کسی را که ادعای فرزندی او میباید تزویج کند که مانع شود از تزویج

بلکه رسول الله وخاتم انبیا است از جناب رسول خدا در کتاب مناقب روایت کرده که
فرموده یا علی من خاتم انبیا هستم و تو خاتم اوصیا خود جناب امیر المؤمنین علیه السلم
فرموده اند که جناب محمد صلی الله علیه و اله خاتم هزار نبی است و من خاتم هزار وصی
و من مکلف شده ام بر چیزی که انها مکلف نشده اند ایه مبارکه هو الذی یصلی
علیکم وملائکته لیخرجکم من الظلمات الی النور وکان بالمؤمنین رحیما یعنی خداوند
عالم وملائکه او صلوات میفرستند بر شما تا خارج کنند شما را از ظلمات بسوی نور
ایمان حضرت صادق علیه السلام فرموده هر کس ده صلوات بر محمد وال محمد بفرستد
خداوند صد صلوات بر او میفرستد و هر کس صد صلوات بفرستد خداوند عالم و
ملائکه او عز وجل هزار صلوات میفرستند چنانکه خداوند عالم در ایه مبارکه میفرماید
هو الذی یصلی علیکم در مجمع از رسول خدا صلی الله علیه و اله روایت کرده که فرموده
صلت الملائکة علی وعلی علی سبع سنین وذلک انه لم یصل علینا احد غیری وغیره
یعنی صلوات فرستاد ملائکه بر من و بر علی بن ابیطالب علیه السلام هفت سال و ان
بجهت این بود که احدی غیر از من و غیر از علی نماز نمیکرد ایه مبارکه ان الله وملائکته
یصلون علی النبی یا ایها الذین امنوا صلوا علیه وسلموا تسلیما یعنی بدرستیکه
خدای تعالی و ملائکه صلوات میفرستند بر پیغمبر ای انکسانیکه ایمان اورده اید صلوات
فرستید بر او و سلام کنید سلام کردنی و سلموا تسلیما یعنی سلموا له بالولایة یعنی بتسلیم
نمائید از برای ان جناب بحسب اخبار دین و بولایت تسلیم نمائید از جناب صادق علیه السلم
سؤال کردند چگونه صلوات فرستیم فرمودند بگوئید صلوات الله وصلوات ملائکته

وانبیاءه

در سورة احزاب

در سورة احزاب

وانبیائه ورسله وجمیع خلقه علی محمد وال محمد والسلام علیه وعلیهم ورحمة الله
وبرکاته عرض کردند ثواب این نحو صلوات بر پیغمبر چیست فرمودند الخروج من الذنوب
والله کهیئة یوم ولدته امه یعنی خارج شد نسبت از گناهان بخدا قسم مثل روزی
که از مادر متولد شده باشد ایه مبارکه یوم تقلب وجوههم فی النار یقولون
یا لیتنا اطعنا الله واطعنا الرسولا یعنی روزی هست که بگردد و منقلب شود
روی کفار در اتش از حالی بحال دیگر میگویند ای کاش اطاعت میکردیم خدا و رسول
خدا و رسول خدا را از علی بن ابیطالب قوت روایتست یعنی ولایت امیر المؤمنین را کاش
ما قبول میکردیم ایه مبارکه وقالوا ربنا انا اطعنا سادتنا وکبرائنا فاضلونا
السبیلا یعنی خداوندا بدرستیکه ما اطاعت کردیم سادات و بزرگان خود را انها پس
راه ما را گم کردند و ما را گمراه نمودند و بضلالت انداختند از قمی روایتست که این کنایه از
کسانیست که غصب کردند حق ال محمد را که از طریق بهشت و سبیل حق گمراه شدند سبیل
جناب امیر المؤمنین علیه السلام است ایه مبارکه ومن یطع الله ورسوله
فقد فاز فوزا عظیما یعنی هر کس اطاعت خدا و رسول خدا کند پس بتحقیق که رستگار شود
رستگاری عظیم در کافی از جناب صادق علیه السلام روایتست که خداوند عالم
فرموده ومن یطع الله ورسوله اطاعت خدا و رسول در قبول کردن ولایت علی بن
ابیطالب و اولاد انحضرتست و اینست رستگاری عظیم همچنین ایه مبارکه انا عرضنا
الامانة علی السموات والارض والجبال فابین ان یحملنها واشفقن منها وحملها الانسان
انه کان ظلوما جهولا یعنی بدرستیکه ما نشان دادیم امانت را بر اسمانها و زمینها و کوهها ابا

فی سورة الاحزاب

فی سورة الاحزاب

فی سورة الاحزاب

فی سورة الاحزاب

وامتناع نمودند از اینکه متحمل شوند از او ترسیدند از ان وانسان بار امانت را کشید یعنی
که او ظلوم وجهول بوده است در معانی و در عیون از جناب صادق صلوات الله علیه
روایتست که امانت ولایت جناب امیر المؤمنین علیه السلام است چنانکه در آیه
مبارکه دیگر وارد شده است إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا یعنی
بدرستیکه خدای تعالی امر فرموده است اینکه ادا نمائید امانتها را بسوی اهل ان و غصب
ننمائید علی بن ابرهیم قمی ره روایت کرده که امانت ولایت جناب امیر المؤمنین
علیه السلام است یعنی امانت که امر ونهی باشد که خداوند عالم نمود بر اسمانها و
زمینها و بر کوهها پس ابا وامتناع نمودند از تحمل ان که قبول نمایند پس انسان که
اولی است حمل نمود وغصب کرد وظلوم وجهول بود یعنی ظالم وجاهل بود چنین
این دو لفظ صفة مشبهه بمعنی اسم فاعل است در عوالی مذکور است که جناب مولای
متقیان علی بن ابیطالب علیه السلام زمانیکه وقت نماز میرسید متزلزل میشد و
برخود میپیچید ورنگ مبارکش تغییر میکرد پس عرض میکردند تا چه میشود یا امیر
المؤمنین میفرمودند وقت نماز امد وقت امانتست که خداوند عالم بر کوهها
و بر اسمانها و زمینها تکلیف نمود و نشان داد ترسیدند مؤلف گوید نظر
باینمعنی امانت بنماز تفسیر شده و بجناب امیر المؤمنین صلوة علیه السلام تفسیر شده است
چنانکه گذشت در تفسیر إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ که صلوة عبارتست
از انجناب پس بنابراین برگشت این دو روایتست بر روایت سابق و باینمعنی دیگر نیست
آیه مبارکه وَيَرَى الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ الَّذِي أُنْزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ هُوَ الْحَقَّ یعنی یا

سورهٔ سبا

[illegible]

محمد

یا محمد می بینند کسانیکه داده شده اند علم را انچنان علی که نازل شده است بسوی تو از پروردگار
تو که ان حق است از علی بن ابرهیم قمی حکایت شده که بسند معتبر روایت کرده که
انجناب علیه السلام است چه انحضرت را تصدیق کرده رسول خدا در انچیزیکه نازل کرده
است خدا بر رسول خود متمم آیه مبارکه وَيَهْدِي إِلَىٰ صِرَاطِ الْعَزِيزِ الْحَمِيدِ یعنی راه مینماید
انچه نازل شده بسوی راه خداوندیکه غالب است بر همه ستوده بر نعم دنیویه واخرویه بیان
صراط در دیباچه گذشت در آیات مبارکه هرجا لفظ صراطست تاویل بجناب امیر
المؤمنین علیه السلام است که خود انحضرت است یا ولایت دوستی او آیه مبارکه وَجَعَلْنَا
بَيْنَهُمْ وَبَيْنَ الْقُرَى الَّتِي بَارَكْنَا فِيهَا قُرًى ظَاهِرَةً وَقَدَّرْنَا فِيهَا السَّيْرَ سِيرُوا فِيهَا لَيَالِيَ وَ
أَيَّامًا آمِنِينَ یعنی گردانیدیم میان اهل سبا واهل آن دهها که بکرم عمیم خود برکت دادیم در
ان بکثرت ابها ودرختها وزرعها دهها معموره اشکار متواصل بیکدیگر که از هر قریه
قریه دیگر از اتوان دید وتقدیر کردیم در ان دهها رفتن مردم را که کسی صبح از منزل
حرکت میکرد قیلوله را در منزل دیگر میکرد اگر عصر حرکت میکرد شب بمنزل میرسید گفتیم
که سیر کنید شبها و روزها در آن دهها در حالتیکه امان یافتگان باشید از دشمن و
درندگان بجهت کثرت خلق در احتجاج از حضرت باقر علیه السلام مرویست که در حدیث بصری
در معنی این آیه مبارکه فرمودند بلکه خداوند عالم در خصوص ما در قران مجید مثلها
بیان فرموده فَنَحْنُ الْقُرَى الَّتِي بَارَكَ اللَّهُ فِيهَا یعنی ماییم ان قریهای انچنانیکه خدا برکت داده است
در ان واینست قول خداوند عالم در انکسیکه اقرار کند بفضل ما از انجائیکه امر کرد ایشان را
خداوند بسوی ما بیایند پس خداوند عالم فرموده وَجَعَلْنَا بَيْنَهُمْ وَبَيْنَ الْقُرَى الَّتِي بَارَكْنَا

سورهٔ سبا

فیها قری ظاهرة یعنی قرار دادیم میان ایشان یعنی شیعیان و میان امامان صلوات الله
علیهم که تعبیر از ایشان شده آنها چنان بقرای مبارکه قرای ظاهره را قرای ظاهره
رسولان هستند والنقلة عنا الی شیعتنا وفقهاء شیعتنا و نقل کنندگان از ما
بسوی شیعیان ما و فقهای شیعیان ما و قول خداوند تعالی که فرموده وقدرنا فیها السیر
پس سیر مثل است برای علم که سیر کرده میشود بان در زمان فلان و رسولان لیالی و ایاما
که فرموده سبحانه عزوجل مثل است برای چیزی که سیر میکنند از علم در شبها و روزها از ما
بسوی ایشان در حلال و حرام و فرایض و احکام در حالتیکه ایمنند در آنها زیرا که اخذ کرده
اند آنها را از معدنش یعنی چنان معدنیکه مأمور شده اند اخذ کنند از آن معدن در حالتیکه
ایمن باشند از شک و ضلال و منتقل شدن از حرام بسوی حلال یعنی ایمن اند از آنکه حلال
میدانند حرام باشد در کتاب کمال از جناب قائم عجل الله فرجه روایتست که فرموده اند
در معنی این آیه مبارکه نحن والله القری التی بارک الله فیها وانتم القری الظاهرة یعنی
قسم بخدا ما هستیم قریهائیکه برکت داده است خدا در آنها و شما شیعیان ما قرای ظاهره
هستید و اینجا نقل شده از احتجاج ترجمه این عبارت بود هر چند که تکرار است ولی
خوش آیند بود که الفاظ ان نقل شود و عبارت اینست فی الاحتجاج عن الباقر علیه السلام
بل فینا ضرب الله الامثال فی القرآن فنحن القری التی بارک الله فیها وذلک قول
الله عزوجل فیمن اقر بفضلنا حیث امرهم ان یأتونا فقال وجعلنا بینهم و بین
القری التی بارکنا فیها ای جعلنا بینهم و بین شیعتهم قری ظاهرة والقری الظاهرة
الرسل والنقلة عنا الی شیعتنا وفقهاء شیعتنا وقوله سبحانه وقدرنا فیها

السیر

السیر فالسیر مثل للعلم سیر به فیها لیالی وایاما مثل لما یسیر من العلم فی اللیالی و
الایام عنا الیهم فی الحلال والحرام والفرائض والاحکام آمنین فیها اذا اخذوا
عن معدنها الذی امروا ان یأخذوا منه آمنین من الشک والضلال والنقلة
من الحرام الی الحلال آیه مبارکه قل انما اعظکم بواحدة یعنی ای پیغمبر بگو
بمردم که موعظه میکنم یعنی نصیحت و ارشاد میکنم شما را بیکخصلت عن الکافی والقمی
عن الصادق علیه السلام قال انما اعظکم بولایة علی علیه السلام هی الواحدة التی
قال الله در کتاب کافی علی بن ابرهیم قمی از جناب صادق علیه السلام روایت
کرده که خداوند تعالی فرموده انما اعظکم بولایة علی و ولایت جناب علی آن واحده است
که خدا فرموده آیه مبارکه الیه یصعد الکلم الطیب والعمل الصالح یرفعه
یعنی بسوی خداوند بلند میشود کلم الطیب و عمل صالح را بلند مینماید از جناب صادق
علیه السلام روایتست که کلم الطیب اینست که مؤمن بگوید لا اله الا الله محمد
رسول الله علی ولی الله وخلیفة رسول الله فرمودند و عمل صالح اعتقاد است
بدل اینکه این کلمات که گفته حق است از نزد خدا و شکی نیست در این از جانب
پروردگار عالمیان از کتاب کافی حکایت شده که از جناب صادق علیه السلام مروی
است که در تأویل این آیه مبارکه فرموده ولایتنا اهل البیت واومی بیده الی صدره
فمن لم یتولنا لم یرفع الله له عملا یعنی ولایت ما اهل بیت است و اشاره فرمودند
بسینه مبارک خویش هر کس قبول ولایت ما نکند بلند نمیفرماید خداوند عالم از
برای او عمل نیکی را در احادیث دیگر هم وارد شده که عمل صالح قبول کردن ولایت جناب

النقله بضم نون بمعنی انتقال است

المؤمنین علیه السلام است که هیچ عمل نیک بدون ولایت آنحضرت باسمان نمیرود و مؤلف گوید چنانکه در زیارت جامعه وارد شده وبموالاتکم تقبل الطاعة المفترضة ولکم المودة الواجبة الخ آیه مبارکه والذین یمکرون السیئات لهم عذاب شدید یعنی آنانکه مکر میکنند مکرهای بد را مراد مکرهای قریش است نسبت بحضرت رسالت مر ایشانرا عذابیست سخت و را خرت مرحوم فیض در تفسیر صافی فرموده که آیه مبارکه شامل مکرهای اصحاب سقیفه است برد نمودن وصیت رسول خدا صلی الله علیه و آله را در بارهٔ وصی خود جناب امیر المؤمنین علیه السلام و شامل هر مکر بدی که غیر از آنها باشد مؤلف گوید چون بعضی تخصیص داده اند بمکرهای قریش نسبت بحضرت رسالت مرحوم فیض در مقام رد این کلام فرموده والاعم اینرا واضح است و محتاج به بیان نیست

آیه مبارکه انا ارسلناک بالحق بشیرا ونذیرا وان من امة الا خلا فیها نذیر یعنی بدرستیکه ما فرستادیم ترا بدین حق که اسلام است در حالتیکه مژده دهند بحق و ترسانند از عذاب و عقوبت و نبوده هیچ از امم سابقه مگر اینکه گذشته در میان ایشان ترساننده از کافی حکایت شده که از جناب باقر علیه السلام منقولست که جناب رسول خدا صلی الله علیه و آله از دنیا نرفت مگر آنکه از برای آنجناب فرستاده شده بجهت رسانیدن احکام با امت و ترسانیدن ایشان از عذاب خداوندی بود پس اگر گفته شود که نبوده پس بتحقیق که ضایع کرده خواهد بود جناب رسول خدا صلی الله علیه و آله کسانیرا که از زمان در کمراهی بوده زمان خود بوده اند تا زمان آنجناب یعنی چون برنمیرساند کسی احکام خدارا بایشان پس ایشان ضایع و گمراه میشوند عرض شد بخدمت

حضرت آیا کفایت نمیکند امت را قران بجهت گمراه نشدن امت حضرت فرمودند بلی اگر بیابند از برای قران کسی را که تفسیر آن نماید عرض شد بخدمت آنحضرت که آیا حضرت رسول صلی الله علیه و آله تفسیر نفرموده قرانرا فرمود بلی از برای یکنفر تفسیر فرموده و شان و راز برای امت واضح کرده اند و آن جناب علی بن ابیطالب است علیه السلام آیه مبارکه ثم اورثنا الکتاب الذین اصطفینا من عبادنا فمنهم ظالم لنفسه ومنهم مقتصد ومنهم سابق بالخیرات باذن الله ذلک هو الفضل الکبیر یعنی بعد از آنکه ما کتابهای متقدمه را بر امم سابقه فرستادیم بمیراث دادیم قرانرا بآنانکه برگزیدیم از بندگان خود پس بعضی از بندگان برگزیده ستم کردند بر نفس خود و برخی از ایشان میانه رو و جمعی دیگر از ایشان پیشی گیرنده اند به نیکوئیها بامر خدا و این توریث و اصطفاء او بخشایش بزرگ و مرحوم فیض آیه را باین قسم معنی کرده که میفرماید بعد از آن بمیراث دادیم کتاب را بآنکسانیکه برگزیدیم از عباد خود پس بعضی از آنها ظالم بر نفس خود شدند یعنی امام زمان خود را نشناختند و بعضی مقتصد شدند که امام خود را شناختند و بعضی سبقت کردند بسوی خیرات باذن خدا که خود امام علیه السلام باشد این است فضل کبیر از کتاب بصائر نقل شده که از جناب باقر علیه السلام روایت شده که آیه مبارکه در شان اولاد جناب علی و فاطمه علیهما السلام است در کافی از آنجناب روایت شده که سابق بالخیرات امام است و مقتصد عارف بحق امام است و ظالم بر نفس آنکسیست که امام خود را نشناسد و عن الکاظم علیه السلام انه تلا هذه الآیة فال فنحن الذین اصطفانا الله تعالی واورثنا هذا الکتاب فیه

تبیانُ کُلِّ شَیءٍ یعنی حضرت کاظم این آیه را خواند و فرمود پس ما آنکسانی هستیم که پسندیده است ما را خداوند عالم و بمیراث داد بما این کتاب که در او بیان هر چیزی هست از حضرت صادق علیه السلام سؤال کردند از این آیهٔ مبارکه آنحضرت فرمودند در شان اولاد فاطمه علیها السلام است السّابق بالخیرات امام است ومنهم مقتصدٌ عارف بامام است و ظالمٌ لنفسه آنکسیست که امام را نشناسد در مناقب از حضرت صادق علیه السلام مرویست که فرموده این آیه مبارکه نازل شده در حق ما و در حق ذریهٔ ما و از حضرت باقر علیه السلام مرویست که فرموده ایشان یعنی بندگان برگزیده آل محمدند از مجمع حکایت شده که از حضرت باقر علیه السلام مرویست بعد از انکه بیان ظالم لنفسه و مقتصد را فرموده اند میفرمایند امّا السّابق بالخیرات جناب علی بن ابی طالب و حسن و حسین علیهما السلام است و کسیکه از آل محمد شهید شده و از سعد السعود حکایت شده که نیز از آنحضرت روایت شده که سابق بالخیرات را همین نحو میفرمایند که ذکر شد در مجمع از جناب رسول خدا صلی الله علیه و آله مرویست که سابق بالخیرات پس داخل بهشت میشود بغیر حساب و امّا مقتصد پس حساب کرده میشود حساب یسیر یعنی آسان و امّا ظالم بر نفس خود حبس میشود در مقامی بعد از ان داخل بهشت میشود پس آنها کسانی هستند که میگویند الحمد لله الذی اذهب عنّا الحزن و عن سعد السعود عن النّبی صلّی الله علیه و آله فی حدیث یذکر فیه ما اعدّ الله لمحبّی علیّ علیه السلام یوم القیمة قال فاذا دخلوا منازلهم وجدوا الملائکة یهنّونهم بکرامة ربّهم حتی اذا استقرّوا قرارهم قیل لهم هل وجدتم ما وعد ربّکم حقّا

رضا

قالوا

قالوا نعم ربّنا رضینا فارض عنّا قال برضای عنکم و بحبّکم اهل بیت نبیّی حللتم داری و صافحتم الملائکة فهنیئًا هنیئًا عطاءً غیر مجذوذ لیس فیه تنغیص فعندها قالوا الحمد لله الذی اذهب عنّا الحزن انّ ربّنا لغفورٌ شکورٌ یعنی از کتاب سعد السعود حکایت شده که از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست در حدیثیکه آنحضرت ذکر میفرمایند در آن حدیث آنچه را خدا تعالی در روز قیامت برای محبّین جناب امیر المؤمنین علیه السلام مهیّا فرموده آنحضرت فرموده چون محبّین جناب امیر المؤمنین علیه السلام داخل منازل خود میشوند می یابند ملائکه را که ایشان را تهنیت میگویند بسبب کرامی داشتن خداوند ایشان را تا اینکه چون قرار گیرند در مقرّ خود گفته میشود مر ایشان را که آیا حق و صدق یافتید آنچه را که پروردگار شما وعده داده بود شما را میگویند آری ای پروردگار ما راضی و خشنود شدیم از تو پس تو راضی شو از ما خداوند عالم میفرماید بسبب رضای من از شما و بسبب دوست داشتن شما اهل بیت حبیب و پیغمبر مرا نزول نمودید در سرای من و مصافحه کردید با ملائکه من پس گوارا باد گوارا باد عطائیکه هرگز قطع شدن و تمامی ندارد و نیست در آن کدورت و ناخوشی چنانچه نعیم دنیا آمیخته است بالغم و کدورت و نعمای آخرت چنان نیست یا اینکه معنی دیگر اینست که نیست در آن حرکت و انتقالی پس از استماع این کلمات میگویند الحمد لله الذی اذهب عنّا الحزن تا آخر آیه

آیهٔ مبارکه انّ الله یمسک السّموات والارض ان تزولا یعنی بدرستی که خداوند نگاه میدارد آسمانها و زمینها را بجهت کراهت و نخواستن آنکه زائل شوند از اماکن خود چون ممکن را در حال بقا ناچار است از نگاه دارنده در اکمال از حضرت رضا علیه السلام در

تنغیص بضاد مهمله یتنغّص ... تنغیص زندگانی مؤمن کفی ... نکاهم ... نغّص الله علیه العیش ... نغصه و علیه کدره ... بضاد معجمه یا نقطه ... نغض تحرک و اضطرب ... کالتنغض و تنغض ... ولیکن بعید است که این لفظ حدیث باشد

حدیث فرمودند ما بنا یمسك السموات والارض ان تزولا یعنی بسبب ما نگه داشته است خداوند
عالم آسمانها و زمینها را از اینکه بر طرف شوند و از ائمه اطهار صلوات الله علیهم منقول است
که فرمودند لولا ما فی الارض منا لساخت باهلها یعنی هرگاه نمی بود کسی در روی زمین از ما
هر آینه فرو میبرد زمین اهل خود را آیه مبارکه یس والقران الحکیم انک لمن المرسلین
علی صراط مستقیم معنی یس اشاره بر رسول خدا صلی الله علیه و آله است و اول سوره های
قران نظیر این اشارات گذشته است بعضی گفته اند معنی یس بلغت یا انسان است و از
معانی نقل شده که از جناب صادق علیه السلام مرویست که فرموده اند و اما یس
پس اسمی است از اسماء جناب پیغمبر صلی الله علیه و آله و معنیش یا ایها السامع الوحی است یعنی
ای شنونده وحی و از خصال حکایت شده که از حضرت باقر صادق علیه السلام حکایت
شده که فرمود بدرستی که برای جناب رسول خدا ده اسم است پنج اسم در قران است و
پنج در قران نیست آنچه در قران است محمد و احمد و عبدالله و یس است از مجالس حکایت
شده که از جناب امیر المؤمنین علیه السلام منقول است که در تفسیر قول خداوند
عز و جل در قران مجید سلام علی آل یس فرموده است یس محمد است و ما آل محمد هستیم
معنی آیه اینست ای محمد بحق قران محکم و استوار از نقص و عیب قسم بدرستیکه بتحقیق
و شبهه از جمله فرستاده شده کانی براه راست مؤلف گوید که در اول کتاب ذکر شد
که در هر جا قران که صراط مستقیم است ولایت جناب علی علیه السلام است آیه
مبارکه لقد حق القول علی اکثرهم فهم لا یؤمنون یعنی البته بتحقیق که راست شد
گفتار ما بعذاب بر اکثر ایشان پس ایشان ایمان نخواهند آورد بر صفت کفر مفر سقر

خواهند

خواهند گرفت مراد که واضح شده است از اکثر ایشان که راست شده است گفتار خدا
بعذاب ایشان کسانی اند که اقرار بولایت امیر المؤمنین نمیکنند کما روی انه قال الصادق
علیه السلام من لا یقرون بولایة علی امیر المؤمنین والائمة من بعده یعنی از کسانی
که اقرار نمیکنند بولایت جناب امیر المؤمنین علیه السلام و اولاد امجاد ان بعد از
آنجناب فهم لا یؤمنون فرمود یعنی ایمان نمی آورند بامامت جناب امیر المؤمنین علیه السلام
و اوصیاء بعد از آنحضرت پس چون اقرار نکردند مبتلا بعقوبت شدند آنها الخبر نکته ذکر فرموده است
خداوند عالم در آیه مبارکه بعد مؤلف گوید از این تفسیر امام علیه السلام مستفاد می
شود که در آیه سابقه که اصل انذار ایشان هم از مخالفت امیر المؤمنین علیه السلام
و قبول نکردن ولایت آنجناب بوده است و از ولایت هم غافل شده چنانکه از خدا و رسول
غافل شده چنانکه از خدا و رسول غافل میباشند آیه مبارکه انما تنذر من اتبع
الذکر و خشی الرحمن بالغیب فبشره بمغفرة و اجر کریم یعنی جز این نیست میترسانی بترسانیدن
که نفع دهد کسی را که پیروی کند قران را و بترسد از خدای رحمن با آنچه از او پوشیده است
از امور آخرت پس بشارت ده او را بآمرزش گناهان و مزدی بزرگ در آنجهان از کافی
حکایت شده که در حدیث سابق وارد است که مراد از این آیه جناب علی بن ابی طالب
علیه السلام است یعنی او است که متابعت کرده است ذکر را که کلام خدا باشد و ترسیده است
از خدای رحمن بغیب پس رسول خدا مأمور است به بشارت دادن آنجناب بمغفرت و اجر
کریم آیه مبارکه و کل شیء احصیناه فی امام مبین یعنی همه چیز از نیک و بد
شمرده ایم و بیان کرده ایم او را در امام اشکار مفسرین تفسیر کرده اند امام مبین را بلوح محفوظ

ولی از جناب امیر المؤمنین علیه السلام منقولست که فرمودند انا والله الامام المبین ابین
الحق من الباطل ورثته من رسول الله یعنی منم بخدا قسم امام مبین که جدا میکنم حق را
از باطل میراث گرفتم انرا از رسول خدا صلی الله علیه و آله از معانی حکایت شده که از
حضرت امام محمد باقر علیه السلام روایت شده که آنجناب از پدر بزرگوار خود روایت
کرده صلوات الله علیهم اجمعین که چون نازل شد این آیه مبارکه وکل شیء احصیناه
فی امام مبین بر رسول خدا صلی الله علیه و آله اول و ثانی برخواستند و عرض کردند یا
رسول الله آن توریه است حضرت فرمودند لا بعد عرض کردند یا پس آن انجیل است
حضرت فرمودند لا عرض کردند پس آن قرآنست حضرت فرمودند لا پس در آن وقت
جناب امیر المؤمنین علیه السلام رو کرد بآمدن بسوی رسول خدا صلی الله علیه و آله
پس حضرت رسالت فرمودند که امام مبین اینست یعنی امیر المؤمنین بدرستی که او است
امامیکه احصا کرده است در او خدا علم هر شیء را عن الاحتجاج عن النبی صلی الله علیه
و آله فی حدیث قال معاشر الناس ما من علم الا علمنیه ربی وانا علمته علیا و
قد احصاه الله فیّ وکل علم علمت فقد احصیته فی امام المتقین وما من علم الا
علمته علیا از کتاب احتجاج نقل شده که از جناب رسول خدا صلی الله علیه و آله مروی
است در جمله از حدیث طولانی فرمودند ای گروه مردم نیست هیچ علمی مگر آنکه تعلیم فرموده
انرا خداوند بمن و من تعلیم کردم انرا بعلی علیه السلام و بتحقیق که احصا کرده خدا
علم را در من و علومی که دانستم تعلیم کرده شدم پس بتحقیق که احصا کردم او را در امام
متقیان و نیست هیچ علمی مگر آنکه تعلیم کردم انرا بعلی علیه السلام مؤلف گوید بنابر

این

بر این آیه وافیة الهدایه دلیلی است واضح بر آنکه امام علیه السلام عالم است بجمیع اشیاء بما
کان و ما یکون الی یوم القیمه و هیچ چیز از او مخفی و پوشیده نیست بتعلیم خدا جل و
علا آیه مبارکه وجاء من اقصا المدینة رجل یسعی قال یا قوم اتبعوا المرسلین
یعنی و آمد بشتاب از دورترین جای آن شهر یعنی از دروازه که نهایت آن شهر بود
مردی یعنی حبیب نجار که بسرعت می آمد تا رسید نزد آن جماعت از روی مرحمت گفت ای
گروه من تبعیت کنید این فرستادگان را یعنی پیغمبران را از علی بن ابرهیم قمی روایتست که
آیه مبارکه نازل شده است در شان حبیب نجار تا آخر آیه مبارکه وجعلنی من المکرمین
بعضی گفته اند بدرستیکه او از جمله کسانی بود که ایمان آورده بود بجناب محمد صلی
الله علیه و آله و حال آنکه میان او و میان محمد حضرت رسالت مآب ششصد سال
فاصله بود یعنی پیش از پیغمبر بود بششصد سال و بعضی گفته اند در غاری عبادت
میکرد خدا را پس وقتیکه خبر پیغمبران اینکه با انطاکیه فرستاده شده بودند که در آیات
سابقه حکایت شده رسید ظاهر کرد دین خود را بعد از آن میگفت ای قوم تابع شوید
رسولانی را که خدا فرستاده از مجالس حکایت شده که از جناب رسول خدا صلی الله علیه
و آله منقولست که فرموده صدیقون سه کس هستند حبیب نجار که مؤمن آل
یس است که میگفت یا قوم اتبعوا المرسلین و حزقیل مؤمن آل فرعون و علی بن ابی
طالب علیه السلام و آنجناب افضل از ایشانست از جوامع نقل شده که از حضرت
رسالتمآب صلی الله علیه و آله مروی است که فرمودند پیشی گیرندگان امتها سه کسند
که کافر نشدند بخدا یک چشم بهم زدن علی بن ابی طالب و صاحب یس و مؤمن آل فرعون پس

اینان‌اند صدیقون و علی بن ابی طالب افضل ایشانست از خصال نقل شده که از
آنجناب نیز روایتست که فرموده سه نفر هستند که کافر نشدند بوحی خدا بقدر
یک چشم بهم زدن مؤمن آل یس و علی بن ابیطالب و آسیه زن فرعون مؤلف معذرت
ذکر این احادیث درین مقام میطلبد که چون جناب رسول خدا صلی الله علیه و آله نظر
بطریقه مرضیه خود که امور را بتدریج بیان میفرمودند آسانرا مقدم بر دشوار و
پست را بلند میداشت و در اظهار فضایل امیر المؤمنین نیز بجهت عداوت و نفاق بعض
صحابه با آنجناب بهمین رویه سلوک میفرمودند مراتبی که نسبت بدیگران در غایت
بلندی و نسبت با آنجناب پست بود بحسب اقتضای مقام مقدم داشته بیان میفرمودند
ازان قبیل است احادیث مذکوره که آنحضرت را در عداد دو صدیق قرار داده و
حال آنکه چه نسبت است آفتاب را با ستارگان این حقیر سراپا تقصیر با اینکه اصل
مراد ازین تألیف فضل و عظمت آنجنابست نه اینکه آنحضرت در عداد خوبان
محسوب میشد متعرض ذکر این احادیث شدم بعلت این بود که حضرت رسول صلی الله
علیه و آله فرموده افضلهم علی ... ان لفظ افعل التفضیل داعی و باعث شد که این
احادیث درینجا مکتوب شود والا حضرت رسالت مآب هیچ مخلوقی برابری با
آنجناب بلکه با مخلصان او نمیکند آیه مبارکه وَقِفُوهُمْ إِنَّهُمْ مَسْئُولُونَ خداوند عالم
میفرماید در موقف حساب نگهدارید ایشانرا بدرستیکه ایشانها باید سؤال کرده شوند، علی
ابن ابرهیم قمی روایت کرده که از ولایت جناب امیر المؤمنین علیه السلام سؤال کرده می
شوند آیه مبارکه وَإِنَّ مِنْ شِيعَتِهِ لَإِبْرَاهِيمَ بدرستیکه از پیروان نوح علی نبینا

وعلیه

وعلیه السلام هر آینه ابرهیم خلیل است در اصول شرع و طریق حق و ایذا دیدن و جفا
کشیدن تابع او بود در حدیث وارد است که حاصل آن اینست که چون خداوند جلیل ملکوت
آسمان و زمین را بر ابرهیم خلیل نمود و بجانب عرش نگریست نوری عظیم دید گفت
خداوندا این چه نور است گفت نور حبیب و صفی من محمد صلی الله علیه و آله گفت در
جنب او نور دیگر میبینم گفت برادر و وصی او علی بن ابی طالبست گفت خداوندا نور دیگری
بینم گفت برادر و وصی او علی بن ابی طالبست گفت خداوندا نور دیگر میبینم نزدیک آن هر دو
نور خطاب آمد که آن نور فاطمه زهرا است دختر سید انبیا و زوجه خیر الاوصیا و
بجهت این او را فاطمه نام نهاده‌ایم که او دوستان خود را از دوزخ منع کند و باز دارد
همچنانکه مادر فرزند را از شیر باز گیرد گفت خداوندا دو نور دیگر میبینم
نزدیک ایشان فرمود که آن دو نور دو فرزند وی‌اند حسن و حسین گفت پادشاها نور
دیگر میبینم که گرد ایشان درآمده است از چه کسانست گفت آن نه نور امامانست از
فرزندان حسین گفت خداوندا نورهای بسیار میبینم که گرد ایشان درآمده فرمود که آن
نورهای شیعیان و محبان علی اند و فرزندان او عرض کرد پادشاها علامت شیعیان آل محمد را
توان شناخت گفت به پنجاه و یک رکعت نماز گذاردن و انگشتری در دست راست داشتن
و بسم الله الرحمن الرحیم را بلند گفتن و پیش از رکوع قنوت خواندن و سجده شکر کردن
ابرهیم عرض کرد خداوندا مرا از شیعه علی و فرزندان او گردان خداوند عالم دعای او را
اجابت کرد و او را داخل شیعیان علی بن ابی طالب گردانید و رسول خود را ازین خبر داد و
فرمود که إِنَّ مِنْ شِيعَتِهِ لَإِبْرَاهِيمَ آیه مبارکه سَلَامٌ عَلَىٰ إِلْ يَاسِينَ یعنی سلام و تحیت

ومکرمت بر الیاسین است گفته اند الیاسین نیز اسم الیاس است وایجز از اخبار
متکثره ظاهر میشود که قراءت اهل بیت علیهم السلام است سَلَامٌ عَلَىٰ آلِ يَاسِين اشت
اشاره در سوره یس گذشت حدیث دیگرهم درین باب وارد است که آل یس آل محمد
صلی الله علیه وآله است از کتاب احتجاج حکایت شده که ازجناب امیرالمؤمنین علیه السلام
مرویست که فرموده بدرستیکه خداوند عالم جناب رسول خدا صلی الله علیه وآله را
یاسین نامیده اینجا یکه میفرماید یس وَالْقُرْآنِ الْحَكِيمِ تا اخر ایه مبارکه بجهة انکه
میدانست بدرستیکه منافقین از امت اسقاط میکنند سَلَامٌ عَلَىٰ آلِ مُحَمَّدٍ را چنانکه
اسقاط کردند غیر این ایه را از ایات دیگر واینحدیث نیز دلالت میکند قراءت اینجا
نیز سَلَامٌ عَلَىٰ آلِ يَاسِين بوده نه الیاسین ونیز دلالت میکند براینکه مراد از آل یاسین
آل محمد ند صلی الله علیه وآله جرا که اسم مبارک انحضرت یس است چنانکه فرمود ایه
مبارکه وَإِنَّا لَنَحْنُ الصَّافُّونَ وَإِنَّا لَنَحْنُ الْمُسَبِّحُونَ ازجناب امام بحق ناطق امام جعفر
صادق علیه السلام روایتست که فرموده ما اهل بیت بودیم نورهای صف کشیده
برگرد عرش تسبیح میکردیم خدا را پس بتسبیح میکردند اهل اسمان بان تسبیحیکه ما می
کردیم یعنی متابعت ما ومثل ما بتسبیح میکردند بسبب تسبیح ما تا اینکه نازل شدیم بسوی
زمین پس تسبیح کردیم پس تسبیح کردند اهل زمین بتسبیح ما وَإِنَّا لَنَحْنُ الصَّافُّونَ وَإِنَّا لَنَحْنُ
الْمُسَبِّحُونَ بدرستیکه ما هر اینه هستیم صف زنندگان باقدام در موقف طاعت وما
هستیم تسبیح کنندگان مر خدا را وتنزیه نمایندگان از جمیع نالایق وناسزاوار ایه
مبارکه أَمْ نَجْعَلُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ كَالْمُفْسِدِينَ فِي الْأَرْضِ أَمْ نَجْعَلُ

فی الصافی
تفسیر

ص
تفسیر

المتقین

الْمُتَّقِينَ كَالْفُجَّارِ ایا میکردانیم انکسانیرا که ایمان آورده اند وعمل صالح کرده اند مثل انکسانی
که افساد کنندگان اند در زمین ازجناب صادق علیه السلام سؤال کردند ازین ایه مبارکه
فرمودند آمنوا وعملوا الصالحات جناب امیرالمؤمنین واصحاب انجنابست مفسدین فی
الارض حبتر و زریق واصحاب این دو نامرد است متمم ایه مبارکه أَمْ نَجْعَلُ الْمُتَّقِينَ
كَالْفُجَّارِ ایا میکردانیم پرهیزکاران را مثل گناهکاران بلکه هیشه مایل بمعصیه اند پس
متقین جناب امیرالمؤمنین علیه السلام است وفجار همان حبتر و زریق واصحاب انهااست
مؤلف گوید که این سه لفظ که حبتر و زریق و زریق باشد چنانکه مرحوم فیض فرموده
کنایه از ان سه ملعون مرتد است لعنة الله علیهم ایه مبارکه كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ
مُبَارَكٌ لِيَدَّبَّرُوا آيَاتِهِ وَلِيَتَذَكَّرَ أُولُو الْأَلْبَابِ یعنی کتابیکه نازل کردیم انرا بسوی
تو برکت داده شده است تا تامل واندیشه نمایند در ایات ان کتاب یعنی تامل در حقیقت
معانی ان بروفق مراد حضرت باری تنزیل نمایند وتا اینکه پند پذیرند بموعظه ان صاحبان
عقلهای پاکیزه ازجناب صادق علیه السلام روایتست که مراد از ضمیر جمع در قول حقتعالی
که فرموده لِيَدَّبَّرُوا آيَاتِهِ اشاره بر جناب امیرالمؤمنین وائمه علیهم السلام است واولوا
الالباب که حقتعالی فرموده نیز اشاره برایشان سلام الله علیهم است واحتمال اینکه
ایشان مراد از ایات باشند مناسب با فقره بعد که پس ایشان اولوا الالباب ندارد
بلکه این قرینه واضح استبراراد احتمال اول پس انها اولوا الالباب نیز هستند و
محتمل است با قطع نظر ازینحدیث که مراد از لفظ کتاب مبارک جناب امیرالمؤمنین علیه السلام
است چنانکه در اول کتاب گذشت ایه مبارکه قُلْ هُوَ نَبَأٌ عَظِيمٌ أَنْتُمْ عَنْهُ مُعْرِضُونَ

ص
تفسیر

ص
تفسیر

یعنی یا محمد بگو اینچه مذکور شد از بیان عقوبت و قیامت و احوال آخرت و خبر بزرگ
است و امری عظیم که شما اعراض میکنید از آن قمی روایت کرده جناب امیر المؤمنین علیه
السلام مراد است از نبأ عظیم از حضرت باقر علیه السلام در کتاب بصائر روایت است
که فرمود والله نبأ عظیم جناب امیر المؤمنین علیه السلام است از جناب صادق
علیه السلام مرویست که نبأ عظیم امامت است تتمه آیه مبارکه ما کان لی من
علم بالملإ الأعلى إذ يختصمون معنی آیه مبارکه یعنی نبود مرا قبل از این زمان هیچ دانشی بکلام
گروه برتر یعنی ملائکه و آدم و ابلیس که ساکنان آسمان بودند وقتیکه گفت و شنید مخاصمه
میکردند إن يوحى إلي إلا أنما أنا نذير مبين یعنی وحی کرده نمیشود بسوی من مگر بجهت
اینکه جز این نیست که من ترساننده ام آشکارا از حضرت باقر علیه السلام مرویست
در حدیث طولانی که در کیفیت معراج حضرت رسالت صلی الله علیه و آله از جمله
چیزیکه میفرمایند اینست بعد از اینکه حضرت بمقام قرب الهی رسید و مورد توجه خطاب
محبوب گردید از مصدر جلال کوثر دانفزین وصال شد که یا محمد قلت لبیک یا رب قال
فيم اختصم الملأ الأعلى قال قلت سبحانك لا علم لي إلا ما علمتني قال فوضع يده
اي يد القدرة بين كتفي فوجدت بردها بين ثديي قال فلم يسئلني عما مضى ولا عما
بقي إلا علمته فقال يا محمد فيم اختصم الملأ الأعلى قال قلت في الكفارات و
الدرجات والحسنات وفي حديث آخر في المجمع عن النبي صلى الله عليه و آله قال
قال لي ربي أتدري فيم يختصم الملأ الأعلى فقلت لا قال اختصموا في الكفارات
والدرجات فأما الكفارات فإسباغ الوضوء في السبرات ونقل الأقدام إلى

سبرات جمع سبره بفتح صبح سرد

الجماعات

الجماعات وانتظار الصلوة بعد الصلوة وأما الدرجات فإفشاء السلام
وإطعام الطعام والصلوة بالليل والناس نيام یعنی حق تعالی فرمود ای
محمد عرض کردم لبیک ای پروردگار من یعنی برپا هستم به بندگی تو فرمود در چه
مجادله و گفت و شنید کردهاند گروه برتر حضرت رسالت عرض کرد تسبیح میکنم و دور
میدارم ترا از آنکه غیر تو عالم باشد بامور غیبی هیچ دانشی نیست مرا مگر آنچه که تو تعلیم
داده مرا حضرت فرمودند پس از آنکه بدرگاه احدیت این عرض کردم پس حقتعالی دست
قدرت را میانه دو شانه من نهاد پس یافتم خنکی از میان دو پستان خود حضرت
فرمودند پس نپرسید از من از چیزهای گذشته و نه از چیزهای آینده مگر آنکه
دانستم او را پس فرمود یا محمد در چه مجادله کردند گروه برتر عرض کردم در کفارات
و درجات و حسنات و در حدیث دیگر در بیان کفارات و درجات از مجمع حکایت
شده که از پیغمبر صلی الله علیه و آله روایت شده که فرمود که پروردگار من فرمود یا
محمد آیا میدانی که در چه مجادله میکردند گروه برتر عرض کردم نه فرمود مجادله کردند در کفارات و
درجات پس اما کفارات پس تمام ساختن وضو در صبحهای سرد است و برداشتن گامها
است بسوی جماعتها یعنی بسوی نماز جماعت و انتظار کشیدن وقت نماز دیگر بعد از تمام
نماز و اما درجات پس آنها منتشر کردن سلام است یعنی بسیار سلام کردن و خورانیدن
طعام است بمستحقان و نماز کردن در شب در حالیکه مردم خوابیده اند پس بر گردیم
به تتمه حدیث سابق و اول قمی از حضرت باقر علیه السلام روایت کرده که خدا تعالی
بعد از فی الکفارات والدرجات که والحسنات فرمود این کلماتست فقال لی یا محمد قد انقطع

اکلک وانقضت نبوتک فمن وصیک فقلت یا رب قد بلوت خلقک فلم ار
احداً من خلقک اطوع لی من علی علیه السلام فقال تعالی ولی یا محمد فقلت
انی قد بلوت خلقک فلم ار فی خلقک احداً اشد حباً لی من علی بن ابی طالب
علیه السلام قال ولی یا محمد فبشره بانه رایة الهدی وامام اولیائی و
نور لمن اطاعنی والکلمة التی الزمتها المتقین من احبه فقد احبنی ومن
ابغضه فقد ابغضنی مع ما انی اخصه بما لم اخص به احداً فقلت یا رب
اخی وصاحبی ووزیری ووارثی فقال انه امر قد سبق انه مبتلی ومبتلی به مع ما
انی قد نحلته ونحلته ونحلته ونحلته اربعة اشیاء عقدها بیده
ولا یفصح بها عاقدها یعنی حضرت رسول خدا صلی الله علیه واله فرموده
در شب معراج خداوند عالم خطاب فرمود یا محمد بتحقیق منقطع شود اکل تو و
منقضی شود نبوت تو یعنی مرگ تو نزدیک شد پس کیست وصی تو پس عرض کردم یا
رب بتحقیق امتحان کردم خلق ترا پس ندیدم احدی را از مخلوق تو مطیع تر باشد
برای من از علی علیه السلام پس خداوند فرمود ولی یعنی برای من هم دوست تر از دیگری مطیع
ترا زوی هست یا محمد پس گفتم خداوندا بتحقیق که من امتحان کردم خلق ترا پس
ندیدم احدی را که دوستی او زیاد تر باشد از دوست داشتن علی بن ابی طالب مرا
خداوند عالم فرمود ولی یعنی برای من هم دوست تر از وصی هست یا محمد پس مژده ده
او را باینکه بدرستیکه او است علم هدایت و نشانه راه نمودن من خلق را و امام
اولیای من و نور روشنی است برای کسی که اطاعت کند مرا و کلمه ایست که لازم کردم

او را بر متقین هر کس او را دوست دارد پس بتحقیق مرا دوست داشته است و هر کس
او را دشمن بدارد پس بتحقیق مرا دشمن داشته است با اینکه من بدرستی مخصوص میکردانم
او را بچیزیکه مخصوص نکردانیدم بآن احدی را پس من گفتم یا رب او برادر و صاحب و وزیر
و وارث من است پس خدا فرمود بدرستیکه ان امریست که بتحقیق در علم من گذشته است
بدرستیکه او امتحان کرده شد و مردم امتحان کرده میشوند با او با اینکه بدرستی من
بتحقیق عطا کردم او را و عطا کردم او را و عطا کردم او را و عطا کردم او را چهار چیز که
عقد ان چهار چیز در دست او است ظاهر نمیشود با دست او و عقد ان چهار چیز موقوف
کوید اگرچه این عبارت درست معلوم نمیشود بنظر بفهم خود ولکن احتمال میدهد باینکه
خداوند عالم فرموده که عقد ان چهار چیز در دست جناب امیر المؤمنین علیه السلام است
و ظاهر نمیشود با دست او یعنی از جمله اسراریست که انحضرت ظاهر نمیکند ان چهار شی را
والله العالم هر کس مطالعه نماید با فضل فهم خود استخراج معنی نماید آیه مبارکه
ولا یرضی لعباده الکفر وان تشکروا یرضه لکم یعنی نمیپسندد مر بندکان خود را
کفر و کفران و امر بآن نمینماید و اگر سپاس داری کنید بر نعمت ایمان و غیر آن به پسندد
انرا برای شما از کتاب محاسن حکایت شده که در حدیث که فرموده اند کفر در این ایه مخالفت
کردن با ائمه علیهم السلام است و شکر ولایت جناب امیر المؤمنین علیه السلام و معرفت انجناب است
آیه مبارکه قل هل یستوی الذین یعلمون والذین لا یعلمون انما یتذکر اولوا الالباب
یعنی آیا برابر باشند کسانیکه عالم اند و میدانند با کسانیکه عالم نیستند جز این که پند
میشوند صاحبان عقول از کافی حکایت شده که از حضرت باقر علیه السلام روایت کرده که

سوره مومن

سوره زمر

نیست که ما هستیم الَّذِینَ یَعْلَمُونَ و دشمنان ما یند وَالَّذِینَ لَا یَعْلَمُونَ و شیعیان
ما اُولُوا الْأَلْبَابِ هستند از حضرت صادق علیه السلام مرویست که فرموده خداوند
عالم ما و شیعیان ما و دشمنان ما را ذکر فرموده در این آیه أَفَمَنْ شَرَحَ اللَّهُ صَدْرَهُ
لِلْإِسْلَامِ فَهُوَ عَلَىٰ نُورٍ مِنْ رَبِّهِ یعنی آیا پس کسیکه گشاده است سینه او را و فراخ کرده است
دل او را برای قبول اسلام پس آنکس که سینه او وسیع است بر روشنی معرفت
است از پروردگار خود عن روضة الواعظین عن النبی صلی الله علیه و آله انه قرأ
هذه الآیة فقال ان النور اذا وقع فی القلب انفسح له و انشرح قالوا یا رسول الله فهل
لذلک علامة یعرف بها قال التجافی عن دار الغرور و الانابة الی دار الخلود
و الاستعداد للموت قبل نزوله یعنی از روضة الواعظین نقل شده که از جناب
رسول خدا صلی الله علیه و آله روایتست که آنحضرت قرائت نمود این آیه مبارکه
را پس فرمود بدرستیکه نور زمانیکه بتابد در قلب وسعت میباید و گشوده میشود
برای او عرض کردند یا رسول الله پس آیا برای آن علامتی هست که شناخته شود
بان فرمود کناره گرفتن از دار غرور و بازگشت نمودن بسوی سرای خلود و برگشتن از
معاصی بسوی طاعات و حسناتیکه موجب دخول در بهشت میشود و مهیا شدن از
برای موت قبل از نازل شدن آن قمی گفته که این آیه مبارکه در شان جناب علی بن ابی
طالب علیه السلام نازل شده یعنی شرح کرده خداوند عالم سینه مبارک آنجناب را برای
اسلام پس او است بر روشنی معرفت از پروردگار خود صاحب این صفات و علامات
که جناب ختمی مآب صلی الله علیه و آله فرمودند و جماعت علامه ذکر کرده اند که آیه مبارکه

درشان جناب علی و حمزه علیه السلام نازل شد آیه مبارکه ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا رَجُلًا
فِیهِ شُرَکَاءُ مُتَشَاکِسُونَ وَرَجُلًا سَلَمًا لِرَجُلٍ هَلْ یَسْتَوِیَانِ مَثَلًا الْحَمْدُ لِلَّهِ بَلْ
أَکْثَرُهُمْ لَا یَعْلَمُونَ از علی بن ابرهیم قمی حکایت شده که گفته این مثلی است که خداوند
عالم بیان فرموده برای جناب امیر المؤمنین علیه السلام و برای شریکهای آنجناب که
ظلم کرده اند بانحضرت و غصب نموده حق او را تا آنجائیکه گفته وَرَجُلًا سَلَمًا لِرَجُلٍ
امیر المؤمنین علیه السلام خالص است برای خدمت رسول خدا صلی الله علیه و
آله ظاهر مضمون آیه مبارکه اینست که بیان کرده خداوند عالم مثلی را برای مشرکان و
موحدان اما از برای مشرکان مثل زده مردی را که در او شریکان باشند یعنی بنده را که
مولای متعدد داشته باشد که مخالفت کننده باشند باهم بجهت بدخوئی و باهم
نسازند در شرکت آن بنده پس هر شریکی او را کاری فرماید و آن کار را تمام ناکرده
شریکی دیگر کاری باو رجوع کند و او هیچکدام را باتمام نتواند رساند و شریکان از او
بجهت این راضی نباشند و اما از برای موحدان میفرماید مردی را که وارسته باشد
از شریکان و خالص باشد برای مردی یعنی بنده که مخصوص یک مولی باشد و او را در
انجاح مقاصد و مرام خشنود تواند ساخت آیا مساوی باشند این دو بنده از روی
شباهت صفت یعنی البته مانند یکدیگر نباشند همه ثنا و ستایش مر خدای راست
که شریک ندارد چه او منعم بالذات و مالک علی الاطلاقست بلکه اکثر اینها نمیدانند
حقیقت این معنی را و بجهت فرط عناد غیری را با او شریک میسازند از معانی نقل شده
که از جناب امیر المؤمنین علیه السلام مرویست که فرمود وَإِنِّی مخصوص فی القرآن

بأسماء أحدٍ وأن تغلبوا عليها فتضلوا في دينكم أنا السّلم لرسول الله يقول الله
عزّ وجلّ رجلاً سلماً لرجل یعنی بدرستی من مخصوصم در قران باسمهای چند حذر
نمائید از اینکه غالب شوید آن اسما یعنی آن نامها را نام خود و نام کسان دیگر قرار دهید
پس گمراه میشوید در دین خود محتملست که تغلبوا بصیغهٔ مجهول باشد یعنی بترسید
از اینکه مغلوب شوید بر آنها یعنی فریب کسانی را بخورید که آنها را نامهای پیشوایان
گمراه خود قرار دهید هند والله العالم پس آنحضرت فرمودند منم که بخلوص تمام محبت
کاری حضرت رسالت اقدام مینمایم که خداوند عالم میفرماید رجلاً سلماً لرجل
یعنی مردی که خالص باشد برای مردی رجل اول عبارت از جناب امیر المؤمنین علیه
السلام است، و در محاسن ثانی از حضرت رسول صلی الله علیه وآله در مجمع نیز از آنحضرت
روایت شده که فرمودند أنا ذلك الرجل السّلم لرسول الله یعنی منم آن مردم که بخلوص
تمام در خدمات حضرت رسول صلی الله علیه وآله اهتمام مینمایم از کافی نقل شده
که از حضرت باقر علیه السلام روایتست که فرمود أمّا الذي فيه شركاء متشاكسون فلان
فلان الأول يجمع المتفرقون في ولايته وهم في ذلك يلعن بعضهم بعضاً ويبرء
بعضهم من بعض وأمّا رجل سلم لرجل فإنه فلان الأول حقاً وشيعته اما آن
کسانیکه در او شرکاء و متنازع هستند فلان اول است یعنی ظالم اول جمع شدند کسانی
که پراکندگان بودند در ولایت او یعنی هر کسی بخیالی و هوای نفسی متابعت او نمود و
ایشان در ولایت و خلافت او لعن میکنند بعضی برخی دیگر را و بیزاری میجویند برخی از
بعضی دیگر و اما آن مردیکه خالص است از برای مرد دیگر پس بدرستی که او فلان اول

است یعنی امام اول بر حق که جناب امیر المؤمنین علیه السلام و شیعیان آنجناب
است تتمهٔ آیهٔ مبارکه إنّك ميّتٌ وإنّهم ميّتون ثمّ إنّكم يوم القيمة عند ربّكم
تختصمون یعنی ای پیغمبر بدرستی که متصفی بصفة مرگ و بدرستیکه کفار که عتاب
نیز مرده اید یعنی برگشت تو و ایشان بمرگست پس از موت بدرستیکه شما ای مؤمنان
و کافران در روز قیامت نزد آفریدگار خود خصومت خواهید کرد در امر دین از
قمی حکایت شده که گفته یعنی جناب امیر المؤمنین علیه السلام خصومت مینماید
با کسانیکه حق آنحضرت را غصب کردند در روز قیامت در نزد خدا آیهٔ مبارکه
قل يا عبادي الذين أسرفوا على أنفسهم لا تقنطوا من رحمة الله إنّ الله يغفر الذنوب
جميعاً إنّه هو الغفور الرحيم یعنی بگو ای محمد که خدا میفرماید ای بندگان من آنانکه
اسراف کردند بارتکاب ذنوب کبیره بر نفسهای خود یعنی افراط نموده اند و از حدّ در گذشته
اند معاصی را نومید میشوید از رحمت خدا بدرستیکه خدا تعالی بیامرزد همهٔ گناهان را
از صغیره و کبیره و اگر چه از حد حصر متجاوز باشد بدرستیکه خدا تعالی است
آمرزندهٔ گناهان و مهربان بر بندگان از قمی روایت شده که آیهٔ مبارکه مخصوص
بشیعیان جناب علی بن ابیطالب علیه السلام نازل است یعنی که هر کس از شیعیان و محبان
آنحضرت تا افراط در جنایت و اسراف در معاصی بکند خداوند عالم می آمرزد جمیع گناهان آنها را
عن الكافي عن الصادق عليه السلام لقد ذكركم الله في كتابه إذ يقول يا عبادي
الذين الآية قال والله ما أراد بهذا غيركم از کتاب کافی حکایت شده که از حضرت
صادق علیه السلام روایتست که بشیعیان خود فرمودند هر آینه بتحقیق ذکر کرده است خداوند

شما را در کتاب خود انجا که میفرماید یا عبادی الذین اسرفوا انا اخوانه والله اراده

نفرموده ازین خطاب مستطاب خدا تعالی غیر از شما را یعنی هر چند خطاب بصورت

شامل همه بندگان میشود ولی مراد بخصوص شما هستید ایهٔ مبارکه ان تقول نفس

یا حسرتی علی ما فرطت فی جنب الله یعنی بجهت کراهت نخواستن انکه گوید نفسی در

دیدن عذاب ای ندامت و پشیمانی من بر انچه تقصیر کردم در جانب خدا یعنی در حق

او و یاد را مرا و و یا در طلب قرب جوار او و از کافی نقل شده که از حضرت کاظم علیه

السلام مرویست که در این ایه فرموده اند جنب الله جناب امیر المؤمنین علیه السلام

است و همچنین انکسانیکه بعد از انجناب از اوصیا او بودند و از کتاب عیاشی نقل

شده که از جناب باقر روایت کرده که انحضرت فرموده است نحن جنب الله یعنی مائیم

انطرفیکه عودیست بجانب خدا که مقام رضا است ایهٔ مبارکه و سیق الذین

اتقوا ربهم الی الجنة زمرا حتی اذا جاؤها وفتحت ابوابها وقال لهم خزنتها

سلام علیکم طبتم فادخلوها خالدین یعنی برانند بلطف و ملایمت کسانی را که

پرهیز کردند از عذاب پروردگار در حق سلامتی و ایمنی بسوی بهشت فوج فوج بر تفاوت

مراتب ایشان در شرافت و علو طبقه تا چون بیایند بسوی بهشت و گشوده شده باشد

درهای ان پیش از رسیدن ایشان بان تا انتظار کشودن ان نکشند و میگویند مر ایشان را

خازنان بهشت سلام باد بر شما پاک بودید در دنیا از معاصی و یا انکه پاکیزه شدید بمغفرت

قبل از دخول بهشت پس در ائید در بهشت جاوید ماندگان از کتاب خصال نقل شده که

از جناب امام جعفر صادق علیه السلام مرویست که روایت میفرمایند از پدر بزرگوار

از سورهٔ زمر

از سورهٔ زمر

خود

خود که انجناب از جد خود روایت میفرمایند که انحضرت از جناب امیر المؤمنین علیه السلام

روایت فرموده که بهشت را هشت در است از یک در ان داخل میشوند پیغمبران و صدیقان

و از یک در داخل میشوند شهدا و صالحین و از پنج در دیگر داخل میشوند شیعیان و

محبان ما پس در حالتیکه ایستاده ام بر صراط همیشه دعا میکنم و میگویم رب سلم شیعتی

ومحبی وانصاری واولیائی ومن تولانی فی دار الدنیا خدا وندا سالم کردان شیعیان

ومحبان و یاوران و دوستان مرا و انکسانی که مرا ولی خود گرفته در دار دنیا

پس ناگاه ندائی از میانهای عرش برسد که قد اجیبت دعوتک وشفعت فی شیعتک یعنی

بتحقیق مستجاب گردانیدم دعای ترا و شفاعت ترا قبول کردم در خصوص شیعیان

تو و شفاعت میکند هر مردی از شیعهٔ من و هر کس که تولای من نموده و یاری من کرده و جنگ

کرده کسانی را که با من جنگ کرده بفعل یعنی شمشیر کشیده با دشمن من جنگ کند یا بقول

یعنی در اثبات حقیقت من مجادله و گفتگو کرده باشد هفتاد نفر از همسایها و اقربای

خود و از یک در دیگر بهشت داخل میشوند سایر مسلمین نه شهادت میدهند بر وحدانیت

خدا تعالی و نباشد در دلهاشان بقدر سنگینی مثقال ذره از بغض و عداوت ما اهل

اهل بیت ایهٔ مبارکه ان الذین کفروا ینادون لمقت الله اکبر من مقتکم انفسکم

اذ تدعون الی الایمان فتکفرون عن القمی ان الذین کفروا یعنی بنی امیه الی الایمان

یعنی الی ولایة علی علیه السلام از قمی نقل شده که مراد از قول خدا تعالی ان الذین

کفروا بنی امیه است و مراد از ایمان در قول حق تعالی اذ تدعون الی الایمان ولایت علی

علیه السلام است ترجمهٔ ظاهر ایه اینست بدرستیکه انانکه نگرویدند بوحدانیت خدا

از سورهٔ مؤمن

وتصدیق ننمودند بنبوت خاتم الانبیاء ندا کرده شوند یعنی که بدوزخ در آیند با نفسهای

اماره خود دشمنی آغاز کرده زبان بعتاب و ملامت بگشایند که چرا در زمان اختیار ایمان

نیاوردیم و ملائکه ایشان را ندا کنند که هر آینه دشمنی خدا مر شما را بزرگتر است از دشمنی

شما مر نفسهای خود را در زمانی که خدا شما را دشمن گرفت وقتیکه خوانده میشدید بسوی

گرویدن بخدا و رسولش پس شما منکر وید بآن آیه مبارکه شَرَعَ لَکُم مِنَ الدِّینِ مَا وَصَّی بِهِ سورهٔ شوری

نُوحًا وَالَّذِی أَوْحَیْنَا إِلَیْکَ وَمَا وَصَّیْنَا بِهِ إِبْرَاهِیمَ وَمُوسَی وَعِیسَی أَنْ أَقِیمُوا الدِّینَ

وَلَا تَتَفَرَّقُوا فِیهِ کَبُرَ عَلَی الْمُشْرِکِینَ مَا تَدْعُوهُمْ إِلَیْهِ اللَّهُ یَجْتَبِی إِلَیْهِ مَنْ یَشَاءُ

وَیَهْدِی إِلَیْهِ مَنْ یُنِیبُ یعنی بیان کرد و روشن ساخت خدای تعالی از برای شما از دینی

که بآن متمسک شوید و راه یابید بر آنچه وصیت کرده بود بآن نوح پیغمبر را و آنچه را که

وحی کرده بودیم بسوی تو و آنچه امر کرده بودیم بآن ابرهیم و موسی و عیسی ابن مریم پیغمبران را

از اصول دین و مضمون آن وصیت اینستکه اقامه کنید و برپا دارید دین را که ایمان

است بآنچه تصدیق بآن واجب شود از اصول دینیه و متفرق و پراکنده مشوید یعنی اختلاف

مکنید در اصول دین گرانست بزرگ بر مشرکان آنچه میخوانی ایشان را بسوی آن از توحید و اخلاص

و نفی شرک خدای تعالی نزدیک گرداند بسوی آنچه تو میخوانی ایشان را از دین اسلام هر کرا

میخواهد یعنی پسندیده میکند و برگزیده میکند از انکسانیکه مطیع اند و راه مینمایند بتوفیق

و ارشاد بدین حق هر کرا که باز گردد بحق و روی آورد بسوی وی از قمی روایت شده که گفته

که ایشان ائمه هستند که خداوند عالم اختیار کرده و برگزیده ایشان را از حضرت صادق

علیه السلام منقولست که فرمود أَنْ أَقِیمُوا الدِّینَ اینکه برپای دارید دین را مقصود و مراد

از لفظ

لفظ دین امام علیه السلام است و آیه مبارکه وَلَا تَتَفَرَّقُوا فِیهِ کنایه از جناب امیر المؤمنین

علیه السلام است یعنی متفرق و مختلف نشوید در آنحضرت که اختلاف نکنید در ولایت

آنجناب مَا تَدْعُوهُمْ إِلَیْهِ مِنْ وِلَایَةِ عَلِیٍّ عَلَیْهِ السَّلَامُ یعنی آنچه که میخوانی ایشان را از

ولایت جناب علی علیه السلام و مَنْ یَشَاءُ نیز کنایه از علی علیه السلام است از کافی

نقل شده که از حضرت امام رضا علیه السلام مرویست که فرمود نَحْنُ الَّذِینَ شَرَعَ اللَّهُ

لَنَا دِینَهُ فَقَالَ فِی کِتَابِهِ شَرَعَ لَکُمْ یَا آلَ مُحَمَّدٍ مِنَ الدِّینِ مَا وَصَّی بِهِ نُوحًا یعنی ما ئیم

انکسانیکه بیان و روشن کرده است خداوند کریم برای ما دین خود را پس فرموده در

کتاب مجید خود که بیان و روشن کرده است خدا برای شما ای آل محمد از دین آنچیزی را سورهٔ شوری

که وصیت کرده بر آن نوح را تا آخر حدیث آیه مبارکه وَمَا تَفَرَّقُوا إِلَّا مِنْ بَعْدِ مَا

جَاءَهُمُ الْعِلْمُ بَغْیًا بَیْنَهُمْ از قمی نقل شده که گفته است یعنی متفرق نشدند بسبب نادانی

ولکن ایشان متفرق شدند بسبب آنچیزیکه آمد بسوی ایشان و شناختند او را پس حسد

بردند بعضی بر بعضی و ظلم کردند بعضی بر بعضی زمانیکه دیدند تفضیل را در حضرت

رسالت جناب امیر المؤمنین علیهما السلام را بر ایشان بامر خدای عز و جل پس متفرق

شدند در مذاهب و اخذ کردند رایهای و هواهای خود را از کتاب کافی نقل شده که از

جناب امام جعفر صادق علیه السلام سؤال کردند از معنی آیه مبارکه اللَّهُ لَطِیفٌ بِعِبَادِهِ

یَرْزُقُ مَنْ یَشَاءُ فرمود ولایت جناب امیر المؤمنین علیه السلام است که هر کسیرا

خواست ولایت را مخصوص او گردانید معنی ظاهر آیه اینست که خدا مهربانست به

بندگان خود روزی میدهد هر کرا میخواهد بحسب مصلحت خفیه پس مخصوص میسازد هر یک

ازبناء کاز ابنوعی از نعمت وصنفی از مکرمت که مقتضی حکمت او باشد آیه مبارکه
مَن کانَ یُرِیدُ حَرْثَ الْآخِرَةِ نَزِدْ لَهُ فی حَرْثِهِ وَمَنْ کانَ یُرِیدُ حَرْثَ الدُّنْیا نُؤْتِهِ مِنْها
وَما لَهُ فِی الْآخِرَةِ مِنْ نَصِیبٍ یعنی هر که باشد اراده کند در دنیا کشت ازرای یعنی
علی که موجب ثواب اخرت او باشد بیفزائیم مرا و را در کشت خبر او یعنی بدهیم عوض اورا
از ده تا هفتصد و زیاده بران و هر که باشد که بخواهد کشت دنیا را یعنی مقصود اصلی
او از ان حصول امتعهٔ دنیویه باشد بدهیم او را نصیبی از دنیا و نیست او را در سرای
اخرت هیچ بهرهٔ در تتمهٔ حدیث سابق وارد است که حرث اخرت معرفت و ولایت جناب امیر
المؤمنین علیه السلام است و ائمه از اولاد انحضرت تا اخر حدیث یعنی هر کس عارف بان
باشد خداوند عالم می افزاید بر ثواب او آیه مبارکه قُلْ لا أَسْئَلُکُمْ عَلَیْهِ أَجْراً إِلَّا
الْمَوَدَّةَ فِی الْقُرْبی یعنی بگو نمیخواهم از شما بر تبلیغ رسالت مزدی مگر طلب میکنم از شما
دوستی ثابت و متمکن در اهل قرابت یعنی همین توقع دارم که خویشان نزدیک مرا دوست
دارید و تعظیم ایشانرا از جملهٔ واجبات شمرید از مجمع از ابن عباس روایتست که گفت چون
این آیهٔ مبارکه نازل شد بخدمت جناب رسول صلی الله علیه و اله عرض کردند که فدایت شوم
کیستند انانکه خدا امر فرموده ما را بدوستی ایشان فرمودند جناب علی و فاطمه و اولاد
این دو بزرگوار صلوات الله علیهم هستند و از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام مرویست
که در ال حمعسق یعنی در وسط سوره ایتی نازل شده در شان ما که هر که حفظ مودت ما
نکند از اهل ایمان نباشد و در بعضی نسخ چنین است حفظ نمیکند مودت ما را مگر
هر مؤمن بعد از ان این ایهٔ مبارکه را خواندند و از جناب رسول خدا صلی الله علیه واله
روایتست

سمی ... ال ... و لفظ ... المؤمنین ... سوره ... وسط ...

روایتست که فرمود إِنَّ اللهَ خَلَقَ الْأَنْبِیاءَ مِنْ أَشْجارٍ شَتّی وَخُلِقْتُ أَنَا وَعَلِیٌّ مِنْ شَجَرَةٍ
واحِدَةٍ وَأَنَا أَصْلُها وَعَلِیٌّ فَرْعُها وَفاطِمَةُ لِقاحُها وَالْحَسَنُ وَالْحُسَیْنُ ثِمارُها وَأَشْیاعُنا
أَوْراقُها فَمَنْ تَعَلَّقَ بِغُصْنٍ مِنْ أَغْصانِها نَجا وَمَنْ زاغَ هَوی وَلَوْ أَنَّ عَبْداً عَبَدَ
اللهَ بَیْنَ الصَّفا وَالْمَرْوَةِ أَلْفَ عامٍ ثُمَّ أَلْفَ عامٍ ثُمَّ أَلْفَ عامٍ حَتّی یَصِیرَ کَالشَّنِّ
الْبالِی ثُمَّ لَمْ یُدْرِکْ مَحَبَّتَنا أَکَبَّهُ اللهُ عَلی مَنْخِرَیْهِ فِی النّارِ ثُمَّ تَلا هذِهِ الْآیَةَ قُلْ لا أَسْئَلُکُمْ
عَلَیْهِ أَجْراً إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِی الْقُرْبی یعنی بدرستیکه حقتعالی خلق کرد انبیارا از اشجار
مختلفه و خلق شدیم من و علی از شجرهٔ واحده و من اصل ان شجره ام و علی فرع ان و فاطمه
شکوفه اوست و حسن و حسین میوهای ان و شیعیان ما برگهای ان پس هر کس
متمسک شود بشاخی از شاخهای ان نجات مییابد و هر کس روگرداند و منحرف شود
از ان بهلاکت ابدی رسد و هر گاه بدرستی بندهٔ عبادت کند خدا تعالی را در میان صفا
و مروه هزار سال بعد از ان هزار سال دیگر بعد از ان هزار سال دیگر تا اینکه از
کثرت عبادت مانند مشک کهنهٔ کوچکی که پوسیده گردد پس از ذکر این اوصاف
با همه این بنده محبت ما را نیافته باشد حقتعالی او را نگونسار بر رو و بینی او بدوزخ
اندازد پس حضرت رسالت این ایهٔ مبارکه را تلاوت کردند قُلْ لا أَسْئَلُکُمْ عَلَیْهِ أَجْراً
إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِی الْقُرْبی در حدیث دیگر از قرب الاسناد نقل شده که از حضرت صادق
علیه السلام روایتست چون نازل شد ایهٔ مبارکه قُلْ لا أَسْئَلُکُمْ عَلَیْهِ أَجْراً تا اخر ایه جناب
رسول خدا صلی الله علیه و اله ایستادند پس فرمودند یا ایها الناس بدرستیکه خدای
تعالی بتحقیق فرض و واجب کردانیده برای من بر شما فرضی را ایا پس شما ادا کنندگان او هستید

هستند کسی از انها جواب آنحضرت را نداد پس حضرت از گفتن باز ماند یعنی سکوت کرد
پس چون فردا شد ایستادند پس فرمودند مثل انچه را باز کسی جواب نداد پس در روز
سیم ایستادند و فرمودند مثل انچه در روز گذشته فرموده بودند پس باز کسی سخن
نیامد پس فرمودند ایها الناس این واجب طلا و نقره و خوردنی و اشامیدنی نیست گفتند
پس برهان بما و بیان کن او را در این هنگام در این حال فرمودند بدرستیکه خدا تعالی
نازل فرموده این ایه مبارکه را قل لا اسئلکم علیه اجرا الا المودة فی القربی پس عرض
کردند اما این را یعنی مودت را پس قبول کردیم جناب امام جعفر صادق علیه السلام
فرموده پس بخدا قسم وفا نکردند بان مگر هفت نفر سلمان و ابوذر و مقداد و عمار و جابر
ابن عبد الله الانصاری و غلام حضرت که ثبیت نام داشت و زید بن ارقم سلام الله علیهم
ایه مبارکه ومن یقترف حسنة نزد له فیها حسنا ان الله غفور شکور یعنی
هر کس که کسب کند نیکی را یعنی چیزیکه موجب قربت باشد می افزائیم مر او را در ان
حسنه نیکوئی یعنی مضاعف سازیم ثواب ان حسنه را بدرستی که خدا امرزنده است
مر سیئات بندگان را و جزا دهنده است طاعت مطیعان را بتوفیه ثواب و تفضیل دادن
بر ایشان زیاده بر قدر استحقاق از حضرت صادق علیه السلام مرویست که فرمودند
بدرستیکه این ایه مبارکه نازل شده در حق ما که اهل بیتیم و اصحاب کسا هستیم
یعنی ایه تطهیر در حق ما نازل شده و در شان ما اهل بیت نازل شده از جناب امام
حسن مجتبی علیه السلام منقولست که در اثنای خطبه فرمودند که من از ان اهل بیتی
هستم که حق سبحانه و تعالی واجب گردانیده مودت ایشان را بر هر که مسلمانست پس در

کتاب

کتاب مجید عز من قائل فرموده قل لا اسئلکم علیه اجرا الا المودة فی القربی
ومن یقترف حسنة نزد له فیها حسنا ان الله غفور شکور فرمودند پس اقتراف
حسنه دوستی ما اهل بیت است از حضرت باقر علیه السلام منقولست که
فرموده اقتراف تسلیم است برای ما راست گفتن بر ما است و اینکه دروغ نگویند
بر ما یعنی دروغ از زبان ما نسازد از جناب سید الشهداء علیه السلام مرویست
که فرمودند جمع شدند مهاجران و انصار و بخدمت جناب رسول خدا صلی الله
علیه و اله امدند پس عرض کردند یا رسول الله خرج شما سنگین است بجهت گذران
خود و گذران کسیکه وارد میشوند بر شما از دور و نزدیک و باید که ایشان را
مهمان کنی و اینست اموال ما با خونهای ما پس حکم کن انچه خواهی در این حال نیکو
کار و مزد داده شده خواهی بود زیرا که پیشکش ما را قبول کرده ببخش انچه را میخواهی
ببخشی و نگاه دار انچه را میخواهی نگاه داری هیچ باکی و حرجی بر تو نیست حضرت فرمودند
پس خداوند عالم حضرت روح الامین را بر پیغمبر فرو فرستاد پس بگو ای محمد لا اسئلکم
علیه اجرا الا المودة فی القربی یعنی ان تودوا قرابتی یعنی که از شما نمیخواهم مزدی را
مگر دوستی ثابت و متمکن در اهل قرابت یعنی اینکه دوست دارید خویشان نزدیک مرا
بعد از من تا اخر حدیث ایه مبارکه ما کنت تدری ما الکتاب ولا الایمان ولکن جعلناه
نورا نهدی به من نشاء من عبادنا یعنی یا محمد نبودی که بدانی قبل از وحی که چیز
است قران یعنی قبل از انزال قران علم بان نداشتی و عمید استی دعوت کردن بایمان
یا بشرائع و احکام ان عالم نبودی و اگر چه قبل از بعثت بوسیله دلایل عقلیه باصول

ایمان عالم بودی ولکن کردانیدیم ما کتاب را با ایمان روشنائی که راه نمائیم بان هر کس را
که بخواهیم از بندگان از رقتی نقل شده که از حضرت امام محمد باقر علیه السلام روایت
کرده در این فقره از آیه مبارکه ولکن جعلناه نورا فرمود یعنی علی علیه السلام را
نور کردانیدیم و جناب علی آن نوریست که راه نمائی کرده خلائق عالم را بان نور هر که را
هدایت کرده است از خلق خود آیه مبارکه انک لتهدی الی صراط مستقیم آنحضرت
فرمودند در تاویل این آیه یعنی لتکلفنا مر بولایة علی و تدعوا الیها و علی هو الصراط
المستقیم ظاهر آیه مبارکه بدرستیکه تو هر آینه بوسیله وحی ما میخوانی مردمان را
بسوی راه راست حضرت باقر میفرمایند یعنی امر میکنی مردمان را بولایت علی علیه السلام و
میخوانی ایشان را بسوی آنجناب و علی علیه السلام است صراط مستقیم آیه مبارکه
صراط الله الذی له ما فی السموات و ما فی الارض من شیء و ائتمنه علیه یعنی
راه راست خدائیکه مر او راست آنچه در آسمانها و زمینها است از روی خلقت و
ملکیة حضرت فرمودند قصد کرده خدا تعالی باین آیه علی علیه السلام را یعنی صراط خدا
آنچنان صراطی که مر او راست آنچه در آسمانها و زمینها است یعنی آنچه در آسمانها و
زمینها است مر علی راست که مقصود از صراط است بعلت آنکه بدرستی خدا آنجناب را
خازن کردانید بر آنچه در آسمانها و زمینها است از موجودات و امین خود قرار داده آنجناب را
بر آنها آیه مبارکه و انه فی ام الکتاب لدینا لعلی حکیم یعنی بدرستیکه قران در اصل سوره زخرف
همه کتابها که نزدیک ما است یعنی لوح محفوظ که منتسخ جمیع کتب منزله است و محفوظ
از تغییر و تبدیل هر آینه علی بزرگوار است و غالب مفد از روی اعجاز و فرط فصاحت محکم
کرده

کرده شده است از تطرق نقصان و عروض نسخ بر آن ام الکتاب لوح محفوظ است که آن
اصل کتب سماویه است از معانی الاخبار حکایت شده که از جناب صادق علیه السلام روایت است
که مراد از آیه مبارکه و انه فی ام الکتاب لدینا لعلی حکیم جناب امیر المؤمنین علیه
السلام است و مراد از ام الکتاب سوره فاتحه است و معنی اینکه آنحضرت در سوره فاتحه
الکتاب در آن نوشته شده است در آنجائیکه میفرماید اهدنا الصراط المستقیم
مراد از صراط مستقیم جناب امیر المؤمنین علیه السلام است و معرفت او و از جمله آیات
آیه مبارکه و جعلها کلمة باقیة فی عقبه لعلهم یرجعون و ظاهر آن دلالت دارد بر
اینکه کردانید ابراهیم توحید را یعنی کلمه طیبه لا اله الا الله را یا کلمه انی بریء مما
تعبدون الا الذی فطرنی خداوند کلمه توحید را کلمه پاینده در عقب خود یعنی در
میان فرزندان او تا شاید همه اولاد او به یکی خود در توحید و اخلاص و تبری از شرک
رجوع کنند لکن از اکمال حکایت شده که از جناب سید الساجدین صادق علیه السلام روایت کرده
فرمودند در شان ما نازل شده این آیه مبارکه و جعلها کلمة باقیة فی عقبه و امامت
در عقب جناب امام حسین علیه السلام است یعنی در فرزندان آنجناب است تا روز
قیامت از معانی و مناقب و مجمع حکایت شده که از جناب امام جعفر صادق علیه السلام
مثل این روایت شده از کتاب مناقب نقل شده که مرویست از جناب رسول خدا صلی الله
علیه و آله سؤال نمودند از این آیه مبارکه فرمودند امامت در عقب حسین است خارج میشود از
صلب او نه نفر از ائمه منهم مهدی هذه الامة یعنی از ایشان است مهدی این امت که حضرت
صاحب الامر عجل الله فرجه باشد در تتمه آیه مبارکه که لعلهم یرجعون است فرقه کفته

سوره زخرف

از قرار یکه نقل شده یعنی الائمة یرجعون الی الدنیا یعنی خداوند قصد کرده اسـ‌ائمة
را که ایشان رجوع میکنند بسوی دنیا **ایه مبارکه** فاستمسک بالذی اوحی الیک
انک علی صراط مستقیم پس چنك در زن بانچه وحی کرده شده است بسوی تو از ایات و
احکام اوامر و نواهی و ملازم ان باش بدرستیکه تو بر راستی که اصلا کجی ندارد
قمی از جناب امام محمد باقر علیه السلام روایت کرده که انجناب فرموده اند انک علی
ولایة علی و علی هو الصراط المستقیم یعنی یا محمد تو بر ولایت علی هستی و علی همان صراط
مستقیم است وانه لذکر لک ولقومک وسوف تسئلون یعنی بدرستی که ان و
یعنی قران هر اینه شرف و عزتیست مر ترا و مر کروه ترا و زود باشد که پرسیده شوید
ای بندکان از قیام نمودن بحق ان و تعظیم کردن احکام ان عن الکافی والقمی عن الباقر
علیه السلام نحن قومه ونحن المسئولون از کافی و قمی از حضرت باقر علیه السلام مرویست
که فرموده ما ئیم قوم جناب رسول خدا صلی الله علیه واله و ما ئیم مسئولون یعنی پرسیده شدها
از قیام نمودن بحق ما و تعظیم کردن ما و ولایت و مودت ما و در حدیث دیکر وارد شده
که جناب صادق علیه السلام فرموده ایانا عنی ونحن اهل الذکر ونحن المسئولون یعنی
ما را خدای عز و جل قصد کرده از این ایه مبارکه و ما اهل بیت اهل ذکر هستیم و ما ئیم
پرسیده شدها **ایه مبارکه** ولما ضرب ابن مریم مثلا اذا قومک منه یصدون وقالوا
ءالهتنا خیر ام هو ما ضربوه لک الا جدلا بل هم قوم خصمون ان هو الا عبد انعمنا
علیه وجعلناه مثلا لبنی اسرائیل ولو نشاء لجعلنا منکم ملائکة فی الارض یخلفون
و چون زده شد به پسر مریم مثلی یعنی ابن زبعری چون عیسی را مثل زد و مجادله کرد با تو

به پرستش

به پرستش ترسایان او را انکاه قوم تو یعنی کفار قریش از ان مثل او از بلند بر داشتند
و اغاز فرح و خوشحالی کردند و کفتند ایا خدایان ما بهترند یا عیسی هر کاه او حصب جهنم
باشد کو ایشان نیز باشند نزدند این مثل را برای تو مکر برای خصومت کردن و
استهزا نمودن بلکه ایشان در جمیع احوال کروهی اند شدائد الخصومة و حریص بر لجاجت
نیست عیسی مکر بنده که انعام نهادیم برا و بمنصب رسالت و با فرید ناو بی پدر و کردانیدیم
او را داستانی عجیب که مثل جاریست مر فرزندان یعقوب را یعنی ولادت او بدون پدر
قصه ایست که در غرابت مثلی است جاری شده در میان بنی اسرائیل پس بجهت تنبیه
بر کمال قدرت خود میفرماید که اکر خواهیم یعنی اکر حکمت و مصلحت ما تقاضا کند هر
اینه کردانیدیم بدل از شما فرشتکان یعنی شما را اهلاک سازیم و بدل شما فرشتکان
بیاریم تا ایشان در زمین از پی شما در ایند یعنی خلیفه شما باشند عن الکافی
عن ابی بصیر قال بینا رسول الله ذات یوم جالس اذ اقبل امیر المؤمنین علیه السلام
فقال له رسول الله صلی الله علیه واله ان فیک شبها من عیسی بن مریم لولا
ان تقول فیک طوائف من امتی ما قالت النصاری فی عیسی بن مریم لقلت فیک
قولا لا تمر بملاء من الناس الا اخذوا التراب من تحت قدمیک یلتمسون بذلک
البرکة قال فغضب الاعرابیان والمغیرة بن شعبة وعدة من قریش معهم فقالوا
ما رضی ان یضرب لابن عمه مثلا الا عیسی بن مریم فانزل الله علی نبیه ولما ضرب
ابن مریم مثلا الی قوله لجعلنا منکم الحدیث از کافی حکایت شده که از ابی بصیر
روایتست که جناب رسول خدا صلی الله علیه واله روزی در اثنائیکه نشسته بودند

جناب امیر المؤمنین علیه السلام در وقت تشریف آوردند پس جناب رسول خدا
صلی الله علیه وآله فرمودند بدرستیکه در تو شباهتی از عیسی بن مریم است هرگاه
نمیترسیدم اینکه بگویند در حق تو گروههائیکه از امت من اند آنچیز را که گفتند نصاری
در حق عیسی بن مریم هر آینه میگفتم در حق تو قولی را که گذر نکنی بگروهی از مردم مگر
آنکه بردارند خاک را از زیر پاهای تو بجهت اینکه میطلبند برکت را از آن خاک
یعنی بجهت تبرک پس غضبناک شدند آن دو اعرابی یعنی آن دو نادان و مغیرة بن شعبه و
چند نفر از قریش لعنهم الله که با آنها بودند پس گفتند راضی نشد رسول خدا صلی الله علیه
بیان نماید مثلی را برای پسر عم خود مگر اینکه مثل زد برای پسر عم خود عیسی بن مریم
یعنی او را شبیه نکرد مگر بعیسی بن مریم و این در نظر آنها عجیب بود زیرا که عیسی بن مریم
را بسیار بلند مرتبه میدانستند و حضرت امیر المؤمنین علیه السلام را صاحب هیچ
مقام نمیدانستند پس این بود نازل کرد خداوند این آیه مبارکه را ولما ضرب ابن مریم
از قمی نقل شده که از جناب سلمان رضی الله عنه روایت کرده که فرمود در اثنائی
که جناب رسول خدا صلی الله علیه وآله در میان اصحاب خود نشسته بودند که
ناگاه فرمودند بدرستیکه داخل میشود بر شما در این ساعت شبیه عیسی بن مریم پس
بیرون رفت بعضی از کسانیکه نشسته بود با رسول خدا صلی الله علیه وآله تا اینکه
او باشد آنکسیکه داخل میشود بوصیت حضرت رسالت که شباهت بعیسی علیه السلام
بوده باشد در حق او صادق آید پس داخل شد جناب علی بن ابیطالب علیه السلام پس آمد
بعضی یاران خود را گفت که آیا راضی نشد محمد صلی الله علیه وآله باینکه تفضیل دهد علی

را بر ما یعنی باینقدر از تفضیل اکتفا نکرده تا اینکه ترقی از این مرحله نموده او را شبیه نموده
بعیسی بن مریم بخدا قسم هر آینه خداهای ما که بودیم پرستش میکردیم آنها را در ایام
جاهلیت افضل است از وی پس خداوند عالم نازل فرمود در آن مجلس این آیه مبارکه را
وَلَمَّا ضُرِبَ ابْنُ مَرْيَمَ مَثَلًا إِذَا قَوْمُكَ مِنْهُ يَضِجُّونَ وَقَالُوا أَآلِهَتُنَا
خَيْرٌ أَمْ هُوَ مَا ضَرَبُوهُ لَكَ إِلَّا جَدَلًا بَلْ هُمْ قَوْمٌ خَصِمُونَ إِنْ عَلِيٌّ إِلَّا عَبْدٌ أَنْعَمْنَا عَلَيْهِ
وَجَعَلْنَاهُ مَثَلًا لِبَنِي إِسْرَائِيلَ فمحی اسمه عن هذا الموضع یعنی چون زده شد
به پسر مریم مثلی یعنی فرمودی که جناب امیر المؤمنین شبیه بعیسی است ناگاه قوم تو
از این گفته تو فریاد میکنند آیه چنین نازل شده پس تحریف کردند او را و گفتند آیا
خداهای ما بهتر است یا آن عیسی که مماثل علی علیه السلام است بلکه خدایان ما
از عیسی بنا بر این بهتر خواهند بود مثل نزدند این مثل را بر تو مگر برای خصومت
و استهزا و جدل بلکه آنها گروهی هستند خصومت کنندگان و نیست علی مگر بنده
که نعمت دادیم ما بر او و گردانیدیم او را مثل بنی اسرائیل جناب سلمان میفرماید پس دور
کردند منافقان اسم حضرت امیر المؤمنین را از این موضع یعنی اسقاط کردند از مناقب
نقل شده که از جناب رسول خدا صلی الله علیه وآله مرویست که فرمود داخل میشود
از این در مردی که شبیه ترین خلق است بعیسی بن مریم پس داخل شد علی علیه السلام پس
منافقین خندیدند از این قول بعد از آن این آیه مبارکه نازل شد ولما ضرب ابن مریم مثلا
از مجمع حکایت شده از جناب امیر المؤمنین علیه السلام روایت شده روزی آمدم بخدمت
جناب رسول خدا صلی الله علیه وآله پس یافتم او را در میان گروهی که از قریش بودند پس

نظر فرمودند پس بعد از آن فرمودند یا علی در تو مثلی هست که مثل تو در این امت مثل
عیسی بن مریم است دوست داشتند قومی او را و افراط کردند در دوست داشتن او
پس هلاک شدند و دشمن داشتند قومی او را و افراط کردند در بغض و پس هلاک شدند
واقتصد فیه قوم فنجوا و قومی میان رو کردند در حق عیسی پس نجات یافتند پس این را
که جناب رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند گران آمد بر آنها که در خدمت آنحضرت
بودند و خندیدند و گفتند تشبیه میکند او را بانبیا و رسل پس بعد از آن این آیه
مبارکه نازل گردید ولما ضرب ابن مریم مثلا الی آخره و عن التهذیب فی دعاء یوم الغدیر
المروی عن الصادق علیه السلام فقد اجبنا داعیک النذیر المنذر محمدا
صلی الله علیه و آله عبدک و رسولک الی علی بن ابی طالب علیه السلام الذی
انعمت علیه و جعلته مثلا لبنی اسرائیل انه امیر المؤمنین و مولیهم و ولیهم
الی یوم القیمة یوم الدین فانک قلت ان هو الا عبد انعمنا علیه و جعلناه
مثلا لبنی اسرائیل یعنی از تهذیب نقل شده در دعای غدیر که از حضرت صادق
علیه السلام روایت شده است و از جمله فقرات اینست پس تحقیق اجابت کردیم
خواننده از جانب ترا که نذیر و منذر است یعنی ترساننده از عذابست محمد صلی الله علیه
و آله که بنده و رسول تست بسوی علی بن ابی طالب علیه السلام که انعام کرده بر او و او را
مثل گردانیده برای بنی اسرائیل که او امیر المؤمنین و مولی و ولی ایشانست تا روز قیامت
که روز جزا است پس بدرستی که فرموده ان هو الا عبد انعمنا علیه و جعلناه مثلا
لبنی اسرائیل الی آخره ذکر معنی آیه مبارکه گذشت آیه مبارکه دیگر و انه لعلم للساعة

فلا

فلا تمترن بها و اتبعون هذا صراط مستقیم یعنی بدرستی که عیسی علی نبینا و علیه السلام
هر آینه نشانه ایست که بان دانسته شود نزدیک شدن قیام قیامت چه نزول او از
آسمان یکی از شرائط قرب قیامتست پس شک مکنید و جدال منمائید بامدن قیامت و
پیروی کنید مرا اینکه شما را بان دعوت میکنم و این راه راستست از علی بن ابراهیم قمی
نقل شده که گفته است پس خدا تعالی ذکر کرده است شرف و بزرگی امیر المؤمنین
علیه السلام را و گفته است انه لعلم للساعة هذا صراط مستقیم یعنی امیر المؤمنین
علیه السلام دانسته میشود بآنجناب نزدیک شدن قیامت مؤلف گوید دور نیست
که اشاره باین باشد که در ظهور صاحب الامر حضرت رجوع خواهند کرد و رجوع
آنجناب از علامات نزدیکی قیامتست آیه مبارکه قال انکم ماکثون لقد
جئناکم بالحق و لکن اکثرکم للحق کارهون یعنی مالک دوزخ در جواب ایشان
بعد از هزار سال گوید بدرستی که شما درنگ کنندگانید یعنی جاوید مانندگان
در دوزخ نخواهید بود و نه تخفیف عذاب از شما خواهد شد حق تعالی بعد از
جواب مالک با ایشان گوید بتحقیق آوردیم بسوی شما یعنی فرستادیم سخن راست و درست
را بر زبان پیغمبران خود و لکن اکثر شما سخن حق را ناخواهان و از ان کراهت داشتند
بجهت آنکه با باطل در راحت بودید از قمی روایت شده که گفته لقد جئناکم
تا آخر کلام خدا است نه کلام مالک دوزخ و مقصود از لفظ بالحق یعنی بولایت
امیر المؤمنین علیه السلام و لکن اکثرکم للحق کارهون یعنی کراهت دارید ولایت
امیر المؤمنین علیه السلام را مراد از حق در دین و مکان ولایت جناب امیر المؤمنین است

همه جا با آنحضرت از حق جدا نیست و نیز حق از آنحضرت منفک نیست الحق مع علی و علی

مع الحق ایه مبارکه حم والکتاب المبین انا انزلناه فی لیلة مبارکة انا کنا

منذرین فیها یفرق کل امر حکیم یعنی سوگند بحکمت و حکم و حمایت و ملک و مجد

میت و باین کتاب روشن و هویدا بدرستیکه ما فرستادیم او را در شب با برکت و

عظمت بدرستیکه ما هستیم بیم کنندگان با انزال قران در شبی که از جمله

برکات آن اینست که در آن بیان کرده و فیصل داده شود هر کاری که حکم داده شده است

در همه سال از قیمت ارزاق و غیران از جناب موسی کاظم علیه السلام روایت است

که نصرانی از آنحضرت سؤال کرد از تفسیر این ایه مبارکه در باطن پس آنحضرت فرمودند

اما حم پس محمد صلی الله علیه و اله است که ان در کتاب هود است نازل شده

بر او و آن منقوص الحروف است یعنی حروفان ناتمام است زیرا که یک میم و دال

از لفظ محمد کمتر است و اما الکتاب المبین پس ان جناب امیر المؤمنین علی علیه السلام

است و اما اللیلة پس فاطمه علیها السلام است و اما قوله فیها یفرق کل امر حکیم

یقول یخرج منها خیر کثیر فرجل حکیم و رجل حکیم و رجل حکیم فقال الرجل

صف لی الاول والاخر من هؤلاء الرجال فقال ان الصفات تشتبه و لکن

الثالث من القوم اصف لک ما یخرج من نسله و انه عندکم لفی الکتب التی

نزلت علیکم ان لم تغیروا و تحرفوا و تکفروا و قدیما ما فعلتم الحدیث معنی ایه

مبارکه فیها یفرق کل امر حکیم یعنی جدا میشود هر امر حکیم در آن لیله مبارکه خدا فرموده

میفرماید که از حضرت فاطمه علیها السلام بیرون می اید خیر کثیر پس حضرت فرمودند

ان خیر کثیر مردی حکیمی و مرد حکیمی و مرد حکیمی است پس گفت آن نصرانی بیان کن از

برای من رجل اول و رجل اخر از این مردان را پس حضرت فرمودند بدرستیکه صفات

مشابهت بیکدیگر دارند یعنی نظیر هم میباشند و مشابه هستند سیمی از اینگروه را

بیان میکنم برای تو انکسی را که از نسل و بیرون می اید و بدرستیکه او در نزد شما است

هر اینه در کتابهای شما که نازل شده بر شما اگر تغییر نداده و تحریف نکرده باشید انکار

ننمائید و از قدیم این کار را کرده اید تا اخر حدیث ایه مبارکه یوم لا یغنی مولی عن مولی شیئا

و لا هم ینصرون الا من رحم الله انه هو العزیز الرحیم روزی که دفع نکند هیچ دوستی

و خویشی از دوست و خویش خود را از عذاب و نه آن دوستان و خویشان یاری کرده

شوند از جانب دوستان خود در دفع عذاب مگر کسیکه خدا رحم کرده باشد برا و بعفو کردن

از و و اذن شفاعت دادن در حق او و بدرستیکه خدا بتعالی غالب است بر غضب شخصی که

در حق او عصیان نموده باشد پس برا رد غضب عاصی هیچکس را یارای آن نباشد که

او را از عذاب الهی برهاند بدرستیکه او است مهربان بر هر که اطاعت او کرده باشد

از کتاب کافی نقل شده که از جناب صادق علیه السلام روایت شده که خوانده شد

بر آنحضرت این ایه کریمه پس فرموده نحن والله الذی رحم الله نحن والله الذی استثنی

الله لکنا نغنی عنهم یعنی ما ئیم قسم بخدا انکسیکه رحم میکند خدا او را ما ئیم قسم بخدا

انکسیکه خدا بتعالی استثنا کرده که فرموده الا من رحم یعنی خدا ما را رحم کرده پس ما میتوانیم

دفع عذاب از دوستان خود نمائیم بشفاعت کردن هر چند دوستی هیچکس در آن روز

فایده بحال کسی ندارد و لکن ما دفع میکنیم عذاب را از دوستان خود و دوستی ما نفع میبخشد

نظیر

اعنی ام شریف العصمت

برای ایشان ایضاً از انحضرت روایتست که استثنا نکرده است خداوند تعالی احدی
را از اوصیا انبیا و نه از اتباع ایشان مگر امیر المؤمنین علیه السلام و شیعه انجناب
پس فرموده در کتاب خود سبحانه و کفته او حق و صدق است یوم لا یغنی مولی عن مولی شیئا
و لا هم ینصرون الا من رحم الله یعنی بذلک علیا و شیعته که جناب علی بن ابی طالب
و شیعه انحضرت را قصد کرده بکلمه الا من رحم الله ایه مبارکه ذق انک انت العزیز
الکریم ان المتقین فی مقام امین فی جنات و عیون یلبسون من سندس و استبرق
متقابلین کذلک و زوجناهم بحور عین مضمون ایه اولی انست که خدا تعالی بر
سبیل تمسخر و استهزا میفرماید مرا ن عاصی را که نزد قوم خود عزیز و مکرم بود که بچش
بد رنسیتکه تو ئی ارجمند نزد قوم خود و بزرکوار نزد عم و کمان خود مرویست که ابو جهل
بحضرت رسالت کفت که میان این دو کوه که محیط اند کسی از من ارجمند تر و بزرکوار تر نیست
پس تو و خدای تو توانائی ندارید که ضرری بمن برسانید چون روز قیامت رسد حضرت
رسالت پناه صلی الله علیه و اله بر سبیل استهزا باو کوید ای عزیز و کریم بچش این عذاب
جحیم و اب حمیم و عقاب الیم را متمم ایه مبارکه ان المتقین فی مقام امین الی اخره یعنی بدرستی
که پرهیزکاران در جایکاه ایمن باشند در بوستانهای پر از اشجار و چشمهای جاری می
پوشند جامهای را از سندس و استبرق سندس ازحریر نازکتر است و استبرق از ان قدری
غلیظتر است متقابلین و زوجناهم بحور عین یعنی در حالتیکه در برابر یکدیگر نشسته
باشند تا بد یار یکدیگر انس کیرند و قرین میسازیم ایشانرا بحور عین یعنی زنان سفید روی
و لطیف اندام و کشاده چشم که حدقه ان در نهایت سیاهی باشد و سفیدی ان بغایت سفیدی

الکلاز

از کان حکایت شده که از جناب امام محمد باقر علیه السلام مرویست که فرمود زمانیکه
خداوند عالم داخل میکند اهل بهشت را به بهشت و اهل جهنم را بجهنم و میفرستد خداوند
عالم علی بن ابی طالب علیه السلام را پس انحضرت هر کس را بجای خود از بهشت منزل میدهد
یعنی تعیین مکان هر کسی بجای خود از بهشت منزل میدهد یعنی تعیین مکان هر کسی در
بهشت با انجنابست پس انحضرت تزویج میکند انهارا پس علی علیه السلام بخدا قسم
انکسیست که تزویج میکند اهل بهشت را در بهشت و راجع نیست این امر بسوی احدی غیر از
انجناب کرامت و فضیلتی است از خدا تعالی که تفضیل داده علی بن ابیطالب را و منت کذاشته
بان بر انحضرت از حضرت صادق علیه السلام منقولست که فرموده هر مؤمن تزویج میکند
در بهشت هشتصد باکره را و هزار ربوع و دو زوجه از حور عین سوره مبارکه الذین
کفروا و صدوا عن سبیل الله اضل اعمالهم یعنی کسانیکه کافر شدند و اعراض کردند از
راه خدا اعمال انهارا خدا تعالی باطل کردانید از علی بن ابراهیم قمی ره روایتست که نازل
شد ایه مبارکه در اصحاب رسول خدا صلی الله علیه و اله در باب کسانیکه مرتد شدند بعد
از رسول خدا صلی الله علیه و اله و غصب نمودند حق اهل بیت انحضرت را و اعراض نمودند
از جناب امیر المؤمنین علیه السلام و از ولایت ائمه سلام الله علیهم خداوند باطل
کردانید انچیزیکه پیش کذشته بود از ایشان با رسول خدا از جهاد و یاری کردن انحضرت
یعنی انچیزیکه از ایشان سر زده بود در زمان حضرت رسالت پناه پس انچه از ایشان عمل
شنیع تا بود و نیست شد ایه مبارکه و الذین امنوا و عملوا الصالحات و امنوا بما نزل
علی محمد و هو الحق من ربهم کفر عنهم سیئاتهم و اصلح بالهم یعنی کسانیکه ایمان اوردند

سوره مبارکه

فضائل شیعه

وعمل صالح نمودند وایمان اوردند بانچیزیکه نازل شده است بر محمد صلی الله علیه واله
و انست حق وثابت از پروردگار ایشان بپوشاند خدا ودرگذرد از انها ئیکه متصف
باین صفاتند کردارهای بد ایشانرا و بصلاح اورد حال ایشانرا قمی روایت کرده که نازل
شده درشان ابوذر وسلمان وعمار ومقداد که عهد را نقض نکردند ومعنی قول خدای
تعالی وامنوا بما نزل علی محمد یعنی ثابت وباقی ماندند بر ولایت جناب امیر المؤمنین
علیه السلام ایه مبارکه یا ایها الذین امنوا ان تنصروا الله ینصرکم ویثبت
اقدامکم ای انانکه ایمان اورده اید اگر یاری نمائید خدای را یعنی دین او را و رسول خدا
و وصی رسول را یاری میکند خدا تعالی شما را تا بر ایشان غالب شوید واستوار سازد
قدمهای شما را در قیام بحقوق اسلام ومجاهده با کفار متمم ایه مبارکه والذین
کفروا فتعسا لهم واضل اعمالهم ذلک بانهم کرهوا ما انزل الله فاحبط اعمالهم
انکسانیکه نکرویدند پس لغزیده شدند وبسر در امدند در معرکه جهاد لغزیده شدنی و
بسر در امدنی که مر ایشانرا احسن بود وگم وتابود ساخت اعمال ایشانرا یعنی اصلا اجری
وثوابی بران مترتب نکرداند وان گم وتابود ساختن عملهای کفار به سبب اینست که ایشان
کراهت داشتند انچیزیکه نازل کرده بود خدا بر پیغمبر خود از قران وامر بتوحید وباحکام
شریعت که از جمله انها ولایت علی علیه السلام است پس باطل وضایع کردانید خداوند
عملهای ایشانرا وبمزد قرار نداد القمی قال نزل جبرئیل علیه السلام علی محمد صلی الله
علیه واله بهذه الایة هکذا ذلک بانهم کرهوا ما انزل الله فی علی علیه السلام الا
انه کشط الاسم فاحبط اعمالهم یعنی علی بن ابرهیم قمی در تفسیر ایه مبارکه فرموده که

در سوره قتال

تعس بمعنی هلاکت و انحطاط است

کشط / رفع

احبط / باطل

فرود

فرود اورد جبرئیل علیه السلام بر پیغمبر صلی الله علیه واله این ایه را چنین یعنی باین
طور کرهوا ما انزل الله فی علی علی بن ابرهیم فرمود هیچ تغییری در ایه مبارکه ندادند
مگر اینکه اسم علی برداشته شد چونکه برداشتند اسم علی را پس خدا وند هم ضایع و
باطل نمود عملهای ایشانرا وعن المجمع عنه قال کرهوا ما انزل الله فی حق علی علیه السلام
از مجمع نقل شده که در حدیث است که کراهت داشتند انچیزرا که خدا تعالی نازل کرد
در حق علی علیه السلام ایه مبارکه ذلک بان الله مولی الذین امنوا الفهم
یعنی الذین ثبتوا علی امامة امیر المؤمنین علیه السلام یعنی انچه مذکور شد از اذلال
وعقوبت کافران ونصرت ومثوبت مؤمنان بسبب انستکه خدای تعالی دوست انکسانی
است که ایمان اوردند وناصر ومعین ایشان بوده از قمی نقل شده که معنی قول حق تعالی
الذین امنوا انست که استوار ماندند بر امامت جناب امیر المؤمنین علیه السلام
وان الکافرین لا مولی لهم یعنی بسبب انستکه کافرانرا هیچ دوستی نیست مر ایشانرا
یعنی انها دوستی ندارند که یاری ایشان کنند وعذاب از ایشان باز دارند نظر بتفسیر سابق
که منقول از علی بن ابرهیم بود مراد از کافرین منکرین امامت جناب علی بن ابیطالب علیه
السلام است ایه مبارکه ذلک بانهم قالوا للذین کرهوا ما نزل الله سنطیعکم فی
بعض الامر والله یعلم اسرارهم یعنی ان تسویل وامهال بسبب انستکه یهودان و
منافقان مر انانرا که کراهت داشتند از انچه فرو فرستاده است خدا از قران واحکام
اسلام یعنی یهودان با اهل کفر گفتند یا مشرکان با جماعتی دیگر از اهل شرک گفتند بزودی
زود باشد که فرمانبر شما را در برخی کارها وخدا میداند پنهانی ایشانرا که افشا میکنند

در سوره قتال

در سوره قتال

ازجناب صادق علیه السلام روایتست در بیان این آیه مبارکه فرمود که فلان وفلان
اول وثانی باشد که مرتد شدند از ایمان در واگذاشتن ولایت جناب امیرالمؤمنین علیه السلام
فرموده است والله نازل شده است در شان این دو نفر و اتباع ایشان که ایشان مرتد شدند از
ظاهر و باطن این آیه واینست قول خدای عز وجل نقولیکه فرود آورد جبرئیل از جانب حق
بر محمد صلی الله علیه وآله قالوا للذین کرهوا ما نزل الله فی علی سنطیعکم فی بعض
الامر قال دعوا بنی امیة الی میثاقهم الا یصیروا الامر فینا بعد النبی ولا یعطونا
من الخمس شیئا وقالوا ان اعطیناهم ایاه لم یحتاجوا الی شیء ولم یبالوا ان لا یکون
الامر فیهم فقالوا سنطیعکم فی بعض الامر الذی دعوتمونا الیه وهو الخمس
ان لا نعطیهم منه شیئا والذی نزل الله ما افترض علی خلقه من ولایة امیر
المؤمنین علیه السلام وکان معهم ابو عبیدة وکان کاتبهم فانزل الله ام
ابرموا امرا فانا مبرمون ام یحسبون انا لا نسمع سرهم ونجویهم یعنی گفتند
مرتدها را از منافقین که کراهت داشتند چیزیرا که در شان جناب علی علیه السلم
نازل شده زود باشد که اطاعت کنیم شما را در بعضی کارها یعنی آنچه را بگوئید در
مخالفت علی بن ابیطالب علیه السلام با شما موافقت مینمائیم آنحضرت فرمودند که خواندند
آن دو مرتد و یاوران ایشان اولاد امیه را بر میثاق و پیمان خود بر اینکه قرارد
پیمان خلافت را با اهل بیت نگذارند بعد از پیغمبر صلی الله علیه واله و بما از
خمس چیزی ندهند و گفتند هرگاه ما بانها که اولاد رسول صلی الله علیه واله هستند
خمس را بدهیم محتاج نمیشوند بچیزی و باک ندارند پس که خلافت نبوده باشد در میان

ایشان

ایشان پس بنی امیه گفتند زود باشد که اطاعت کنیم شما را که از خمس چیزی بایشان
ندهیم و مخالفت نمائیم و در آن چیزیکه خدا واجب کرده است بر خلق خود از ولایت
امیرالمؤمنین علیه السلام یعنی در این دو چیز اطاعت شما میکنیم که خمس نه‌دهیم و نگذاریم که
خلافت بامیرالمؤمنین برسد و بوده است همراه ایشان ابو عبیده و او نویسنده عهد و پیمان
بود پس خدای تعالی نازل فرموده آنرا که مضمونش اینست آیا محکم کرده اند امری را یعنی عهد
پس بدرستیکه ما محکم کنندگانیم آیا گمان میکنند که ما نمیشنویم آنچه پنهان میکنند
و در نهانی با یکدیگر میگویند نه چنین است حال آنکه فرستادگان ما نزد ایشان هستند
و مینویسند آنچه در نهانی میگویند یعنی با اینحال چگونه ما نمیدانیم آیه مبارکه و لو نشاء
لاریناکهم فلعرفتهم بسیماهم ولتعرفنهم فی لحن القول یعنی هرگاه بخواهیم هر آینه
بنمائیم ایشانرا یعنی علامت و نشانها پیدا کنیم برای آنها پس هر آینه بشناسی آنهارا بعلامتی
که دیده شود از ایشان والبته میشناسی آنهارا در لحن قول یعنی در اسلوب کلام و
میل دادن او را از تصریح بمراد بسوی تعریض یعنی گوشه زدن و توریه نمودن یعنی کلامی گفتن
که ظاهری داشته باشد و خلاف آنرا خواستن عن الامالی عن امیرالمؤمنین علیه السلم
قال قلت اربع کلمات انزل الله تعالی تصدیقی بها فی کتابه قلت المرء مخبوء تحت لسانه
فاذا تکلم ظهر فانزل الله تعالی ولتعرفنهم فی لحن القول از امالی صدوق حکایت
شده که از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام روایتست که فرمودند من چهار کلام گفتم
که خداوند جل شانه فرو فرستاد تصدیق مرا یعنی مطابق آن چهار کلام من فرمود یکی
از آنها اینست که مرد مخفی و مستور است در زیر زبان خویش چون بسخن در آید آشکار و

ای فی اسلوبه لما کان لا جهة تعریض و تورية

ظاهر میشود آنچه در او است از خوبی و بدی یعنی خداوند عالم نیز همین مضمون را نازل کرده است که فرموده است و لتعرفنهم فی لحن القول یعنی هر آینه میشناسی تو ای پیغمبر ایشان را در لحن قول و از طریقه گفتگوی ایشان یعنی قول ایشان میباشد که موافقند با منافقین
و عن المجمع عن ابی سعید الخدری لحن القول بغضهم علی بن ابی طالب علیه السلام قال و کنا نعرف المنافقین علی عهد رسول الله صلی الله علیه و آله ببغضهم علی بن ابی طالب علیه السلام قال و روی مثل ذلک عن جابر بن عبد الله الانصاری و عن عبادة ابن الصامت قال کنا نبور اولادنا بحب علی بن ابی طالب علیه السلام فاذا رأینا احدهم لا یحبه علمنا انه لغیر رشدة از مجمع نقل شده که از ابی سعید روایتست که مراد از لحن القول که خداوند فرموده بغض ایشان است جناب علی بن ابیطالب را و گفته است که بودیم ما میشناختیم منافقین را در زمان رسول خدا صلی الله علیه و آله بدشمنی ایشان با علی ابن ابی طالب علیه السلام و مثل این حدیث از جابر بن عبد الله الانصاری روایت شده و از عبادة بن صامت منقولست که گفته است که بودیم ما امتحان میکردیم اولاد خود را بدوستی جناب علی بن ابیطالب علیه السلام پس هر گاه میدیدیم یکی از ایشان را که آنجناب را دوست نمیدارند میدانستیم که او حلال زاده نیست و از زنا بعمل آمده از جمله آیات مبارکه
الذین کفروا و صدوا عن سبیل الله یعنی کسانیکه کافر شدند و باز داشتند قوم خود را بقهر و اغوا از راه خدا از قمی منقولست که گفته است مراد از سبیل الله جناب امیر المومنین علیه السلام است که هر کس باز دارد قوم خود را از آنجناب متم آیه مبارکه و شاقوا الرسول من بعد ما تبین لهم الهدی لن یضروا الله شیئا و سیحبط اعمالهم یعنی و مخالفت

کردند

و لد لغیر رشدة و تکبیر ضد لزنیة
قاموس

قال ع
سوره

کردند و معانده نمودند با رسول خدا از پس آنکه روشن و ظاهر شده بود مر ایشان را راه راست از قمی حکایت شده که گفته معانده با رسول باین شد که ترک کردند رسول خدا را صلی الله علیه و آله و پیوند او را بریدند در باب اهل بیت او و بعد از آنکه پیمان گرفته بود از منافقین از برای جناب امیر المومنین علیه السلام هرگز ضرر نتوانند رسانند خدا را چیزی یعنی کفر و صد ایشان ضرری بخدا نخواهد رسانید و زود باشد که باطل گرداند خدا کردارهای ایشان را بسم الله الرحمن الرحیم انا فتحنا لک فتحا مبینا لیغفر لک الله ما تقدم من ذنبک و ما تاخر یعنی بدرستیکه فتح کردیم برای تو ای محمد صلی الله علیه و آله فتحی روشن و گشودنی هویدا تا اینکه بیامرزد خدا برای تو آنچه گذشته است پیش از فتح یا پیش از وحی از گناهان تو یعنی از ترک ندب یا ترک اولی و آنچه از پس آن واقع شده از مجمع نقل شده که از جناب رسول خدا صلی الله علیه و آله روایتست که چون این آیه مبارکه نازل کردید بر حضرت فرمودند هر آینه بتحقیق نازل گردید بر من آیتیکه آن محبوبتر است بسوی من از دنیا و آنچه در او است مولف گوید چه این آیه مبارکه مشتمل بر آمرزش شیعیان جناب امیر المومنین علیه السلام است زیرا که مذهب اهل حق آنستکه انبیا و اوصیا معصوم اند از گناهان صغیره و کبیره چه پیش از وحی و چه بعد از آن پس بنابرین مراد گناهان شیعیانست چنانچه در روایت بعد مذکور میشود چون آنحضرت رئوف و مهربان تر از پدر و مادر است بر امتان و شیعیان جناب علی علیه السلام از اینجهت بود شادی آنحضرت چنانکه در دعای ابو حمزه ثمالی میفرماید الهی ان ادخلتنی النار ففی ذلک سرور عدوک و ان ادخلتنی الجنة ففی ذلک سرور نبیک و انا و الله اعلم ان سرور نبیک احب الیک من سرور

عدوک یعنی خداوندا اگر تو مرا داخل آتش نمائی دشمن تو که شیطان باشد شاد میشود و
هرگاه مرا داخل بهشت نمائی پیغمبر تو شاد میشود و من قسم بخدا میدانم که شاد شدن دوست
تو دوستتر و خوشتر است بسوی تو از شاد شدن دشمن تو و از قمی حکایت شده که از
جناب صادق علیه السلام روایت است که پرسیده شد از آنحضرت از معنی این آیه پس
فرمودند برای رسول خدا صلی الله علیه و آله گناهی از صغیره و کبیره نبود سهل است که
هرگز معصیت را بخواطر شریف نگذرانیده ولکن خداوند عز و جل گناهان شیعیان جناب
امیر المؤمنین علیه السلام را بر آنجناب بار کرد یعنی آنحضرت گناهان ایشان را بگردن
گرفتند پس آمرزیدان گناهان را برای آنحضرت آیه مبارکه لقد رضی الله عن المؤمنین
اذ یبایعونک تحت الشجرة یعنی هر آینه بتحقیق راضی شد خدا از مؤمنین زمانی که بیعت
نمودند در زیر درخت سمره از قمی حکایت شده که از جناب صادق علیه السلام روایت
کرده که جناب امیر المؤمنین علیه السلام بمعاویه علیه اللعنة نوشت انا اول من
بایع رسول الله تحت الشجرة یعنی من اول کسی بودم که بیعت کرد با رسول خدا صلی الله علیه و آله
در تحت شجره و الشجرة درختی بود اسمش سمره که شجر طلح باشد و آن درختی است بزرگ پر خار
و بیعتی حاصل قصه بیعت آنستکه چون جناب رسول خدا صلی الله علیه و آله از مدینه بیرون
شدند بعزم مکه معظمه بحدیبیه رسیدند و آنجا هست نزدیک مکه با آن درختی که در
زیر آن بیعت کردند توقف فرمودند و عثمان را برسالت بمکه فرستادند نزد کفار قریش که من
بنای جنگ با شما ندارم و بزیارت بیت الله آمده ام پس قریش عثمان را نگاه داشتند و خبر
برسول خدا صلی الله علیه و آله و مسلمانان رسید که عثمان را کشتند پس آنحضرت فرمودند که ازین

سفر

سفر برنمیگردیم تا با ایشان جنگ نکنیم و آنجناب مردم را به بیعت خواندند پس برخواستند
و رفتند بسوی شجره سمره که مشهور است پس تکیه بر او دادند و مردم با آنجناب بیعت کردند
بر اینکه جنگ کنند با مشرکان و فرار نکنند و وعده اطاعت دادند تا هنگام قتل ایشان بر
و عدد ایشان هزار و پانصد نفر بودند و یا هزار و سیصد نفر آیه مبارکه فانزل الله
سکینته علی رسوله و علی المؤمنین و الزمهم کلمة التقوی یعنی پس خداوند نازل کرد
بر رسول خود و مؤمنین طمانینه و آرامش خود را و لازم کرد ایشان خدای تعالی سخنی که سبب پرهیزکاری
است از مجالس حکایت شده که از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایتست که بدرستی
علی بن ابی طالب علیه السلام نشانه هدایتست و امام اولیای من است و روشنیست
برای کسانیکه اطاعت من کنند و او است کلمه که الزام کرده ام او را بر متقین از خصال
روایتست که ائمه سلام الله علیهم فرمودند نحن کلمة التقوی و سبیل الهدی یعنی ما
هستیم کلمه تقوی و سبیل الهدی و عن التوحید عن امیر المؤمنین علیه السلام قال فی
خطبة انا عروة الله الوثقی و کلمة التقوی یعنی از کتاب توحید حکایت شده که از جناب
امیر المؤمنین علیه السلام مرویست که در خطبه فرمود که منم عروة الوثقی یعنی دست
آویز محکم خدا و کلمة التقوی یعنی سخنی که سبب پرهیزکاریست هستم و فی الاکمال عن الرضا
علیه السلام فی حدیث له و نحن کلمة التقوی و العروة الوثقی در کتاب اکمال از جناب امام
رضا علیه السلام روایتست که ما هستیم کلمه تقوی و عروة الوثقی آیه مبارکه سیماهم
فی وجوههم من اثر السجود یعنی علامت ایشان در رویهای ایشانست یعنی علامت در پیشانی
ایشان ظاهر و هویدا است از نشانه سجده کردن و این مستلزم کثرت سجود ایشانست و

در سوره فتح

در سوره فتح

در سوره فتح

[illegible]

در سورهٔ فتح

اینکه امام زین العابدین علیه السلام بذو الثفنات مشهور گشته بجهت همین است
زیرا که از زیادی عبادت و سجده نمودن پیشانی آنحضرت ثفنات بهم رسانیده بود یعنی پینه
بسته بود مثل پینهٔ اشتر و لهذا آنحضرت بسجاد نیز معروف شده و بروایت ضحاک
اثر سجود زردی روی و لاغری است از خشیت خدا آخر سورهٔ مبارکه انا فتحنا لک این آیت
وعد الله الذین امنوا و عملوا الصالحات منهم مغفرة و اجرا عظیما عن الامالی
عن النبی صلی الله علیه و آله انه سئل فیمن نزلت هذه الآیة قال اذا کان یوم
القیمة عقد لواء من نور ابیض و نادی مناد لیقم سید المؤمنین و معه الذین
امنوا و قد بعث الله محمدا صلی الله علیه و آله فیقوم علی بن ابیطالب علیه السلام
فیعطی الله اللواء من النور الابیض بیده تحته جمیع السابقین الاولین من المهاجرین
و الانصار لا یخالطهم غیرهم حتی یجلس علی منبر من نور رب العزة و یعرض الجمیع
علیه رجلا رجلا فیعطی اجره و نوره فاذا اتی علی آخرهم قیل لهم قد عرفتم موضعکم
و منازلکم من الجنة ان ربکم یقول لکم عندی لکم مغفرة و اجر عظیم یعنی الجنة
فیقوم علی بن ابیطالب علیه السلام و القوم تحت لوائه معهم حتی یدخل الجنة
ثم یرجع الی منبره و لا یزال یعرض علیه جمیع المؤمنین فیاخذ نصیبه منهم الی الجنة
و یترک اقواما علی النار معنی آیهٔ شریفه است که وعده کرده خداوند عز و جل آنان را
که ایمان آورده اند بخدا و رسول و کردند کارهای شایسته از ایشان یعنی از آنانکه سمت
ذکر یافته اند آمرزش گناهان و مزدی بزرگ و بی پایان از کتاب امالی نقل شده که روایت
است از جناب رسول خدا صلی الله علیه و آله بدرستیکه آنحضرت پرسیده شد که این آیه

مبارکه

مبارکه در حق که نازل شده فرمودند چون روز قیامت شود منعقد شود علمی از نور
ابیض یعنی روشنی خوبی و منادی ندا میکند که باید برخیزد سید آقای مؤمنین و با او باشند
آنانکه ایمان آورده اند و بتحقیق که برانگیخت خدای تعالی جناب محمد صلی الله علیه و آله را
پس برمیخیزد جناب علی بن ابی طالب علیه السلام پس میدهد خداوند عالم علمی که از
نور سفید است بدست مبارک آنحضرت که در زیر آن علم میباشند جمیع سابقین
اولین از مهاجرین و انصار که احدی دیگری با ایشان مخلوط نیست یعنی در میان ایشان
بیگانه از دین و فرقه نیست تا اینکه می نشیند آنجناب بر منبری که از روشنی پروردگار
عزت و غلبه نشان داده میشود همه ایشان بر آنحضرت پس یک یک مزد و روشنی اش را
میدهد پس چون زمانیکه باخر و انتها رسید گفته میشود مر ایشان را که بتحقیق شناختید
موضع و منازل خود را از بهشت بدرستی که پروردگار شما میفرماید شما را که در نزد من
برای شما مغفرت و اجر عظیم است پس برمیخیزد جناب علی بن ابی طالب علیه السلام در حالتیکه
آنگروه که مزد خویش گرفته اند که در زیر علم آنحضرت هستند با ایشان یعنی آنحضرت
با ایشان برمیخیزد تا اینکه داخل بهشت شود بعد از آن برمیگردد آنجناب بسوی منبر خود
و همیشه نشان داده میشود بر آنحضرت جمیع مؤمنین پس آنحضرت میگیرد قسمت خود را از
ایشان یعنی دوستان آنجناب در قسمت او محسوب میشوند پس میبرد ایشان را به بهشت و
وامیگذارد گروهی چندی را بر آتش یعنی کسانی را که از قسمت او خارجند و دوست او
نیستند و میگذارد ایشان را بر قومها در آتش و لنعم ما قیل علی حبه جنة قسیم النار
و الجنة آیهٔ مبارکه یا ایها الذین امنوا ان جاءکم فاسق بنبأ فتبینوا ان تصیبوا

در سورهٔ حجرات

یعنی ای آنکسانیکه ایمان آورده اید اگر بیاید بسوی شما فاسقی که بیرون رونده باشد از فرمان
خدا بخبری پس بیاورد بخبری که موجب تألم خواطر باشد پس تفحص و تجسس کنید و بینه بپروی
صدق و کذب آن نمائید و بمجرد اخبار وی مبادرت بعمل بقول وی مکنید روی ان النبی بعث
ولید بن عقبة فی صدقات بنی المصطلق وکان بینه وبینهم احنة فلما سمعوا به
استقبلوه فحسبهم مقاتلیه فرجع وقال لرسول الله صلی الله علیه واله انهم
ارتدوا ومنعوا الزکوة فهمّ بقتالهم فنزلت ویؤید هذه الروایة ما فی الاحتجاج
عن الحسن المجتبی فی حدیث قال واما انت یا ولید بن عقبة فوالله ما الومک
ان تبغض علیا وقد جلدک فی الخمر ثمانین جلدة وقتل اباک صبرا بیده یوم بدر
ام کیف تسبّه فقد سماه الله مؤمنا فی عشر آیات من القرآن وسماک فاسقا و
هو قوله ان جاءکم فاسق بنبأ فتبینوا یعنی روایت شده اینکه جناب پیغمبر صلی الله علیه و آله
فرستاد ولید بن عقبه را برای گرفتن صدقات و زکوة بنی المصطلق و میان ولید و آن طایفه
پیش از اسلام کینه بود پس چون شنیدند آمدن او را باستقبال او آمدند پس وی گمان کرد
که ایشان بجنگ او بیرون آمده اند پس برگشت و بخدمت رسول صلی الله علیه و آله عرض کرد
که این قبیله از دین برگشتند و زکوة ندادند پس آنحضرت عزم کردند که با ایشان جنگ
نمایند پس این آیه مبارکه نازل شد و تقویت میکند این روایت را آنچه در احتجاج از
حضرت امام حسن مجتبی روایت شده در حدیث طولانی از آنجمله چیزیکه میفرمایند و اما تو
ای ولید پسر عقبه قسم بخدا ملامت نمیکنم ترا که چرا دشمن داری علی علیه السلام را و حال آنکه
بتحقیق هشتاد تازیانه زده است ترا بجهت شرابی که خورده بودی و پدر ملعون ترا دست بسته

کشته

کشته است بدست مبارک خود در روز بدر آیا چگونه سب او را میکنی و تو را بجناب
پس بتحقیق که خدا تعالی در ده آیه از قرآن او را مؤمن نام نهاده و ترا فاسق نام نهاده است
و در اینجا ترا فاسق نام نهاده میفرماید ان جاءکم فاسق تا آخر آیه پس از این حدیث نیز معلوم
میشود که این آیه شریفه در شان آن ملعون نازل شده آیه مبارکه واعلموا ان
فیکم رسول الله لو یطیعکم فی کثیر من الامر لعنتم ولکن الله حبب الیکم الایمان
وزینه فی قلوبکم وکره الیکم الکفر والفسوق والعصیان یعنی و بدانید ای مومنان
آنکه در میان شما است فرستاده خدا اگر فرمان برد شما را یعنی اگر رسول خدا قبول
کند قول شما را و برای شما عمل کند در بسیاری از کارها هر آینه برنج افتید و هلاک
شوید ولیکن خدا تعالی دوست گردانیده است بسوی شما ایمان را که تصدیق است بخدا
و رسول و بجمیع ما جاء به النبی و آراسته است ایمان را در دلهای شما و مکروه گردانیده است
بسوی شما پوشیدن و مخفی داشتن حق را و بیرون رفتن از طاعت مفروضه او نافرمانی از
روی عناد و طغیان را از کافی و قمی حکایت شده که از جناب امام جعفر صادق علیه السلام
روایتست که آیه مبارکه حبب الیکم الایمان وزینه فی قلوبکم مراد از ایمان جناب امیر
المؤمنین است وکره الیکم الکفر والفسوق والعصیان یعنی اول و ثانی و ثالث از جمله
آیه مبارکه انما المؤمنون الذین آمنوا بالله ورسوله ثم لم یرتابوا وجاهدوا
باموالهم وانفسهم فی سبیل الله اولئک هم الصادقون یعنی جز این نیست که مؤمنون
از روی حقیقت آنکسانی هستند که ایمان آورده اند بخدا و رسول او سبحانه و بخلوص قلب
تصدیق نمودند پس شک نکردند بدل بعد از اقرار بزبان شک نکرده اند و جهاد نموده اند

سوره ق

بمالهای خود یعنی بر اهل غزا انفاق کردند و بنفسها ایشان یعنی مرتکب قتال اهل حرب شدند

در راه خدا انکروه مؤمنان مجاهد ایشانند راستکویان در ادعای ایمان علی بن ابراهیم

قمی ره روایت کرده که آیه مبارکه در شان مولای متقیان علی بن ابی طالب علیه السلام

نازل شده آیه مبارکه اَلْقِیَا فِی جَهَنَّمَ کُلَّ کَفَّارٍ عَنِیدٍ یعنی بیندازید در جهنم کافر و

ستیزه کننده در امر حق را از قمی منقولست که کفته خطاب بجناب محمد و بجناب علی صلی الله

علیهما شده که لفظ القیا را به تثنیه فرمود یعنی خداوند عالم در روز قیامت بان دو بزرکوار

میفرماید که بیندازید در جهنم هر کس معاند و منکر شما و اهل بیت شما است و ابن معنی از

جناب صادق علیه السلام است که فرمود عَلِیٌّ قَسِیمُ الْجَنَّةِ وَالنَّارِ وَعَنِ السَّجّاد عن

اَبِیهِ عَنْ جَدِّهِ اَمِیرِ الْمُؤْمِنِینَ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ اِنَّ اللّٰهَ تَبَارَکَ

وَتَعَالَی اِذَا جَمَعَ النَّاسَ یَوْمَ الْقِیٰمَةِ فِی صَعِیدٍ وَاحِدٍ کُنْتُ اَنَا وَاَنْتَ یَوْمَئِذٍ عَنْ

یَمِینِ الْعَرْشِ ثُمَّ یَقُولُ اللّٰهُ تَبَارَکَ وَتَعَالَی لِی وَلَکَ قُومَا فَاَلْقِیَا مَنْ اَبْغَضَکُمَا وَ

کَذَّبَکُمَا فِی النَّارِ از جناب سید السجاد علیه السلام مرویست که از پدر بزرکوار خود

روایت فرمود که ایشان هم از پدر خود جناب امیر المؤمنین علیه السلام روایت

کرده که انحضرت هم فرمود که جناب رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود یا علی خداوند عالم

زمانیکه جمع میفرماید همه مردم را روز قیامت در یک زمین من و تو در ان روز در سمت

راست عرش میباشیم پس خداوند عالم حکم میفرماید من و ترا که برخیزید هر دو و بیندازید

در جهنم هر کسی را که دشمنی کرده است با شما و تکذیب کرده شما را عن الامالی قال نزلت فی

وَفِیکَ یَا ابْنَ اَبِی طَالِبٍ در امالی منقولست که جناب رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند که

این

در سوره ذاریات

آیه مبارکه اَلْقِیَا فِی جَهَنَّمَ کُلَّ کَفَّارٍ عَنِیدٍ در حق من و در حق تو نازل شده ای پسر ابو طالب

متمم آیه مبارکه مَنَّاعٍ لِلْخَیْرِ مُعْتَدٍ مُرِیبٍ یعنی بسیار منع کننده مر خیر را یعنی باز دارنده

مال از حقوق واجبه در کذرنده از حدود الهی و معادات نماینده با اهل آن بسیار شک

ارنده در وحدانیت خدا و در روز جزا و سایر خبرها که پیغمبر خدا قرار داده از قمی منقولست

که کفته مناع ان ملعون دومی است لعنه الله و خیر ولایت جناب علی بن ابیطالب علیه السلام

السلام است و حقوق آل محمد صلی الله علیه و آله و چون اولی کتابت فدک را نوشته که

رد کنند انرا بجناب فاطمه علیها السلام دومی منع نمود پس او در کذرنده است از حد و

شک کننده انکسیست که قرار داد با حق تعالی خدای دیگر و کفتند او ایشان را انکار کفر و زندیقم

با خداوند یکه قرار داد از برای شما امامت و خمس را آیه مبارکه وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ

وَالْاِنْسَ اِلَّا لِیَعْبُدُونِ یعنی نیافریدیم جماعت جن و آدمیان را مکر بعلت اینکه عبادت کنند

و به پرستند مرا بر وجه اختیار نه بطریق اجبار از علل الشرایع منقولست که از جناب

امام جعفر صادق علیه السلام روایتست که جناب امام حسین علیه السلام بیرون

امدند بر اصحاب خود پس فرمودند ایها الناس بدرستی که خدا تعالی خلق نکرده بندکان را

مکر اینکه او را بشناسند پس چون او را شناختند پرستش کنند او را و چون پرستش

او نمودند بی‌نیاز میشوند به بندکی او از عبادت و بندکی هر کس که جز او است فقال له

رَجُلٌ یَا ابْنَ رَسُولِ اللّٰهِ بِاَبِی اَنْتَ وَاُمِّی فَمَا مَعْرِفَةُ اللّٰهِ قَالَ مَعْرِفَةُ اَهْلِ کُلِّ زَمَانٍ اِمَامَهُمُ

الَّذِی یَجِبُ عَلَیْهِمْ طَاعَتُهُ یعنی شخصی بخدمت حضرت عرض کرد یا ابن رسول الله پدر و

مادرم فدای تو باد معرفت خدا چیست بجناب فرمودند شناختن اهل هر زمان امام

خود را که واجبست بر ایشان فرمان برداری او اول سوره مبارکه بسم الله الرحمن
الرحیم والنجم اذا هوی ما ضل صاحبکم وما غوی میفرماید یعنی قسم بستاره چون
طلوع کند و بلند بر آید و یا هبوط کند و غروب کند هوی ید و معنی آمده بنا بر اول
مشتق از هوی است و بنا بر ثانی مشتق از هوی بضم ها گمراه نشد مصاحب شما ای
اهل قریش یعنی محمد صلی الله علیه وآله بجهت تبلیغ رسالت و خطا نکرد در انچه بشما رسانید
یعنی از بصواب گفت و بامر باطل مرتکب نشد در مجالس از ابن عباس روایتست
که نماز عشا را شبی با جناب رسول خدا صلی الله علیه وآله بجا آوردیم پس چون سلام
نماز را گفتند روی مبارک را بسوی ما گردانیدند پس فرمودند زود باشد که ستاره
از آسمان حرکت کرده بزمین فرود می آید مقارن طلوع صبح پس میافتد در خانه یکی
از شماها پس بخانه هر کدام که آن ستاره افتاد پس آن وصی و خلیفه من است و امام است
بعد از من چون نزدیک صبح شد هر یک از ما نشسته در خانه خود انتظار میکشید افتادن
ستاره را و کسیکه طمعش بیشتر از همه آن گروه بود در اینکه در خانه او بیفتد پدر من عباس
ابن عبد المطلب بود پس چون فجر طلوع کرد ستاره حرکت کرد از آسمان در هوا و بپایین آمد پس در
خانه جناب علی بن ابیطالب علیه السلام افتاد پس جناب رسول خدا صلی الله علیه وآله
فرمودند بعلی را که یا علی قسم بخدائیکه مبعوث گردانیده مرا به پیغمبری هر اینه بتحقیق ثابت
و برقرار شد برای تو وصیت و خلافت و امامت را بعد از من پس منافقان گفتند که عبد الله
ابن ابی و اصحاب او لعنهم الله هر اینه بتحقیق که محمد گمراه شد در دوستی پسر عم خود یعنی
دوستی حضرت امیر المؤمنین باعث این شد که حضرت رسالت گمراه شد و خطا کرده و

نمیگوید

نمیگوید در شان پسر عم خود مگر از روی هوا و خواهش نفس یعنی بنزرکه او را دوست
دارد اینها را از پیش خود میگوید پس خدا تعالی این آیه مبارکه را نازل فرمود والنجم اذا
هوی ما ضل صاحبکم وما غوی وما ینطق عن الهوی ان هو الا وحی یوحی یعنی قسم
بآفرینندهٔ ستاره که ساقط شد که گمراه نشد محمد صلی الله علیه وآله یعنی در محبت علی بن
ابیطالب علیه السلام و خطا نکرد در آن که فرمود و سخن نمیگوید از روی هوا و خواهش نفس آنچه را
در شان علی میگوید و نیست نطق او مگر وحی که فرود آمده بو عن الامالی عن النبی صلی
الله علیه وآله قال لما عرج بی الی السماء ودنوت من ربی عز وجل حتی کان بینی وبینه
قاب قوسین او ادنی فقال لی یا محمد من تحب من الخلق قلت یا رب علیا قال
فالتفت یا محمد فالتفت عن یساری فاذا علی بن ابی طالب علیه السلام از امالی صدوق علیه
الرحمة منقولست که از جناب رسول خدا صلی الله علیه وآله روایت کرده که فرمودند چون
بلند کرده شدم بسوی آسمان و نزدیک شدم به پروردگار خود تا آنکه میان من و خدای تعالی
قاب قوسین بود یعنی مقدار دو ذراع بنا بر تفسیر بعضی یا بقدر گرفتگاه از کمان تا سرش
که برگشته که جای بستن زه باشد بنا بر تفسیری که از قمی نقل شده یا اینکه از آنهم
نزدیکتر پس خداوند عالم فرمود یا محمد از مخلوق من کرا دوست میداری عرض کردم
پروردگارا علی را خدای تعالی فرمود پس ملتفت شو یا محمد پس ملتفت شدم دیدم از طرف
چپ خود پس ناگاه دیدم که از یسار من علی بن ابی طالب را که ایستاده از کافی منقولست که
از جناب امام جعفر صادق علیه السلام روایتست که در آخر حدیثی آنحضرت فرمودند
والله ما جاءت ولایة علی من الارض ولکن جاءت من السماء مشافهة یعنی بخدا قسم

ولایت علی بن ابی طالب علیه السلام از زمین نیامد ولیکن از آسمان آمد در حالتیکه روید
از خدا شنید یعنی بی وساطت جبرئیل در شب معراج آنحضرت مأمور شدند باینکه امیر المؤمنین را
صاحب اختیار امت گردانند آیه مبارکه ما کذب الفؤاد ما رای یعنی دروغ نگفت دل جناب رسول
خدا صلی الله علیه و آله آنچه را که دید آنحضرت یعنی در شب معراج افتمارونه علی ما یری افتما
یعنی افتجادلونه علیه من المراء و قرء افتمرونه ای افتغلبونه فی المراء او افتجحدونه
وعلی التضمین معنی الغلبة یعنی آیا مجادله میکنید ای معاندان قریش بر آنچیزی را که می بیند
پیغمبر در شب معراج از آیات عظیمه و مخلوقات عجیبه بنا بر قرائتی که افتمرونه خوانده
شده یعنی آیا غلبه میکنی او را در مجادله با اینکه معنی اینست آیا انکار میکنید در حالتیکه
غلبه کنند کان بند برا و عن التقی انه سئل رسول الله صلی الله علیه و آله عن ذلک
الوحی فقال اوحی الی ان علیا سید المؤمنین و امام المتقین و قائد الغر المحجلین
و اول خلیفة یستخلفه خاتم النبیین فدخل القوم فی الکلام فقالوا امن الله او
من رسوله فقال الله جل ذکره لرسوله قل لهم ما کذب الفؤاد ما رای ثم رد علیهم
افتمارونه علی ما یری فقال لهم رسول الله صلی الله علیه و آله قد امرت فیه بغیر هذا
امرت ان انصبه للناس فاقول هذا ولیکم من بعدی و انه بمنزلة السفینة یوم
الغرق من دخل فیها نجی و من خرج عنها غرق یعنی از تقی منقولست که پرسیده
شد از رسول خدا از این وحی که در آیه مبارکه فاوحی الی عبده ما اوحی که چه بود آن
وحی خداوند عالم آنجناب فرمودند وحی شد بسوی من بدرستیکه علی بن ابی طالب سید
المؤمنین و امام المتقین و قائد الغر المحجلین است یعنی کشاننده مؤمنانیکه ما

اسبانی هستند که پیشانی و چهار پای ایشان سفید است یعنی نور از مواضع
سجود ایشان ساطعست و اول خلیفه است که جانشین خود میگرداند او را خاتم النبیین
پس انگروه منافقان داخل در میان کلام شدند یعنی در این کلام آنحضرت عرض کردند
آیا این فرمایش از خدا است و یا از رسول خدا پس خداوند عالم این آیه مبارکه را نازل فرمود
ما کذب الفؤاد ما رای پس رد کرد بر آن منافقین که اینکلام را از روی بی اعتقادی
تصدیق آن نکنند پس فرمود افتمارونه علی ما یری یعنی دروغ نگفته است فؤاد
پیغمبر آنچیز را دید آیا پس انکار و مجادله میکنید بر او آنچیز را که می بیند فقال لهم
رسول الله صلی الله علیه و آله قد امرت بغیر هذا امرت ان انصبه للناس
فاقول هذا ولیکم من بعدی و انه بمنزلة السفینة یوم الغرق من دخل فیها
نجی و من خرج عنها غرق پس فرمود جناب رسول خدا صلی الله علیه و آله بتحقیق
که من بغیر از این نیز مأمور شده ام هر آینه مأمور شده ام باینکه نصب کنم علی را
برای مردم پس بگویم که این یعنی علی بن ابی طالب صاحب اختیار شما است بعد از
من بدرستیکه او بمنزله کشتی است در روز غرق شدن هر کس داخل شد در آن
نجات می یابد و هر کس خارج شد هلاک و غرق شد آیه مبارکه لقد رای من آیات
ربه الکبری یعنی جناب رسول خدا صلی الله علیه و آله در شب معراج هر آینه بتحقیق
دید از نشانهای قدرت پروردگار خود که بزرگترین نشانها بود از کافی منقول
است که از جناب امیر المؤمنین علیه السلام روایتست که نیست برای خداوند عالم
آیتی که بزرگتر از من باشد و منم آیه کبری اول سوره مبارکه بسم الله الرحمن الرحیم

اعنی

الرحمن

الرحمن علم القرآن خلق الانسان علمه البیان یعنی خداوند بسیار بخشایش که
رحمتها و علمها چیز قرار رشد اموخته است قرآن را بحبیب خود بیافرید جنس انسان را و بیاموخت
او را یعنی بنی ادم را بیان کردن ما فی الضمیر بنطق و کتابت و در تفسیر قمی از حضرت امام رضا
علیه السلام روایت کرده پرسیده شد از معنی خلق الانسان فرمودند که ان جناب
امیر المؤمنین علیه السلام است پرسیده شد از معنی علمه البیان فرمودند که بیاموخت
خدا با انجناب بیان هر چیز را که مردم محتاج بان میشوند والسماء رفعها ووضع
المیزان یعنی و برداشت اسمان را بالای زمین بپانصد ساله راه و بیافرید در میان
با او و گذاشت از اسمان انچیز را که بان وزن و مقدار اشیا معلوم میشود چون ترازو
در تتمه حدیث سابق که از حضرت امام رضا علیه السلام مرویست که سما جناب رسول
خدا صلی الله علیه و اله است که او را بسوی خود بلند کرده و میزان جناب امیر المؤمنین
علیه السلام است که خدا تعالی او را برای خلق خود نصب کرده و پرسیده شد از معنی
الا تطغوا فی المیزان ای لا تعصوا الامام یعنی معصیت امام را نکنید پرسیده شد از معنی
واقیموا الوزن بالقسط ولا تخسروا المیزان فرمودند یعنی اقیموا الامام بالعدل ولا تبخسوا الامام
حقه ولا تظلموه یعنی برپا بدارید امام عادل را یعنی پیروی کنید و متابعت او نمایید و او را
بر جائی که خدا قرار داده برای او بنشانید و کم مکنید حق او را و ظلم منمایید با او و میزان در اینجا
تفسیر امام است فبای آلاء ربکما تکذبان یعنی بکدام یک از نعمتهای پروردگار خود تان
تکذیب مینمایید از قمی منقولست که گفته است خطاب در تکذبان ظاهرا بجن و انس است و در
باطن فلان و فلان است که مخاطب اند عن الصادق علیه السلام انه قال قال الله فبای

النعمتین

والهما

النعمتین تکفران بمحمد ام بعلی صلی الله علیهما وعن الکافی مرفوعا بالنبی ام بالوصی صلی الله علیهما وآلهما
یعنی منقولست که پرسیده شد از امام جعفر صادق علیه السلام از معنی این ایه شریفه
فرمودند خداوند عالم فرموده پس بکدام یک از دو نعمت خدا کافر میشوید ایا بمحمد صلی الله
علیه و اله یا بجناب علی علیه السلام کافر میشوید و انکار مینمائید یعنی ایا انکار نبوت
پیغمبر را مینمائید یا انکار ولایت امیر المؤمنین علیه السلام را از کافی هم منقولست که
ایا به نبی کافر میشوید و انکار مینمائید یا به وصی او رب المشرقین ورب المغربین یعنی
خدای بخشاینده و افریدگار دو مشرق است برای افتاب یکی مشرق صیفی و یکی مشرق شتوی
و پروردگار دو مغرب است برای شمس یکی تابستان و دیگری زمستانی از جناب امام جعفر
صادق علیه السلام روایتست که مراد از مشرقین جناب رسول خدا و جناب امیر المؤمنین
علیهما السلام است و مغربین جناب امام حسن و جناب امام حسین علیهما السلام است
مرج البحرین یلتقیان بینهما برزخ لا یبغیان فبای آلاء ربکما تکذبان یخرج منهما
اللؤلؤ والمرجان یعنی رها کرد و جاری فرمود دو دریا را یکی شیرین و خوش مزه و دیگری
شور و تلخ در حالتیکه بیکدیگر میرسند و سطوح انها بیکدیگر مماس میکنند و ان بحر فارس
و روم است در میان انها حاجزی و پرده ایست از قدرت خدا که بسبب ان افزونی نمی جوید
بر یکدیگر و هیچکدام بر یکدیگر غالب نمی شوند بممازجه و ابطال خاصیت یکدیگر و بسبب این
حاجز عذوبت دریای عذب بممازجه دریای تلخ باطل نمیشود و هر یک در حد خود برقرارند
پس بکدام از نعمتهای پروردگار خود تکذیب میکنید بیرون می اید از هر دو دریا مروارید
و مرجان از قمی منقولست که از جناب امام جعفر صادق علیه السلام روایت کرده که

مرج البحرین
ای ارسل البحرین
مثل بحر الفارس
و بحر الروم
ظاهرا

جناب امیر المؤمنین علیه السلام و جناب فاطمه علیها السلام دو بحر هستند یعنی دو دریا
هستند عمیق تعدّی نمیکنند یکی از انها بر صاحب خود که خارج شود از انها لؤلؤ و مرجان
که جناب حسن و جناب حسین علیهما السلام باشند و از مجمع منقولست که از حضرت
سلمان فارسی سلام الله علیهم و سعید بن جبیر و سفیان الثوری روایتست که مراد از بحرین
بحرین جناب علی و فاطمه سلام الله علیهما و برزخ جناب رسول خدا صلی الله علیه و آله
و لؤلؤ و مرجان جناب امام حسن و امام حسین علیهما السلام است خاتمه سوره مبارکه
تَبَارَكَ اسْمُ رَبِّكَ ذِي الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ یعنی بزرگست اسم پروردگار تو از حیثیت
دلالت ان بر ذات اقدس او سبحانه خداوندی که او را ثابتست جمیع صفاتی که مستلزم کمال
ذات او است و مبرا است از هر صفتی که موجب نقص عزت کبریائیست از قمی منقولست که
از حضرت باقر علیه السلام روایت کرده که انجناب فرمودند نحن جلال الله و کرامته التی اکرم
الله تبارک و تعالی العباد بطاعتنا و محبتنا یعنی ما جلال و کرامت خدا تعالی هستیم که گرامی داشته
است بندگان را بطاعت و محبت ما از کافی منقولست که از جابر بن عبد الله روایتست
که گفت زمانیکه جناب رسول خدا صلی الله علیه و آله سوره مبارکه الرحمن را خواندند
مردم ساکت شدند و سخنی عرض نکردند و چیزی نگفتند پس انحضرت فرمودند الجن کانوا
احسن جوابا منکم لما قرئت علیهم فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ قالوا لا بشیء من
الاء ربنا نکذب یعنی جماعت جن از شما بهتر هستند که جواب دادند زمانیکه این آیه
مبارکه بر انجماعت خوانده شد بنا بر اینکه قرئت بصیغه مجهول مفرد مؤنث غایب باشد یا
اینکه قرئت باشد یعنی خواندم بر ایشان بنا بر اینکه معلوم متکلم باشد گفتند لا بشیء

خ ل قرءت

من الاء

مِنْ آلَاءِ رَبِّنَا نُكَذِّبُ یعنی بهیچ نعمتی از نعمتهای پروردگار خود تکذیب نمیکنیم جناب امام جعفر
صادق علیه السلام فرمودند هر کس سوره الرحمن را بخواند و نزد هر آیه از قول خدا تعالی
فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ بگوید لا بشیء من الائک رب اکذب اگر در شب بخواند و بمیرد از ان
بمیرد شهید مرده و باید در روز بخواند و پس از ان بمیرد شهید مرده در سوره مبارکه اذا
وقعت الواقعة آیه مبارکه وَالسَّابِقُونَ السَّابِقُونَ أُولَئِكَ الْمُقَرَّبُونَ فِي
جَنَّاتِ النَّعِيمِ یعنی پیشی گیرندگان بایمان و طاعة بعد از ظهور حق کسانی اند که حال
ایشان در سبقت بر تو واضح و مآل ایشان بر تو لایح است پس احتیاج به بیان احوال
ایشان نباشد انگروه سابقان نزدیک کرده شده اند از روی درجه و مرتبه یعنی درجات
ایشان نزدیک است بعرش خدا در بوستانها با نواع نعم و کرامت یعنی ایشان در اعلی
درجات جنان و ارفع مراتب ان خواهند بود و از قمی منقولست که گفته سابقون
کسانی هستند که پیشی گرفته داخل بهشت میشوند بحساب از اماکی منقولست که روایت
شده از جناب رسول خدا صلی الله علیه و آله پرسیده شد از این آیه مبارکه انحضرت
فرمودند جبرئیل بمن خبر داده که جناب علی بن ابیطالب علیه السلام و شیعه او است پیشی
گیرندگانند بسوی بهشت و نزدیک بخدا بسبب گرامی داشتن او ایشان را با انکه معنی اینست
که مقربند و نزدیکانند بکرامت خدا تعالی از خصال منقولست که از جناب امیر المؤمنین
علیه السلام روایتست که فرمود السابقون السابقون اولئک المقربون در شان من
نازل شد اسن عن المجمع عن الباقر علیه السلام السابقون اربعة ابن آدم المقتول و
سابق امة موسی و هو مؤمن آل فرعون و سابق امة عیسی و هو حبیب النجار و السابق

در [illegible] سوره واقعه

فی امة محمد صلی الله علیه وآله وهو علی بن ابی طالب علیه الصلوة والسلام یعنی
از مجمع منقولست که از جناب امام محمد باقر علیه السلام منقولست که السابقون
چهار است اول فرزند آدم حضرت هابیل که مقتولست وسابق امة موسی که آن مؤمن الفرعون
است وسابق امت عیسی وان حبیب نجار است وسابق در امت محمد صلی الله علیه وآله
علی بن ابیطالب علیه السلام است **ایه مبارکه** واصحاب الیمین ما اصحاب الیمین یعنی
یاران دست راست چه اند یاران دست راست یعنی این تعجبست از عظمت ایشان و بزرگی
ایشان از قمی منقولست که گفته که یمین جناب امیر المؤمنین علیه السلام واصحاب ویاوران
یمین شیعه اند جناب است **ایه مبارکه** وفاکهة کثیرة لا مقطوعة ولا ممنوعة یعنی
ومیوهای بسیار از هر جنسی که باشد نه بریده باشد ونه فانی گشته یعنی در هیچ زمان
انقطاع نیابد بخلاف میوهای دنیا که در بساتین در فصلی باشد دون فصلی ونه منع
کرده شده یعنی از او از خورنده هیچ نوع منع نکنند بخلاف میوهای دنیا واز حضرت رسالت
صلی الله علیه وآله منقولست که هیچ میوه از درخت بهشت نچینند که از موضع آن دو
مثل آن روییده نشود عن القمی عن النبی صلی الله علیه وآله لما دخلت الجنة رایت فی
الجنة شجرة طوبی اصلها فی دار علی علیه السلام از قمی منقولست که از جناب رسول
صلی الله علیه وآله روایت کرده که آنحضرت فرمودند چونکه داخل شدم به بهشت دیدم
در بهشت درخت طوبی را که بیخ آن در خانه علی بود بعد فرمودند که وما فی الجنة قصر
ولا منزل الا وفیها فتر اعلاها اسفاط حلل من سندس واستبرق یکون للعبد
المؤمن الف الف سفط فی کل سفط مائة حلة ما فیها حلة تشبه الاخری

القصر بالضم وتمیمین الناشئة الجاب

علی الوان مختلفة وهو ثیاب اهل الجنة وسطها ظل ممدود فی عرض الجنة
وعرض الجنة کعرض السماء والارض اعدت للذین امنوا بالله ورسله
الراکب فی ذلک الظل مسیرة مائتی عام فلا یقطعه وذلک قوله وظل ممدود و
اسفلها ثمار اهل الجنة وطعامهم متدلل فی بیوتهم یکون فی القضیب
منها مائة لون من الفاکهة مما رایتم فی دار الدنیا ومما لم تروه وما سمعتم به
وما لم تسمعوا مثلها وکلما یجتنی منها شیء نبتت مکانها اخری لا مقطوعة و
لا ممنوعة یعنی ونیست در بهشت قصری ونه منزلی مگر اینکه در این جانبی از آن
درخت هست در بالای آن درخت سبدهای حلهای از سندس واستبرق میباشد
وحله دو بالاپوش بایکی که استر داشته باشد وسندس حریر نازک واستبرق حریر
غلیظ است فرمودند میباشد از برای بنده مؤمن هزار هزار سبد وهر سبدی
صد حله است نیست در این حلها حله که شبیه بدیگری باشد رنگهای مختلف دارند
یعنی دو تای از آنها بیک رنگ نیست وآن حلها رختهای اهل بهشتست ودر وسط آن
درخت سایه است که کشیده شده بمقدار عرض بهشت وعرض بهشت مثل عرض آسمان
وزمین است آن بهشتی که مهیا شده است برای آنانیکه ایمان آورده اند بخدا ورسول
او وآن سایه مستطیل است که راه میرود سواره در آن سایه مقدار رفتن دویست
سال راه وباخر او نمیرسد وآن سایه اینست که خدا فرمود وظل ممدود ودر پایین آن
درخت میوهای اهل بهشتست وطعام ایشان میوها بتکه او نزاینست درختهای ایشان
میباشد در هر شاخه از آن درخت صد رنگ از میوه از آن میوه که دیده اید در دنیا واز

آن

این چیزها که ندیده اید دران و چیزیکه شنیده اید ازو و نشنیده اید مثل ازو و هرچه
چیده شود چیزی ازان میوه ها برسد در جای ان میوه دیگری و هرگز تمام شدن ندارد و
کسی ازان ممنوع نمیشود بخلاف میوه های دنیا که در دنیا در بساتین و خطیره ها حفظ آن
میکنند و از مردمان منع میکنند و بسبب بعد و محافظت ازان ممتنع میشوند عن الاحتجاج
عن الصادق علیه السلام انه سئل من این قالوا ان اهل الجنة یاتی الرجل
منهم تمرة یتناولها فاذا اکلها عادت کهیئتها قال نعم ذلک علی قیاس السراج
یاتی القابس فیقتبس منه فلا ینقص من ضوئه شیئا وقد امتلأت منه الدنیا
سراجا از احتجاج منقولست که روایت کرده اند که از حضرت صادق علیه السلام
پرسیده شد که از کجا ممکن است این چیزیکه میگویند یعنی بچه دلیل میتوان تصدیق
نمود باینچه میگویند که بدرستیکه اهل بهشت هرگاه می اید مردی از ایشان بسوی میوه
پس تناول مینماید ازان پس چون میخورد ازان بر میگردد میوه بجای خود بمثل صورت اول خود
حضرت فرمودند بلی چنین است این ثمره درخت باندازه چراغ است یعنی مثل اینست که
می اید روشنی گیرنده بسوی ان و اخذ روشنی میکند یعنی چراغ دیگر ازو روشن میکنند
پس هیچ چیز از روشنی ان چراغ کم نمیشود در حالتیکه همه دنیا ازان مملو از چراغ شده
باشد مصرع روشن شود هزار چراغ از فتیله آیه مبارکه ما افاء الله علی
رسوله من اهل القری فلله وللرسول ولذی القربی والیتامی والمساکین وابن السبیل
یعنی انچه باز کردانید خدا بر پیغمبر خود از اموال و املاک اهل دهها که بجرب گرفته نشده
یعنی قرای بنی نضیر پس مر خدا راست و مر پیغمبر او را و منصرف در سهم اول نیز انحضرت است

آیه فیء

که بر دو نو مصلحت صرف نمایند و مرصاحبان خویش و نسبت بحضرت نبوی از اهل بیت
وی که ائمه معصومین اند علیهم السلام و مر اطفال بی پدران محتاج از آل محمد
و مر درویشان را که از ایشان باشند و بر قوت سال قادر نباشند و مر رهگذریان
که استطاعت نداشته باشند که بشهر خود روند و فیء انست که از کفار
بمسلمانان منتقل شود بدون قتال عن الکافی عن امیر المؤمنین علیه السلام نحن
والله الذین عنی الله بذی القربی الذین قرنهم الله بنفسه وبنبیه الحدیث یعنی
از کافی نقل شده که از جناب امیر المؤمنین صلوات الله علیه روایتست که فرموده
اند بخدا قسم ما انکسانی هستیم که قصد فرموده خداوند عالم از لفظ ذی القربی
انانیکه قرین و نزدیک نموده بانفس خود و با بنبی خود تا اخر حدیث آیه مبارکه
ویؤثرون علی انفسهم ولو کان بهم خصاصة یعنی اختیار میکنند بر نفس خود
دیگری را در راه خدا و اگرچه در حالتیست که هست ایشانرا احتیاج و فقر انچه ایثار
میکنند ایثار عبارتست ازانکه کسی محتاج باشد بچیزی و دیگری را مستحق ان بیند
از خود باز گیرد و بوی بخشد از امالی منقولست که روایتست که شخصی امد بخدمت
جناب رسول خدا صلی الله علیه و اله پس شکایت نمود بسوی انجناب از گرسنگی پس
حضرت را فرستادند بسوی خانهای زوجات خود شاید چیزی برای این مرد تحصیل کنند
پس در جواب گفتند که در نزد ما چیزی بغیر از اب نیست پس حضرت رسالت فرمودند
کیست برای این مرد امشب را یعنی اطعام این مرد را که امشب بجا خود میکند پس
جناب امیر المؤمنین عرض کردند من برای او هستم یعنی من اطعام او مینمایم یا رسول الله

آیه الخمس

پس آنجناب تشریف آوردند بخانه نزد جناب فاطمه علیها السلام و فرمودند یا بنت رسول
الله در نزد تو چه هست با این فقیر بدهیم عرض کرد در نزد ما چیزی نیست غیر از قوت
امشب لکن ما ایثار میکنیم و مقدم میداریم بر خود مهمان را آنجناب همان قوت را
بفقیر دادند فرمودند ای دختر محمد صلی الله علیه و آله بچه‌ها را بخوابان و چراغ را خاموش
کن و امشب را گرسنه ماندند پس چون حضرت علی علیه السلام داخل در صبح شد همان
صبح زود بخدمت حضرت رسالت صلی الله علیه و آله آمد حکایت را بعرض شریفش رسانید
پس از آن مجلس برنخواست تا اینکه خدا تعالی این آیه مبارکه را نازل فرمود و یؤثرون علی
انفسهم ولو کان بهم خصاصة یعنی دیگران را بر نفس خودشان اختیار و مقدم میدارند
هر چند بر خودشان فقر و احتیاج باشد در حدیث دیگر وارد است که شبی رسول خدا از نماز
شام و خفتن فارغ شد مردی از میان صفوف برخواست و گفت ای مهاجر و انصار مرد غریبم
مرا طعام دهید حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمودند که ذکر غربت مکن که دلها را
اندوهگین ساختی بعد از آن فرمود غریبان چهارند یکی مسجدی که در میان قومی باشد که
در آنجا نماز نکنند دوم مصحفی که در خانه باشد و از آن تلاوت نکنند سیم عالمی که در
میان جماعتی باشد و ایشان تفقد او و جستجوی وی ننمایند چهارم اسیری که از اهل اسلام
در میان کفار باشد پس گفت کیست که مؤنه این مرد را کفایت کند امیرالمؤمنین علی علیه السلام
برخواست و دست سائل را گرفت و بحجره طاهره فاطمه علیها السلام آورد و گفت ای دختر رسول در کار این
مهمان نظری کن جناب فاطمه علیها السلام عرض کرد یا ابن عم طعامی اندک است و حسن و حسین گرسنه
و تو هم روزه داری پس فرمود آنرا حاضر کن پیش او رد حضرت طعام را پیش مهمان گذاشتند و با

خود گفت اگر من طعام بخورم مهمان را کافی نباشد و اگر من نخورم مهمان خجالت میکشد پس
دست دراز کردند و چنان باز نمودند که چراغ اصلاح میکنم و او را خاموش کردند
و جناب فاطمه را فرمودند که در روشن کردن چراغ تعلل نما و دیر روشن کن و خود دهان
مبارک میجنبانید و چون فارغ شدند جناب فاطمه علیها السلام چراغ را روشن کرده بنا دید
و طعام همچنان بر جای خود باقی بود حضرت امیر فرمودند بان فقیر چرا نمی‌خوری عرض کرد
خوردم و سیر شدم پس جناب امیر و فاطمه و حسن و حسین روحی لهم الفداء و فضه و همسایگان
از آن طعام خوردند و هنوز باقی بود روز دیگر آنحضرت بخدمت جناب رسول خدا
صلی الله علیه و آله آمد وی را گفت یا علی دیشب چگونه گذرانیدی عرض کرد بخیر و خوبی پس
آنجناب حکایت شب گذشته را جمیعا بجناب امیرالمؤمنین علیه السلام باز گفتند جناب
امیر عرض کرد یا رسول الله که ترا اعلام کرد فرمودند یا علی جبرئیل بمن نازل گردید و از
جانب خدا تعالی این آیه را آورد و یؤثرون علی انفسهم ولو کان بهم خصاصة از احتجاج
منقولست که از جناب امیرالمؤمنین علیه السلام روایت شده که فرمودند قوم را بعد از مردن
دو بود زحد بینکه شمارش مناقب خود میفرماید شما را بخدا قسم میدهم آیا در میان شما هست
کسیکه در شان او این آیه نازل شده باشد غیر از من عرض کردند نه یا علی در شان غیر تو نازل
نشده آیه مبارکه لا یستوی اصحاب النار و اصحاب الجنة اصحاب الجنة هم الفائزون
یعنی یکسان نیستند نزد خدا یاران دوزخ که نفس خود را خوار ساخته بکسب معاصی مستحق آتش
شدند و اصحاب بهشت که در استکمال نفس خود کوشیده سزاوار جنت گشتند یاران بهشت
یعنی ساکنان آن ایشانند رستگاران یعنی از عذاب جحیم باز رسته و در نعیم مقیم پیوسته اند

[illegible]

عیون منقولست که از جناب امام رضا علیه السلام مرویست که فرموده بدرستیکه
جناب رسول خدا صلی الله علیه و آله این آیه مبارکه را تلاوت کردند پس فرمودند که اصحاب
جنت آنکسیست که اطاعت من کند و تسلیم امر نماید برای علی بن ابیطالب بعد از من و اقرار
کند بولایتش و اصحاب نار آنکسیست که راضی نشود و انکار کند بولایتش و بشکند پیمان
و بیعتش را و با او مقاتله و جنگ نماید بعد از من اول سوره منافقین بسم الله الرحمن الرحیم
اذا جاءک المنافقون قالوا نشهد انک لرسول الله والله یعلم انک لرسوله والله
یشهد ان المنافقین لکاذبون یعنی ای پیغمبر چون زمانیکه منافقان بسوی تو
بیایند و گویند شهادت میدهیم بدرستی که تو رسول خدائی و منافق نیستیم و بدل
و زبان رسالتترا معتقدیم خدا میداند که تو رسول او هستی چرا و فرستاده است و
خدا شهادت میدهد بدرستیکه منافقان هر اینه دروغگویانند در گواهی خود
پس شهادت ایشان دروغ باشد از کافی نقل شده که از جناب امام موسی کاظم علیه السلام
روایتست که فرمود بدرستیکه خدا تعالی کسانی را که متابعت رسول او را در ولایت وصی او
علی بن ابی طالب علیه السلام منافقین نام گذاشته و قرار داده کسی را که انکار نماید
امامت وصی او را مانند کسیکه انکار رسالت محمد صلی الله علیه و آله نماید و نازل کرده
بجهت بیان این مطلب قرآنی را مؤلف گوید چنانکه قرآن اسم همه آیاتست بعضی آیات قرآن
نیز مینامند که فی الحقیقه قرآن نام آن چیزیست که از آسمان جبرئیل آورده برای حضرت
رسول چه یک آیه و چه همه آیات پس خدا تعالی فرمود این آیه مبارکه را یا محمد اذا جاءک
المنافقون بولایة وصیک قالوا نشهد انک لرسول الله والله یعلم انک لرسوله و
الله

فی فضل [illegible]

الله یشهد ان المنافقین لکاذبون یعنی یا محمد زمانیکه بسوی تو بیایند منافقان در
ولایت وصی تو و گویند شهادت میدهیم بدرستی که تو رسول خدا هستی و خدای
داند تو رسول او هستی و خدا شهادت میدهد اینکه منافقان در ولایت علی بن ابیطالب
هر اینه دروغگویانند تا آخر حدیث آیه مبارکه اتخذوا ایمانهم جنة فصدوا
عن سبیل الله یعنی فرا گرفتند منافقان سوگندان خود را که بدروغ میخورند سپر یعنی
از او وقایه خود ساختند تا از قتل و اسیر ایمن شوند پس باز میداشتند مردم عوام را به شهادت
باطله از راه حق که طریق اسلام است در تتمه حدیث سابق که از حضرت کاظم علیه السلام
روایت شده فرموده بعد از این آیه والسبیل هو الوصی انهم ساء ما کانوا یعملون
ذلک بانهم آمنوا برسالتک و کفروا بولایة وصیک فطبع الله علی قلوبهم فهم لا
یفقهون یقول لا یعقلون بنبوتک و اذا قیل لهم ارجعوا الی ولایة علی یستغفر
لکم النبی من ذنوبکم لووا رؤسهم قال الله و رایتهم یصدون عن ولایة علی و
هم مستکبرون علیه الحدیث یعنی سبیل الله همان وصی است بدرستیکه ایشان یعنی منافقین
بد عملیست که میکنند از اظهار ایمان و خلاف آن بسبب انکار ولایت و منع مردمان
از راه خدا که حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام بوده این قول ایشان که شاهد است
بر بدی اعمال بسبب آنست که ایشان گرویدند برسالت تو پس نگرویدند بولایت وصی
تو پس مهر نهاد بر دلهای ایشان خدا تعالی تا بسبب این علامت ملائکه ایشان را از اهل
ایمان امتیاز کنند و بر ایشان لعن کنند پس ایشان نمیفهمند و نمیدانند نبوت ترا چه حقیقت
تصدیق بنبوت و دانستن آن مستلزم است که تصدیق نمایند بجمیع آنچه او میفرماید که از

جانب خدا است و با وصف این انکار ولایت، وصی او چگونه جمع میشود با قرار بنبوت او
و تعقل این پس در حقیقت آنان که منکر ولایت اند منکر نبوت نیز هستند و چون گویند
منافقان را رجوع نمائید بسوی ولایت علی تا آمرزش طلبد برای شما پیغمبر از گناهان شما
به پیچند سرهای خود را یعنی رو بگردانند و سر تابند چنانکه کسی از امر مکروهی رو
بگرداند و سر را بحرکت در آورد بجهت استهزا خداوند عالم فرموده و می بینی تو ایشان را
که اعراض میکنند از ولایت علی علیه السلام و ایشان گردن کشانند و بزرگی میکنند بر آنجناب
آیه مبارکه هو الذی خلقکم فمنکم کافر و منکم مؤمن یعنی او آنکسیست که بیافرید
شما را ای آدمیان و از عدم بوجود آورد پس بعضی شما ایمان نیاورد بیگانگی خالقیت و چون
دهریان و مشرکان و برخی از شما باور دارند که او خالقیت و وحدانیت او را چون اهل
ایمان خلاصه معنی اینست که خدا آنکسیست که بر شما تفضل نموده اصل نعم خود را که
آن خلقت است و ایجاد از عدم و بجهت این واجبست بر شما که بنظر صحیح تفکر نمائید در نعمت
و معرفت او آنکسیست که خلق کرده است شما را بعضی از شما کافر شدید و بعضی ایمان
آوردید از کافی و قمی نقل شده که مرویست که از جناب صادق علیه السلام پرسیده
شد از معنی این آیه مبارکه پس فرمود خداوند تعالی شناخته است ایمان خلایق را بولایت
ما و کفر ایشان را بترک ولایت ما روزیکه پیمان گرفت برایشان در صلب حضرت آدم و حال
آنکه ایشان ذرات بودند یعنی در عالم ذر که اخذ کرد میثاق و عهد ولایت ما را هر کس که
قبول کرد ولایت ما را شناخت که او مؤمنست و هر کس قبول نکرده و واگذاشت او را شناخت
که او کافر است آیه مبارکه فآمنوا بالله و رسوله والنور الذی انزلنا یعنی پس ایمان بیاورید

بخدا

بخدا و رسول او و بنوریکه نازل کرده ایم از قمی نقل شده که گفته است نوریکه خداوند عالم
فرموده جناب امیر المؤمنین علیه السلام است از کافی نقل شده که از امام موسی کاظم
علیه السلام روایتست الامامة هی النور و ذلک قوله تعالی آمنوا بالله و رسوله والنور
الذی انزلنا قال النور هو الامام یعنی نور همان امام است و اینست معنی قول حق تعالی
که فرموده ایمان بیاورید بخدا و رسول او و بنوریکه ما نازل کرده ایم با آنحضرت فرموده اند
نور او امام علیه السلام است مرویست که از جناب امام محمد باقر علیه السلام سؤال
کردند از این آیه مبارکه فرمودند آن نوریکه خدا فرموده بخدا سوگند ائمه اند و همین نور
امام و روشنی او در دلهای مؤمنان روشنتر است از آفتاب روشن کننده در روز
و ایشان یعنی ائمه روشن میگردانند دلهای مؤمنان را و مستور میکند حق سبحانه نور ایشان را
از هر کس که میخواهد و او را عذاب میکند پس تاریک میشود دلهای ایشان و فرا میگیرد
آنها را آن ظلمت تاریکی آیه مبارکه فان الله هو مولیه و جبرئیل و صالح المؤمنین
والملائکة بعد ذلک ظهیر یعنی پس بدرستیکه خدا او است یار و مددکار پیغمبر و
جبرئیل نیز یار و مددکار او است و مردیکه صالح جمیع مؤمنان است و برگزیده اهل ایمان و
پیشوای متقیان یعنی حضرت امیر المؤمنین علی علیه السلام نیز یاری دهنده او است و فرشتگان
آسمان و زمین بعد از نصرت خدا و جبرئیل و حضرت امیر المؤمنین علیه السلام هم پشت و مدد
کار و معاون وی اند یعنی با وجود آنکه خدا و جبرئیل و صالح مؤمنین ناصر او است و
جمیع ملائکه نیز یاری دهنده او بند از قمی نقل شده که از جناب امام محمد باقر علیه السلام
روایت کرده که صالح المؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام است از مجمع نقل شده که از آن حضرت

نیز روایتست که فرمود هر اینه بتحقیق جناب رسول صلی الله علیه و آله در روز غدیر جناب
امیر المؤمنین علیه السلام با صحاب بمردم شناسانید اما یکمرتبه روز غدیر خم فرمودند
من کنت مولاه فعلی مولاه و اما مرتبه ثانیه پس آن در وقتی بود که این آیه مبارکه
نازل گردید فان الله هو مولاه و جبریل و صالح المؤمنین پس گرفتند دست مبارک
جناب امیر المؤمنین علیه السلام را و فرمودند ایها الناس هذا صالح المؤمنین یعنی ای
مردم این علی صالح مؤمنین و بهترین ایشانست و در حدیث وارد است که اسما
بنت عمیس گفته از جناب رسول خدا صلی الله علیه و آله شنیدم که فرمود و صالح المؤمنین
علی بن ابی طالب علیه السلام است صاحب مجمع گفته که روایت وارد شده از
طریق عامه و خاصه اینکه مراد از صالح مؤمنین جناب علی علیه السلام است آیه
مبارکه افمن یمشی مکبا علی وجهه اهدی امن یمشی سویا علی صراط مستقیم یعنی آیا کسی که
میرود در حالتیکه فرو افتاده است بر روی خود یعنی نگونسار میرود و بجهت این در روی رفتن
پیش و پس و راست و چپ را نمی بیند و بسر در می آید و بر روی می افتد راه یافته تر است
یا آنکسیکه میرود در حالتیکه راست ایستاده است و همه جانب خود را مشاهده میکند
بجهت سالم است از بسر در آمدن و بروی افتادن و واقف است بر راه راست که رساننده
اوست بمقصد و مقصود عن الکافی عن الکاظم علیه السلام سئل عن هذه الآیه فقال
ان الله ضرب مثلا من حاد عن ولایة علی علیه السلام کمن یمشی مکبا علی وجهه لا یهتدی
لامره و جعل من تبعه سویا علی صراط مستقیم و الصراط المستقیم امیر المؤمنین یعنی
از کافی نقل شده که مرویست که از حضرت کاظم علیه السلام پرسیده شد از معنی این آیه

پس

پس فرمودند رستیکه خدا زده است مثل کسی را که میل و اعراض کرده از ولایت جناب
علی علیه السلام باینکه مثل کسیست که نگونسار و بر رو برود و راه نیابد بسوی امر خود
یعنی بسوی امر خود یعنی بسوی مصلحت خود که او را سبب نجات باشد و قرار داده است کسی را که
متابعت و پیروی او نماید راست ایستاده و واقع بر راه راست و صراط مستقیم جناب
امیر المؤمنین علیه السلام است آیه مبارکه فلما رأوه زلفة سیئت وجوه
الذین کفروا و قیل هذا الذی کنتم به تدعون پس آن هنگام به بینند وعده را در
حالتیکه آن نزدیک باشد و مشاهده ایشان شود زشت گردانیده شود رویهای آنانکه کافر
شده اند که گفته شود یعنی مؤمنان بایشان گویند که این آنست که پیوسته بآن طلب میکردید
و تعجیل وقوع آن میکردید عن الکافی عن الباقر علیه السلام هذه نزلت فی امیر المؤمنین
و اصحابه الذین عملوا ما عملوا یرون امیر المؤمنین علیه السلام فی اغبط الاماکن
لهم فیسیء وجوههم و یقال هذا الذی کنتم به تدعون الذی انتحلتم یعنی از کافی
منقولست که از حضرت باقر علیه السلام مرویست که این آیه نازل شد در حق امیر المؤمنین
علیه السلام و همکنان او یعنی آنهائیکه خود را مقابل حضرت میدانستند و کردند
آنچه کردند از تقدم بر آنحضرت و محاربه با او میبینند حضرت امیر المؤمنین علیه السلام را
در جائیکه رشک میبرند از آن بیش از همه جاها پس از مشاهده آنحال زشت میشود رویهای
و گفته میشود مر آنها را این آنکسیست که بودید ادعا مینمودید خود را برای خود و آن کسی
است که نام او را بخود بستید یعنی لفظ امیر المؤمنین نامی بود که خدا مخصوص آنجناب کرده بود
و شما آنرا نام خود قرار دادید که مردم شما را بآن بخوانند و از مجمع منقولست که از حضرت امام

محمد باقر علیه السلام روایتست که فرمود پس چون به بینند مکان علی بن ابیطالب علیه
السلام را از پیغمبر صلی الله علیه و آله در روز قیامت یعنی قرب منزلت او را بجناب پیغمبر
صلی الله علیه و آله زشت و مکروه میشود رویهای آنها که کافر شده اند از قمی نقل شده که
گفته یعنی روز قیامت شود و نظر میکنند دشمنان جناب امیرالمؤمنین علیه السلام بسوی
آنجناب و نظر مینمایند بسوی آنچه خداوند عالم بانجناب عطا فرموده از کرامت و منزلت شریفه
عظیمه و در دستش لوای احمد است و بر سر حوض کوثر آب میدهد بدوستان و شیعیان
خود و منع میفرماید دشمنان را از آن آب سیاه میشود روی دشمنان آنحضرت پس گفته میشود
برای آنها هذا الذی کنتم به تدعون منزلته وموضعه واسمه یعنی اینست آن
کسیکه بودید در دار دنیا ادعا مینمودید منزلت و جای او و نام او را یعنی جا و منزلت
او و نام مبارکش که امیرالمؤمنین باشد بر خود قرار میدادید و ادعا میکردید پس منزلت
او که خلافت باشد غصب نمودید و نام او را بخود گذاشتید که مردم شما را امیرالمؤمنین
بخوانند آیه مبارکه قل ارأیتم ان اصبح ماؤکم غورا فمن یأتیکم بماء معین یعنی
ای پیغمبر بگو آیا چه می بینید در اینکه اگر بگردد آب شما یعنی آب چاه زمزم و آب بئر میمون
حضرمی که هم مشرب شما اند فرو رفته بزمین چنانکه دلو و دست بآن نرسد پس کیست که بیاورد
برای شما آبی ظاهر چنانکه همه کس به بینند و سهل باشد تناول آن عن الرضا انه قال ارأیتم
ان اصبح امامکم غائبا فمن یأتیکم بامام مثله از قمی منقول است که گفته است آیا
چه می بینید اگر بگردد امام شما غائب از شما پس کیست آن که بیاورد برای شما امامی که مثل او
باشد یعنی خداوند عالم مثل زده که امام زمان را و شبیه فرموده آنجناب را باب چاهی که فرو

رود

رود چنانکه نه دست و نه دلو بآن رسد و امام ظاهر را بماء معین تشبیه نموده اند ظاهر
است و همه کس می بینند و سهل التناول است مرویست که پرسیده شد از حضرت باقر
علیه السلام از تاویل این آیه پس فرمود چون نیابید امام خود را پس نبینند او را پس چیست
انکاری که میکنید و نیز از آنحضرت مرویست که فرمود این آیه کریمه نازل شده در امام قائم
عجل الله فرجه خدا میفرماید اگر غائب شود امام شما از شما یعنی از دیدهای شما پنهان شود که
ندانید او در کجا است پس کیست آنکه بیاورد برای شما امام ظاهری که بیاورد برای شما
خبرهای آسمانها و زمینها را و حلال خدا و حرام او را برساند بشما تا آخر حدیث آیه مبارکه
وان یکاد الذین کفروا لیزلقونک بابصارهم لما سمعوا الذکر ویقولون انه لمجنون
وما هو الا ذکر للعالمین یعنی بدرستی که نزدیک بود آنکسانیکه کافر شدند بهر آینه
بلغزانند و بیفکنند ترا و هلاک کنند بچشمهای خود آنهنگام که میشنیدند قرآن میخواندی
و میگفتند از غایت حیرت بدرستیکه این مرد دیوانه است که حرفی عادی از وصادر میشود و حال
آنکه نیست قرآن مگر پندی و موعظه مر عالمیان را یا نیست محمد صلی الله علیه مگر شرف برای
عالمیان مرویست که جناب پیغمبر صلی الله علیه و آله در مسجد نشسته قرآن تلاوت می
فرمودند و آن جماعت بر در مسجد ایستاده انتظار میکشیدند تا حضرت از مسجد بیرون آید
تا او را بچشم آفتی رسانند جبرئیل این آیه آورد و گفت یا رسول الله این آیه را تلاوت فرما
تا از چشم زخم ایشان ایمن مانی حضرت این آیه بخواندند و بر خود دمیدند و از مسجد بیرون
آمدند چون چشم آنها بر آنجناب افتاد کور شدند و برو در افتادند و حضرت بسلامت گذشتند
از کافی و فقیه نقل شده که از جناب امام جعفر صادق علیه السلام مرویست اینکه گذران

جناب بمسجد غدیر افتاد نظر فرمودند بسوی جانب چپ مسجد پس فرمودند اینجا موضع قدم
مبارک جناب رسول خدا صلی الله علیه و آله میباشد آن وقتیکه میفرمودند مَن کُنتُ
مَولاهُ فَعَلِیٌّ مَولاهُ یعنی هر کس را من مولای اویم پس علی بن ابیطالب علیه السلام مولای
او است بعد از آن نظر فرمودند بجانب دیگر مسجد پس فرمودند این موضع خیمهٔ ابی فلان
و فلان و سالم مولی ابی حذیفه و ابی عبیدة الجراح لعنهم الله پس چون دیدند دست مبارک
جناب امیر المؤمنین علیه السلام را بلند کرده فرمود یعنی او را نشان بمردم میدهد و این
کلام را بزبان معجز بیان میفرماید مَن کُنتُ مَولاهُ فَعَلِیٌّ مَولاهُ پس بعضی از ایشان به بعضی گفتند که
به بینید دو چشم او را که گردش میکند گویا این دو چشم چشمهای دیوانه میباشد یعنی حضرت
رسالت بنقد اهتمام که در امر علی بن ابی طالب علیه السلام مینماید از روی دیوانگیست
نه از روی عقل دلیل بر این دو چشمهایش بگردش افتاده مانند دیوانگان بعد از آن جبرئیل
نازل شد و این آیهٔ مبارکه را آورد وَإِن یَکادُ الَّذِینَ کَفَرُوا الی آخر از رقیمی منقول است که در
معنی لَمّا سَمِعُوا الذِّکرَ گفته است که چون خبر دادند حضرت رسالت انهار را بفضائل جناب امیر المؤمنین
علیه السلام وَما هُوَ یعنی امیر المؤمنین إِلّا ذِکرٌ لِلعالَمِینَ یعنی مگر شرف برای عالمیان
بخصوص این آیهٔ مبارکه برای دفع چشم زخم بسیار مؤثر است و از بسیاری از روایات مستفاد
میشود که چشم بد مؤثر است و از آنجمله اینست که إِنَّ العَینَ لَتُدخِلُ الرَّجُلَ القَبرَ وَالجَمَلَ
القِدرَ یعنی چشم بد مرد را داخل قبر و اشتر را داخل دیگ میکند آیهٔ مبارکه وَتَعِیَها
أُذُنٌ واعِیَةٌ یعنی نگه دارد این پند را گوش نگهدارنده که نفع گیرد از آنچه شنود و تفکر
در آن نماید و بعمل خیر اقدام کند و وارد شده اند که این آیهٔ مبارکه در شان جناب علی بن ابیطالب

از سوره الحاقه

علیه السلام نازل شده از کافی نقل شده که از جناب صادق علیه السلام روایتست که
چون این آیهٔ شریفه نازل شد جناب رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند هِیَ أُذُنُکَ یا
علی یعنی آن گوش که خدا در وصف او فرموده أُذُنٌ واعِیَةٌ گوش تست یا علی در حدیث
دیگر است که از جناب امیر المؤمنین علیه السلام مرویست که فرمودند رسول
خدا صلی الله علیه و آله مرا در بر خود کشید و مرا بر سینهٔ خود چسبانید و فرمود
که یا علی مرا خدا تعالی امر فرموده که ترا نزدیک خود خوانم و دور نکردانم و ترا تعلیم نمایم و
فی روایةٍ لَمّا نَزَلَت قالَ اللّهُمَّ اجعَلها أُذُنَ عَلِیٍّ ثُمَّ قالَ عَلِیٌّ عَلَیهِ السَّلامُ فَما
سَمِعتُ شَیئاً مِن رَسُولِ اللّهِ فَنَسِیتُهُ وَزادَ فی أُخری وَما کانَ لی أَن أَنسی یعنی در روایتی
وارد شده که چون این آیهٔ مبارکه نازل شد جناب رسول خدا صلی الله علیه و آله بدرگاه
احدیت عرض کرد بار الها آن گوش را که وصف فرمودی گوش علی بگردان جناب امیر المؤمنین
علیه السلام میفرماید پس از این دعا که حضرت رسالت فرمود پس نشنیدم چیزی را از
جناب رسول خدا که پس از شنیدن او را فراموش کرده باشم و در روایت دیگر این فقره
را زیاد فرموده و سزاوار نبود مرا اینکه فراموش کنم زیرا که دعای آنحضرت رد نمیشود
آیهٔ مبارکه إِنَّهُ لَقَولُ رَسُولٍ کَرِیمٍ وَما هُوَ بِقَولِ شاعِرٍ قَلِیلاً ما تُؤمِنُونَ وَ
لا بِقَولِ کاهِنٍ قَلِیلاً ما تَذَکَّرُونَ تَنزِیلٌ مِن رَبِّ العالَمِینَ وَلَو تَقَوَّلَ عَلَینا
بَعضَ الأَقاوِیلِ لَأَخَذنا مِنهُ بِالیَمِینِ ثُمَّ لَقَطَعنا مِنهُ الوَتِینَ فَما مِنکُم مِن
أَحَدٍ عَنهُ حاجِزِینَ یعنی بدرستیکه قرآن هر آینه گفتار رسولیست بزرگوار از نزد خدا
که ان بر بندگان میخواند که نه خود بر هم میبافد و نیست قرآن سخن شاعر چنانکه ابو جهل و

از سوره الحاقه

چه ایشانند که بآن منتفع میشوند نه غیر ایشان و بدرستی که ما هر اینه میدانیم که بعضی از شما ای مردمان تکذیب میکنید حضرت رسالت را در آنچه در حق علی علیه السلام میفرماید و بدرستی که ولایت علی بن ابیطالب علیه السلام سبب حسرت است بر کافرین وقتیکه ثواب کسانیکه تولای آنجناب نموده اند به بینند و بدرستی که ولایت علی بن ابیطالب علیه السلام هر اینه درستی و راستیست بیگمان که هیچ شکی در آن نیست که از نزد خدا تعالی نازل شده است پس شکر کن پروردگار خود را که بزرگست آن پروردگاری که بخشیده است بتو این فضیلت یعنی امامت را که بعلی بن ابیطالب علیه السلام و اولاد او که ذریه رسول خدا هستند بخشیده و فضلیست که برسول خدا داده و او را بجهت این امر بشکر فرموده و از عباس منقولست که از جناب صادق علیه السلام روایت کرده که فرموده اند چون جناب رسول خدا صلی الله علیه و آله دست مبارک جناب امیر المؤمنین علیه السلام را گرفتند پس آشکار کردانید ولایت آنجناب را فلان و فلان با همدیگر گفتند که قسم بخدا نیست این از جانب خدا و نیست این مگر چیزیکه میخواهد صاحب شرف و عزت گرداند بسبب این پسر عم خود را پس خدا عالم نازل فرمود این آیه مبارکه را وَلَوْ تَقَوَّلَ عَلَيْنَا بَعْضَ الْأَقَاوِيلِ لَأَخَذْنَا مِنْهُ بِالْيَمِينِ ثُمَّ لَقَطَعْنَا مِنْهُ الْوَتِينَ تا آخر آیات که گذشت یعنی هرگاه محمد بدروغ به بندد از خود بعضی سخنها را که در اظهار ولایت علی بن ابی طالب علیه السلام باشد هر اینه بگیریم از روی دست راست او را پس ببریم از و رگ دل او را که متصلست بگردن یعنی محمد صلی الله علیه و آله از پیش خود و بخواهش و میل نمیگوید که علی بن ابیطالب صاحب ولایتست و خلیفه است بحق بعد از نبی هرگاه محمد چنین امری را از خود در دنیا و روا نسبت بما دهد و یا به بنده هم

اتباع او از کفار و منافقان میگویند اند که تصدیق میکنند ان را و نیست قرآن سحر کسی که از روی سحر اخبار میکند بمغیبات چنانکه عتبه و اتباع او میگویند اند که منذکر میشوند باین و معجزه را از شعر و کهانت مشتبه نمیکنند قرآن فرستاده شده است بمحمد صلی الله علیه و آله از نزد پروردگار عالمیان بواسطه جبرئیل و اگر افترا کند محمد صلی الله علیه و آله و بدروغ به بندد بر ما بعضی سخنان را چنانکه گمان شما است هر اینه بگیریم از روی دست راست او را پس ببریم از و رگ دل او را که متصل است بگردن این تصور هلاک او است یعنی او را بگیریم بقوت و او را بقتل رسانیم پس نیست از شما هیچکس یعنی نیستید همه شما از قتل او منع کنندگان از کافی نقل شده که از جناب امام موسی کاظم علیه السلام روایتست که مراد از اِنَّهُ لَقَوْلُ رَسُولٍ كَرِيمٍ آنست که جناب رسول خدا در ولایت جناب علی بن ابیطالب علیه السلام میفرماید بدرستی که نقل شده که آن هر اینه گفته جبرئیلست از جانب خدا تعالی حضرت کاظم علیه السلام فرمودند که منافقان گفتند بدرستی محمد دروغ می بندد بر پروردگار خود و امر نفرموده است خدا او را باینکه میگوید در حق علی علیه السلام پس خدا تعالی بجهت تکذیب آن ملعونان قرآنی فرستاد پس فرمود اِنَّ وِلَايَةَ عَلِيٍّ تَنْزِيلٌ مِنْ رَبِّ الْعَالَمِينَ بدرستی که ولایت علی فرستاده شده است از نزد پروردگار عالمیان پس خواندند باقی آیات را از وَلَوْ تَقَوَّلَ عَلَيْنَا تا حَاجِزِينَ پس فرمودند این به کر بعد از آنست که مناسب این مقام بود که ترجمه میشود و آنچه اینست وَإِنَّهُ لَتَذْكِرَةٌ لِلْمُتَّقِينَ وَإِنَّا لَنَعْلَمُ أَنَّ مِنْكُمْ مُكَذِّبِينَ وَإِنَّهُ لَحَسْرَةٌ عَلَى الْكَافِرِينَ وَإِنَّهُ لَحَقُّ الْيَقِينِ فَسَبِّحْ بِاسْمِ رَبِّكَ الْعَظِيمِ یعنی و بدرستی که ولایت علی بن ابیطالب هر اینه پندیست مر پرهیزکاران را

بجا نشانند

اینها او را بقوت وقهر بقتل رسانیم دروغ میگوید فلان و فلان و درست و راست
میگوید محمد صلی الله علیه و آله نمیگوید مگر از جانب خدا و ندانم که علی را خدا نصب فرموده
و اخذ کرده میثاق ولایت او را اللهم العن فلانا و فلانا از اول سوره مبارکه معارج
بسم الله الرحمن الرحیم سئل سائل بعذاب واقع للکافرین لیس له دافع یعنی
درخواست خواهنده عذابی فرود آینده برای کافران (که از او است) که نیست مر آن عذاب را دفع کننده
و بازدارنده از جناب امام جعفر صادق علیه السلام روایتست که جناب رسول خدا
صلی الله علیه و آله جناب شاه ولایت مآب را در روز غدیر خم منصب خلافت داده اند
و قائم مقام و خلیفه خود گردانیدند و در حق او فرمودند که هر کس که من مولای او و
صاحب تصرف در امور او هستم پس علی مولای او و صاحب تصرف در امور دین او است این
خبر در اطراف عالم منتشر و گوشزد جمیع بشر گردید حارث بن نعمان فهری لعین
بر ناقه خود نشسته متوجه مدینه گردید تا بحضرت رسول صلی الله علیه و آله بنیاد مجادله
کند چون بمجلس آنحضرت درآمد دید که مجلس از مهاجر و انصار مملو بود گفت یا محمد تو ما را
بکلمه شهادت دلالت کردی از تو قبول کردیم و به نماز و بپا داشتن نمازهای پنجگانه دعوت
با اینها همه راضی نشدی
نمودی قبول کردیم تا اینکه دست این پسر را گرفتی و گفتی من کنت مولاه فعلی مولاه این
کار را بامر خدا کردی یا آنحضرت فرمودند قسم بخدائیکه بغیر از او خدائی نیست هر چه در حق
علی گفته ام و بمردم رسانیده ام بحکم خدا بوده نه باندیشه و تدبیر من چون حارث این
سخن را شنید روی خود از آن قبله السلام برگردانید و برخواست و گفت خدایا آنچه
محمد میگوید در حق علی گفته ام و بمردم رسانیده ام اگر راستست و بامر تست بر ما سنگ بیار

چون آن ملعون این را گفت فی الفور سنگی آمد از آسمان بر سرش خورد و از دبرش بیرون
رفت و بدرک اسفل رسید و در ساعت این آیه مبارکه نازل گردید سئل سائل بعذاب
واقع آیه مبارکه رب اغفر لی ولوالدی ولمن دخل بیتی مؤمنا وللمؤمنین و
المؤمنات ولا تزد الظالمین الا تبارا یعنی ای پروردگار من بیامرز مرا از ترک
اولی و ترک مکن و بعفو فرما مرید و مرا و پدرش ملک بن متوشلخ و مادرش شمخا
بنت انوش و این هر دو از صلحا و اهل ایمان بودند و بیامرز هر کسی را که درآمد در خانه
من در حالتیکه مؤمن بود و بیامرز مردان مؤمن و زنان مؤمنه را که قبل از این بودند و بعد
از این پیدا شوند تا روز قیامت و میفزا ستمکاران را یعنی کافران را زیاد در کفر که از حد در گذشته
اند مگر هلاکت و عقوبت از کافی نقل شده که از حضرت صادق علیه السلام روایتست
یعنی الولایه من دخل فی الولایه دخل فی بیت الانبیاء یعنی مقصود از لفظ بیت ولایت
است هر کس داخل شود در ولایت داخل شده است در خانه پیغمبران یعنی خانه نبوت از
خشت و گل نیست بلکه خاندان و ولایت و اوصیا او است پس هر که دارای ولایت اوصیاست
داخل خانه انبیا است و مشمول دعای نوح علی نبینا و علیه السلام خواهد بود و در حدیث دیگر مجلسی
علیه الرحمه روایت کرده است که مراد از بیت بیت معنویست یعنی خانه آباد که عزت و
کرامت اسلام و ایمان است پس هر که ولایت ایشان اختیار نماید داخل باده ایشان گردید
دعائی که حضرت نوح علیه السلام دعا نموده شامل وی میشود که پروردگارا بیامرز هر کس
داخل بیت شود یعنی داخل ولایت اهل بیت رسول خدا شود بعضی گفته اند مراد خانه محمد
صلی الله علیه و آله است در حقیقت آنهم داخل ولایت اهل بیت علیهم السلام شده است

در سوره

آیهٔ مبارکه فَمَنْ اَسْلَمَ فَاُولٰئِكَ تَحَرَّوْا رَشَدًا یعنی پس هر که گردن نهاد حکم خدا
پس آنگروه گردن نهادگان قصد کردند راه راست را از قمی نقل شده که از جناب امام
محمد باقر علیه السلام روایت کرده است که مراد از من اسلم کسانی اند که اقرار بولایت
ما کرده اند متمم آیهٔ مبارکه وَاَمَّا الْقَاسِطُونَ فَكَانُوا لِجَهَنَّمَ حَطَبًا یعنی اما بیرون رفتگان
از طریق حق پس باشند در آخرت مر دوزخ را هیمه که با ایشان دوزخ افروخته میشود
این آیهٔ مبارکه بملاحظهٔ آیهٔ سابقه دلالت دارد باینکه دلالت حضرت امیر المؤمنین علیه السلام
با قاسطین مقاتله و جنگ فرموده حتی اینکه از اوصیا خاصهٔ آنحضرت قاتل الناکثین و
القاسطین والمارقین است از همهٔ اینها مستفاد میشود که مراد از این آیه دشمنان جناب
علی بن ابیطالب علیه السلام باشند آیهٔ مبارکه وَاَنْ لَوِ اسْتَقَامُوا عَلَى الطَّرِيقَةِ
لَاَسْقَيْنَاهُمْ مَاءً غَدَقًا یعنی و دیگر وحی کرده شده است بمن که اگر مستقیم شوند اهل مکه
بر طریقه یعنی بر افضل طریق که دین اسلام است هر آینه بدهیم و بیاشامانیم ایشان را
آب بسیار مراد از آن سعت زیست و کثرت مال و منال که لازم باران است از حضرت
صادق علیه السلام مرویست که در معنی لاسقیناهم فرموده که هر آینه بچشیم ایشان را
علم بسیاری که یاد میگیرند آنرا از ائمه صلوات الله علیهم و عن الکافی عن الباقر علیه السلام
یعنی لو استقاموا علی ولایة امیر المؤمنین علی علیه السلام والاوصیاء من ولده و
قبلوا طاعتهم فی امرهم ونهیهم لاسقیناهم ماء غدقا یقول لاشربنا قلوبهم الایمان
از کافی منقولست که از جناب امام محمد باقر علیه السلام روایتست یعنی اگر مستقیم شوند
بر ولایت جناب امیر المؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام و اوصیا که از اولاد او هستند

وقبول

در سورهٔ جن

وقبول نمایند اطاعت ایشان را در امر و نهی و در معنی لاسقیناهم فرموده که یعنی هر آینه ایشانرا
بدلهای ایشان ایمان را آیهٔ مبارکه وَمَنْ يُعْرِضْ عَنْ ذِكْرِ رَبِّهِ يَسْلُكْهُ عَذَابًا صَعَدًا
یعنی هر کس اعراض کند از یاد کردن پروردگار خود در آورد خدا او را در عذابی سخت که
فوق طاقت او است عن القمی عن ابن عباس قال ذکر ربه ولایة علی بن ابیطالب علیه السلام
از قمی نقل شده که از ابن عباس روایت کرده که گفته مراد از ذکر پروردگار ولایت جناب
علی بن ابیطالب علیه السلام است هر کس اعراض نماید و رو گرداند از ولایت آنحضرت
خداوند عالم عذاب سخت و شاق میکند او را که طاقت آن نداشته باشد آیهٔ مبارکه
وَاَنَّ الْمَسَاجِدَ لِلّٰهِ فَلَا تَدْعُوا مَعَ اللّٰهِ اَحَدًا یعنی و دیگر وحی کرده شده است بمن بدرستیکه
مسجدها برای خدا است مخوانید بغیر از خدا کسی را یعنی غیر او را در آنها پرستش مکنید
از کافی منقولست که از جناب صادق علیه السلام و عیاشی از جناب امام محمد تقی جواد
علیه السلام و قمی هم مثل این حدیث را از جناب امام رضا علیه السلام و از کافی نیز
منقولست که از جناب کاظم علیه السلام مثل این روایت شده که فرموده اند سلام
الله علیهم اجمعین بدرستیکه مراد از مساجد اوصیا و ائمه هستند و در حدیث وارد شده
است شرک بر خدا انکار ولایت جناب علی بن ابیطالب علیه السلام است که دیگری را
بر او ترجیح میدهند و خدا هرگز نخواهد بخشید اینها را آیهٔ مبارکه قُلْ اِنَّمَا اَدْعُوا
رَبِّي وَلَا اُشْرِكُ بِهِ اَحَدًا قُلْ اِنِّي لَا اَمْلِكُ لَكُمْ ضَرًّا وَلَا رَشَدًا یعنی بگو ای محمد جز این نیست
که میخوانم پروردگار خود را و شریک قرار نمیدهم با او بسجانه احدی را بگو ای محمد بدرستی
که من مالک نیستم از برای شما دفع ضرری را و نه رسانیدن خیر و صلاح یعنی بغیر از خدا و نه

در سورهٔ جن

در سورهٔ جن

احدی را ضرر و رسانند خیر نیست بلکه من مامورم بتبلیغ رسالت و بدعوت بدین اسلام و هدایت بر شاد نه بغیر ان از کافی از جناب امام موسی کاظم علیه السلام روایت است بد رستیکه جناب رسول خدا صلی الله علیه و اله خواندند مردم را بسوی ولایت علی بن ابی طالب علیه السلام پس جمع شدند طایفه قریش و گفتند یا محمد ما را واگذار از این تکلیف پس حضرت فرمودند گذشتن از این تکلیف مفوض است بسوی خدا یعنی اختیار این امر با من نیست چون این تکلیف از جانب خدا است گذشتن از این تکلیف هم با خدا است و تفویض این امر هم بسوی من نشده که من بگذرم پس انحضرت را متهم ساختند یعنی گمان کردند که از جانب خود میگوید و حق میل دارد و اگر رای انجناب تعلق بگیرد که این تکلیف از ما برداشته شود هر اینه بر میدارد و با این خیال که او را متهم ساختند بیرون رفتند نزد انجناب پس نازل فرمود خدا تعالی این ایه مبارکه را قُلْ إِنِّي لَا أَمْلِكُ لَكُمْ ضَرًّا وَلَا رَشَدًا یعنی بگو بمردم که من مالک خیر و ضر نیستم یعنی صاحب اختیار نیستم در این امر که بتوانم از جانب خود ولایت علی علیه السلام را لازم کردانم یا اینکه از جانب خود رفع ان کنم بلکه حکم از جانب خدا شده که علی بن ابی طالب علیه السلام را ولی و خلیفه قرار بدهم متمم ایه مبارکه که در سوره جن است قُلْ إِنِّي لَنْ يُجِيرَنِي مِنَ اللَّهِ أَحَدٌ وَلَنْ أَجِدَ مِنْ دُونِهِ مُلْتَحَدًا إِلَّا بَلَاغًا مِنَ اللَّهِ وَرِسَالَاتِهِ الایة یعنی بگو ای محمد که کسی هرگز زنهار ندهد و مرا و پناه خود نگیرد از عذاب خدا احدی یعنی اگر خلاف قول و امر خدا را بکنیم و او سبحانه خواسته باشد بمن ضرری رساند از مرض و انواع ابتلا کسی مرا حمایت نتوان کرد و از ان نجات نتواند داد و نمییابم هرگز بجز او سبحانه پناهی که روی بدان اورم و از ان بلیه نجات یابم الحاصل پیغمبر خود را فرمود که بگو من مالک

نفع

نفع و ضرر نیستم برای شما مگر رسانیدن که از جانب خدا تعالی است و پیغامهای او یعنی ادای احکام که بمن ارسال فرموده از کافی نقل شده که از امام موسی کاظم علیه السلام روایتست که انحضرت چنین تلاوت فرمودند که إِلَّا بَلَاغًا مِنَ اللَّهِ وَرِسَالَاتِهِ فِي عَلِيٍّ قیل هذا تنزیل قال نعم یعنی مگر رسانیدن که از جانب خدا است و پیغامهای او سبحانه که در بارهٔ جناب علی بن ابی طالب علیه السلام بمن ارسال شده عرض شد بخدمت انحضرت که این ایه شریفه بهمین قسم نازل شده است یا انکه معنی باطن ایه است فرمودند که ایه مبارکه وَمَنْ يَعْصِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَإِنَّ لَهُ نَارَ جَهَنَّمَ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا یعنی و هر کس نافرمانی کند خدا را در پرستش او و رسول او در امر و نهی پس بد رستیکه برای او است اتش جهنم در حالیتکه جاوید بودگانند در ان همیشه در تتمه حدیث سابق وارد شده که انحضرت فرموده مراد اینست که کسی که عصیان خدا و رسول نماید در ولایت جناب علی بن ابی طالب علیه السلام که اشد معاصیست از برای او است اتش دوزخ در حالیتکه جاوید بودگانند همیشه یعنی خلود در اتش دوزخ مؤلف گوید مخالفت بر خدا و رسول در ولایت جناب مولای متقیان علیه السلام کفر است و شرک بخدا است چنانکه در مقام خود ذکر شده بدیهی است کافر هم از اهل دوزخست انکار بر ولایت انحضرت شده در مقام ان از معصیت بالاتر است چرا که هر معصیت را حدی و مرتبه هست که بتوبه اصلاح میشود منکرین ولایت را چه جای توبه است که خداوند هرگز نخواهد گذشت پس مقام کفر است بلکه باعتقاد حقیر کفار را جای ترحم و احتمال تخفیف است و لکن مبغضین جناب امیر المؤمنین علیه السلام را رحم و تخفیف نیست متمم ایه مبارکه حَتَّىٰ إِذَا رَأَوْا مَا يُوعَدُونَ فَسَيَعْلَمُونَ مَنْ أَضْعَفُ نَاصِرًا وَأَقَلُّ عَدَدًا یعنی تا وقتیکه به بینند انچه وعده داده میشدند پس زود باشد که بدانند چون

انزا مردم برگشتند پس تکیه کرد معاویه علیه الهاویه بر مغیرة بن شعبه و بر ابو موسی
اشعری بعد از ان رو کرده میخرامید بجانب کسان خود و میگفت ما اقرار میکنیم برای علی بن
ابیطالب علیه السلام و تصدیق نمیکنم گفته محمد صلی الله علیه و آله را پس از ان خدای عز
و جل نازل فرمود در شان ان ملعون این ایة مبارکه را فلا صدق و لا صلی و لکن کذب و
تولی ثم ذهب الی اهله یتمطی تمام ایه مبارکه اولی لک فاولی ثم اولی لک فاولی یعنی نبات
سزاوار است مر ترا ای کافر معاند شدت هلاک در دنیا پس سزاوار است مر ترا عذاب در قبر
پس نیک باشد ترا هول قیامت پس بغایت سزاوار است ترا خلود در دوزخ زیرا که تو
قول محمد را تکذیب کردی پس بعد از نزول این ایات حضرت رسول صلی الله علیه و آله بالای منبر رفتند و
حال انکه میخواستند بیزاری بجویند از ان ملعون پس خدا تعالی نازل فرمود لا تحرک به لسانک
لتعجل به یعنی مجنبان ای محمد باظهار برائت از ان ملعون زبان خود را تا تعجیل کنی بر رسوا گردن
ان ملعون پس حضرت ساکت شدند و نام نحس ان ملعون را بر زبان جاری نکردند از مجمع نقل
شده که مرویست که جناب رسول خدا صلی الله علیه و آله دست ابو جهل علیه اللعنه را گرفتند
پس فرمودند اولی لک فاولی ابو جهل گفت یا محمد بچه چیز مرا میترسانی تو و خدای تو هیچ
نمیتوانید کاری بمن بکنید بدرستی که من هر اینه عزیزترین اهل این وادی یعنی اهل مکه هستم
پس خدا تعالی همان را که حضرت رسول با بی جهل فرموده بودند نازل کرد اینده و بروایتی بعد از نزول این ایه حضرت
رسول صلی الله علیه و آله ابو جهل را در بطحا دیدند و جامه اش بگرفت و این فرمایش فرمودند و ان
ملعون ان جواب داد و چون روز بدر شد و ان ملعون قوت قریش و ضعف لشکر جناب
پیغمبر صلی الله علیه و آله را بدید هیچ شک نکرد در این که ایشان بر پیغمبر غالب شوند و

عذاب موعود را به بینند از گروه مومن و مشرک که کیست ضعیف تر از جهت یاری و مددکار
و کیست کمتر از روی عدد یعنی عدد یاران که کمتر خواهد بود و در تتمه حدیث سابق وارد
شده که انحضرت فرمودند که مقصود باین کلام حضرت قائم عجل الله فرجه میباشد و از قمی
منقولست که گفته مراد حضرت قائم عجل الله فرجه و امیر المؤمنین علیهما السلام است یعنی
خواهند دانست که این دو بزرگوار ضعیف ترند از جهت یار و کمترند از روی عدد یا ظالمان
ال محمد ایه مبارکه عالم الغیب فلا یظهر علی غیبه احدا الا من ارتضی من رسول
یعنی او است داننده پوشیدها پس اشکار نسازد و مطلع نکرداند بر غیبی که مخصوص است
بعلم او احدی را مگر انکس را که پسندیده و برگزیده باشد از فرشتها یعنی مگر رسول خود را از حضرت
ثامن الائمه جناب امام رضا علیه السلام منقولست که فرمودند حضرت ختمی مآب صلی الله
علیه و اله نزد خدا پسندیده و برگزیده است و ما یعنی ائمه وارثان ان رسول هستیم که خدا تعالی
مطلع کرده اینده او را بر انچیزیکه میخواهد از غیب خود پس ما دانستیم هر چیزیکه بوده و میباشد تا
روز قیامت ایه مبارکه فلا صدق و لا صلی و لکن کذب و تولی ثم ذهب الی اهله یتمطی
یعنی پس تصدیق نکرد و نماز نکرد بر رسول یا بقران یا اینکه صدقه نداد از انچه واجب بود از مال
و لکن تکذیب کرد او را و برگشت از راه حق پس رفت بسوی کسان خود و میخرامید از روی افتخار
که من تکذیب کرده ام و برگشته ام از محمد و تابع او نشده ام از قمی نقل شده که گفته است سبب
نزول این ایه مبارکه اینست که بدرستی جناب رسول خدا صلی الله علیه و اله خواندند مردم را
بسوی بیعت جناب امیر المؤمنین علیه السلام در روز غدیر خم پس چون تبلیغ نمودند مردم را
و خبر دادند ایشان را از زیارت علی بن ابی طالب علیه السلام انچه را خواست خبر کند و بگوید

برپیغمبر غالب شوند روی برسول کرد و گفت پس از بن روز خدای خود را میرست که ترا
ذلیل کرد ابد چون جنگ بهم در پیوست خداوند ابوجهل ملعون را مغلوب ساخت
و قریش شکست خوردند عبد الله که مردی پیر بود در کمال ضعف و ناتوانی میان کشتگان
می گشت هر کرا رمقی یافت میکشت چنانکه از عبد الله مرویست که گفت ابوجهل را
زادیدم در ان معرکه در میان کشتگان افتاده بود پای او را گرفتم و از میان کشتگان بیرون
اوردم و پای بر سینش نهادم چشم باز کرد مرا دید گفت پای بر بلندی نهاده گفتم
ای ملعون با ینحالت رسیده و ترك تکبر نمیکنی گفت ای عبد الله میدانم تو مرا میکشی و لکن
ترا سه وصیت میکنم قبول کن اول انکه محمد را بگو که در جهان از تو دشمن تر نداشتم
دوم انکه مرا بشمشیر من بکش سیم انکه سر مرا از سینه ببر نزد محمد صلی الله علیه و اله
ببر تا او را خوش اید گفتم بخدا که خدا ترا دشمن دارد از انکه تو محمد را دشمن داری والله
که بغیر از شمشیر خود ترا نکشتم زیرا که شمشیر عبد الله کند و خوار بود در نظر ابوجهل و
سرت را از بیخ ببرم تا از همه کس حقیرتر باشی پس گفت سرش را ببریدم و خواستم که بردارم
قوت نداشتم ریسمانی بر سرش بستم و میکشیدم تا بنزدیك رسول خدا اوردم حضرت
مرا ببهشت بشارت داد و خدا را شکر کرد و فرمود که هر امتی را فرعونی بوده است و
فرعون امت من ابوجهل بود سوره دهر بسم الله الرحمن الرحيم هَلْ أَتَى عَلَى الْإِنسَانِ
الی اخرها در شان جناب علی بن ابیطالب و فاطمه علیهما السلام نازلشده بنا بر روایت ابوحمزه
ثمالی چنانکه در مجمع البیان نسبت با و داده و صاحب مجمع گفته که روایت کرده اند
خاص و عام یعنی شیعه و سنی بد رستی که ایات ازین سوره که اول ان قول حق تعالی است ان

سوره هل اتی

الْأَبْرَارَ تا انجائیکه فرموده وَكَانَ سَعْيُكُم مَّشْكُورًا نازلشده در بارهٔ جناب علی بن ابی
طالب و جناب فاطمه و حسن و حسین علیهم السلام و فضه که خادمه ایشان بود و همین اخبار است
که روایت شده از ابن عباس و مجاهد و ابی صالح تا اینجا کلام صاحب مجمع است و صاحب
خلاصة المنهج گفته که باید دانست که باتفاق جمیع اهل حق که امامیه اند و معظم اهل سنت
این ایه که ان الابرار بوده باشد و انچه بعد از بنست در شان حضرت امیر المؤمنین علی و فاطمه
و حسن و حسین علیهم السلام و فضه که خادمه ایشان بود نازلشده و از جمله انها ثعلبی که
از اعاظم اهل سنت است باسانید خود شان در تفسیر خود بر این وجه اورده که ایه شریفه
إِنَّ الْأَبْرَارَ يَشْرَبُونَ مِن كَأْسٍ كَانَ مِزَاجُهَا كَافُورًا تا اخر بلکه تمام سوره در شان اهل بیت
کرام علیهم السلام نزول یافته معنی ایه مبارکه یعنی بدرستی که نیکو کاران بندگان فرمان
بردارند می اشامند در اخرت از جام خمری که باشد امیخته با او ممزوج و مخلوط است
کافور یعنی بوی کافور امیخته شده با ان خمر که در ان جام است و او را خوشبو کرده و کافور
بهشت بر خلاف کافور دنیا است و اینمعنی را بعضی گفته اند و مرویست که کافور چشمه
ایست در بهشت خوشبو و سفید ایه مبارکه يُوفُونَ بِالنَّذْرِ وَيَخَافُونَ يَوْمًا
كَانَ شَرُّهُ مُسْتَطِيرًا وَيُطْعِمُونَ الطَّعَامَ عَلَىٰ حُبِّهِ مِسْكِينًا وَيَتِيمًا وَأَسِيرًا إِنَّمَا
نُطْعِمُكُمْ لِوَجْهِ اللَّهِ لَا نُرِيدُ مِنكُمْ جَزَاءً وَلَا شُكُورًا یعنی وفا میکنند بنذر که در او طاعت
کنند و میترسند از روزیکه هست بدی او یعنی شدت و هول ان فاش و اشکارا بهمهٔ
اهل عصیان و طغیان رسیده و با جمیع اقطار منتشر گشته و میدهند خوردنی را و نفقه
میکنند او را بر دوستی در ویش بینوا و طفل کوچك بی پدر را و اسیری را که بدار الحرب

سوره هل اتی

گرسنه باشند و بعد از آن حق تعالی از خلوص نیت ایشان خبر میدهد که جز این نیست میخورانیم
شما را ای اهل استحقاق این طعامها را برای رضای خدا نمیخواهیم از شما پاداش و مکافات
بران و نه شکر گذاری چه در احسان منت نهادن و توقع جزا کردن ثواب را بکاهاند صاحب
خلاصة المنهج گفته که در سبب نزول این آیه مبارکه ذکر کرده اند که در بعضی ایام جناب امام
حسن و جناب امام حسین علیهما السلام مریض شدند حضرت رسالت صلی الله علیه و آله
با جمعی اصحاب بعیادت آن دو نور دیده مرتضی و میوه دل زهرا رفتند و بحضرت شاه اولیا
فرمود که یا ابا الحسن از برای دو نور دیده خود نذری کن تا حضرت قاضی الحاجات ایشان را
شفا دهد و لباس صحت و عافیت بر ایشان بپوشاند پس آن سید اوصیا نذر فرمودند
اگر حق تعالی فرزندان مرا شفا دهد سه روز روزه بدارند چون آنحضرت نذر فرمود
حضرت فاطمه و حسن و حسین علیهم السلام و خادمه ایشان فضه نیز موافقت فرمودند
و چون حق تعالی لباس عافیت بر ایشان پوشانید عزیمت کردند که بنذر خود قیام نمایند
نیت روزه نمودند حضرت فاطمه سلام الله علیها در روز اول یک صاع جو آرد کرده و
پنج قرص نان پخت و چون شب آمد نماز شام ادا فرمودند و طعامی که مهیا ساخته بودند
حاضر کردند که افطار کنند ناگاه آوازی بگوش ایشان رسید که السلام علیکم
یا اهل بیت محمد من مسکینی هستم از مساکین و محتاج و گرسنه ام مرا طعامی دهید
تا حق تعالی شما را از موائد جنت محظوظ گرداند پس شیر خدا وصی مصطفی و سید اسخیا قرص
خود را باو تصدق فرمود و اهل بیت همه بآن مقتدا اقتدا نمودند و آنشب با بحالت صوم
افطار فرمودند و فضه نیز قرص خود را تصدق نمود روز دویم حضرت فاطمه بر همین دستور

اول

اول پنج قرص مهیا ساخت و چون شب درآمد خواستند که افطار کنند ناگاه آوازی آمد
بگوش ایشان رسید که یا اهل بیت محمد یتیمی هستم بر در سرای شما گرسنه ام مرا طعام دهید
پس شاه اوصیا قرص خود را باو تصدق فرمود و اهل بیت و فضه نیز متابعت او کردند
و در آنشب نیز با آب افطار نمودند و در روز سیم آنسیده طاهره پنج قرص دیگر پخت چون
خواستند که افطار کنند ناگاه آوازی بگوش ایشان رسید که من اسیری هستم از
اسیران محمد صلی الله علیه و آله و گرسنه ام مرا طعامی دهید تا حق تعالی شما را از خوان
حظی کامل و نصیبی شامل ارزانی فرماید شاه اولیا قرص خود را داد و فاطمه و حسن و حسین
سلام الله علیهم نیز قرصهای خود را بآن اسیر بخشیدند و در آنشب نیز با آب افطار نمودند
روز چهارم سرور اولیا و امیر دو سرا دست حسن و حسین سید الشهدا را گرفته بخدمت
جناب رسول خدا صلی الله علیه و آله رفتند و آن دو نور دیده زهرا از جوع میلرزیدند
چون چشم مبارک حضرت رسالت بایشان افتاد فرمود یا ابا الحسن این معصومان چه حالت
دارند که چنین ضعیف و ناتوان شده اند شاه اولیا صورت حال را بعرض سرور انبیا
رسانید آنحضرت بجانب خانه نور دیده خود فاطمه علیها سلام الله روان شدند و چون بحجره
طاهره زهرا درآمد دید که حضرت فاطمه در مصلای خود نشسته مشغول عبادتست و
از بی قوتی و گرسنگی شکم او به پشت چسبیده پس آنحضرت قرة العین خود را بآن حالت
دیده از نهاد مبارکش بر آمد و گفت واغوثاه یا الله اهل بیت محمد یموتون جوعا
یعنی ای خداوند عالمیان اهل بیت پیغمبر تو از گرسنگی بخواهند مرد پس جبرئیل از جانب
ملک جلیل در رسید و گفت یا محمد بگیر این را و خوش باش بآن کرامتی که خدا تعالی در حق

اهل بیت تو فرموده است و سورهٔ هَلْ اَتیٰ عَلَی الْاِنْسانِ حِیْنٌ مِنَ الدَّهْرِ لَمْ یَکُنْ شَیْئاً
مَذْکُوراً را تا اخر با نحضرت بلاوت نمود معنی ایه مبارکه بنا بر انچه منقولست از تفسیر اهل
بیت که مراد از انسان علی بن ابی طالب علیه السلام است و هل استفهام در معنی نفی است
نه بمعنی تحقیق چنانکه سایر مفسرین تفسیر کرده اند است که هیچ زمانی نگذشت کبر جناب
امیر المؤمنین علیه السلام در ان زمان مذکور نشود بلکه همیشه معروف و مذکور
بود و چگونه چنین نباشد که نام شریفش با نام خدا و رسول و بر ساق عرش و بر در بهشت
نوشته باشند پیش از خلق عالم از مناقب خوارزمی منقولست که از جابر بن عبد الله
انصاری نقل شده که پیغمبر فرمود بر در بهشت نوشته است لا اله الا الله محمد رسول
الله علی بن ابی طالب اخو رسول الله پیش از انکه خلق کند اسمانها و زمینها را بدو هزار
سال و مؤید این قولست نزول این سوره در حق اهل بیت باجماع امامیه و جمهور سنیه
چنانکه مذکور شد ایهٔ مبارکه وَسَقٰیهُمْ رَبُّهُمْ شَرَاباً طَهُوْراً و بیاشاماند پروردگار
ایشان شرابی پاک از ادناس و ارجاس و پاک کننده از غل و حسد و سایر صفات رذیله
وارد شده است که دو چشمه هست در بهشت که هر دو مختص اهل بیتاست که ان
کافور و زنجبیل است و انرا سلسبیل خوانند و شراب طهور نیز از ایشانست و در
تفسیر ایه سابقه گذشت که کافور چشمه ایست بسیار سفید و روایت شده که رب در
اینجا یعنی در این ایهٔ مبارکه بمعنی سید است چنانکه خداوند عالم در سوره مبارکه یوسف
فرموده اذکرنی عِنْدَ رَبِّكَ که جناب یوسف در زندان بان شخص که از انجا خلاص شدنی
بود و ساقی ملک میشد فرمود که مراد از رب سید خود که پادشاه و عزیز مصر است ذکر کن و یاد
اوز

او زیعنی سعی کن در خلاص من و مراد از رب که در ایهٔ مبارکهٔ وَسَقٰیهُمْ رَبُّهُمْ شَرَاباً
طَهُوراً جناب امیر المؤمنین علیه السلام است یعنی اب میدهد ایشانرا سید ایشان علی
ابن ابی طالب صلوات الله علیه که ساقی اهل بهشتست چنانکه گفته اند رب هب لی
مِنَ الْمَعِیْشَةِ سُؤْلِیْ وَاعْفُ عَنِّیْ بِجَاهِ اٰلِ رَسُوْلِ وَاسْقِنِیْ شَرْبَةً بِکَفِّ عَلِیٍّ سَیِّدِ
الْاَوْلِیَاءِ زَوْجِ بَتُوْلِ اخر همین سورهٔ مبارکه یُدْخِلُ مَنْ یَشَاءُ فِیْ رَحْمَتِهِ یعنی داخل
میکند خدا تعالی هر کس راکه بخواهد در بخشش خود ارکافی منقولست که از حضرت
موسی کاظم علیه السلام روایتست فی رحمته یعنی فی ولایتنا رحمت خدا ولایت
ائمهٔ هدی است هر کس که داخل ولایت شود داخل رحمت خدا است ایهٔ مبارکه
وَیْلٌ یَوْمَئِذٍ لِلْمُکَذِّبِیْنَ اَلَمْ نُهْلِكِ الْاَوَّلِیْنَ ثُمَّ نُتْبِعُهُمُ الْاٰخِرِیْنَ کَذٰلِكَ نَفْعَلُ
بِالْمُجْرِمِیْنَ یعنی ویل کلمهٔ عذابست در آن روز مر تکذیب کنندگان از بروز فصل بعد از ان در
تهدید کفار میفرماید که ایا ما هلاک نکردیم پیشینیانرا چون قوم نوح و عاد و ثمود که تکذیب
انبیا کردند پس ما از پی ایشان در امدیم بهلاکت پسینیانرا که نظیر ایشانند چون کفار
مکه و آن قتل بدر بود و غلا و قحطی و غیر آن همچنین مثل این را میکنیم همهٔ گناه کاران از
کافی نقل شده که از جناب موسی کاظم علیه السلام روایتست که خدای تعالی فرمود یا محمد ویل
باشد مر انها یکه تکذیب کردند تبلیغ و حی کریم ترا بسوی تو از ولایت علی بن ابی طالب علیه السلام و فرمود
که اولین انانی هستند که تکذیب کردند رسولان در طاعت اوصیا فرمود که مراد از مجرمین
کسانی اند که جرم و تقصیر نمودند در حق ال محمد صلی الله علیه و اله و مرتکب شدند از وصی ان حضرت
انچه را مرتکب شدند یعنی غصب خلافت انحضرت کردند و بزور از انجناب بیعت گرفتند و سایر

ظلها ئکه با حضرت نمودند وانچه خواهش داشتند از انجناب کرفتند ایهٔ مبارکه إنّ
المتقين في ظلال وعيون وفواكه مما يشتهون یعنی بدرستی که پرهیزکاران از شرك و عصیان
در سایهٔ درختان بهشت و در کنار چشمه های آب و در میان میوه ها از انچه ارزو و اشتها کنند
عن الكافي عن الكاظم عليه السلام في هذه الآية قال نحن والله وشيعتنا ليس على ملة
ابراهيم غيرنا وسائر الناس منها براء او از کافی از جناب امام موسی کاظم علیه السلام روایتست
که در معنی این ایه فرمود قسم بخدا مراد از کفتهٔ حق تعالی در این ایه ما و شیعیان ما هستیم
بر ملت ابرهیم علیه السلام غیر از ما و باقی مردم از ملت ابرهیم بری و بیزارند یعنی ازان بری هستند
اول سورهٔ نبا بسم الله الرحمن الرحيم عمّ يتساءلون عن النبأ العظيم الذي هم فيه مختلفون
عمّ در اصل مرکبست از عن و ما استفهامیه نون را قلب بمیم نمودند و در میم ما ادغام کردند
والف ما را حذف کرده عمّ شد و این استفهام برای تفخیم شان انچیزیست که از ان تساءل
میکنند یعنی از چه میپرسند از خبر بزرکی یکدیکر را سؤال میکنند از انچیزیکه ایشان در ان اختلاف
کنند کانند عن الكافي عن الصادق عليه السلام في هذه الآية قال النبأ العظيم الولاية
یعنی از کافی منقولست که از جناب صادق علیه السلام روایتست که نبأ عظیم ولایتست و عن الباقر
سئل عن تفسير عمّ يتساءلون فقال هي في امير المؤمنين عليه السلام يقول ما لله
عز وجل آية اكبر مني ولا لله نبأ اعظم مني مرویست که از جناب امام محمد باقر علیه السلام
سؤال کردند از تفسیر عمّ يتساءلون عن النبأ العظيم انحضرت فرمودند که این ایه در بارهٔ
جناب امیر المؤمنین ع است و بود امیر المؤمنین که میفرمود نیست مر خدا تعالی را ایتی بزرکتر
از من و خبری عظیم تر از من و عن العيون عن الرضا عليه السلام عن ابيه عن ابائه عن الحسين بن علي ع

قال

قال قال رسول الله صلى الله عليه وآله لعلي يا علي انت حجة الله وانت باب الله وانت
الطريق الى الله وانت النبأ العظيم وانت الصراط المستقيم وانت المثل الاعلى
عيون منقولست که از جناب امام رضا علیه السلام مرویست که از پدر بزرکوار خود
و او از پدران مهین و ایشان از جناب امام حسین ع روایت کرده اند که انجناب فرمود که حضرت
رسالت صلى الله عليه وآله فرمودند یا علی توئی حجت خدا و توئی در وصول بحق تعالی
یعنی کسی که بسوی تو نیاید نمیتواند بکرامات خدا رسیدن بلکه جز هلاکت برای او چیزی نیست
و توئی راه بسوی خدا و توئی خبر بزرك و توئی راه راست و توئی مثل بلند عن الكافي في خطبة
الوسيلة لامير المؤمنين عليه السلام انی النبأ العظيم وعن قليل ستعلمون ما توعدون
از کافی نقل شده که در خطبهٔ وسیله حضرت امیر المؤمنین علیه السلام فرموده بدرستیکه
منم نبأ عظیم و اندك زمانی زود بدانید انچه را که وعده داده میشوید و ایضا مرویست که حضرت
امیر المؤمنین علیه السلام فرمودند انا النبأ العظيم في اختلفتم وعلى تنازعتم وعن ولايتي
رجعتم بعد ما قبلتم وببغيكم هلكتم بعد ما بسيفي عن الكفر نجوتم یعنی منم ان خبر
بزرکی که در من اختلاف کردید و بر خلافت من منازعت نمودید و از ولایت من رجوع کردید
پس از انکه قبول کردید و ببغی و ستم خود هلاك کشتید بعد از انکه بشمشیر من از کفر نجات
یافتید و در غدیر دانستید مرتبهٔ ولایت و خلافت مرا پس حق تعالی ردع میفرماید کفار را
از تسائل و وعید میفرماید ایشانرا چنانکه میفرماید کلا سيعلمون یعنی چنانست که ایشان
میکویند بلکه زود باشد که بدانند نزدیك جان کندن حقیقت انچه در ان اختلاف میکنند
در ولایت علی بن ابی طالب علیه السلام منقولست که حافظ ابو نعیم اصفهانی که یکی از اکابر اهل سنت است

من سورة النبأ

روایت کرده از سلیمان که حضرت رسالت فرموده اند مراد از نبأ عظیم ولایت علی بن ابیطالب علیه السلام

که خلایق را در قبور از آن سؤال میکنند و هیچ میتی نیست در شرق و غرب و بر و بحر مگر آنکه منکر و نکیر از او

سؤال بکنند و از ولایت علی بن ابیطالب نیز از او سؤال کنند فطوبی للمصدق بولایته و

الویل للمکذب بولایته پس خوشا بحال نیکبختی که بولایتش تصدیق کنند و وای بر آن منکر

معاندیکه از ولایتش بی بهره باشد آیهٔ مبارکه یوم یقوم الروح والملئکة صفا

لا یتکلمون الا من اذن له الرحمن وقال صوابا یعنی روزیکه بایستد روح و بایستند فرشتگان

در حالتیکه صف زده گان باشند روح فرشته ایست موکل بر ارواح و از ابن عباس منقول است

که گفته مخلوقی از آن بزرگتر نیست و در قیامت او تنها در صفی باشد و باقی ملئکه در صفی

و او در بزرگی برابر همه باشد و از عین المعانی نقل شده که در آن مسطور است که مقام روح

در آسمان چهارم است و هر روز دوازده هزار تسبیح میگوید و از هر تسبیح او ملکی خلق

میشود و در نزد بعضی جبرئیل است که با ملائکه صف میکشند و سخن نگویند در باب شفاعت

مگر کسیکه اذن داده باشد او را خدای بخشاینده که آن شخص مأذون شفاعت کننده عاصیان

خواهد شد و گفته باشد آنکس گفتاری بصواب که آن گویندهٔ لا اله الا الله باشد یعنی اهل

توحید باشد که ملائکه و مؤمنانند از مجمع منقول است که از حضرت صادق علیه السلام و از علی

ابن ابرهیم قوم که او نیز از آنجناب روایت کرده و از کافی منقول است که از حضرت کاظم علیه السلام مرویست

که فرموده اند نحن والله المأذونون لهم یوم القیمة والقائلون صوابا قیل ما تقولون

اذا تکلمتم قال نمجد ربنا ونصلی علی نبینا ونشفع لشیعتنا ولا یرد نا ربنا یعنی ما ایم بخدا قسم

آنانکه اذن داده شده ایشان را در روز قیامت و ماییم گویندگان گفتاری صواب و درست عرض

کردند

من سورة النبأ

کردند چه میفرمایید شما فرمودند اندر بزرگوار که ما تمجید میکنیم پروردگار خود را و صلوات

میفرستیم بر پیغمبر خود و شفاعت میکنیم برای شیعیان خود و در این شفاعت خدا تعالی ما را

اجابت میفرماید و رد نمیکند آیهٔ مبارکه یوم ینظر المرء ما قدمت یداه ویقول الکافر یا

لیتنی کنت ترابا یعنی روزیکه میبیند شخص آنچه را که در دست او پیش فرستاده است از عمل خیر و

شر و در آن روز کافر میگوید ایکاش من خاک می بودم از کتاب علل منقول است که از ابن

عباس پرسیده شد که چرا جناب رسول صلی الله علیه و آله علی را مکنی با بوتراب نمود ابن عباس گفت

لانه لصاحب الارض وحجة الله علی اهلها بعده وله بقاؤها والیه سکونها یعنی

بعلت آنکه علی بن ابیطالب علیه السلام صاحب زمین و حجت خدا است بر اهل زمین بعد از حضرت

رسالت و برای او است بقای زمین و بسوی او است سکون و قرار آن یعنی با آنجناب مطمئن و

برقرار است و منزل میشود قال ولقد سمعت رسول الله یقول انه اذا کان یوم القیمة

ورای الکافر ما اعد الله تبارک وتعالی لشیعة علی من الثواب والزلفی والکرامة قال

یا لیتنی کنت ترابا ای من شیعة علی وذلک قول الله عز وجل ویقول الکافر یا لیتنی

کنت ترابا ابن عباس میگوید هر آینه و بتحقیق که از رسول خدا صلی الله علیه و آله شنیدم

که میفرمود چون روز قیامت شود کافر میبیند آنچه را خدا تعالی مهیا فرموده برای شیعیان علی

از ثواب و منزلت و کرامت میگوید ایکاش من خاک میبودم یعنی شیعهٔ علی علیه السلام میبودم و حدیث

دیگر وارد شده است که در جنگ احد جناب امیر مؤمنان در روی خاک نشسته بودند جبرئیل از

جانب رب جلیل نازل شد با بوتراب خطاب کرد تفصیل این قصه گنجایش این کتاب ندارد در

سورهٔ تکویر آیهٔ مبارکه وما هو علی الغیب بضنین وما هو بقول شیطان رجیم فاین تذهبون

من سورة التکویر

إِنْ هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ لِلْعَالَمِينَ لِمَنْ شَاءَ مِنْكُمْ أَنْ يَسْتَقِيمَ یعنی نیست محمد ص بر غیب و چیزهای که شنیده
که بر او وحی میشود بخیل که شما را تعلیم ندهد و از شما بپوشاند و نیست قرآن سخن دیو رانده شده
که باستراق سمع از سکنهٔ آسمان غالب بیان شده باشد یعنی حضرت رسالت مانند کاهنان نیست
که آنچه میگویند از اخبار شیاطینست که استراق سمع میکنند پس بکجا میروید یعنی سخن بدین
درستی و راستی بر آن چرا اعتراض میکنید و نسبت آن میکنید بسحر و کهانت نیست قرآن مگر پندی
مر عالمیان را یا نیست محمد مگر شرف اهل علم و این موعظه مر کسی راست که خواهد از شما مستقیم
شود در راه خدا و پیروی حق کند از قمی منقولست که از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده
که در معنی فَأَيْنَ تَذْهَبُونَ فرموده که أَيْنَ تَذْهَبُونَ فِي عَلِيٍّ یعنی کجا میگریزید از ولایت علی بن ابیطالب
و در معنی إِنْ هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ لِلْعَالَمِينَ فرموده لِمَنْ أَخَذَ مِيثَاقَهُ عَلَى وِلَايَتِهِ یعنی قرآن پندیست مر
کسی را که گرفته است از و پیمان بر ولایت آنجناب و در معنی لِمَنْ شَاءَ مِنْكُمْ أَنْ يَسْتَقِيمَ فرموده
مستقیم شود در طاعت علی و ائمه بعد از و علیهم السلام تتمه آیه مبارکه وَمَا تَشَاءُونَ إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ
و نخواهید شما هدایت و استقامت را باختیار مگر اینکه خدا بخواهد از شما که بر وجود کار عاینا
است از حضرت کاظم علیه السلام مرویست بدرستیکه خدا گردانیده دلهای ائمه را صلوات الله علیهم
محل اراده خود پس چون بخواهد خدا چیزی را میخواهند او را ایشان و اینست معنی قول خدا که
فرموده وما تشاؤن تا آخر آیه مبارکه در سوره انفطار است كَلَّا بَلْ تُكَذِّبُونَ بِالدِّينِ وَإِنَّ
عَلَيْكُمْ لَحَافِظِينَ كِرَامًا كَاتِبِينَ یعنی تکذیب میکنید بروز جزا و بدرستی بر شما یعنی بر کردار و گفتار
شما هر اینه نگاهبانانند از ملائکه نه آنست که باز ایستند از کفر و عصیان بلکه بزرگانند که در نزد
خدا تعالی نویسندگانند شب و روز نامهٔ افعال و اقوال شما را يَعْلَمُونَ مَا تَفْعَلُونَ میدانند آنچه

که

سوره انفطار

که میکنید از نیک و بد از قمی منقولست که گفته است در معنی تُكَذِّبُونَ بِالدِّينِ برسول الله و
امیر المؤمنین ع یعنی تکذیب میکنید برسول خدا و امیر المؤمنین ع اینست معنی تکذیب بروز جزا در حدیث
وارد است که چون بنده طاعت کند فرشته دست راست که موکل نوشتن اعمال حسنه است
شاد میشود و بتعجیل تمام یکی را ده بنویسد و چون معصیت کند هر دو دلتنگ شوند و ملک دست چپ
که موکل نوشتن سیئه است خواهد بنویسد ملک دست راست گوید توقف کن و او تا هفت
ساعت توقف نماید تا شاید که بنده پشیمان شود اگر در این مدت توبه نکرد فرشته دست راست
گوید او را بنویس که جاهل بنده ایست در حدیث دیگر وارد است که هر کس بعد از معصیت اینکلما را
بگوید أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ عَالِمُ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ الْغَفُورُ
الرَّحِيمُ ذُو الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ وَأَتُوبُ إِلَيْهِ ملکی که نویسنده سیئاتست معصیت او را
ننویسد و اگر توبه نکرد و نادم نشد و اینکلما را بر زبان جاری نکرد فرشته دست راست
گوید بنویس که جاهل بنده ایست بعد از آن میبرند اعمال آن شخص را بدرگاه خداوند عالم تا
آخر حدیث آیه مبارکه در سوره مطففین است إِنَّ الَّذِينَ أَجْرَمُوا كَانُوا مِنَ الَّذِينَ آمَنُوا يَضْحَكُونَ
وَإِذَا مَرُّوا بِهِمْ يَتَغَامَزُونَ یعنی بدرستیکه آنانکه شرک آورده اند هستند از کسانیکه
ایمان آورده اند میخندیدند و چون میگذرند بر آن مؤمنان غمز میکنند بچشمها یعنی اشارتها مینمایند
باستهزا از قمی منقولست که گفته است مراد از إِنَّ الَّذِينَ أَجْرَمُوا اول و ثانی و کسانی هستند
که پیروی اند و ناپاک کرده اند آنها چشمک میزدند برسول خدا از کشاف و از شیخ طبرسی روایت
کرده روزی جناب امیر المؤمنین علیه السلام با جمعی از فقرای مسلمانان میگذشتند جمعی منافقان
سخریه نمودند بایشان و بخندیدند و بچشم و ابرو اشارتها کردند پس برگشتند بسوی یاران خود

در سوره مطففین

در سوره بروج

پس گفتند دیدید اصلع را یعنی حضرت امیر المؤمنین علیه السلام را و آنحضرت را اصلع میگفتند بجهت
آنکه پیش سر آنجناب که بالای پیشانی باشد مو نداشت پس از آن گفتند آنجناب خندید و هنوز
آنجناب بمسجد رسول صلی الله علیه و آله نرسیده بود که این آیه نازل شد که منافقان نامه
سبا بر مؤمنان میخوانند اول سوره مبارکه بروج بسم الله الرحمن الرحیم والسماء
ذات البروج والیوم الموعود وشاهد ومشهود یعنی قسم باسمانی که صاحب برجهاست و قسم
بروزی که وعده داده شده که روز قیامت است و قسم بشاهد و مشهود قتل اصحاب الاخدود یعنی
کشته شد و هلاک گشتند صاحبان شکافها در زمین یعنی جماعتی که حفرها در زمین کندند
و پر از آتش میکردند که برای تعذیب بی ذنب مؤمنین از مجمع منقولست که از جناب امام حسن مجتبی علیه السلام
مرویست که بدرستی از آنجناب پرسیده شد از این آیه پس فرمود اما شاهد پس آنجناب پیغمبر است
و اما مشهود پس روز قیامت است آیا نشنیده کلام خدا را که میفرماید یا ایها النبی انا ارسلناک
شاهدا ومبشرا ونذیرا و نیز فرموده وذلک یوم مجموع له الناس وذلک یوم مشهود و از
کافی و معانی نقل شده که از حضرت صادق علیه السلام مرویست بدرستیکه از آنجناب پرسیده شد
از معنی شاهد و مشهود در جواب فرمود که جناب پیغمبر و امیر المؤمنین علیهما السلام میباشند یعنی
شاهد جناب رسول و مشهود جناب امیر المؤمنین علیه السلام است خدا تعالی قسم یاد فرموده بایشان
که اصحاب اخدود هلاک شدند از عیاشی منقولست که او باسناد خود از ابو جعفر روایت کرده
که جناب امیر المؤمنین علیه السلام شخصی را بسوی اسقف نجران یعنی رئیس دین نصاری و عالم ایشان
که در نجران بود فرستادند و او را از اصحاب اخدود سؤال کردند و قصه ایشان را با آنجناب اخبار
نمود حضرت امیر المؤمنین علیه السلام فرمودند چنین است که تو گفتی لیکن بوده باشد که من ترا خبر دهم

از دفعه

در سوره غاشیه

از دفعه ایشانها بدان بدرستی که حقتعالی مردی حبشی را برسالت حبشه فرستاد ایشانها پس تکذیب
او کردند و با او نمودند پس با ایشانها مقاتله و جنگ نمود پس بعضی اصحاب او را کشتند و او را
با بعضی از یاران اسیر کردند و گودالی بنا کردند یعنی آنرا پر از آتش نمودند و همه مردمان
بگردان جمع کردند و با ایشان گفتند هر کس که بدین ما است و تابع امر ما است باید بکنار آید
رود و هر کس که بدین اینجماعت و خداپرستان باید خود را در میان این آتش اندازد پس اهل
ایمان دست همه بکر را گرفتند و خود را در میان آتش انداختند و زن مؤمنه با طفل یکماهه آمد
بکنار آتش خواست که خود را در آتش اندازد دلش بر آن کودک بسوخت و خواست که برگردد
کودک یکماهه گفت ای مادر من مترس و مرا و خود را در میان این آتش بینداز و بدرستی که این
شفقت قسم بخدا در راه خدا کم است و زحمت اندکست پس زن خود را با آن کودک در آتش
انداخت و آن کودک از جمله کودکانی بود که در گهواره تکلم نمود یعنی در طفولیت سخن گفت و
حقتعالی آن مجرمان و طاغیان را هلاک نمود و لعنت کرد ایشان را و فرمود قتل اصحاب الاخدود و آیه
مبارکه ان الینا ایابهم ثم ان علینا حسابهم یعنی بدرستی که بسوی ما است یعنی بحکم ما است
بازگشت ایشانها پس بتحقیق که بر ما است شمار اعمال ایشان در محشر این آیه جامع وعده پیغمبر است و وعید
کفار از کافی نقل شده که از حضرت امام محمد باقر علیه السلام روایتست چونکه روز قیامت میشود
و جمع میکند خداوند عز و جل اولین و آخرین را برای فصل خطاب یعنی خطابیکه جدا کننده است میانه
حق و باطل یعنی برای حکم بحق خوانده میشود جناب رسول خدا صلی الله علیه و آله پس پوشانیده میشود
حله سبزی که روشن میکند میانه مشرق و مغرب را و پوشانیده میشود جناب امیر المؤمنین علیه السلام
مثل آن و پوشانیده میشود حضرت رسالت صلی الله علیه و آله گلگونی که روشن میشود بجهت آن میانه مشرق

ومغرب وپوشانیده میشود شاه ولایت مثل ان حله پس ان دو بزرگوار در ان وقت بالا میروند
پس از ان ما خوانده میشویم پس حواله میشود بسوی ما حساب مردم وشمار اعمال ایشان پس ما قسم
بخدا داخل میکنیم اهل بهشت را در بهشت واهل اتش را در اتش مؤلف گوید که تفسیر حله که شاه — لمرزجع
وان دو بالا پوش است یعنی که استر باشد وعن الکاظم علیه السلام الینا ایاب
هذا الخلق وعلینا حسابهم فما کان لهم من ذنب بینهم وبین الله تعالی حتمنا علی
الله فی ترکه لنا فاجابنا الی ذلک وما کان بینهم وبین الناس استوهبناه منهم و
اجابوا الی ذلک وعوضهم الله عز وجل از جناب کاظم علیه السلام روایتست که بسوی ماست
رجوع این خلق وبر ما است حساب انها پس انچیزیکه باشد برای انها از گناهانیکه میان ایشان و
میان خداوند است حتم میکنیم بر خداوند یعنی ابرام میکنیم در سؤال از خداوند در ترک گناهان
خدا از گناهان برای خواطر ما پس قبول میفرماید این را وانچه میان ایشان ومیان مردم است یعنی
حق الناس است خواهش میکنیم از مردم که ببخشند بایشان وقبول میکنند این را وخدا تعالی
عوض میدهد بایشان از ان حقی که بخشیده اند مؤلف گوید که مراد از مردم شیعیانند که
مردم عن الامالی عن الصادق علیه السلام قال اذا کان یوم القیمة وکلنا الله بحساب شیعتنا
فما کان لله سئلنا الله ان یهبه لنا فهو لهم وما کان لنا فهو لهم یعنی از امالی نقل شده
که از حضرت صادق ع مرویست که چون روز قیامت شود واگذار میشود بما شمار عملهای شیعیان
ما را اما پس انچیزیکه بوده باشد از برای خدا خواهش میکنیم از حق تعالی اینکه ببخشد حق خود را
بایشان برای خواطر ما پس این حق برای ایشان است وانچیزیکه از برای ما است یعنی حق ما است پس
ان مال ایشان است ایه مبارکه در سوره بلد والذین کفروا بایاتنا هم اصحاب المشئمة علیهم نار — تفسیر سوره بلد

مرقده

مؤصدة یعنی انکسانیکه کافر شده اند بایات ونشانهای ما یعنی بدلائلی که نصب کرده ایم بر
حقانیت ما ایشانند اصحاب دست چپ که ایشان را از جانب شمال عرش بدوزخ برند وانها اهل شامت
ونکبت هستند اتشی که پوشنده باشد یعنی نیران درکه در انجا معذب باشند وبطبقی انرا
مضبوط سازند وهیچ که در ان منفذ راحت باشد در انجا راه نیابد ودود نیز بیرون نیاید
پس نا امید باشند از راحت واسایش ودایم معذب بعذاب نیران از قمی منقولست که
گفته مراد از الذین کفروا انانند که مخالف امیر المؤمنین علیه السلام بودند وگفته است اصحاب
مشئمة دشمنان ال محمدند ایه مبارکه بسم الله الرحمن الرحیم والشمس وضحیها — تفسیر سوره شمس
والقمر اذا تلیها یعنی قسم باقتاب عالمتاب در روشنی ودرخشندگی ان در انوقت که بلند شود
وبموضع چاشت شد وضوء او منبسط گردد وبماه جهانپیما چون پیروی افتاب میکند یعنی طلوع
میکند بعد از غروب ان از کافی وقمی نقل شده که از جناب صادق صلوات الله علیه روایت
کرده اند شمس جناب رسول صلی الله علیه واله است که بانجناب واضح کرده است خدا برای مردم
دین ایشان را وقمر جناب امیر المؤمنین علیه السلام است که تالی جناب رسول صلی الله علیه — تفسیر سوره شمس
واله است والخضرت دمید علم را در جناب امیر المؤمنین علیه السلام دمیدنی تا اخر حدیث ایه مبارکه
قد افلح من زکیها وقد خاب من دسیها یعنی بتحقیق که رستگار شد هر که پاکیزه گردانید نفس
خود را از ادناس رذائل کفر ومعصیت با نشو ونما داد اورا بمعرفت وطاعت وبتحقیق که بی بهره ماند
هر که نفس خود را بجهالت وضلالت پامال گردانید ومرتبه او را بفسق ومعصیت ناقص
گردانید از جناب صادق ع روایتست که مراد از من زکیها جناب امیر المؤمنین ع است که خدا
او را پاک گردانید ومن دسیها اولی است رضا ان منصب عظیم ودوی است که بیعت کرد

با اوی هنگامیکه مالید دست خود را بر دست او و در تفسیر آیهٔ مبارکه که در سورهٔ شمس است
فقال لهم رسول الله ناقة الله وسقیها یعنی پس گفت مر آن قبیله را فرستادهٔ خدا یعنی
حضرت صالح که دست بدارید ناقهٔ خدا را یعنی ناقه که خدا بقدرت کاملهٔ خود آنرا از سنگ بیرون
آورده و کرهٔ او منکر دید شرب آنرا یعنی مانع شرب آن میشوید و هیچکه نوبت او است با عذاب بشما
بنابراین از مجمع نقل شده که از جناب رسول خدا صلی الله علیه و آله مرویست که فرمود مر جناب امیر
المؤمنین علیه السلام را که فرمود یا علی من اشقی الاولین قال عاقر الناقة قال صدقت
قال فمن اشقی الاخرین قال لا اعلم یا رسول الله قال الذی یضربک علی هذه واشار
الی یافوخه یعنی یا علی شقی ترین اولین کیست عرض کرد آنکسیکه ناقهٔ صالح را پی کرد و ظلم
نمود حضرت فرمودند که راست گفتی یا علی پس فرمودند شقی ترین آخرین کیست یعنی پسینیان کیست
عرض کرد نمیدانم یا رسول الله فرمود آنکسیست که ضربت بزند بر اینموضع پس اشارت فرمودند
بر تارک مبارک جناب امیر المؤمنین علیه السلام از مجمع منقولست که از جناب صادق ع
مرویست که هر کس بسیار نماید تلاوت سورهٔ والشمس و واللیل و والضحی و الم نشرح در روز
یا در شب باقی نماند چیزیکه در حضور او باشد مگر آنکه شهادت میدهد در روز قیامت
برای او حتی موی او و بدن او و گوشت و خون و رگ او و پی او و استخوانهای او و جمیع آنچه بر
زمین برداشته است و خداوند عالم فرماید که قبول کردم شهادت شما را برای بندهٔ
خود که داشتید این شهادت را برای او ببرید او را ببهشتهای من تا آنکه منزل بگیرد از آنها هر جا که
دوست دارد پس بدهید باو بهشت ولی رحمت زمین و فضلی که شامل او شده است
گوارا باشد این نعمتها بر بندهٔ من اول سورهٔ مبارکه لیل بسم الله الرحمن الرحیم واللیل اذا یغشی

والنهار

والنهار اذا تجلی یعنی قسم بشب چون بپوشد آفتاب را و روشنی روز را و سوگند بروز چون آشکارا
کرده بزوال ظلمت شب یا مبین گردد بطلوع آفتاب و ما خلق الذکر و الانثی یعنی و قسم بقادر
عظیم القدرة که بیافرید نر و ماده را یعنی آدم و حوا را از مناقب منقولست که از جناب امام
محمد باقر ع روایتست که مراد از لفظ الذکر جناب امیر المؤمنین و از لفظ والانثی جناب
فاطمه علیهما السلام است از رفیقی منقولست که از جناب باقر علیه السلام مرویست که
فرمود لیل در اینجا دومیست لعنه الله کنایه که بپوشید آفتاب ولایت را که اشاره بر جناب امیر
المؤمنین علیه السلام است بپوشانید در دولت خود اینچنان دولتیکه مستمر شد برای
آن ملعون بر آنحضرت و جناب امیر المؤمنین علیه السلام خبر میکرد دولتها را با آنکه
آنحضرت میگردید در آن دولت باطل تا بگذرد تمام شود و مراد از لفظ والنهار اذا تجلی
جناب قائم از ما اهلبیت محمد صلی الله علیه و آله است چون بر پا شود یعنی ظهور نمود بامر
خلافت و حکومت قیام نماید غلبه کند بر دولت باطل یعنی روشنی حقیقت و بزداید ظلمت
دولت باطل را بعد از آن فرمود که قرآن زده شده است و آن مثلها برای مردم و پیغمبر خود را
مخاطب ساخته و توجیه کلام را بسوی او نموده و ما را نیز مخاطب نموده پس نمیدانند از کسی غیر از ما
آیهٔ مبارکه فانذرتکم نارا تلظی لا یصلیها الا الاشقی الذی کذب و تولی یعنی میترسانم
شما را باتشی که زبانه دوزند و ملتهب شود در نمی آید در آن آتش بطریق دوام و لزوم
نمود مگر به بد بخت تر و شقی تری که تکذیب کرده حق تعالی را و رو گردانید از اطاعت حق از جناب صادق ع
مرویست که در مقام ذکر این آیه فرمود که در جهنم وادیست که در آن آتشیست که در نیابد
آن مگر بد بخت ترین مردم که آن فلانست که تکذیب کرده جناب رسول خدا ص را در بارهٔ جناب علی ع

ابیطالب

ابی طالب و روگردانید از ولایت بجناب آیه مبارکه ولسوف یعطیک ربک فترضی یعنی و هر آینه
زود باشد که بدهد ترا پروردگار تو تا بحدی خشنود شوی و این وعده ایست شامل بر جمیع
با وعطا فرماید در دنیا و آخرت مرویست که حضرت رسالت پناه ص فرمود که در روز قیامت
مرا چندان شفاعت دهند که گویم حسبی حسبی یعنی بس است و راضی شدم مقرر است که
آنحضرت راضی نخواهد شد که یکی از امت وی در دوزخ باشد و نیز از امام جعفر صادق ع
مرویست که جد من از زمان راضی نخواهد شد که هیچ موحدی در دوزخ بماند در حدیث
است که داخل شد رسول خدا بر صدیقه کبری و حال آنکه بر او کسائی بود از پشم شتر
و او دستاس میکرد بدست خود و شیر میداد فرزند خود را پس چشم حضرت رسالت پناه پر از
اشک شد چون سیده نسا را بدین صورت دید پس فرمود ای دختر من قبول کن تلخی دنیا
که بسرعت میگذرد با آنکه بشنوی تلخی دنیا را بعوض شیرینی آخرت پس بتحقیق که خدا تعالی
فرو فرستاد بر من این آیه که ولسوف یعطیک ربک فترضی سوره مبارکه الانشراح الم نشرح
لک صدرک یعنی یا محمد آیا کشاده نکردانیدیم برای تو سینه ترا تا مناجات خلق و دعوت
خلق و غم امت و اعباء رسالت در وی گنجد یا دل ترا گشایش ندادیم که هرچه از اسرار و حکمت
بر تو وارد شود تواند ضبط نماید یا منشرح ساختیم از برای علوم و حکمت و حفظ قرآن آن
قمی منقولست که بعد از الم نشرح لک صدرک گفته است بعلی فجعلناه وصیک یعنی آیا
کشاده نکردانیدیم برای تو سینه ات را بسبب علی بن ابیطالب ع پس کردانیدیم علی را وصی تو
تا آخر آنچه گفته است آیه مبارکه فاذا فرغت فانصب والی ربک فارغب یعنی پس چون فارغ
شدی از تبلیغ رسالت پس رنج کش در مراسم عبادات یا چون از نماز فارغ شوی جهد کن در

دعا

دعا یعنی مشغول دعا و تعقیب باش و بدعای پروردگار خود پس رغبت کن در همه اوقات
و هرچه خواهی از او خواه نه غیر او از قمی منقولست که روایت کرده از جناب صادق علیه السلام
که فرموده اند فاذا فرغت من نبوتک فانصب علیا والی ربک فارغب یعنی پس چون فارغ
شدی از تبلیغ رسالت پس نصب کن علی را برای خلافت و وصی خود کردان و بسوی پروردگار خود
پس رغبت کن در این امر یعنی نصب آنحضرت برای خلافت رغبت و میل بسوی خدا است چون رضای
حق و میل او سبحانه و امر او با اینست از کافی منقولست که از جناب صادق ع روایتست که
در جمله حدیثی میفرماید که خداوند عالم فرمود فاذا فرغت فانصب علمک و اعلن وصیک
فاعلمهم فضله علانیة فقال من کنت مولاه فعلی مولاه الی آخر الحدیث یعنی
چون فارغ شدی از رسالت پس نصب کن علم خود را و ظاهر و آشکار نما وصی خود را پس معلوم
کن فضل او را ظاهر یعنی برای همه کس بی آنکه از کسی پنهان بماند پس جناب پیغمبر ص فرمودند
هر که من مولای او هستم پس علی مولای او و اولای او است تا آخر حدیث سوره مبارکه والتین
بسم الله الرحمن الرحیم والتین والزیتون وطور سینین وهذا البلد الامین یعنی
قسم بانجیر و زیتون و قسم بطور سینا یعنی کوهی که محل مناجات حضرت کلیم بود و قسم
بدین شهر که امان دهنده اهل مکه است از صوایح و حوادث و حافظ است هر که در او
داخل شود تخصیص این هر دو میوه بقسم از جمیع میوه ها بجهت آنست که انجیر میوه خوبیست بی فضله
و لطیف سریع الهضم کثیر النفع و ملین طبع و محلل بلغم و رمل مثانه را زایل میکند و ظاهر
مینماید کلیتین را و در حدیث آمده که قطع بواسیر کند و نقرس را برطرف میکند و زیتون هم میوه و هم
نان و خورش است و هم دوا و روغنی دارد کثیر المنافع از علی بن ابراهیم قمی منقولست که گفته

النبی رسول الله قال تین امیر المؤمنین وطور سینین الحسن والحسین وهذا
البلد الامین الائمة سلام الله علیهم یعنی تین جناب رسول الله ص و زیتون جناب
جناب امیر المؤمنین ع و طور سینین جناب امام حسن و امام حسین ع است و هذا البلد
الامین ائمه سلام الله علیهم است در روایت دیگر در مناقب مرویست از جناب امام
موسی کاظم ع که تین و زیتون جناب امام حسن و امام حسین ع و طور سینا علی بن ابیطالب ع
وهذا البلد الامین جناب محمد مصطفی ص تمت سوره لقد خلقنا الانسان فی احسن
تقویم ثم رددناه اسفل سافلین یعنی هر اینه بتحقیق خلق کردیم انسان را در نیکوترین تعدیل
و راست کردنی در شکل و صورت و تسویه اعضا یعنی مخصوص کردانیدیم او را از میان حیوانات
بانتصاب قامت و حسن صورت و اعتدال مزاج و کمال نفس و نطق و تمیز و رای و تدبیر و استجماع
خواص مکونات باین معنی فرمودیم او را مظهری اتم و اکمل و محلی اعم و اشهر که حامل امانت الهی و منبع
فیض نامتناهی تواند بود بعد از آن بسبب عدم شکر گذاری او بر نعمت خلقت قویمه و صورة سویه
حسنه هیئة باز کردانیدیم او را بزیرترین همه زیران دوزخ درکات یعنی او را در اخیر درکه دوزخ
رد کنیم عن المناقب عن الکاظم علیه السلام قال الانسان الاول ثم رددناه اسفل
سافلین ببغضه امیر المؤمنین علیه السلام یعنی از مناقب منقولست که از جناب
امام موسی کاظم ع مرویست که مراد از انسان اولست که خداوند عالم او را باز کردانید
باسفل درکات دوزخ بسبب دشمنی او با جناب امیر المؤمنین علیه السلام الا الذین امنوا
وعملوا الصالحات فلهم اجر غیر ممنون مگر آنکسانیکه ایمان آورده اند و کرده اند کارهای
شایسته پس برای ایشانست اجر غیر ممنون مزد نابریده و کم ناشده مراد از نعیم دایم

بهشت

بهشتست در تتمه حدیث از مناقب منقولست که مقصود از آیه مبارکه جناب امیر المؤمنین
علی بن ابیطالب ع است فما یکذبک بعد بالدین یعنی چه چیز ترا بر تکذیب مبدا رد ای منکر پیش بعد
از این دلائل واضحه و براهین ساطعه بر روز جزا و دین و گفته شده است که خطاب به پیغمبر
یعنی که تکذیب میکنند ترا ای محمد پس از ظهور دلائل واضحه بدینکه او اسلام است منقول
است از حدیثیکه در مناقب وارد شده است که تفسیر نموده دین را بولایت جناب علی بن ابی
طالب ع یعنی چه چیز بر تکذیب میدارد ترا بعد از دلائل و علائم محکمه بولایت علی بن ابیطالب ع
سوره علق بسم الله الرحمن الرحیم اقرأ باسم ربک الذی خلق خلق الانسان من
علق اقرأ وربک الاکرم الذی علم بالقلم علم الانسان ما لم یعلم یعنی یا محمد بخوان
قرآن را در وقتیکه افتتاح کننده باشی یا استعانت کننده باشی بنام پروردگار خود آن
خدائیکه بیافرید جمیع کائنات و مخلوقات را و بیرون آورد از کتم عدم بوجود بکمال قدرت و
توانائی خود آفرید جنس انسان را از خون جامد و بسته بعد از آنکه نطفه بودند و
باز تکرار میفرماید اقرأ را بجهت مبالغه که بخوان قرآن را اول امر است بقرائت برای نفس
خود و دوم برای تبلیغ بامت و پروردگار تو بزرگتر است از همه بزرگان و کریمتر از همه کریمان
چه هر نعمتی که هست از جانب اوست نه کسی است آنخدائیکه آموزانید نوشتن را بقلم تا علم را بخط
قید کنند و غائبان را بنامه آگاهی دهند که بسیاری از امور مردمان بخط محتاجند مشهور است
اول کسی که خط نوشت ادریس بود علم الانسان ما لم یعلم تعلیم نمود جنس انسان را آنچه نمیدانست
از امور دین و دنیا بنصب دلائل و خلق قوی و انزال آیات از رفتی منقولست که از جناب امام محمد
باقر ع روایت کرده که فرموده یعنی آموخت جناب علی بن ابیطالب را از کتابت برای توحید را

که مبدا است پیش از آن **سورهٔ قدر** بسم الله الرحمن الرحیم انا انزلناه فی لیلة القدر

وما ادریک ما لیلة القدر یعنی بدرستی که ما نازل کردیم قران را از لوح محفوظ بدنیا

در شب قدر و چه چیز ترا دانا کردانید تا بدانی چیست شب قدر یعنی ابتدای نزول آن در شب

قدر بود با تمام قران در آن شب از لوح محفوظ باسمان دنیا امد و روح الامین در

مدت بیست و سه سال ایه ایه و سوره سوره بحسب مصالح اورده و این قول منسوب بمعظم

مفسرانست از معانی منقولست که از جناب امیر المؤمنین علیه السلام روایتست که جناب (فرمود)

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرموده یا علی ایا میدانی معنی شب قدر چیست عرض

کردم یا رسول الله نمیدانم پس فرمودند بدرستیکه خدا تعالی مقدر فرموده در آن شب

انچه کائن و باشنده است تا روز قیامت پس هر چه بود مقدر فرموده در آن شب ولایت

تو و ولایت ائمه از اولاد تو تا روز قیامت **آیه مبارکه** تنزل الملائکة والروح فیها باذن

ربهم من کل امر سلام یعنی فرود ایند فرشتگان بزمین و فرود اید روح که ملک

بزرگیست و اعظم از جبرئیل و جمیع ملائکه است نظر بحدیثیکه وارد شده بدرستیکه

روح بزرگتر است از جبرئیل و بدرستیکه جبرئیل از جملهٔ فرشتگانیست که در آن شب

نازل میشود و از قمی منقولست که گفته است تنزل الملائکة و روح القدس علی

امام الزمان و یدفعون الیه ما قد کتبوه یعنی فرود ایند فرشتگان و جبرئیل بر امام

زمان و بخدمت حضرت مید هند انچه را که بتحقیق نوشته اند یعنی بنظر انحضرت میرسانند

انچه مکتوب و مقدر شده از ثواب الاعمال و مجمع منقولست که از حضرت باقر مرویست

که فرموده من قرء انا انزلناه فی لیلة القدر یجهر بها کان کالشاهر سیفه فی سبیل الله

ومن قراها سرا کان کالمتشحط بدمه فی سبیل الله ومن قراها عشر مرات محا الله عنه

الف ذنب من ذنوبه یعنی هر کس سورهٔ انا انزلناه را بخواند پس جهر کند یعنی بزبان بلند

بخواند میباشد مانند کسیکه برهنه کننده است شمشیر خود را در راه خدا برای جهاد

شمشیر کشد و هر کس این سوره مبارکه را اهسته بخواند میباشد مانند کسیکه در دست

و پا زننده است در خون خود در راه خدا و هر کس ده مرتبه این سورهٔ مبارکه را بخواند محو

میفرماید خدا تعالی از وی هزار گناه از گناهان او **آیه مبارکه** ان الذین کفروا من اهل الکتاب

والمشرکین فی نار جهنم خالدین فیها اولئک هم شر البریة یعنی بدرستیکه انکسانیکه

کافر شدند از اهل کتاب که یهود و نصاری اند و از مشرکین که عبدهٔ اصنام باشند در اتش

جهنم باشند در روز قیامت در حالتیکه جاوید باشند در آن انگروه ایشانند بدترین

افریدگان منقولست از قمی که گفته است انانکه کافر شده اند کسانی هستند که خداوند

عالم نازل فرمود بر ایشان قرانرا پس مرتد شدند و کافر گشتند و نافرمانی جناب امیر المؤمنین علیه السلام

نمودند **آیه مبارکه** ان الذین امنوا وعملوا الصالحات اولئک هم خیر البریة یعنی انکسانیکه

ایمان اورده اند و کردند عملهای شایسته و پسندیده انگروه ایشانند بهترین مخلوقات

و افریدگان از امالی نقل شده که از جابر بن عبد الله مرویست که گفت بودیم نزد پیغمبر

پس جناب علی بن ابیطالب رو کرده تشریف اوردند پس فرمود پیغمبر خدا قد اتاکم اخی ثم

التفت الی الکعبة فضربها بیده ثم قال والذی نفسی بیده ان هذا وشیعته لهم الفائزون

یوم القیمة ثم قال انه اولکم ایمانا معی واوفاکم بعهد الله واقومکم بامر الله واعدلکم

فی الرعیة واقسمکم بالسویة واعظمکم عند الله مزیة یعنی بتحقیق امد بسوی شما برادر من

بعد از ان نظر بسوی کعبه نمودند پس دست مبارک را بدیوار ان زدند پس فرمودند
قسم بانکس که جان من در قبضهٔ قدرت اوست بدرستیکه این یعنی علی بن ابیطالب و
شیعیان انجناب هر اینه ایشانند رستکاران در روز قیامت بعد از ان فرمودند که او
اول شما است از روی ایمان بامر و وفا کننده ترین شما است بعهد و پیمان خدا و ایستاده
ترین شما است بامر خدا و عادلترین شما است در میان رعیت و قسمت کننده ترین شما بسویه
یعنی هیچیک از شما مثل او و یکسان نمیتوانید قسمت نمائید و بزرگترین شما است نزد خدا تعالی
بحسب زیادتی قدر و منزلت جابر میگوید پس از ان این ایه و ایهٔ الهدایه نازل شد که ان الذین تا اخر ایه
و اخر حدیث دو حدیث دیگر از ابن عباس روایت شده که چون این ایه مبارکه نازل شد
حضرت رسالت پناه صلعم خطاب کرد به شاه اولیا و فرمودند یا علی مراد بخیر البریه توئی و
شیعهٔ تو و چون حق تعالی در روز قیامت خلق را برانگیزانند در ان روز تو و شیعهٔ تو
از خدا خشنود و راضی باشید و حق تعالی نیز از شما خشنود باشد یا علی در ان روز دشمنان تو
محشور شوند و حال انکه ایشان مغضوبان و مقهوران باشند سورهٔ الزلزال بسم الله الرحمن الرحیم
اذا زلزلت الارض زلزالها و اخرجت الارض اثقالها و قال الانسان ما لها یومئذ
تحدث اخبارها یعنی چون جنبانیده شود زمین جنبانیدنی که مقرر است نزدیک نفخهٔ
اولی یا ثانیه و چون بیرون اورد زمین بارهای کران احمال و اثقال خود را از دفاین و
اموات و کنوز هر چه در اندرون خود دارد و بگوید در ان وقت یعنی کافر و منکر بعث و قیامت
از مردم بعد از مشاهدهٔ این حال از روی تعجب و تنکر گویند که چیست مر زمین را که تو شنیده
خود را اشکارا میکند و اینهمه متزلزل شده در ان روز و سخن گوید زمین بزبان حال یا انکه
حق تعالی

حق تعالی با و قوت تکلم دهد تا بسخن در اید و گوید خبرهای خود را یعنی خبر دهد بسبب
اضطراب و بیرون آوردن مدفونات چیست و یا خبر دهد از عملهای هر یک از مکلفان
که بر بالای ان کرده باشند از خیر و شر از قمی منقولست که گفته است انسان جناب امیر
المؤمنین ع است یعنی در زمان حرکت زمین بجناب خطاب زمین میفرماید که چه میشود
ترا که مضطرب هستی و زمین باذن و قدرت حضرت رب العالمین با حضرت سخن میگوید
و خبر میدهد انحضرت را از سبب زلزله و سایر خبرهای خود چنانکه منقولست از خرایج که
از حضرت باقر ع مرویست بدرستیکه این سوره مبارکه خوانده شد نزد امیر المؤمنین علیه السلام
فرمود انا الانسان و ایای تحدث اخبارها یعنی منم انسان که خدا فرموده و مرا
خبر میدهد زمین خبرهای خود را عن العلل عن تمیم بن حاتم قال کنا مع علی حیث توجهنا
الی البصرة قال فبینما نزول اذا اضطربت الارض فضربها علی علیه السلام
بیده الشریفة و قال لها ما لک ثم اقبل علینا بوجهه الکریم ثم قال لنا اما
انها لو کانت الزلزلة التی ذکرها الله عز و جل فی کتابه العزیز لاجابتنی و لکنها
لیست بتلک از کتاب علل نقل شده که از تمیم بن حاتم روایتست که ما همراهی جناب
مولای متقیان امیر المؤمنین علی ع بودیم از زمانی که بسوی بصره روانه شدیم میگوید پس
در اثنائیکه فرود امده و منزل گرفته بودیم ناگاه زمین بلرزه در امده و حرکت نمود پس جناب
امیر المؤمنین علیه السلام دست مبارک خود را بر زمین زدند و فرمودند چه میشود ترا که در
لرزی بعد از ان ما را مخاطب ساخته فرمودند با انکه بزمین خطاب فرموده اگاه باشید
بدرستیکه این زلزله هرگاه ان زلزله بود که خدای عز و جل ذکر نموده در کتاب عزیز خود هر اینه

جواب مسیاد بمن ولکن این زلزله آن زلزله نیست در حدیث دیگر از جناب فاطمه علیها
وارد شده که فرموده اند رسید بمردم زلزله در زمان ابی بکر و ملتجی شدند بمردم
و پناه اوردند بسوی ابی بکر و عمر پس یافتند آن هر دو را که بیرون آمده اند در حالتی
که التجا کننده اند بسوی جناب علی بن ابیطالب ع پس مردم هم بمتابعت انها امدند تا
اینکه رسیدند بدر خانهٔ انجناب فخرج ع غیر مکترث لما هم فیه فمضی واتبعه
الناس حتی انتهی الی تلعة فقعد علیها وقعدوا حوله وهم ینظرون الی
حیطان المدینة ترتج جائیة وذاهبة فقال لهم علی علیه السلام کانکم قد
هالکم ما ترون قالوا وکیف لا یهولنا ولم نر مثلها قط قال فحرک شفتیه
ثم ضرب الارض بیده الشریفة ثم قال ما لک اسکنی فسکنت باذن الله یعنی
پس بیرون امد جناب علی علیه السلام در حالتیکه هیچ باک نداشت بجهت امریکه
که مردم بودند در ان از واهمه و بدون اینکه اضطراب و وحشت کند پس روانه شدند
و مردم در عقب انجناب میرفتند تا انکه رسیدند به تلی پس در انجا نشستند و مردم
هم بگرد انحضرت نشستند و حال انکه ایشان نظر میکردند بسوی دیوارهای شهر مدینه که
تکان میخورد و حرکت میکرد در حالتیکه پیش می امد و پس میرفت پس حضرت فرمودند
گویا شما ها را ترسانیده است انچه میبینید عرض کردند چگونه نترساند ما را و حال
انکه چنین چیزی و هایله ندیده بودیم هرگز پس لبهای مبارک را انحضرت حرکت دادند
و بعد از ان دست شریف خود را بزمین زدند و فرمودند چه میشود ترا ساکن شو از
حرکت باز ایست پس ساکن و برقرار شد باذن خدا پس تعجب نمودند بیشتر از تعجب اولشان

اوقتی

انوقتیکه بیرون امد انحضرت و هیچ باک و واهمه نداشت حالت اضطراب خود را می
دیدند از اطمینان انحضرت در تعجب بودند و چون این کرامت را مشاهده نمودند تعجب ایشان
زیاده شد انجناب فرمودند مرا ایشان را پس بدرستیکه شما تعجب کردید از این عمل من عرض
کردند بلی فرمود من ان مردی هستم که خدای تعالی در اینه مبارکه فرموده اذا زلزلت الارض
زلزالها واخرجت الارض اثقالها وقال الانسان ما لها پس منم ان انسان که میگو
بزمین که مترلزل نیست ما لک یومئذ تحدث اخبارها یعنی چیست مر ترا که ارام نمی گیری
انزمان خبرهای خود را میدهد بمن از مجمع نقل شده که جناب رسول خدا صلی الله علیه و اله فرمود
که ایا میدانید خبرهای زمین چیست عرض کردند که خدا و رسول و بهتر عالم و داناترند
فرمودند خبرهای زمین اینست که شهادت و گواهی میدهد بر هر مرد و زن با چیز یکه کرده اند
بر پشتان یعنی بر بالای ان از خوب و بد و میگوید چنین و چنان کردند و در فلان
فلان عمل نمودند پس اینست خبرهای زمین سوره والعادیات بسم الله الرحمن الرحیم
والعادیات ضبحا فالموریات قدحا فالمغیرات صبحا یعنی سوگند باسبان دونده غازیان
که بوقت دویدن نفس زنند نفس زدنی باواز که نه صهیل بود پس سوگند به بیرون اورندگان
اتش از سنگ بسمهای خود یعنی اسبانیکه سم بر سنگ زنند و از ان اتش جهد چنین اتش
زدنی که مثل اتش زنه بیرون اید پس سوگند باسبان غارت کننده در وقت سفیده
دم مراد راکبان اسبانند که غارت کننده اموال اعدااند و چون سبب غارت کردن عدو
اسبانند پس گویا که انها غارت کنانند و غارت بمعنی سر زده امده یعنی سوگند باسبان
شتابکننده در رفتار بوقت غارت کردن مرو یست از حضرت صادق ع و جمع کثیری

که سبب نزول این سوره مبارکه فرمودند که جماعتی اعراب از بنی سلیم بنزد یک مدینه امدند
ودر وادی رمله جمع شدند ومیخواستند شبیخون بیاورند بر حضرت رسالت پناه صلعم و
بر مسلمین زاری رسانند انحضرت علم را بابوبکر دادند واورا باجمعی از اهل اسلام
بمحاربه امر فرمودند چون اوّلی با ان لشکر بوادی رسیدند انها اغاز جنگ کردند
اوّلی بترسید ورو بهزیمت نهاد وازهزیمتی وجمعی از مسلمانان بقتل امدند حضرت
روز دیگر علم را بدومی دادند وبنزد فرستاد روبهزیمت نهاد باز گروهی از مسلمین را
بقتل رسانیدند حضرت بسیار متالم واندوهناک شدند فرمودند که شاه اولیا
وسید اوصیا را بخوانید چون جناب امیر المومنین علیه السلام حاضر شدند فرمودند
یا علی این علم را بگیر و بجانب رمله متوجه شو واوّلی با جمعی در خدمت حضرت روانشدند
حضرت در اول صبح خودرا بانجماعت رسانیدند واغاز جنگ کردند بعنایت وقوت اله واز
برکت انفاس حضرت رسالت پناه روزگار را بر انقوم تیره وسیاه کردند وبرایشان
غالب شدند وبعضی را مقتول ساختند وبرخی را اسیر کردانیدند متوجه شهر مدینه شدند
جناب خاتم انبیا وسرور دوسرا باستقبال سید اولیا بیرون امدند وجناب امیر المومنین
از مرکب پیاده شدند ورکاب انحضرت را بوسه دادند وحضرت رسالت رحمت ودعا فرمودند
واز غایت فرح فرمودند یا علی اگر مرا اندیشه امت نبودی که ناگاه در شان تو غلو کنند در
محبت تو مبالغه نمایند چنانکه امت عیسی در حق او غلو نمودند وگمراه کشتند هر اینه در شان
تو امروز بر وجهی سخن میگفتم که هرجا که میگذشتی خاک اقدام ترا بر میداشتند وازان استشفا
مینمودند یا علی بمرکب خود سوار شو که خدا ورسول از تو راضی شدند بعد ازانکه این غلبه از

جناب امیر المومنین علیه السلام بر بنی سلیم بظهور امد این سوره نازل شد والعادیات ضبحا
ایه مبارکه ثم لتسئلن یومئذ عن النعیم یعنی پس هراینه البته پرسیده شوید در
ان روز بوقت محاسبه از نعمتها که بدان مشغول شده اید وازعبادت دست کشیده اید پس
معنی اینست که انگروه مکلفان پرسیده خواهید شد از هر نعمتی که بشما داده ام از
روضة الواعظین نقل شده که روایتست که فرمودند از پنج چیز سوال میکنند از سیری شکم
واب سرد واز لذت خواب واز سایهای مسکنها واز قرارگاهها واز اعتدال الخلق که خوش
صورتی وحسن خلقت باشد از جناب صادق ع روایت کرده و دیگری نیز که از انجناب سوال
کردند که جعلت فداک شنیده که در روایت وارد شده که حضرت صادق ع فرمود بابو حنیفه
که رسیده است مرا یعنی شنیده ام اینکه تو تفسیر میکنی نعیم وارد در این ایه مبارکه ولتسئلن
یومئذ عن النعیم بطعام طیب لذیذ واب سرد خوشگوار در روزهای گرم تابستان
کفتاری انجناب فرمودند لو دعاک رجل واطعمک طعاما طیبا وسقاک ماء باردا
ثم امتن علیک به الی ما کنت تنسبه قال الی البخل قال افیبخل الله تعالی
قال فما هو قال حبنا اهل البیت یعنی هرگاه ترا مردی بخواند بضیافت وبخوراند ترا
طعام لذیذ وطیب بنوشاند ترا اب سرد بعد ازان منت گذارد بر تو بسبب این ضیافت
که خود دعوت کرده بود چنین مردی را بسوی چه نسبت میدهی اورا عرض کرد نسبت بخیل میدهم
اورا حضرت فرمودند ایا پس خدا تعالی را نسبت بخل داده است یا اینکه ایا خدارا نسبت بخل
میدهی یا اینکه کرم است عرض کرد پس از چه سوال میکنند فرمودند محبت ما اهل البیت
مولف گوید شاید مراد این باشد که ما نعمتهای خدا ونیکی هستیم واز ما سوال میکنند پس

هر که محبت ما را داشته باشد شکر نعمت بجا آورده و هر کس محبت ما را نداشته باشد کفران
نعمت نموده مستحق عقاب الهی خواهد بود با اینکه محبت ما نعمت خداست و مردم را از آن
سؤال میکنند پس هر که دارای انست بران باکی نیست و هر که او را ندارد در محل عقوبت
خداوندی مخلد خواهد بود و این معنی در قلم ظاهر از معنی حدیث است لیکن خلاف ظاهر معنی
آیه است چه ظاهر از آیه انست که از نعمتی که خدا داده است سؤال میفرماید نه از نعمت
محبت را نداده است بانکه دارای آن نیست پس چگونه از آن سؤال مینماید لکن و
امام همه کس از آن فرموده چه مؤمن و چه مخالف پس معنی اول انسب است بظاهر آیه هر چند خلاف
ظاهر حدیث است و بالجمله در هر دو صورت محبت اهل بیت بر کافه موجودات نعمت عظمی است
و خدا تعالی سؤال خواهد فرمود چه نعمت ولایت و محبت اهل البیت بزرگتر است و این
از تحت مضمون آیه مبارکه خارج نیست چنانکه ائمه سلام الله علیهم فرموده اند نحن
المسئولون و این تفسیرها سابق ذکر شده **سورة العصر** بسم الله الرحمن الرحیم والعصر
إن الإنسان لفی خسر یعنی قسم بعصر هر پیغمبری یا بعصر پیغمبر ما ص که افضل اعصار است
و یا بصاحب زکات روز یا نماز عصر که صلوة وسطی است بر هر تقدیر جواب قسم اینست
بدرستیکه انسان همیشه در زیانکاریست از کمال منقولست که از جناب صادق ع
روایتست که فرموده عصر در اینجا عصر خروج جناب قائم علیه السلام است و در معنی إن
الإنسان لفی خسر فرموده که مقصود خدا از انسان زیانکار دشمنان ما اهل بیت اند
آیه مبارکه إلا الذین آمنوا وعملوا الصالحات و تواصوا بالحق و تواصوا بالصبر
مگر کسانیکه ایمان آورده اند و کردند کارهای پسندیده و وصیت نموده اند یکدیگر را

سوره عصر

ثابت و راست

و راست از اعتقاد و عمل جایز نباشد عقلاً و شرعاً انکار آن و وصیت نموده اند یکدیگر را به
صبر که متحمل مشاق طاعت و معصیت از رفتن بود منقولست که از جناب صادق ع روایت کرده
که فرموده اند بیان کرده از زیانکاری که همه افراد انسان در آن مبتلا شدند بر گزیدگان خود را از آن
از بندگان خود استثنا نموده انجا یکه فرموده إن الإنسان لفی خسر إلا الذین آمنوا مقصود حق تعالی
کسانی میباشند که ایمان آورده اند بولایت حضرت امیر المؤمنین و مراد از و تواصوا
بالحق یعنی وصیت نموده اند اولاد یا ذریه کان خود را بولایت و وصیت نمودند تا بر آن صبر
نموده اند بر انکه خدا تعالی فرموده در تتمه حدیث سابق که منقول از کمال است مروی از حضرت
صادق ع بود میفرماید در تفسیر إلا الذین آمنوا یعنی مگر کسانیکه ایمان آورده اند بآیات
ما و عملوا الصالحات میفرماید بخشش کردن مالیکه محتاج باشند برادران دینی خود
که و تواصوا بالحق را فرموده اند یعنی وصیت نمودند بامامت و تواصوا بالصبر را فرموده یعنی
بعترت پیغمبر ص و مراد از عترت آنجناب چنانچه از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام مرویست
که فرموده منم و حسن و حسین و نه امام از فرزندان حسین ع و عترت بنابر آنچه در لغت تفسیر
شده اولاد صلبی شخص را گویند و خویشان نزدیک را نیز گویند **سورة الکوثر** بسم الله الرحمن الرحیم
إنا أعطیناک الکوثر فصل لربک وانحر إن شانئک هو الأبتر یعنی بدرستیکه ما
عطا کردیم تو را ای محمد خیر بسیار که اولاد و اعقاب بیشمارند و کثرت نسل و ذریه اطهار
فاطمه زهرا صلوات الله علیها یعنی خاطر شریف را اندوهگین مگردان که ما تو را کثرت ذریه
در عقب و نسل که در زمین هیچ بقعه خطه نماند که فرزندان تو در آنجا نباشند صاحب خلاصه
المنهج گفته که این قصه مشهور است که بعد از شهادت امام مظلوم ابی عبد الله الحسین ع بغیر از امام

زین العابدین ع از ذکور اهل بیت و کسی نمانده بود حق تعالی انجاز وعدهٔ خود فرمود از نسل او همه عالم را پر کرد اینند منبر ما یدچون خیر دنیا و آخرت بتو کرامت فرمودیم پس نماز کن از برای پروردگار خود یعنی مدام و منت کن بر آن خالص از برای خدا بجهت شکر گذاردن کثرت نعم تو و قربان کن شتر را که خیار اموال عرب است و تصدق فرما بر محتاجان بدرستیکه دشمن دارندهٔ تو یعنی عاص بن وایل او است ابتر یعنی منقطع از خیر و نسل و ذریت بعضی از عامه گفته اند که مراد از این نماز که خدا فرموده نماز عید اضحی است و مراد از نحر کشتن هدی و اضحیه است اهل سنت ان چنین خواهند که همگی میبرند بجهت قربانی و اضحیه گوسفندی است که وقت چاشت عید قربان قربانی میکنند و از مجمع نقل شده که از جناب صادق ع روایت شده که در تفسیر نحر فرموده هو رفع یدیک حذاء وجهک یعنی بلند کردن دو دست مقابل روی خود یعنی در وقت گفتن هر تکبیر نماز دستها را بمحاذی روی بلند کردن معنی نحر است از جناب امیر المؤمنین علیه السلام روایتست که چون نازل شد این سورهٔ مبارکه جناب رسول خدا ص بجبرئیل فرمودند چیست این کشتن و نحر کردنی که مرا بان امر فرموده پروردگار من جبرئیل عرض کرد نحر کردن قربانی مراد نیست لیکن خدا تعالی امر میفرماید ترا که چون مهیا تکبیرة الاحرام شدی اینکه بلند کنی دستهای خود را هرگاه تکبیر گوئی و هرگاه رکوع کنی و هرگاه سر از سجده برداشتی پس بدرستیکه این نماز ما و نماز جمیع اهل آسمانهای هفتگانه است پس بدرستیکه برای هر چیز زینتی است و زینت نماز بلند کردن دستها است در وقت هر تکبیر از کتاب امالی منقولست که از ابن عباس روایت شده که چون نازل شد بر رسول خدا ص سورهٔ انا اعطیناک الکوثر جناب علی بن ابیطالب عرض کرد یا رسول الله

الله

الله چیست آن کوثر حضرت فرمودند یا علی کوثر نهریست که خدا تعالی کرامی و عطا فرموده مرا بان جناب امیر المؤمنین علیه السلام عرض کرد یا رسول الله بدرستی که این نهر شریف است تعریف کن از برای ما و بیان فرمودند نعم یا علی الکوثر نهر یجری تحت عرش الله تعالی ماؤه اشد بیاضا من اللبن و احلی من العسل و الین من الزبد حصاه الزبرجد و الیاقوت و المرجان حشیشه الزعفران ترابه المسک الاذفر قواعده تحت عرش الله عز و جل ثم ضرب رسول الله ص علی جنب امیر المؤمنین علیه السلام و قال یا علی هذا النهر لی و لک و لمحبیک من بعدی یعنی حضرت فرمودند یا علی کوثر نهریست که جاری میشود در زیر عرش خدا تعالی آب آن از شیر سفیدتر است و از عسل شیرینتر و از مسکه نرمتر است ریگهای آن از زبرجد و یاقوت و مرجانست و علف خشک آن زعفرانست و خاک آن مشک است در نهایت خوبی بیخهای آن در زیر عرش خدای عز و جل است بعد از آن دست مبارک خود را به پهلوی مبارک جناب امیر المؤمنین علیه السلام زدند و فرمودند یا علی این نهر برای من و برای تست و برای دوستان تو بعد از من اللهم اجعلنا من محبیه سورهٔ الاخلاص بسم الله الرحمن الرحیم قل هو الله احد الله الصمد لم یلد و لم یولد و لم یکن له کفوا احد ای محمد انکس که او را میپرسید او است خدای مستجمع صفات کمال یگانه یعنی متوحد بذات متفرد بصفات که شریک ندارد و خدا تعالی معبود بحق و پناه همه بندگان و محتاج الیه ایشانست و بی نیاز از غیر خود پس او نخورد و ننوشد نزاد یعنی بیرون نیامد از وچیزی کثیف که آن ولد است و سایر اشیاء کثیفه که از مخلوق بیرون می آید و نه چیزی لطیف چون نفس و منبعث نشود از و عوارض چون پینکی زدن و خواب و سستی و غم و اندوه و خوشحالی

وخنده وگریه وترس وامید ومیل ودلتنگی وگرسنگی وسیری وغیر آن یعنی منع البست
از انکه متولد شود وبیرون اید از واشیا کثیفه ولطیفه وزاده نشد یعنی بیرون نیامد
از وچیزی همچنانکه اجزا کثیفه از وبیرون می اید از عناصر خود یعنی مانند حصول جوان از
جوان وروئیدنیها از زمین وابها از چشمها ومیوها از درختها وهمچنانکه اشیا
لطیفه از مرکز خود بیرون می ایند چون دیدن از چشم وشنیدن از گوش وبوئیدن از
بینی وچشیدن از دهان وسخن از زبان وتمیز ومعرفت از دل واتش از سنگ ونیست
ونبوده مر اورا همتا ومانند هیچکس یعنی اورا مثلی ونظیری وشبیهی در ذات وصفات
نیست در تفسیر این سوره مبارکه بسند صحیح وارد شده واز توحید نقل شده که از
حضرت صادق ع روایتست که فرمودند بدرستی که یهودان پرسیدند از جناب رسول خدا
پس در مقام سؤال عرض کردند یا رسول الله وصف کن خدای خود را ونسبت ده برای ما او را
تا ما بدانیم پس انحضرت در مقام جواب سه روز درنگ فرمودند وانها را جواب ندادند
پس نازل شد این سوره مبارکه قل هو الله احد تا اخر سوره ونیز از توحید نقل شده که از
حضرت باقر ع مرویست در تفسیر این ایه که فرمودند قل یعنی ظاهر نما انچه را که ما بتو وحی
فرستاده ایم وخبر داده ایم ترا بان بواسطه جمع وتالیف حروفی که خوانده ایم انها را برای تو تا
اینکه راه بیابد بسبب این حروف کسی که فرا دارد گوش خود را که از ان بشنود واو حاضر باشد
بذهن خود لفظ هو اسمی است که کنایه اورده شده واشاره کرده شده بسوی غایب یعنی
پنهان پس ها اگاه کردنست بسبب معنی ولفظ واو اشاره است بسوی پنهان از حواس همچنانکه
گفتن هذا اشاره است بسوی حاضر نزد حواس وسبب این ان بود درستیکه کافران شناسیدند

خدایان

خدایان خود را بحرف اشاره که لفظ هذا بود باشد پس گفتند هذه الهتنا المحسوسة
المدرکة بالابصار فاشر انت یا محمد الی الهک الذی تدعوا الیه حتی نراه وندرکه ولا
ناله فیه یعنی اینها خدایان ما هستند که دیده میشوند ومدرک میشوند بچشمها پس
اشاره بکن تو ای محمد بسوی خدای خود انخدائیکه میخوانی مردم را بسوی ان تا اینکه ما ببینیم او را
ودرک کنیم وی را ومتحیر نباشیم در او پس بحق این فرستاد خدای تبارک وتعالی سوره قل هو
الله احد را پس ها ثابت کرداند نسبت مر ثابت را واو اشاره است بسوی غایب از درک
ودیدن چشمها وشنیدن بگوشها وچشیدن بزبانها وبوئیدن بدماغها ومالیدن
باعضا وجوارح یعنی با دست مالیدن معلوم نمی شود وبدرستیکه خدای تعالی بلند
تر از انستکه مدرک شود بحواس بلکه او درک کننده دیدها است وخلق کننده حواس یعنی
قوای مدرکه انسانیست پس فرمود لفظ الله معنی ان معبودیست که متحیر شده اند افریدگان از
ادراک حقیقت او واحاطه کردن بچگونگی او یعنی دانستن کامل بچگونگی کیفیت او وچنانکه
عربها میگویند اله الرجل اذا تحیر الرجل فی شیء فلم یحط به علما وله اذا فزع الی
شیء مما یحذره ویخافه والاله هو المستور عن حواس الخلق الله از اله مشتق است
بمعنی تحیر چنانکه عرب گویند اله الرجل یعنی متحیر شد مرد در امری پس دانائی کامل
حاصل نکند بان زیرا که خدا تعالی را کسی احاطه نمیتواند کند وصاحبان عقول کامله
در ذات وی تحیر دارند ومیگویند وله یعنی پناه اورد بسوی چیزی از انچه ها یکه حذر
میکند ومیترسید از ان یعنی عقول واوهام اولیا وارباب بصیرت در معرفت حقیقت ان
ترسان ولرزانند از انکه مبادا انچه را پرستش میکنند او سبحانه نباشد ونشناخته دیگر را

عبادت کنند و معنی اله آنکسیست که مستور و پوشیده است از حواس او پیکان یعنی
از قوای مدرکه ایشان چه قوای ظاهره چه قوای باطنه واحد و واحد یک معنیست
و آن یکتائیست که نظیر و مانندی مر او را نیست و معنی توحید اقرار است بیکتائی
و آن جدائی و دوری از هر چیزیکه غیر اوست و واحد آنکسیست که جدا است چنان
جدائی که بر آنگیخته نمیشود بچیزی یعنی منضم نمیشود بچیزیکه بنوعی هر یک خبر شوند مانند
سکنجبین که پس از انضمام سرکه و انگبین یکچیز شده بعد از آن فرمودند و از بیجهت
است که میگویند بنای عدد یکی میشود یعنی بیکی عدد حاصل میشود و خود یکی از عدد نیست
زیرا که عدد اطلاق نمیشود بر یکی بلکه عدد اطلاق میشود بر دو پس معنی قول خدای تعالی فرمود
الله احد آن معبودیکه خلق متحیر میشوند از ادراک او و بیجا و احاطه بچگونگی او عز و جل
یکتا است در خدائی و معبودیت خود و متعالیست از صفات آفریدگان خود یعنی او بزرگ
تر و بلندتر از آنست که دارای صفات بندگان که در جنب جلالت و کبریای او که عدم صرف
و لاشیئ محض اند بوده باشد حضرت باقر ع که خبر داده پدر بزرگوار خود جناب حسین بن
علی صلوات الله علیهم روایت فرموده که الصمد کسیست که او را جوف نباشد یعنی میان
تهی نباشد صمد آنکسیست که بحقیقت بنهایت بوده باشد بزرگی و شرف او و صمد اینچنان کسی
است که نمیخورد و نمیآشامد که نسبت اکل و شرب داده شود صمد آنکسیست که نخوابد صمد
اینچنان دائمیست که همیشه بوده و همیشه خواهد بود و حضرت فرمودند که بود محمد بن الحنفیه
فرزند ارجمند جناب امیر المؤمنین علیه السلام که میفرمود صمد آنکسیست که قائم بذات خود
بوده و از غیر خود بی نیاز باشد و گفته است غیر او که صمد یعنی کسیکه بلند است از کون و

و فساد

و فساد یعنی از تغیر و تبدل و صمد آنکسیست که وصف کرده نمیشود بتغایر یعنی چیزی در مقابل او
که گفته شود او غیر از نیست و این غیر از واست چه کسی در مقابل او نیست زیرا که همه اشیاء در جنب او
سبحانه معدوم صرف اند باز فرمودند الصمد سید و مولائیست مطاع یعنی لازم الاطاعة نیز
چنان مطاعی بالاتر از وکسی نیست که امر و نهی کند او را باز فرمودند که پرسیده شد جناب
علی بن الحسین از معنی الصمد پس فرمودند صمد کسیست که شریک ندارد و از و مخفی نمیشود
هیچ چیز تا اینجا کلام آنحضرت بود بعد از آن راوی میگوید که زید بن علی میگوید صمد آنکسیست
که هرگاه خواسته باشد چیزی را بگوید مر او را که باش موجود شو پس باشد و موجود شود
و برنج و زحمت نیفکنند و بر آن گران نیاید نگاهداشتن هیچ چیز و صمد آنکسیست که
اظهار و ایجاد کرده همه آنها را بی نمونه پس گردانیده آنها را ضدهای یکدیگر و شکلهای مختلفه و
همه را جفت جفت خلق کرده چنانکه نر و ماده در حیوانات قرار داد و خود جدا است سبحان
الذی خلق الازواج کلها تا آنکه مخالفی یا شکلی یا مثلی داشته باشد از جناب صادق ع
مرویست که جماعتی از جناب امام محمد باقر ع از چند مسئله پرسیدند پس آنجناب جواب مسائل
آنها را فرمود پس از آنجناب سؤال نمودند از معنی الصمد پس حضرت فرمودند تفسیر آن در خودش
یعنی معنای آن همراه لفظش میباشد الصمد پنج حرفست الف دلیل است بر انیت او چنانکه
فرموده شهد الله انه لا اله الا هو و این تنبیه و اشاره است بسوی غائب بودن او از
ادراک حواس و لام دلیلست بر الهیت او بدرستیکه او الله است و الف و لام مدغم اند در لفظ
ظاهر نمیشوند در زبان و شنیده نمیشوند در گوش و در کتابت ظاهر هستند این دو و لفظ مدغم
دلیل هستند بر اینکه الهیت او بسبب لطافتش پوشیده است و درک نمیشود بحواس بلطف خافیه

که درک نمیشود با حواس و بزبان بیان کنند در نمی‌آید و بگوش شنونده شنیده نمیشود
زیرا که اله آنکسیست که متحیر شده اند فریدگان از حقیقت فهمیدن آن و چگونگی بقوای
حسیه بقوت واهمه نیز چنین است فهمیده شود مجرد بوهم بلکه او موجد اوهام و خالق
حواس است وجز این نیست که ظاهر میشود الف و لام وقت نوشتن تا دلیل باشد بر
اینکه خدای تعالی هویدا ساخته پروردگاری خود را در ایجاد خلق و مرکب کردن و نمودن
روحهای آنها و لطیفست در جسدهای آنها که کثیفاست پس هرگاه نظر کند بنده بسوی
نفس خود نمی‌بیند روح خود را چنانکه لام الصمد ظاهر نمیشود و در نمی‌آید در جاسه
از حواس پنجگانه خود که عبارتست از سامعه و باصره و شامه و ذائقه و لامسه است پس
هرگاه نظر کند بسوی نوشته اشکار میشود برای شخص این چیز یکه پوشیده است و نازک پس هر
زمان که فکر کند بنده در حقیقت خالق و چگونگی او سبحانه متحیر میشود در او و احاطه
کند فکرا و بچیز یکه صورتی برای خود در ذهنش به بندد زیرا که عز و جل آفریننده صورتهاست
پس چون نظر کند بسوی مخلوق خدا ثابت و واضح میشود برای او بدرستیکه خدای عز و جل
خالق ایشانست و ترکیب کننده روحهای آنهاست با جسدهای ایشان اما صاد پس دلیلست
بر اینکه خدای عز و جل صادق و راستگو است قول و کلام او صدقست و کلامش راست
و خوانده است بندگان خود را بسوی پیروی صدق و وعده صدق فرموده دار صدق را
یعنی بهشت را اما میم دلیل بر ملک او است و انه الملک الحق یعنی بدرستیکه او است پادشاه
بحق که همیشه بوده و همیشه خواهد بود و ملک او زوال ندارد و دائمیست در ملک خود اما
دال پس دلیل بر دوام ملک عز و جل است و انه متعال عن الکون و الزوال بل هو عز و جل مکون

الکائنات

الکائنات الذی کان بتکوینه کل کائن یعنی دائمیست و بلند است از کون و زوال بلکه
مکون جمیع کائناتست که بقدرت و بتکوین او عز و جل جمیع کائنات و مخلوقات موجود
و ثابتست کذلک الله ربی کذلک الله ربی بعد از آن فرمودند هرگاه می یافتم برای علم خود
حاملان علمی که خدای تعالی بمن عطا فرموده حاملانی یعنی کسانیکه حاملان علم باشند هر اینه
نشر و پهن میکردم توحید و اسلام و ایمان و دین و شرایع را از معنی صمد چگونه میشود
این از برای من و حال آنکه جد من امیر المؤمنین علیه السلام نیافت برای علم خود حمله
حتی آنکه در بالای منبر تنفس و درد از دل میکشیدند و میفرمودند سلونی قبل ان
تفقدونی فان بین الجوانح منی علما جما هاه هاه الا لا اجد من یحمله الا
وانی علیکم من الله الحجة البالغة فلا تتولوا قوما غضب الله علیهم قد یئسوا من
الاخرة کما یئس الکفار من اصحاب القبور ثم قال الباقر ع الحمد لله الذی من علینا
و وفقنا لعبادة الاحد الصمد الذی لم یلد و لم یولد و لم یکن له کفوا احد
و جنبنا عبادة الاوثان حمدا سرمدا و شکرا واصبا یعنی جناب امیر المؤمنین ع
در بالای منبر آه میکشیدند و میفرمودند سؤال کنید از من پیش از آنکه هر اینه نیابید
و نیابید پس بدرستیکه میان دندهای من علم بسیار بسیار است آه آگاه باشید که نمی یابم
کسی را که حامل این علم باشد بدرستیکه من برای شما حجت بالغه هستم پس دوستی نکنید
گروهی که غضب کرده خدای تعالی بر آنها بتحقیق مأیوس شدند از نفع آخرت چنانکه مأیوس شدند
کافران از صاحبان قبرها چه اعتقاد آنها اینست که مردها زنده شوند بعد از آن امام
محمد باقر ع فرمودند حمد مر خدائی را که منت گذاشت بر ما و موفق کردانید ما را بجهت

عبادت احد الصمد الذی لم یلد ولم یولد ولم یکن له کفواً احد و دور کرد ما را از
عبادت بتها حمد دائمی و شکر همیشه این مجلی بود از تفسیر سورهٔ توحید که ذکر شد زیرا
که تفصیل سورهٔ مبارکه زیاده از حد و احصا است مؤلف گوید که معنی توحید
اقرار بولایت جناب علی بن ابیطالب است زیرا که ذات اقدس خداوندی جل شانه
را منکری نیست و اختلافی در میان مخلوق در وجود صانع واقع نیست چنانکه در
آیهٔ مبارکه فرموده قل أفی الله شک فاطر السموات والارض پس مبدء و موجد را
هر ذوی عقول را مجال شک و انکار نیست و فی الحقیقه منکر ولایت بجناب مشرک
و کافر است و در بعضی فقرات زیارت جامعه کبیره فرموده اند و من حاربکم مشرک
و من جحدکم کافر و در تفسیر آیهٔ مبارکه ان الله لا یغفر ان یشرک به و یغفر
ما دون ذلک یعنی بدرستیکه خدا نمی‌بخشد اینکه شریک قرار بدهند برای او عزوجل
و می‌بخشد سوای شرک را معنی شرک انکار ولایت جناب امیر المؤمنین علیه السلام است
که خداوند هرگز نخواهد آمرزید را چنانچه در سابق همهٔ این تفصیل مذکور شد و در
حدیث قدسی است که می‌آمرزم هر کس را طاعت کند علی را هر چند معصیت مرا کرده
باشد و نمی‌آمرزم کسی را که معصیت او کند هر چند اطاعت مرا کند پس منکر جناب
علی بن ابیطالب علیه السلام مشرک و کافر است و هر کس اقرار بجناب او دارد
مؤمن و موحد است توحید در حقیقت ولایت جناب علی بن ابیطالب است
نظر بفهم مؤلف حقیر بقدر امکان آیاتیکه در شان جناب امیر المؤمنین علیه السلام
نازل شده در این رساله بطریق اختصار مانند در و یاقوت بر رشتهٔ تالیف در آورد اگر

چه جمیع آیات قرآنی در شان و منزلت آنجناب است چنانچه خود آنجناب در حدیثی
فرموده اند هر چه در قرآن مجید است در فاتحة الکتاب
است و هر چه در او است در بسم الله الرحمن
الرحیم است و هر چه در او است در
نقطهٔ با است و من
آن نقطه
هستم

قد تمّ و بلغ بمولانا امیر المؤمنین اللهم زد محبته فی قلوبنا و امشنا فی محبته و احشرنا معه بحق محمد
کتبه العبد المذنب الاثیم عند اغتشاش الاحوال و اختلال البال فی غایة الاستعجال محمد رضا ابن الحاج [illegible]

بسعی و اهتمام سرکار شریعتمدار
فخامت و جلالت انتساب آقا حاجی سید علی
سلمه الله تعالی صورت انطباع یافت
۱۲۷۳

مبینست که ما هستیم الذین یعلمون و دشمنان ما یند والذین لا یعلمون و شیعیان
ما اولوا الالباب هستند از حضرت صادق علیه السلام مرویست که فرموده خداوند
عالم ما و شیعیان ما و دشمنان ما را ذکر فرموده در این آیه افمن شرح الله صدره
للاسلام فهو علی نور من ربه یعنی آیا پس کسیکه گشاده است سینه او را و فراخ گردانیده
است دل او را برای قبول اسلام پس آنکس که سینه او وسیع است بر روشنی معرفت
است از پروردگار خود عن روضة الواعظین عن النبی صلی الله علیه و آله انه قرء
هذه الآیة فقال ان النور اذا وقع فی القلب انفسح له و انشرح قالوا یا رسول الله فهل
لذلک علامة یعرف بها قال التجافی عن دار الغرور والانابة الی دار الخلود
والاستعداد للموت قبل نزوله یعنی از روضة الواعظین نقل شده که از جناب
رسول خدا صلی الله علیه و آله روایتست که آنحضرت قرائت نمود این آیه مبارکه
را پس فرمود بدرستیکه نور زمانیکه بتابد در قلب وسعت میابد و گشوده میشود
برای او عرض کردند یا رسول الله پس آیا برای آن علامتی هست که شناخته شود
بآن فرمود کناره گرفتن از دار غرور و بازگشت نمودن بسوی سرای خلود و برگشتن از
معاصی بسوی طاعات و حسناتیکه موجب دخول در بهشت میشود و مهیا شدن از
برای موت قبل از نازل شدن آن و قمی گفته که این آیه مبارکه در شان جناب علی بن ابی
طالب علیه السلام نازل شده یعنی شرح کرده خدا و گشاده سینه مبارک آنجناب را برای
اسلام پس او است بر روشنی معرفت از پروردگار خود صاحب این صفات و علامات
که جناب ختمی مآب صلی الله علیه و آله فرمودند و جماعت عامه ذکر کرده اند که آیه مبارکه

در



